

اسناد و مکاتبات تاریخی ایران
(قاجاریه)

جلد چهارم

از ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ ه. ق.

دکتر محمد رضا نصیری



۱۲۶

اسناد و مکاتبات

نایب‌المرکز

(قاجاریه)

از ۱۲۱۳ تا

۱۲۲۲ ه. ق.

جلد چهارم

دکتر

مهدی رضا نصیری

قاجار

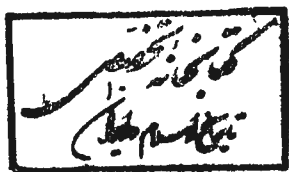
۱

۴

۲۳

اسناد و مکاتبات تاریخی ایران

قاجاریه



جلد چهارم

از ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ ه. ق

دکتر محمد رضا نصیری



اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه) (جلد چهارم)

به اهتمام: دکتر محمدرضا نصیری

چاپ اول بهار ۱۳۷۲ - پنجهزار نسخه

چاپ و صحافی: موسسه کیهان

حق چاپ برای سازمان انتشارات کیهان محفوظ است

خیابان انقلاب مقابل پارک دانشجو کوچه شهید سعید (خیابان انوشیروان) شماره ۱۰

سازمان انتشارات کیهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

ناصرالدین شاه قاجار در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳، به هنگامی که مقدمات جشن پنجاهمین سال سلطنت خود را تدارک می‌دید، با شلیک گلوله میرزا رضای کرمانی در صحن حضرت عبدالعظیم از پای درآمد و در پی آن، دوران حکومت خودکامه ناصری پایان یافت و مظفرالدین میرزا، به عنوان پنجمین شاه قاجار، بر تخت سلطنت نشست. در روزگار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه یک سلسله حوادث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی داد که در بیداری افکار عمومی سخت مؤثر افتاد. پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه، سلطه رجال بیمایه قاجار که با هرگونه افکار نو و تجدد خواهی مخالف بودند، فساد دربار، ظلم و جور حکام، و رشوه خواری روزافزون زمینه را برای انقلاب آماده ساخت. هرچند نیروهای اصلاح طلب و انقلابی بارها و بارها به دست عوامل حکومت استبدادی سرکوب شده بودند، ملت که استبداد عصر ناصری را از سر گذرانیده و در دوره مظفري محیط را برای مبارزه و دستیابی به آرمانهای خود مناسب می‌دید، به ستیز برخاست و آزادیخواهان با جرأت بیشتر و تلاش همه جانبه برای بیداری و تنویر افکار عمومی به فعالیت پرداختند. در این میان، مظفرالدین شاه، فارغ از اندیشه حکومت و درد دردمندان و بدون توجه به مسائل حاد اجتماعی و سیاسی، با دریافت وامهای سنگین و ننگین از دولتهای روس و انگلیس راهی اروپا شد.^(۱) نه تنها وامهای دریافتی از دول بیگانه در راه عمران و آبادی و یا پرداخت دیون خارجی به مصرف نرسید بلکه پرداخت اصل و فرع آنها نیز به ملت محروم تحمیل شد. اوضاع کشور به کلی مختل و شیرازه امور از هم پاشیده شد. خشکسالی پی در پی، تهی شدن خزانه، احتکار، و بی‌کفایتی دولتمردان شهری و روستایی را از هستی ساقط کرد. امور دولت خراب و

احوال مردم پریشان شد. مردم خشمگین قحطی زده سر به شورش برداشتند و، به قول وقایع نگار،^(۲) «نایره قحط و غلاچنان بالا گرفت که از مرد وزن فغان برخاست و فریاد نان و نان به آسمان رسید و عموم خلق به هم شوریدند و فتنه عظیم برخاست»^(۳). توده مردم، با حمایت آزادیخواهان و روحانیون، به مبارزه خود ادامه دادند. از طرف دیگر، شروع جنگ بین روسیه و ژاپن و شکست روسیه در روحیه ایرانیان و انقلابیون تأثیر بسزایی گذاشت و این حادثه بزرگ آزادیخواهان و اصلاح طلبان را در رسیدن به اهداف خود را سخر ساخت. دولتمردان و در رأس آنها عین الدوله به مخالفت با حرکت انقلابی مردم برخاستند. علما و مردم در مسجد متحصن شدند. برهم زدن این تحصن و توهین به علما در شوال ۱۳۲۴ منجر به مهاجرت روحانیون به حضرت عبدالعظیم شد و چون در صدور فرمان مشروطیت تأخیر افتاد گروهی به سفارت انگلیس ملتجی شدند و عده‌ای از علما به عتبات عالیات و قم مهاجرت کردند. مظفرالدین شاه بناچار عین الدوله را معزول کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله را به صدارت برگزید و، سرانجام، در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴/۵ اوت ۱۹۰۶ فرمان مشروطیت صادر و چندی بعد مجلس شورای ملی افتتاح و قانون اساسی تنظیم شد. مظفرالدین شاه، پنج روز پس از امضای قانون اساسی، در ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۴ درگذشت و محمدعلی میرزا بر تخت سلطنت نشست. حاصل یازده سال سلطنت مظفرالدین شاه عبارت بود از انتزاع رود هیرمند، جزیره بحرین، بخشی از بلوچستان از ایران، عقد قراردادهای ننگین و گرفتن وامهای سنگین، تجاوز عثمانیها به مرزها، گسترش نفوذ روس و انگلیس، قحطی و آفات و مصایب دیگر. این جمله بیش از پیش در خرابی اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران و رشد افکار انقلابی مؤثر افتاد. اولین نتیجه مهمی که از مشروطیت حاصل شد آزادی زبان و قلم بود که در پرتو آن روزنامه‌های بسیار انتشار یافت و به هوشیاری و آگاهی مردم کمک بزرگ کرد. سخنرانی در محافل و اجتماعات عمومی رواج گرفت و به بیداری و برانگیختن شور و شوق مردم کمک فراوانی کرد. دیگر از خصایض این دوره تشکیل انجمنهای متعدد بود که نهضت مشروطیت را تقویت کرد و باعث ایجاد اتفاق و اتحاد در میان مردم گردید و در بسیاری از مواقع اسباب پیشرفت امور مهمه را فراهم کرد.^(۴) و اما، محمد علی شاه، در ابتدای سلطنت استبدادی خود، امین السلطان را که از بن دندان با مشروطه و مشروطه خواهان مخالفت می‌ورزید، به ایران فراخواند و در سال ۱۳۲۵ به ریاست دولت منصوب نمود و، با این عمل، آشکارا، مخالفت خود را با حکومت مشروطه نشان داد. انتصاب امین السلطان به صدارت خشم و نفرت مردم را برانگیخت و محمدعلی شاه نیز به اغوای افرادی چون امیربهادر جنگ، شاپشال،

امین الملک، موقر السلطنه به مبارزه با آزادیخواهان برخاست، مشروطه خواهان و اصلاح طلبان چون عرصه را بر خود تنگ دیدند، کمر به قتل محمدعلی شاه بستند. حیدرخان عمو اوغلو- بمب انقلاب - در این کار پیشقدم شد ولی سوء قصد به جان شاه قاجار نافرجام ماند و محمد علی شاه، در پی انتقام گیری، لیاخوف^(۵) روسی، فرمانده بریگاد قزاق، رامامور دستگیری آزادیخواهان ساخت لیاخوف در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ مجلس را به توپ بست. در این پیکار، عده‌ای از مشروطه خواهان اسیر و شماری از آنان به قتل رسیدند. دو روحانی مبارز، سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی، دستگیر و تبعید و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک الم-تکلمین اعدام شدند و، بدین ترتیب، مجلس منحل و حکومت مشروطه تعطیل شد. اما دیری نگذشت که استبداد با مقاومت سرسخت آزادیخواهان مواجه شد. نطقهای آتشین ثقة الاسلام‌ها و تیغ برای ستارخان‌ها و باقرخان‌ها بساط استبداد صغیر را در هم پیچید و، سرانجام، اردوی بهختاریها از اصفهان^(۶) و مجاهدین از رشت به سوی تهران روانه گشتند و، با فتح پایتخت، به مابطنت خانیانه محمد علی شاه پایان داده شد و محمد علی شاه روز جمعه ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۲۷ در سفارت روس (زرگنده) تحصن اختیار کرد.

روز شنبه ۲۸ جمادی الآخر ۱۳۲۷ احمد میرزا به سلطنت رسید و مجلس دوم در ذیقعه ۱۳۲۷ گشایش یافت و محمد علی شاه به روسیه تبعید شد^(۷) و تلاش مجدد و مذبحخانه محمدعلی میرزا و برادرش سالار الدوله، برای تصاحب تاج و تخت به کمک عشایر کلهر، عقیم ماند. سالار الدوله به دولت عثمانی پناهنده شد و محمد علی میرزا هم، که از قوای دولتی شکست خورده بود، به روسیه برگشت.

آزادیخواهان، احزاب دموکرات، عامیون و اجتماعيون، اعتدالیون را تشکیل دادند و با تلاشی پیگیر به اصلاح امور کشور پرداختند^(۸).

در این احوال، با درگذشت عضدالملک نایب السلطنه، ناصرالملک، نماینده حزب اعتدالیون، به نیابت سلطنت برگزیده شد و میرزا حسن خان مستوفی الممالک به صدارت رسید. اما رقابت سخت دو حزب مذکور منجر به یک رشته مشاجرات و زدو خورد‌ها شد، که در نهایت جمعی از افراد دو گروه، من جمله سید عبدالله بهبهانی، به قتل رسیدند و اوضاع داخلی متشنج شد.

در این هنگامه نام و ننگ، که ملت مبارز و حق طلب ایران به ضد فساد دربار و ظلم و جور

حکامی چون آصف‌الدوله در مشهد، شعاع‌السلطنه در شیراز، ظفرالسلطنه در کرمان، قوام‌الملک در شیراز، اقبال‌السلطنه در ماکو، جلال‌الدوله در یزد، علاء‌الدوله در تهران و بیوک خان چلبیانلو در آذربایجان، قیام کرده بود، روس و انگلیس، از بیم نفوذ آلمانیها، با عقد قرارداد ۱۹۰۷^(۹)، ایران زمین را بین خود تقسیم کردند و با استفاده از بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران دست به تحریکات و تحرکات نظامی زدند. روسها، برای خفه کردن جنبش مشروطیت در منطقه زیر نفوذ خود، از هیچ شناعتی دریغ نورزیدند. در تبریز آزادیخواهان را به دار کشیدند و در مشهد بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام را به توپ بستند و در گیلان و مازندران مردم بیدفاع را به قتل رساندند و روز بروز تجاوز خود را علنی‌تر ساختند و، به عنوان حمایت از اتباع روسی، در ۱۵ آوریل ۱۹۰۹ سپاهیان خود را از جلفا گذرانند و چندی بعد، به بهانه حمایت از املاک شعاع‌السلطنه، اتمام حجت چهل و هشت ساعته به دولت ایران تسلیم داشتند و درخواست کردند که مورگان شوستر^(۱۰)، خزانه‌دار کل، و همکاران خارجی او معزول شوند و دولت ایران تعهد کند که، در آینده، برای استخدام مستشاران خارجی موافقت قبلی دولتین روس و انگلیس را جلب نماید و مخارج لشکرکشی روس را بپردازد.^(۱۱)

مخالفت نمایندگان با درخواست روسیه منجر به تعطیلی مجلس شد و ناصرالملک، که با دموکراتها میانه خوبی نداشت، دستور دستگیری و تبعید عده‌ای از سران حزب دموکرات را مورد تایید قرارداد.

قدرت روزافزون روسها در ایران چندان بود که دولت انگلیس را نیز به شکایت واداشت، ادواردگری، وزیر امور خارجه، در نامه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۲ خود به سرجورج بوکانان، سفیر کبیر، مقیم پترزبورگ، ضمن اعتراف به این امر می‌نویسد: «امروز در موضوع ایران قدری صحبت با منسیو سازانف داشتم و از روی نقشه وسعت و بزرگی منطقه روس را نسبت به منطقه انگلیس به او خاطرنشان نمودم. من اظهار داشتم که آنچه عموم اینجا احساس می‌کنند این است که تغییراتی که از زمان عقد معاهده ۱۹۰۷ حادث گشته برای ما نفعی نداشته است. دولت روس حالیه بعضی از نقاط شمالی ایران را با قشون خود اشغال نموده و بدین وسیله در تمام شمال ایران بالهای خود را گسترده و بر نفوذ خود در تهران افزوده است و نفوذ ما نسبت به آن کمتر است و تمام اینها بیش از سابق لازم می‌دارد که ما از بابت باقی ایران اطمینان داشته باشیم، مخصوصاً از بابت منافع تجارتی خودمان در منطقه بیطرف، و حکومت مرکزی باید حکام ایرانی را تقویت کند که این منافع را حفظ نمایند و سفیر روس مقیم تهران به هیچ وجه نباید بر ضد آن منافع عمل

کند و تا زمانی که مسیو پوکلیوسکی آنجا باشد یقین داریم منافع ما ایمن و محفوظ خواهد بود. مسو سازانف اظهار داشت که هر سفیری که از طرف روس آنجا باشد تعلیماتی که به او داده می شود همیشه همان خواهد بود که از موضوع منافع انگلیس مثل مسیو پوکلیوسکی عمل کند» (۱۲).

دولت انگلیس، برای جلوگیری از نفوذ روسها در جنوب و مرکز ایران، دست به یک رشته اقدامات زد و بدین ترتیب، کشور ایران عرصه تاخت و تاز مطامع روس و انگلیس قرار گرفت. از طرف دیگر، دولت همسایه عثمانی هم، که در بخش اروپایی با شکستهای پی در پی حیثیت و اعتبار خود را از دست داده بود، برای جبران ناکامیهای خود در اروپا بخشی از سرزمینهای غربی ایران را به اشغال درآورد. عثمانیها که از زمان عقد قرارداد ارز روم دوم (۱۲۶۳) تا عصر مورد بحث بارها با تشکیل کمیسیونها و امضای تفاهم نامه ها ایجاد امنیت و حالت استادتوکورا در مرزها تضمین کرده بودند، با تجاوز به سرزمینهای غربی ایران پیمان شکنی نمودند و امنیت منطقه را برهم زدند. از طرف دیگر، در اثر دخالت انگلیس و روس در امر تحدید حدود، امنیت مرزها تأمین نشد، خاصه کشف و استخراج نفت در مناطق غربی ایران موجب شد که انگلیس در کمیسیونهای حل اختلافات مرزی جانب عثمانیها را بگیرد، زیرا وجود چاههای نفت و استفاده از ابرود رود برای حمل و نقل کالا از جمله عواملی بود که با منافع دولت انگلیس سخت پیوند داشت. تفاهم نامه های تهران و استانبول، با توجه به سیاست استعمارگرانه انگلیس و روس، چاره ساز نشد و هر چند براساس ماده ۴ پروتکل تهران، موضوع در دیوان لاهه بررسی شد، نتیجه ای به دست نیامد و سرانجام، با تبانی روس و انگلیس و عثمانی، پروتکل استانبول تهیه و به ایران تحمیل گردید و بدین ترتیب، با اعمال نفوذ انگلیس، بخشی از سرزمینهای زرخیر از پیکر ایران جدا و به دولت عثمانی واگذار شد. (۱۳)

و اما اسنادی که در پیش رو دارید شامل مکاتبات دیوانی، اعلامیه ها و شب نامه های مربوط به دوره مشروطیت است. عصری که هنوز حرفهای ناگفته زیاد دارد. هر برگ از این اسناد گواه صادقی است بر فداکاریها و از خود گذشتگیهای ملتی بزرگوار و بزرگمنش که در راه دستیابی به آرمانهای مقدس خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده است. نگارنده این سطور که به ذوق شخصی و در حد توان اسنادی را گرد آورده است، آنها را در دسترس پژوهشگران راستین تاریخ ایران قرار می دهد. به قول مولانا

هم به قدر تشنگی باید چشید

آب دریا را اگر نتوان کشید

در تدوین این مجموعه عمدتاً بایگانیهای کشور دوست و همسایه و همدرد ترکیه مورد توجه بوده است در حقیقت، این اسناد مشتی است از خروارها که در دل بایگانیهای سه گانه ترکیه^(۱۴) نهفته است و جا دارد که روزی در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. از همه عزیزی که در چاپ و نشر این مجموعه به یاریم شتافته اند سپاسگزارم یاد و نامشان گرامی باد.

محمد رضا نصیری

یادداشتها

۱: ادوارد براون معتقد است که در تاریخ بدبختیهای ایران از لحاظ قرار داد نخستین، وامی به مبلغ بیست و دو میلیون روبل معادل دو میلیون و چهارصد هزار لیره از روسیه در خور یادآوری است این فرضه از قرار صدی پنج سود در برابر درآمد کلیه گمرکهای ایران به استثنای فارس و خلیج ایران در مدت ۷۵ سال تضمین و قابل پرداخت گردید. انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران، معرفت، سال ۱۳۳۸، ص ۹۷.

۲: میرزا محمدابراهیم نواب تهرانی مشهور به بدایع نگار، فرزند آقا محمد مهدی نواب، از رجال دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه بود که مدتی در دفتر وزارت امور خارجه سمت منشیگری داشت و در سال ۱۲۹۹ درگذشت عبرة الناظرین و عبرة الحاضرين وی حاوی مطالب سودمندی درباره سال قحطی ۱۲۸۸ است. یحیی آرین پور، از صبا تانیم، تهران، جیبی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳: برای اطلاع از قحطیهای دوره ناصری و مظفری، مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران ۱۳۶۴، ج ۵، صص ۴۳۴-۴۴۳، قایم مقام جهانگیری، «قحطی در سال ۱۲۷۳»، یغمه س ۱۷، ش ۶، صص ۲۶۶-۲۶۹ و مقاله باارزش پرفسور شوکو اوکازاکی تحت عنوان:

The Great Persian Famine of 1870-71 Bulletin of The School of Oriental and African Studies 1986

این مقاله را دکتر هاشم رجبزاده به فارسی برگردانده و در مجله آینده سال ۱۲ ش ۳-۱ منتشر کرده است.

۴: میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک، تاریخ مختصر ایران، تهران، مظفریه ۱۳۲۶ ه.ق، ص ۲۳۶

۵: کلنل ولادیمیر پلاتو نوویچ لیاخوف، فرمانده بریگاد قزاق در ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۷، پس از عزل چرنوزوبوف، به فرماندهی بریگاد قزاق منصوب شد. فیروز کاظمزاده، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، جیبی ۱۳۵۴، ص ۴۷۵.

۶: در مورد نقش بختیارها در جنبش مشروطیت، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، تهران، دانش ۱۳۲۵.

۷: بر اساس تفاهم‌نامه ۷ سپتامبر ۱۹۰۹ که به امضای نمایندگان دولتن روس و انگلیس و همه وزرای ایران رسیده بود برای محمدعلی میرزا مستمری سالیانه به مبلغ صد هزار تومان برقرار گردید که پس از مرگ او نیز به همسر و فرزندان، به استثنای دو پسر ارشدش، سالیانه بیست و پنج هزار تومان تعلق می‌یافت. ایوان الکسویچ زنیوف، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران، اقبال ۱۳۲۶، ص ۱۴۳.

۸: در این دوره، گردانندگان حزب دموکرات افراد تندروی چون تقی‌زاده، سلیمان میرزا، و حیدالملک، سیدرضا مساوات بودند. در مقابل، حزب اعتدالیون، که با هرگونه قتل و خونریزی مخالفت می‌ورزیدند، قرار داشت و این حزب را کسانی چون سید عبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی، میرزا علی‌اکبر دهخدا، میرزا محمد دولت‌آبادی اداره می‌کردند. در مورد احزاب سیاسی ایران، مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.

۹: قرار داد در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ در سنت پترزبورگ به امضای سرآرتور نیکلسون سفیر بریتانیا و الکساندر ایزوسکی وزیر امور خارجه روسیه، رسید. امضای قرار داد ۱۹۰۷ خشم و نفرت مردم ایران را برانگیخت. روزنامه‌های این عصر قرار داد ۱۹۰۷ را محکوم کردند و ملک‌الشعراى بهار در قصیده‌ای بسیار زیبا خشم و نفرت مردم را چنین منعکس کرد:

سوی لندن گذرای پاک نسیم سحری
سخنی از من برگوبه سرادوارد گری
کای خردمند وزیری که نپرورده جهان
چون تو دستور خردمند و وزیر هنری

....

نام نیکو به از این چیست که گویند به دهر

هند و ایران شده ویران ز سرادوارد گری

محمود افشار، سیاست اروپا در ایران، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۵۸، ص ۲۹۲، دیوان

ملک‌الشعراى بهار، تهران، توس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۰۵

۱۰: استخدام مرگان شوستر و هیئت مستشاران او برای اصلاح وضع مالی ایران به جای «بیزوی» فرانسوی که در این زمان رئیس خزانه‌داری ایران بود، در روز دوم صفر ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و شوستر و همراهانش در ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹/۱۲ مه ۱۹۱۱ وارد تهران شدند. شوستر، برای تأمین امنیت ولایات و دریافت مالیات، طرحی به مجلس ارائه داد و در آن از دولت و مجلس تقاضای اختیارات قانونی کرد. پیشنهاد مورگان در ۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳/۱۳۲۹ ژوئن ۱۹۱۱ در جلسه ۲۴۷ مجلس، به صورت ماده‌ای به تصویب رسید و، در پی آن، شوستر اقدام به تشکیل ژاندارمری خزانه نمود و استوکس وابسته نظامی سفارت انگلیس را به فرماندهی ژاندارمری خزانه انتخاب کرد. استخدام مازور استوکس با اعتراض شدید روسها روبرو شد که آن را مغایر با ماده سوم قرار داد ۱۹۰۷ دانستند. مخالفت روسها سرانجام به عزل استوکس منجر شد و استوکس در ۲۲ ذیحجه ۱۳۲۹/۱۴ دسامبر ۱۹۱۱ ایران را به قصد هندوستان ترک کرد. شوستر نیز، در پی اتمام حجت روسها از ریاست خزانه‌داری ایران منفصل گردید و، پس از هشت ماه و نیم اقامت در ایران، در ۲۰ محرم ۱۳۳۰/۱۱ ژانویه ۱۹۱۱ تهران را ترک گفت. برای آگاهی بیشتر، مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۴۴، جهانگیر قایم مقامی، تحولات سیاسی نظام ایران، تهران، علمی، ۱۳۲۶، ص ۱۱۴ به بعد

- ۱۱: مورخ‌الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ، تهران ۱۳۳۶، ص ۱۳
- ۱۲: اختناق ایران، ص ۱۳. تحولات سیاسی نظام ایران، ص ۱۱۸
- ۱۳: اصغر جعفری ولدانی، بررسی‌های تاریخی اختلافات مرزی ایران و عثمانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۸۶.
- ۱۴: مقصود بایگانیهای توپ قابوسرای، صدرات عثمانی و باب عالی است.

فهرست مطالب

مقدمه	هفت
۱- فرمان مظفرالدین شاه	۱
۲- نامه مظفرالدین شاه به سلطان عبدالحمید عثمانی	۴
۳- نامه سالار منصور به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله	۶
۴- تلگراف علمای نجف به مجلس شورای ملی	۱۰
۵- تلگراف تقی زاده به انجمن ملی تبریز	۱۲
۶- سواد دستخط مظفرالدین شاه و محمد علی میرزا	۱۴
۷- سواد متن خطابه مظفرالدین شاه در روز افتتاح مجلس	۱۶
۸- نامه محمد علی میرزا به انجمن ملی تبریز	۱۸
۹- نامه محمد علی شاه به نیکلای دوم امپراتور روسیه	۱۹
۱۰- اعلامیه فرقه اجتماعیون عامیون	۲۱
۱۱- نامه محمد علی شاه قاجار به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم	۲۳
۱۲- اطلاعیه رجال دولت	۲۵
۱۳- تلگراف حجج اسلام از عتبات عالیات در خصوص رفع اشتباه	۲۷
۱۴- مرانامه فرقه مجاهدین اجتماعیون عامیون	۲۸
۱۵- اعلامیه فرقه مجاهدین تبریز	۳۰
۱۶- اطلاعیه فرقه مجاهدین تبریز	۳۳
۱۷- اطلاعیه فرقه مجاهدین تبریز	۳۵

۳۷	۱۸-اطلاعیه انجمن تبریز
۳۹	۱۹-اطلاعیه اجتماعيون عاميون
۴۰	۲۰-اطلاعیه اجتماعيون عاميون
۴۱	۲۱-اطلاعیه فرقه مجاهدين
۴۲	۲۲-انتباه نامه
۴۴	۲۳-متن تلگراف شيخ محمد کاظم خراسانی به انجمن ملی تبریز
	۲۴-نامه آقا ميرزا علی اکبر به آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حاجی شيخ عبدالله مازندرانی
۴۶	
۵۰	۲۵-اطلاعیه انجمن ملی تبریز
۵۱	۲۶-اطلاعیه انجمن ملی تبریز «اخطار مخصوص»
۵۲	۲۷-اعلامیه اجتماعيون عاميون ایران
۵۵	۲۸-اعلامیه مجاهدين تبریز
۵۸	۲۹-اساسنامه و نظامنامه جمعیت دفاع اسلام
۷۱	۳۰-نامه ای است که به شارژ دافر دولت عثمانی ارسال شده
۷۴	۳۱-دستخط محمد علی شاه قاجار
۷۵	۳۲-نامه حاج عبدالکریم امام جمعه آذربایجان به شهیندر دولت عثمانی
۷۶	۳۳-نامه علاء السلطنه وزیر امور خارجه به سفیر دولت عثمانی
۷۸	۳۴-متن تلگراف فرمانفرما حاکم کرمانشاهان به علاء السلطنه
۸۳	۳۵-متن تلگراف اهالی قم به سفارت عثمانی
۸۵	۳۶-تلگراف اهالی اصفهان
۸۷	۳۷-صورت تلگرافی است که از همدان به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده است
۸۹	۳۸-صورت تلگرافی است که از شیراز به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده
۹۲	۳۹-صورت تلگرافی است که از رشت به سفارت کبری دولت علیه عثمانیه رسیده
۹۴	۴۰-اعلامیه حضرات آیات عظام آقایان عبدالله مازندرانی و محمد کاظم خراسانی
۹۸	۴۱-صورت تلگرافی است که از قزوین به سفارت دولت علیه عثمانی رسیده
۱۰۰	۴۲-صورت تلگرافی است که از اردبیل به سفارت کبرای دولت عثمانیه رسیده
۱۰۲	۴۳-تلگراف تجار تبریز به سفارتخانه عثمانی

- ۱۰۵- ۴۴- نامه سفیر عثمانی در برلن به رفعت پاشا وزیر خارجه عثمانی
- ۱۱۰- ۴۵- نامه میرزا ابراهیم خان معاون الدوله وزیر خارجه ایران به سفیر دولت عثمانی
- ۱۱۲- ۴۶- نامه سفیر دولت عثمانی به میرزا ابراهیم خان معاون الدوله
- ۱۱۳- ۴۷- نامه مخبر السلطنه والی آذربایجان به شهبندر دولت عثمانی
- ۱۱۵- ۴۸- اطلاعیه اداره نظمیّه
- ۱۱۹- ۴۹- نامه میرزا حسینقلی خان نواب وزیر خارجه ایران به سر جرج بارکلی
- ۱۲۴- ۵۰- صورت تلگرافی است که از استرآباد به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده
- ۱۲۶- ۵۱- قطعنامه هیئت ملت ایران
- ۱۳۰- ۵۲- نامه مخبر السلطنه به کنسول عثمانی در تبریز
- ۱۳۱- ۵۳- نامه سفیر عثمانی به محمد ولی خان تنکابنی وزیر خارجه ایران
- ۱۳۳- ۵۴- انتباه نامه شعبه فرقه دموکرات ایران
- ۱۳۷- ۵۵- صورت مراسله سفارت سنیه دولت علیه عثمانی به وزارت امور خارجه دولت ایران
- ۱۳۹- ۵۶- نامه سفیر دولت عثمانی به وزیر خارجه ایران
- ۱۴۱- ۵۷- صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه
- ۱۴۲- ۵۸- نامه سفیر عثمانی به وزیر امور خارجه ایران
- ۱۴۴- ۵۹- صورت مراسله وزارت امور خارجه ایران به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه
- ۱۴۵- ۶۰- صورت تلگراف سفارت سنیه به وکالت شهبندر عثمانی
- ۱۴۶- ۶۱- نامه میرزا حسن خان وثوق الدوله به سفیر دولت عثمانی
- ۱۴۷- ۶۲- نامه سفیر دولت عثمانی به میرزا حسن خان وثوق الدوله وزیر خارجه ایران
- ۱۴۸- ۶۳- صورت راپورت کارگزینی وکیل شهبندر خانه شیراز به سفارت دولت علیه عثمانیه
- ۱۵۰- ۶۴- صورت راپرت وکیل شهبندری شیراز به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه
- ۱۵۲- ۶۵- نامه پالکوسکی وزیر مختار روس به میرزا حسن خان وثوق الدوله
- ۱۵۴- ۶۶- نامه وثوق الدوله به پالکوسکی سفیر دولت روس
- ۱۵۶- ۶۷- مکتوبی خطاب به رئیس مجلس شورای ملی
- ۱۵۷- ۶۸- فرمان احمد شاه قاجار
- ۱۵۹- ۶۹- دستخط ابوالقاسم ناصر الملک نایب السلطنه
- ۱۶۲- ۷۰- نامه وثوق الدوله وزیر خارجه ایران به سفارت دولت عثمانی

۱۶۳	۷۱- نامه سالار الدوله به سفیر دولت عثمانی
۱۶۶	۷۲- نامه سالار الدوله به سفیر دولت عثمانی
۱۶۷	۷۳- نامه سفیر عثمانی به وثوق الدوله وزیر خارجه ایران
۱۶۹	۷۴- نامه کنسول دولت عثمانی به کنسول دولت روسیه
۱۷۱	۷۵- تلگراف مؤیدالاسلام به نایب السلطنه
۱۷۲	۷۶- نامه ستار خان به سفیر دولت عثمانی
۱۷۵	۷۷- از وزارت خارجه خطاب به فرمانفرما حاکم کرمانشاهان
۱۷۷	۷۸- گزارشی است که از سفارت روسیه به باب عالی ارسال شده
۱۸۳	۷۹- نامه وثوق الدوله وزیر امور خارجه به سفیر دولت عثمانی
۱۸۵	۸۰- نامه سفیر عثمانی به میرزا محمد علی خان علاء السلطنه رئیس الوزرا
۱۸۸	۸۱- از سفارت پترزبورگ به وزارت خارجه عثمانی
۱۹۵	۸۲- نامه وثوق الدوله وزیر امور خارجه ایران به سفیر دولت عثمانی
۱۹۶	۸۳- متن خطابه نایب السلطنه در مجلس
۲۰۰	۸۴- اعلان انتخابات
۲۰۲	۸۵- صورت نطق افتتاحیه مجلس مبعوثان
۲۰۴	۸۶- اطلاعیه مخالفان نهضت مشروطیت
۲۰۶	۸۷- اطلاعیه بر علیه دولت
۲۰۸	۸۸- گزارشی است که از شهبندر خانه عثمانی در تبریز ارسال شده
۲۱۰	۸۹- نامه میرزا محمد علی خان علاء السلطنه رئیس الوزرا به سفیر کبیر دولت عثمانی
۲۱۱	۹۰- نامه علاء السلطنه به سفیر کبیر عثمانی
۲۱۲	۹۱- اعلان انجمن نظارت مرکزی طهران و توابع
۲۱۵	۹۲- نامه شعاع السلطنه به سیف الدین بیگ سفیر دولت عثمانی
۲۱۷	۹۳- نامه سیف الدین بیگ سفیر عثمانی به وثوق الدوله وزیر امور خارجه ایران
۲۱۹	۹۴- اعلامیه دولت
۲۲۰	۹۵- اعلامیه دولت
۲۲۲	۹۶- تلگرافی است که از سفارت ایران در استانبول مخابره شده
۲۲۳	تصاویر اسناد

الملک الله

سند شماره ۱

دمید کوکب فتح وظفر بعون الله
گرفت خاتم شاهی مظفر الدین شاه

الملک الله تعالی فرمان همایون شد

موضوع: معافیت صنف خبازان و قصابان از مالیات

تاریخ: ذی الحجه ۱۳۱۳

فرمان مظفر الدین شاه^۱

نظر به مدلول کلام موجز نظام خلیفه الله الاعظم امیر المومنین علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه که فرموده اند السلطان امین الله فی الخلق و مقیم العدل فی البلاد و العباد ظلّه فی الارض.

امروز که به میامن الطاف شامله خداوند متعال و مشیت کامله قادر ذوالجلال عمت نعمائه و عظمت آلائه و تخت و تاج کیان را به وجود مسعود همایون ما مزین و باج و خراج مملکت ایران را در کف کفایت ما معین فرموده سال اول جلوس میمنت مانوس ما به تخت سلطنت موروثی است به شکرانه این نعمت عظمی و سپاسگزاری این موهبت کبری مفاد «ان الله یا مر بالعدل و الاحسان» را پیشنهاد کرده به رعایت بندگان خدا که ودایع کردگار قدیر و صنایع قلم تقدیرند می پردازیم و تسهیل امر معیشت آنها را که اولین درجه آسودگی خاطر جمعیت است وجهه همت ملوکانه می سازیم. عمده معاش بنی نوع انسان به گوشت و نان است که به این ملاحظه اعلی حضرت شاهنشاه شهید مبرور البسه الله تعالی حلل النور محض تحصیل ثبوبات اخرویه امر و مقرر فرموده بودند که عوارض مالیات دیوانی و قصابی و خبازی دارالخلافه طهران من جمیع الجهات معاف بوده مباشرین امور دیوان و جهاً من الجوه متعرض مباشرین این دو صنف به هیچ اسم و رسم نشوند و به امر ملوکانه آن اعلی حضرت فرمان قضا جریان صادر و طبع شده به همه جا منتشر گردید به علاوه در احجار اصله منقور و درامکنه معموره شهر منصوب نمودند، اعلی حضرت اقدس همایون ما نیز این توقیع رفیع شاهانه را صادر و حکم شاهنشاه طیب الله مرقدہ را مجری و ممضی فرمودیم و

برای ترویج روح پر فتوح شاهنشاه شهید سعید نورالله مضجعه خواستیم که این اجر و خیر ابدی را تکمیل فرمائیم تا این که الی الابد عموم رعایا و برایا این قضیه مؤلمه شهادت شاهنشاه جنت آرامگاه را فراموش نکرده و همیشه در خاطر داشته طلب مغفرت نمایند. بناء علیه از هذه السنة میمونه پیچی ثیل سعادت دلیل وما بعدها معافی این دو صنف عمومی را نموده شامل حال عموم اهالی مملکت ایران فرمودیم و تمام ولایات بزرگ و کوچک ایران را از شهرها و قصبات و دهات از عوارض و مالیات قصابی و نانوائی الی الابد معاف و مرفوع القلم داشتیم، تخلف کننده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار و به سخط و غضب شاهنشاهی دچار خواهد. مقرر آن که جناب مستطاب اجل اشرف امجد اکرم افخم نظاماً للغة و الدولة و الشوكة و الاقبال قواما للحشمة و العظمة و الاجلال میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدراعظم دولت علیه ایران که در ابتدا واسطه این امر خیر و از جانب شاهنشاه مغفور به اجرا و انتشار آن مامور بوده مراتب کفایت و دولتخواهی و شاهپرستی خود را در هر موقعی بهطوری که مکنون خاطر پدر تاجدار بزرگوار ما بود کاملاً به منصب ظهور رسانیده‌اند. این حکم محکم همایون ما را نیز به جمیع اهالی مملکت ایران اعلان نماید و سواد این فرمان مهر لمعان مبارک را طبع و منتشر نموده نسخ عدیده به هر یک از ولایات برای علمای اعلام و اعیان ولایات بفرستد به حکام شهرهای بزرگ بنویسید که خلاصه این یرلیغ بلیغ خسروانه در احجار صلبه منقور و در بحبوحه هر شهر منصوب دارند که بخواست خدا الی الابد از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس ماند. یقین داریم سلاطین با عز و تمکین آینده که متکی اریکه سلطنت و متصدی امر خلافت گردند بقا و استقرار این امر خیر را موجب فوز و فلاح خود شمرده هیچوقت به هیچوجه تغییر و اختلال آن نخواهند شد و از معایب طعن و لعن ابدی اجتناب و احتراز خواهند نمود. حرر فی شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۳۱۳ هـ.

توضیحات:

۱. مظفرالدین شاه پنجمین پادشاه سلسله قاجار، در سال ۱۲۶۹ هـ. ق. به دنیا آمد. و در نه سالگی به ولیمهدی انتخاب گردید. پس از قتل پدر به سلطنت رسید و بعد از ده سال سلطنت در بیست و چهارم ذی القعدة ۱۳۲۴ در گذشت. در دوران حکومت وی نفوذ دولتین روس و انگلیس در ایران به فزونی گذاشت و امتیازاتی از قبیل تأسیس بانک استقراض (۱۳۱۸/۱۹۰۰) و امتیاز راه شوسه آذربایجان (۱۳۲۰/۱۹۰۲) به روسها و هم چنین

امتیاز نفت به مدت شصت سال (۱۹۰۱/۱۳۱۹) و تعرفه جدید گمرکی ۱۹۲۰/۱۳۲۰ به انگلیسها واگذار گردید.

سه سفر به اروپا نمود. اعلام مشروطیت در چهاردهم جمادی‌الثانیه ۱۳۲۴ و تدوین قانون اساسی در چهاردهم ذی‌القعدة همان سال از وقایع مهم دوره مظفری محسوب می‌شود. رک: تاریخ رجال ایران/ج ۴، ۳۴-۱۲۰.

● اصل سند در موزه فین کاشان نگهداری می‌شود.

نامه مظفرالدین شاه به سلطان عبدالحمید عثمانی^۱

موضوع: پایان مأموریت محمدربیعی پاشا

تاریخ: ۲۴ ذی قعدة ۱۳۱۵

مدار مجد و دولت، مرکز قدرت و شهامت، حضرت سلطان عظیم الشان نامه بسیار گرمی به انضمام نشان عالی امتیاز و مدالهای مخصوص آن که بزرگترین نشان آن دولت واز مستحادثات عصر فیروز آن اعلی حضرت است مصحوب جناب سعادتآب محمد ربیعی پاشا، فرستاده مخصوص آن دولت ابد آیت رسیده دست توقیر و تکریم گردید. به شوق خاطر و شغف قلب، این یادگار با قدر و بهای ظاهری را، که نمونه‌ای از مودت‌های باطنی آن اعلی حضرت^۲ و دال بر کمال عطوفت و مهربانی ذات حمیده صفات اعلی حضرت سلطانی بود در خزینه خاطر مخزون و به مقام تشکر این عاطفت اعلی حضرت سلطان برمی‌آئیم و ظهور این گونه محبت‌های گرانبهای آن اعلی حضرت را که از روی میل قلبی مشهود می‌شود از مقتینات بزرگ می‌دانیم.

اکنون که محمد ربیعی پاشا، مأموریت خود را با کمال دولتخواهی انجام داده در شرف معاودت بود به نگارش این تشکر نامه پرداخته، اظهار مقاصد عالی و نیت خیریه که به اعتلا و ارتقاء یکجتهی و اتحاد دولتین علیتین اسلام داریم و به معزی‌الیه شفاهاً القا نموده‌ایم به عهده حسن تقریر و بیان صادقانه او واگذار می‌نمائیم.

همواره سلامت ذات ابهت سمات آن اعلی حضرت و ازدیاد شوکت و اقتدار آن دولت را از ایزد منان درخواست نموده متمنی هستیم احترامات فایقه و دوستی تغیر ناپذیر صادقانه ما را نسبت به خود قبول فرمایند.

در قصر سلطنتی طهران به تاریخ ۲۴ شهر ذی قعدة سنه ۱۳۱۵ سال سوم^۴ سلطنت

ما تحریر شد.

مهر: الواثق بالله الملك الغفور السلطان مظفرالدین شاه قاجار.*

توضیحات:

۱. سلطان عبدالحمید دوم، سی و ششمین سلطان عثمانی فرزند سلطان عبدالمجید در بیست و یکم سپتامبر ۱۲۵۸/۱۸۴۲ ه. ق. متولد شد و در سی و یکم اوت ۱۲۹۳/۱۸۷۶ در سی و چهار سالگی در حالیکه جوانان ترک به رهبری مدحت پاشا سلطان مراد پنجم را از سلطنت خلع کرده بودند به سلطنت رسید. سلطان عبدالمجید بر اساس خط همایون، نخستین قانون اساسی عثمانی را که در آن نظام پارلمان دومجلسی پیش‌بینی شده بود اعلام کرد. در دوران سلطنت وی عثمانیها با روسها و یونانیها به جنگ پرداختند. شکست دولت عثمانی از روسیه منجر به عقد پیمان سان استفانو گردید (مارس ۱۸۷۸). سلطان عبدالمجید به علت استبداد رای که داشت، سرانجام از طرف جوانان ترک از سلطنت خلع و برادرش سلطان محمد پنجم بر تخت سلطنت نشست. مدت نه سال در تبعید به سر برد و لا جریم در دهم فوریه ۱۹۱۸ درگذشت. ظاهراً فکر اتحاد اسلام که از طرف سید جمال‌الدین تقی‌بی می‌شد از افکار او است که در این دوره قوت گرفت.

Reşad Ekrem Kocu, Osmanlı Padişahları/ 420

۳. در اصل: علیحضرت

۴. در اصل: سیم

* بایگانی نخست وزیر، یل‌دیر. ش 63 KI, 80 ka- 411 EV-

نامه سالار منصور به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله^۱ وزیر خارجه^۲

موضوع: بهانه جویی شهیندر عثمانی

تاریخ: ۲ ربیع الاول ۱۳۲۳

حضورت مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف اکرم امجد افخم، آقای مشیرالدوله،
مدظله العالی.

دستخط تلگرافی مرموز حضرت مستطاب عالی زیارت شد. با جناب حجت الاسلام
آقای امام جمعه- دامت برکاته- مسأله را به میان گذاشت، به هر طور بود برای تسلیم
املاک منسوبه به وقف حاضر شد و تلگرافی هم خودشان عرض کردند. روز دوازدهم
وکلای تاجر باشی را به وسیله کارگزاری در باش شهیندري خواسته به آنها اظهار نمودم که،
بر حسب امر وزارت جلیله امور خارجه، برای تسلیم موقوفه به شما حاضریم. قرار دادماند که،
فردای سیزدهم، حاضر شده به شرایط تسلیم موقوفه اقدام نمایند. سیزدهم و چهاردهم
حاضر نشده به تسامح قائل شدند، چون بیشتر از این تعطیل امر را صحیح ندانسته از تمام
مستاجرین املاک موقوفه نوشته گرفته که ماها بر حسب امر وزارت جلیله خارجه
مادامالاجاره را از گذشته و البته به وکلای تاجر باشی می پردازیم. و چون املاک مزبوره
واگذار به آنها است هر طور و کلا بخواهند اقدام خواهیم نمود. این نوشتهها را روز پانزدهم
نزد کارگزاری فرستاده که اقدامات لازمه به عمل آورد جوابی به این مضمون نوشته، اسناد
مستاجرین املاک موقوفه مرحوم حاجی آقا حسن را در تسلیم املاک مزبوره به وکلای
تاجر باشی که ارسال فرموده بودید رسید فرستادم. سلمان جلی پیدا نشده، ارادات کیش
هم رسماً به باش شهیندري نوشتم که وکلای تاجر باشی را به کارگزاری بفرستد که اسناد
مستاجرین را گرفته و رسید تسلیم املاک موقوفه بدهند. هنوز دو ساعت از شب شانزدهم

گذشته است خبری از باش شهبندری نرسیده است. دو روز بعد به توسط کارگزاری اظهار نمودند که این اسناد کافی نیست، شرایط تسلیم املاک موقوفه این است که مستأجرین تجدید اجاره بکنند و به اسم ما دو نفر اجاره نامه بدهند و میزان اجاره را مطابق قرارداد ما ببندند. با این که اجاره عقدی است لازم و شرعاً تغییرش صورتی نداشت زیرا که اجارات^۲ را جناب فریدالملک بر حسب امر تلگرافی حضرت مستطاب عالی به اطلاع جناب حجتالاسلام آقای امام جمعه مطابق ثبتش مرحوم حاجی عبدالرحیم داده و بر صحت اجارات^۳ جای هیچ شبهه نبود. مع هذا برای این که رفع بهانه آنها بشود و تقدیمی به حضرت مستطاب عالی ندهند به اقدام این امر مهم حاضر شده، دیروز مستأجرین مزبوره را خواسته و با حضور وکلای تاجرباشی و جمعی از محترمین شهر به هر زبان که بود آنها را متقاعد تجدید اجاره کرده و وکلا قانع شده رفتند. امروز که هفدهم تجدید اجاره نامه با مستأجرین کرده و نوشته تسلیم و تصرف املاک موقوفه را بدهند، خبری از وکلا نرسید. از کارگزاری جويا شدم او هم اظهار بی اطلاعی کرد. آنچه استنباط شد باش شهبندر مایل تسویه []^۴ نیست به نمک مبارک و تاج و تخت اعلی حضرت قدر قدرت اقدس ظل اللهی ارواح العالمین فداه، جناب باش شهبندری بر بهانه جوئی و مشکل تراشی است. من جمله دیروز شانزدهم ظهري بدون اطلاع در حالتی که جمعی از محترمین شهر نزد بنده بودند، در ورود امر با حضور این اشخاص به قدری اظهارات بی رویه کرد که بنده از عرض آن عاجز و خجالت می کشم عرض نمایم. هر کس بود از حالت طبیعی خارج شده می بایستی در منزل خود []^۵ دعوا نماید بنده به ملاحظه آنکه تصدیقی برای خاطر مبارک نشود همه را ملایمت کرده تا این که مشار الیه رفت ناچار شرحی به کارگزاری نوشتم که شما رسماً به باش شهبندری اطلاع بدهید که بعد از این تکلیف خود را نمی دانم. بلا واسطه و ثالث باشما ملاقات نمایم هر وقت می خواهید مرا ملاقات کنید به شما اطلاع بدهم و مراسلات هم به وسیله کارگزاری اظهار نماید. مثلاً دیروز یکی از اظهارات مشارالیه این بود که از قرار مذکور امسال در املاک منسوبه به صفار حاجی عبدالرحیم درست زراعت نشده و اگر اینطور باشد من به سفارت می نویسم که قیمت املاک را از حکومت محلیه بگیرند و یکی از اظهارات کتبی مشارالیه نیز این است که باید غله که در نزد مستأجرین مانده از قرار خرواری ده تومان پول بدهند و حال اینکه قمی ها باهمین سلمان چلبی که وکیل تاجرباشی و یکی از مستأجرین املاک

منسوبه اصغار حاجی عبدالرحیم است غله را از قرار خرواری پانزده قران تسعیر کرده‌اند و فقط منحصر به سلمان هم نیست با اغلب مستاجرین به همین میزانها یا چهارپنج قران بالاتر تسعیر نموده‌اند و عمل را تمام کرده‌اند مقدار خیلی که نزد بعضی از مستاجرین مانده که گفتگوی افت و تخفیف دارند آن را هم باش شهبندر می‌خواهد از بابت افت چیزی با مستاجرین حساب نکرده سهل است غله هم از قرار خرواری ده تومان تسعیر نماید. در این صورت چطور ممکن است از ایل خانی کلهر که یکی از مستاجرین است یا سایر مستاجرین که در سنه ماضیه بیست مرتبه متجاوز از اجاره استفاده داده و قمی‌ها به اصغار و التماس آنها را وادار به قسط کرده‌اند مطالبه خرواری ده تومان نمایم. تصور بفرمائید اظهار این طور مسائل و این قسم بهانه‌جوییها غیر از این است که می‌خواهند تولید اشکالاتی کرده بنده را دچار محظوری نموده در آستان مبارک مسئول قرار دهد هرگاه بنده را باین همه عجز که می‌نمایم در عرایض خود صادق تصور نفرمایید استدعا دارم از روسای سابق و لاحق گمرک، حال و حرکات این باش شهبندر را سؤال فرمائید اغلب تبعه‌های عثمانی از سوءخلق و حرکات این باش شهبندر به سفارت شکایت کرده سفارت مسبوق است. خود حضرت مستطاب عالی تصور بفرمائید کاری را که از طرف وزارت جلیله خارجه به این بنده رجوع می‌شود اگر محظوری نداشته باشد چه علت دارد که به این عجز و التماس استدعای معاون و شاهد بنمایم. علاوه بر آن در این مدت که اغلب شرفیاب بنده البته با آن نظر عالی و ضمیر منیری که خاصه حضرت مستطاب عالی است در حضور مبارک مکشوف گردیده که بنده آدم فساد طلب و هنگامه‌جویی نیستم و مقصود از این همه تصدیعی که می‌دهد برای این است که در حضور مبارک مسئول نشوم. مستدعیم که اگر تصدیق و شهادت کارگزاری را در این مسأله کافی نمی‌دانید از دایره گمرک یا بانک و یا هر کس را که رأی مبارک اقتضا فرماید مأموریت بدهید که اقدامات بنده با اطلاع و نظارت او باشد که باش شهبندری هر اظهاری می‌نماید صحت و سقم اظهار مشارالیه را آزاد تحقیق فرمایند. و بالصراحه عرض می‌نمایم که بدون ثالث و مصدق بنده امنیت ندارم با این باش شهبندر طرف شوم و مرا متهم خواهد نمود.*

سالار منصور

توضیحات:

۱. میرزا نصرالله خان نائینی مشیرالدوله، در آغاز جوانی در دستگاه میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله شیرازی

مشغول به کار شد. مدارج ترقی را به آرامی طی کرد. چندی از اعضای مهم کارگزاری آذربایجان بود. بعدها به نیابت دوم وزارت خارجه و مدیریت اداره تحریرات روس منصوب شد. در سال ۱۳۱۰ نایب اول وزارت خارجه و در اواخر همان سال به معاونت وزارتخانه منصوب گردید و تا اواخر سال ۱۳۱۳ در همین پست باقی ماند. در سال ۱۳۱۴ به مقام وزارت لشکر دست یافت. مدت سه سال کارهای لشگری را ازپیش برد و در سال ۱۳۱۷ بامرگ شیخ محسن خان مشیرالدوله به وزارت امورخارجه منصوب شد و تا سال ۱۳۲۴ در این مقام بود که باعزل عینالدوله از صدارت مشیرالدوله صدراعظم ایران شد. در اواخر محرم سال ۱۳۲۵ از صدارت کناره گرفت و در چهارم شعبان ۱۳۲۵ درگذشت. تاریخ بیداری ایرانیان/۱، ۵۲۴، شرح حال رجال ایران/ ۴، ۳۵۱. ۲. عنوان نامه چنین است: سواد تلگراف پیشکار کرمانشاهان به وزارت امور خارجه دولت علیه ایران است فی ۲

شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۳

۳. در اصل: اجاره جات

۴. یک کلمه خوانده نشد

۵. یک کلمه خوانده نشد

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ۵۶۵.

تلگراف علماء نجف به مجلس شورای ملی

موضوع: همراهی با مجلس شورا

تاریخ: ۳ جمادی الاخر ۱۳۲۴

از نجف به تهران، نمره ۷۰۲

به توسط مجلس محترم، عمادالاسلام آقا سیدجعفر شیرازی و آقا شیخ محمد، مساعدت با مجلس مقدس بر همه لازم، تفصیل از قصر (محمد کاظم الخراسانی)

ایضاً از نجف به تهران ۲۸ جمادی الاولی

حجج اسلام با مجلس شورای ایرانی بی درنگ باید همراهی کرد. حرفهای مخالفین مسموع نیست. دعاویشان مزخرف. (الاحقر محمد کاظم الخراسانی)

سواد تلگراف حجج اسلامیه سلمهم الله تعالی از نجف اشرف از قصر، ۳ جمادی الاخر

مجلس محترم شورای ملی رفع الله قواعد تلگراف موحسن انجمن شریف واصل و از مخالفت مخالفین با مجلس محترم ملی اسلامی خواطر قاطبة اهل اسلام ملول گشته عموم اهل علم و كافة ممتحنین شریعت مطهره حضرت ختمی مرتبت (ص) را اعلام می دارد که خداوند متعال گواه است ما بعددار غرض جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم. علی هذا، مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثة مظلوم و اعانت ملهوف و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیة حال رعیت و حفظ بیضة اسلام است قطعاً عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است. رجاء واثق که تاکنون ان شاء الله تعالی کسی مخالفت

نکرده و نخواهد کرد. و هرگاه برخلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً نسبتی به ما داده شود، کذب محض احضار را صلاح ندیدیم. مهمات را اطلاع دهید.

(الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل)^۱

(الاحقر محمد کاظم خراسانی)^۲

(الاحقر عبدالله مازندرانی)^۳

توضیحات:

۱. حاجی میرزا خلیل تهرانی از اکابر فقهای شیعه بود. بعد از وفات حاج میرزا محمد حسن شیرازی مرجع تقلید بعضی از بلاد شیعه گردید. در ماه شوال ۱۳۲۶ ه. ق. در مسجد سهله در گذشت مشارالیه از یاران آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی بود و از ارکان ثلاثه مشروطه در عتبات عالیّه به شمار می‌رفت. رک: ریحان‌الادب، ج ۲، ص ۱۵۹، تاریخ رجال ایران ج ۱، ص ۳۸۹.

۲. عبدالله مازندرانی از فقهای معروف و از مراجع تشیع (۱۳۳۱-۱۲۵۱ ق) اصل وی از قریه دیوشل لنگرود بود ولی در مازندران نشأت یافت و نزد سیدعلی قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حبیب‌اله میرزای رشتی به تحصیل پرداخت و یکی از سه تن مراجع تقلید است که مشروطیت را تنفیذ کرد. رک: فرهنگ معین/اعلام

۳. محمد کاظم خراسانی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در سال ۱۲۵۵ ق در طوس به دنیا آمد و در بیست و دو سالگی به تهران رفت و علوم عقلیه را از اکابر فن فرا گرفت. سپس به نجف اشرف رفته و مدتی کوتاه در حوزه درس شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و پس از وفات او نزد میرزا محمد حسن شیرازی به تحصیل پرداخت. پس از مهاجرت میرزای شیرازی به سامرا، به تدریس پرداخت و در اندک مدتی شهرت وی عالمگیر شد و مرجع تقلید گردید و به خلع محمدعلی شاه و وجوب اتحاد بین ملت مسلمان حکم قطعی داد. از اهم تألیفات وی حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری، حاشیه بر اسفار ملاصدرا و کفایة الاصول می‌باشد. کتاب اخیر از منظم‌ترین کتاب درسی است که مورد استفاده علمای دینی و طلاب علوم شرعیه قرار می‌گیرد.

شیخ محمد کاظم در روز سشنبه بیستم ذی‌حجه ۱۳۲۹ در نجف اشرف درگذشت.

رک: ریحانة الادب، ج اول ص ۴۱

تلگراف تقی‌زاده^۱ به انجمن ملی تبریز

موضوع: امضاء قانون اساسی

تاریخ: ۱۳۲۴

از باغ حضوری

حضور اعضای انجمن محترم ملی، دام بقاء هم.

به عموم ملت آذربایجان مژده می‌دهیم که روشنایی چشم عموم مشروطیت‌پرستان قانون اساسی مقدس و مبارک به امضاء و صحه همایونی اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی - خلدالله ملکه- رسید و روح تازه در قالب ایران دمیده شد و خوشبختانه بعد از این که امروز صبح قانون اساسی به حضور شاهانه به توسط یک هیأتی از مجلس مقدس تقدیم شد ذات شاهانه بیش از دو ساعت معطل نفرموده و فوراً پس از قرائت امضا فرمودند. خادمان ملت تقی‌زاده- فضلعلی.^۲

توضیحات:

۱. سید حسن تقی‌زاده فرزند سید تقی اردوبادی در سال ۱۲۹۶ ه. ق. در تبریز متولد شد. در اوان جوانی با علوم متداول روز آشنا شد و سپس به اتفاق میرزا محمدعلی خان تربیت کتابخانه‌ای در تبریز تأسیس نمود. کتابخانه به تدریج محل تجمع روشنفکران گردید و در سال ۱۳۲۰ با همکاری محمدعلی تربیت و اعتصام‌الملک و شریف‌زاده، مجله گنجینه فنون را منتشر ساخت. در سال ۱۳۳۲ به قفقاز، بیروت، دمشق، قاهره و استانبول سفر کرد با جرجی زیدان و شیخ محمد عبده ملاقات نمود. در سال ۱۳۳۴ به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در مخالفت با محمدعلی شاه رهبری انجمن آذربایجان را بر عهده گرفت و با دولت اتابک به ستیز برخاست و بر ضد وی تظاهراتی بر پا ساخت. در جریان بمباران مجلس با تنی چند از

همفکران خود به سفارت انگلیس پناهنده و به اروپا تبعید گردید. پس از عزل محمدعلی شاه، مجدداً به ایران بازگشت و مجدداً به وکالت مجلس شورای ملی برگزیده شد. تقی‌زاده در طول حیات سیاسی خود چندین بار به مقام وزارت و سفارت دست یافت و در دوره دوم مجلس سنا به ریاست مجلس انتخاب گردید. و سرانجام پس از ۹۶ سال زندگی پرتلاش و جنجال برانگیز در سال ۱۳۴۹ خورشیدی درگذشت. برای آگاهی بیشتر رک: تقی‌زاده روشنگری‌ها در مشروطیت ایران تألیف مهدی مجتهدی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۷، تاریخ رجال ایران / ج ۵، ص ۶۸-۶۶، رهبران مشروطه، ج اول، ص ۲۷۲-۲۷۷.

۲. میرزا فضلعلی آقا نماینده مبارز و فرزانه تبریز، پسر حاج میرزا عبدالکریم ملأ باشی پسر میرزا ابوالقاسم ایروانی در سال ۱۲۸۷ هجری قمری در تبریز متولد شد.

در دوره اول مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۴ ه. ق از طرف مردم آذربایجان به وکالت انتخاب و به تهران رفت. پس از انحلال مجلس در سال ۱۳۲۶ ه. ق در تهران اقامت کرد بعدها عضو دیوان عالی کشور گردید و سرانجام در سال ۱۳۳۷ ه. ق درگذشت. تاریخ رجال ایران ج ۳، ص ۱۱۰

سواد دستخط مظفر الدین شاه و محمد علی میرزا

موضوع: افتتاح مجلس

تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۲۴

(سواد دستخط مبارک همایونی)

به توسط ولیعهد^۱ به اهالی مملکت آذربایجان تشکیل مجلس شورای ملی و نظامنامه آن را به شما اجازه و مرحمت فرمودیم. و کلای شهر تبریز و سایر ولایات به طهران بیایند و به ترتیبات کار مشغول شوند و نسبت به عموم متحصنین قونسولگری انگلیس عفو عمومی شامل خواهد شد.

(سواد دستخط مبارک حضرت اقدس والا)

اولاً، از طرف قرین الشرف بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی - ارواحنا فدام - و از طرف خودم به این اشخاص که در قونسولخانه و مسجد متحصن هستند اطمینان می‌دهم که درباره آنها عفو عمومی خواهد شد و مطلقاً در ازای این اقدامات آنها مزاحمتی از طرف حکومت و غیره نخواهد شد.

دوم، مجلس شورای ملی را به طوری که بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی به ملت اعطا و مرحمت کرده، من هم تصدیق دارم و اجرا خواهم نمود و به ولایت جزو هم اعلام خواهد شد.

سوم، برای اعطاء مجلس شورای ملی که اساس آبادانی ثروت و ترقی دولت و ملت است، عموم رعیت چه در شهر تبریز چه در ولایات مملکت آذربایجان چراغان بکنند. چهارم، در تعیین انتخاب و کلا هم به زودی قراری بدهند که و کلای تبریز و سایر ولایات معین شده روانه تهران شوند.

دستخط حضرت ولیعهد: این چهار فصل که نوشته شده است صحیح است.

پنجشنبه ۸ شعبان ۱۳۲۴

از مصلحتگزار دولت انگلیس به قونسولگری تبریز^۲

صدراعظم^۳ به این جانب اطلاع داد نسخه‌های چاپی دستخط اعلی حضرت همایونی در اعطاء مشروطیت و ترتیبات مجلس به امنای آذربایجان و حکام ولایات فرستاده شد و انتخاب وکلاء در موقع اجرا است. شما هم باید پناهندگان و بستی‌ها را اطلاع بدهید و توضیح نمائید اجرای وعده‌های اعلی حضرت شهریاری فقط مربوط به دولت ایران است ضمانت سایر دول در آن باب جایز نیست بگوئید مسلم و آشکار است ترتیب مجلس ملی ممکن نیست مگر به مرور.

امضاء: قراندوف

دستخط مبارک حضرت اقدس به جنرال قونسول انگلیس

مسیو راتیلو، چهارفقره را که اهالی استدعا کرده بودند بر طبق مقررات علیه همایونی مهر و امضاء نموده دادم دستخط تلگرافی را هم فرستادم که به اهالی داده همگی مطلع و شکرگزار باشند، به طوری که آنها تعهد کرده‌اند. ضمناً بروند و بازار را باز کرده مشغول کسب و کار خودشان باشند.

امضاء: ولیعهد دولت علیه ایران

توضیحات:

۱- محمد علی میرزا ولیعهد فرزند ارشد مظفرالدین شاه در سال ۱۲۸۹ هـ. ق در تبریز متولد شد دوران ولیعهدی را در تبریز سپری کرد و در بیست و چهارم ذی‌القعدة ۱۳۲۴ پس از مرگ پدر بر تخت سلطنت نشست و در اول ذی‌الحجه ۱۳۲۴ احمد میرزا را به ولیعهدی انتخاب کرد و در پنجم همان ماه رسماً تاجگذاری نمود. محمد علی شاه به علت استبداد رأی و مخالفتی که با خواسته‌های ملت ایران داشت نتوانست در مقابل اراده ملت مقاومت کند و سرانجام در سال ۱۳۲۷ به روسیه پناهنده شده شد و در سال ۱۳۴۳ هـ. ق در بندر ساوتا در ایتالیا در گذشت و جسد وی را به عتبات عالیات برده در حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام به خاک سپردند.

۲. در این ایام آلبرت چارلز وراتیلا سرکنسول انگلیس در تبریز بود. نامبرده از اول اوت ۱۹۰۳ الی ۱۸ اکتبر ۱۹۰۹ عهده این مقام بوده است. ر. ک. دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس ۱/۱۴۱

۳. مقصود میرزا نصرالله خان مشیرالدوله است.

متن خطابه مظفرالدین شاه در روز افتتاح مجلس^۱

موضوع: افتتاح مجلس و وظایف نمایندگان

تاریخ: ۱۸ شعبان ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون الله تعالی از قوه به فعل آمد و به انجام آن مقصود مهم به عنایات الهیه موفق شدیم. زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است، مجلسی که رشته‌های امور دولتی و مملکتی را مربوط و متصل می‌دارد و علایق مابین دولت و ملت را متین و محکم می‌سازد مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که نگهبان عدل و داد شخص همایون ما است در حفظ ودایمی که ذات واجب‌الوجود به کف کفایت ما سپرده امروز روزی است که بر و داد و اتحاد مابین دولت و ملت افزوده می‌شود و اساس دولت و ملت بر شالوده محکم گزاریده می‌شود و امروز روزی است که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه دولت و امنا و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن بکوشند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع اهالی و مملکت و البته می‌دانید که، نیست اساس مقدسی که پیه ملاحظیات شخصی مشوب و مختل نشود و به اغراض نفسانی فاسد نگردد، حالا بر انتخاب شدگان^۲ است که تکالیف خود را چنانچه منظور نظر دولتمردان

و ملت است انجام بدهند. بدیهی است که هیچ کدام از شماها منتخبین انتخاب نشدید مگر به واسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مردم داشته‌اید و خود

این نکته باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ما است. ورجاء واثق داریم که با کمال دانش و بینش و بی‌غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد، ولی با وجود این قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خودمان می‌دانیم و در خشنودی^۳ و مسرت و غم و الم آنها سهیم و شریکیم. باز لازم است خاطر شما را به این نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط عاید به خودتان بود و بس. ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده‌اند و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیدت به دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموری که باعث فساد است احتراز نمائید پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما شرمنده و خجل نباشید. این پند و نصیحت ما را هیچ‌وقت فراموش نکنید و از این مسئولیت بزرگی که برعهده گرفته‌اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ماها است و حافظ حق و حقانیت. دست خدا همراه شما، بروید مسئولیتی را که برعهده گرفته‌اید با صداقت و درستی انجام بدهید و به فضل قادر متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید. هیجدهم شعبان المعظم ۱۳۲۴ *

توضیحات

۱. در بالای سند قید شده است: جناب اشرف صد اعظم این خط عین فرمایشات خود ما است. ۱۸ شهر شعبان.

۲. در اصل: شده‌گان

۳. در اصل: خوشنودی

نامه محمدعلی میرزا به انجمن ملی تبریز^۱

موضوع: حضور نماینده ولیعهد در انجمن ملی تبریز

تاریخ: ۱۷ رمضان ۱۳۲۴

انجمن ملی تبریز کمافی السابق برقرار بوده و یک نفر مأمور به تصدیق اجزاء انجمن از جانب حضرت اقدس معین و در انجمن حاضر خواهد شد که اجزاء انجمن در امورات جزئی و کلی ملت هر چه حکم نموده‌اند به موقع اجراء گذارد و کارگزاران حضرت والا در اجراء تمام احکامات انجمن ملی [را] تقویت خواهند نمود. ۱۷ رمضان ۱۳۲۴ محل صحه مبارک

توضیحات

۱. عنوان نامه چنین است: سواد دستخط مبارک حضرت اقدس ولیعهد دامتولایت

نامه محمدعلی شاه به نیکلای دوم^۱ امپراتور روسیه

موضوع: ارتحال مظفرالدین شاه و جلوس محمدعلی شاه

تاریخ: ششم ذی‌حجه ۱۳۲۴

مدار مجد و دولت، مرکز قدرت و شهامت، حضرت سلطان عظیم‌الشان دوستی اتحاد بریریب و ریایی که از قدیم‌الایام فی‌مابین دولتین علیتین ایران و عثمانی حاصل است اقتضا دارد که در هر موقع آن اعلی حضرت را با خود سهیم و شریک دانسته با کمال آسف و الم و فرط تأثر و غم خاطر محترم آن اعلی حضرت را مستحضر داریم که به مشیت و اراده قادر لایزال پدر بسیار محترم و تاجدار ما در شب بیست و چهارم شهر ذی‌قعدة سنه ۱۳۲۴ از این دارفانی به سرای جاودانی ارتحال فرموده و از این واقعه جانگداز ما را قرین نهایت حزن و سوگواری فرمودند. اگرچه زخم این مصیبت عظمی هرگز التیام‌پذیر نخواهد بود ولی درمقابل خواست خداوندی چاره‌ای جز صبر و شکیبایی ندیده، موافق رسم نیاکان و معمول قدیم و حق مقرر بر سریر سلطنت آباد و اجدادی جلوس نموده و اول وظیفه که نصب العین خاطر مودت ذخایر خود داشته‌ایم همانا پیروی نیات حسنه پدر تاجدار خودمان خواهد بود. در این صورت آشکار است که تشیید ارکان یگانگی و خلّت و تزئید روابط دوستی و مودت این دولت تا چه پایه منظور نظر و به چه اندازه مکنون خاطر مواحدت اثر ما می‌باشد و برای حصول این مقصود جناب مستطاب اجل اشرف پرنس ارفع‌الدوله^۲ سفیر کبیر این دولت ابد آیت مامور در بار آن ذوات علیه را کماکان به سمت مزبوره باقی و برقرار داشته امیدواریم که آن اعلی حضرت نیز به اقتضای حسن توجهی که به پیشرفت مقاصد مقدسه ما دارند کما فی‌السابق کمال مساعدت و همراهی را مبذول فرموده عرایض و مستدعیات او را که مبنی بر فرید استحکام روابط و دادیه دولتین است به سمع قبول اصفا فرمایند.

همواره طول عمر و صحت وجود آن اعلی حضرت را از خداوند متعال درخواست نموده،
احترامات فایقه و دوستی تغییرناپذیر خودمان را نسبت به اعلی حضرت سلطانی تجدید
می نمائیم.

در قصر سلطنتی دارالخلافة طهران به تاریخ ششم شهر ذی الحجه سنه ۱۳۲۴ سال
اول سلطنت ما تحریر شد. *

امضاء محمدعلی شاه قاجار
مهر: العزه السلطان محمدعلی شاه قاجار.

توضیحات

۱. الکساندر وویچ نیکلای دوم آخرین تزار روسیه پسر الکساندر سوم است. وی بین سالهای ۱۹۱۷-۱۸۹۴ بر روسیه حکومت راند. در دوران سلطنت وی انقلابیون توانستند امتیازات مدنی و اجتماعی کسب کنند. جنگ روس و ژاپون که در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۴ اتفاق افتاد و به شکست روسیه منجر شد و همین امر جنبش انقلابیون را تشدید کرد. با شروع جنگ جهانی اول نیکلای دوم شخصاً در جنگ شرکت نمود و با اوج گیری انقلاب در سال ۱۹۱۷ از سلطنت خلع و در توبولسک Tobolsk زندانی شد و سرانجام به دست بولشویکها در ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۸ با تمام اعضای خانواده اش به قتل رسید. رک: فرهنگ معین/اعلام
۲. میرزا رضاخان ارفع الدوله از سال ۱۸۹۴ الی ۱۹۰۱ وزیر مختار ایران در روسیه و از ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۷ وزیر مختار ایران در ترکیه بوده است.

اعلامیه فرقه اجتماعیون عامیون

موضوع: ارتحال مظفرالدین شاه

تاریخ: ۱۳۲۴

اذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

ما مجاهدین سبیل الله و فداییان ملت نجیبه ایران از خبر وحشت اثر رحلت پدر تاجدار، شاهنشاه حریت بخش، اعلیٰ حضرت مظفرالدین شاه کبیر- انارالله برهانه- زایدالوصف متأثر و متولم است عموم اسلامیان خاصه هموطنان عزیز را از این حادثه مؤلمه تسلیت و تعزیت داده از قادر ذوالجلال مسئلت می نماییم که روح مقدس آن شاهنشاه جمجاه را با را با مقربین درگاهش محشور فرماید.

واسفاه، واملتا

ای شاهنشاه مبرور، اینک از بدو جلوس تا انتهای عمر خود این همه زحمات فوق العاده را کشیدی، ابواب سعادت و نیک نامی را به روی ما ایرانیان گشودی، و نام نیک در صفحه روزگار گذاشتی، آیا در نفس واپسین ما بیچارگان را به کسی سپردی؟ آن کسی که بعد از پدر رؤف ما جانشین و وارث تخت کیان می شود هیچ توصیه ما را فرمودی؟ بلی، به وجدان پاک و فطرت مطهرت قسم که همه تکلمات آخرین سفارش ما ملت نجیبه بوده و همواره روان مقدست به دور دارالشورای ملی خواهد گردید. ما فرقه مجاهد و فدائیان وطن در عوض این همه مراحم شاهانه و الطاف خسروانه متعهد می شویم که قدر این نعمت عظیمی را دانسته تا جان در بدن داریم از دست ندهیم و هر آن کسی که مُخل و مانع پیشرفت مقاصد عالیّه آن پدرمهربان بشود ریشه وجود نحسش را از روی زمین برکنیم تا روح مطهرت را از خودمان راضی بیفکنیم.

و امیدواریم که خلف تاجدار آن شاهنشاه کبیر، ملاحظه ملل خود و استقبال ما ایرانیان را
نموده موسی و پیروی ولی نعمت، مبرور بوده به همان رویه اسباب سعادت و رفاه ملت را
فراهم بیاورند.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت

مفقور بادشاهنشاه کبیر، زنده و پاینده باد حریت و مشروطیت

اداره مرکزی

مهر

حریت، عدالت، مساوات،

مجاهد

فرقه اجتماعیون عامیون ایران

نامه محمدعلی شاه قاجار به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم

موضوع: اجرای قوانین مشروطیت

تاریخ: ۲۸ ذی حجه ۱۳۲۴

مقدمه

دستخط همایون اقدس اعلی^۱، نص بر مشروطیت ایران

بر کلیه هوشمندان دل آگاه صفحه عالم عموماً و بر هموطنان خبیر و بصیر ما خصوصاً پوشیده و مستور نیست و مکرر گفته‌ایم که امضای اصول قوانین سیاسی این مملکت با صحت شاهنشاه مبرور - انارالله برهانه - از برکات انفاس مقدسه و توجهات کامله این شهریار عالی مقدار و پدر تاجدار بزرگوار ما - خلدالله ملکه و دولته - بود و همگان تصدیق دارند که این پادشاه جوانبخت از آن روز که مالک تخت و تاج کیان گردید نیت پاکش از همه جهت مصروف راحت خلق و آسایش رعیت و تشیید مبانی ملک و ملت بوده است. مکرر شفاهاً فرموده‌اند که (وکلای ملت) چرا کار نمی‌کنند و چرا مشغول تسویه امور نمی‌شوند؟ تا ما نیز جداً با آنها همراهی کرده مفاسد ماضیه را اصلاح کنیم. شاهد مدعا دستخط همایون است که بر حسب استدعای حجج اسلام و مجلس شورای ملی در خصوص مشروطیت دولت و سلطنت قویمة ایران صادر شده و برای آگاهی کلیه ناس شرح آن را ذیلاً نگارش داده و نامه مجلس را به این زیور مزین و مطرز می‌نمائیم تا همه مردم بخوانند و سیاسیون تصدیق کنند که این شهریار سعادت‌مند رتبه خود را با امپراتور ژاپن^۲ برابر ساخته است چنانچه نگارنده روزنامه (اللوا) جناب (مصطفی) کامل پاشا که یکی از اعظام سیاسیون ملت اسلام است، مقام مقدس این هر دو پادشاه را برابر و مساوی دانسته اگر چه ترتیب نگارش ما بر آن بود که این ملاطفت همایون را در ضمن مذاکرات مجلس شورای ملی در موقع خود نگارش آید ولی

به ملاحظه این که مشترکین عظام در انتظار زیارت آن نمانند با کمال سرعت در این ورقه درج و منتشر ساختیم تا به ملاحظه آن چشم و دل را روشنی داده بقای ذات همایون و دوام سلطنت سعیده را در در خاندان مقدس ایشان از حق تعالی مسئلت نموده بدانند که از این تاریخ مملکت ایران دارای شرف و اعتبار است. و اعلی حضرت شاهنشاه مؤید والا گهر در کشور خود شهریار خواهند بود این است سواد دستخط همایون خلدالله ملکه.

جناب اشرف صدر اعظم

سابق هم دستخط فرموده بودیم که نیات مقدسه ما در توجه به اجرای اصول قوانین اساسی که امضای آن را خودمان از شاهنشاه مرحوم- انارالله برهانه- گرفتیم پیش از آن است که ملت نتواند تصور کند و این بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه مبرور- انارالله برهانه- شرف صدور یافت و تأسیس شورای ملی شد دولت ایران در اعداد^۳ دول مشروطه صاحب کنس تی توسیون به شمار می آید. منتهی ملاحظه ای که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمه برای انتظام وزارتخانه ها و دوایر حکومتی و مجالس بلدی، مطابق شرع (محمدی ص) نوشته، آن وقت به موقع اجرا گذارده شده. عین این دستخط ما را برای اچناپان مستطابان حجج اسلام سلمه الله تعالی و منتخبین شورای ملی ابلاغ نمائید.

۲۸ ذی حجه ۱۳۲۴.

توضیحات

۱. در اصل: علی
۲. در این زمان موتسوهیتو (۱۸۶۸-۱۹۱۲) امپراتور ژاپن بود. دوره این امپراتور در تاریخ ژاپن به عصر میجی معروف است.
۳. در اصل: عداد
۴. در اصل وزارتخانه ها

اطلاعیه رجال دولت بشارت بر عموم ملت، اتفاق رجال دولت

موضوع: اتحاد دولت و ملت

تاریخ: ۱۷ شعبان ۱۳۲۵

از طهران

رئیس محترم تلگرافخانه دام مجدم امروز که روز اول سال دوم تأسیس مجلس شورای ملی است با کمال شرافت و شرف وجود هیئت رجال لشکری و کشوری به تلگرافخانه آمده و به توسط شما به حکومت جلیله و کارگزاران دولتی و اولیای ملت و عامه برادران وطنی خودمان اشعار می‌نمائیم که چون از مدتی به این طرف ناامنی بلاد و هرج و مرج ولایات و طرق و شوارع و وقایع سرحدیه را مردم حمل به عدم اتفاق هیئت دولت و اولیای ملت نموده و اذهان عوام از آن بابت خالی از سوءظن نبود و حال آن که ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فدام از اول این اساس لازمۀ توجه و مساعدت را در پیشترفت این عطیه ملوکانه دریغ نفرموده‌اند. مع‌هذا، رفع این سوءظن برای آسایش خیال عامه که بنای تمام امنیت و آرامش عباد واجب بود بر حسب اجازه علیه ملوکانه ارواحنا فدام تمام وجوه رجال دولت از کشوری و لشکری با کلمۀ واحده به مجلس محترم شورای ملی رفتیم و با یک مهر و استقلال محبت‌آمیز اتحاد و مودت هیئت رجال دولت را پذیرفته نطقهای خیلی مشفقانه از طرفین خوانده شد و تبریکها و تهنیتها به عمل آمد اتفاق تام و تمام و اتحاد کامل مابین هیئت دولت و وکلای ملت حاصل و در حقیقت برای طرفین این روز اول سال دوم عیدی شمرده شد و حالا بالقوه قلب هیئت رجال کشوری و لشگری دولت با وزراء مسئول به اتفاق مجلس محترم شورای ملی مشغول کار شدیم و امیدواریم که بخواست خداوند و برکت امام عصر - عجل الله فرجه و توجهات همایون شاهنشاهی - ارواحنا فدام و اتفاق کلیۀ دولت و ملت عن

قریب تمام اصلاحات مملکت حاصل و اسباب شرف و سعادت کامل برای عامه ملت صورت پذیر شود. در این صورت باید حکام والا مقام و کارگزاران دیوانی آن جا هم به انجمن های ایالتی و ولایتی که بر طبق نظامنامه تأسیس شده باشند اتفاق نموده و دقایق از دقایق آسایش رعیت و امنیت بلاد و طرق و شوارع را فروگذار ننمایند و صریحاً بدانند که هیچ قصوری من بعد از هیچ کس پذیرفته نشده و هر کس در وظایف دولت و ملت خواهی اندک خودداری بکند بدانند که گرفتار مسئولیت فوق العاده خواهد بود که ملامت جز بر شخص خودش نخواهد آمد. این تلگراف را به اطلاع حکومت جلیله به مردم ابلاغ نموده و نتیجه را تلگراف نمایند. وزیر مخصوص (آصف الدوله) (امیر بهادر) (وزیر دربار) (موثق الدوله) (اقبال الدوله) (علاء الدوله) (وزیر همایون) (محتشم السلطنه) (سپهدار) (معین الدوله) (امیراعظم) (امیر نظام) (نظام الملک) (وزیر نظام) (سردار کل) (حاجی امین الدوله) (سردار منصور) (وزیر تشریفات) (ناظم السلطنه) (سیف الدوله) (سردار فیروز) (نصر الملک) و سایر رجال دولت.

تلگراف حجج اسلام از عتبات عالیات در خصوص رفع اشتباه

موضوع: نسبت کذب به حجج اسلام

تاریخ: ندارد

به توسط جناب ثقة الاسلام آقای میرزا محمد نجفی - دامت برکاته - خدمت علمای اعلام و انجمنهای محترم و عموم اعیان و تجار و قاطبه اهالی خراسان - دامت تاییداتهم - تلگرافات شریفه واصل و اقداماتی که به عکس مامول در شقّ عصا و تفریق کلمه ملت و مخالفت مجلس محترم شورای ملی - رفع الله قواعده - از بعضی اظهار شده موجب کمال تأسف و تخسر سابقاً در جواب تلگرافات تهران که شکایت از همین مطلب نموده بودند و حال هم مجدداً عموم اهالی علم و تدین را اعلام می‌داریم. مجلس که بحمد الله تعالی تأسیس آن برای حفظ بیضه اسلام و تقویت دولت ملت و ترفیه حال رعیت، صیانت دماء مسلمین و رفع ظلم اعانه مظلومین و اعانه ملهوفین و امر به معروف و نهی از منکر و سد ثغور است قطعاً و شرعاً و عرفاً راجح بلکه واجب است و مخالفت آن محاربه با صاحب الزمان علی الصّادع بها افضل الصلوة والسلام ان شاء الله تعالی بعدها کسی مخالفت نخواهد کرد عموم علماء و قاطبه مسلمین با کمال اتفاق و اتحاد و دلگرمی در تشبید مبانی و اعلاء امر آن بذل مجهود خواهند نمود. و هرگاه کسی برخلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً به ماها نسبتی دهد کذب محض است. مضمون این تلگراف را به انجمنها مخابره نموده مهمات را اطلاع دهید، ان شاء الله (احقر نجل مرحوم حاج میرزا خلیل محمد حسین) الاحقر محمد کاظم الخراسان، الاحقر عبدالله مازندرانی.

مرامنامه فرقه مجاهدین اجتماعیون عامیون

موضوع: قلع و قمع مفسدین
تاریخ: ندارد

مختصر مرامنامه‌ای است از مرکز به تمامی فرقه مجاهدین اجتماعیون عامیون اصل مقصود و مرام از تشکیل این هیئت و جماعت آن است که، حفظ حقوق امنای وطن فرداً بعد فرد منظور و مرعی باشد. و آنچه لازمه ترقی و سعادت ملت است از قبیل تربیت و تمدن علم و ثروت و افتتاح مکاتب و مدارس اجرای قانون عدل و انصاف و تنبیه از وحشگیری و جهالت و کناره جوئی از ظلم و جور و فساد و تمسک به ادب و رسوم انسانیت نه این که بعضی اشخاص خود را منسوب به این فرقه نموده اسم این هیئت مقدس را به اغراض نفسانی خود ملوث و مرتکب بعض افعال نالایق و خارج از وظیفه انسانیت شده هر چه دلش بخواهد بکند و آنچه به زبانش بیاید بگوید، نه معنی مجاهدی را بدانند، و نه مقصود مؤسسين این هیئت را حالی باشد. بهانه دست انداخته و عنوانی برای غرض و شرارت خود پیدا نموده خود را داخل به فرقه مجاهدین (فی سبیل الله) حقیقی کرده از روی جهل و نادانی یا اغراض شخصی و نفسانی بنای هرزگی و الواطی و استبداد گذاشته خودنمایی و مردم آزاری بکند، مخلوق خدا و اولاد وطن عزیز را با حرکات وحشیانه و مغرضانه اذیت نماید. ما اجتماعیون عامیون مجاهدین بی غرض صراحتاً عرض می کنیم ما از این گونه اشخاص خود نما و مستبد و مغرض و لابیالی تبرا می کنیم و این قبیل اشخاص هرگز از مسلک ماها خبر ندارند و در نزد هفت هزار نفر مجاهدین تبریز و شصت هزار مجاهدین و خیرخواهان وطن است که در قلع و قمع و اضمحلال این قبیل اشخاص سعی و کوشش نمایند ولو که از هر صنف و در هر لباس باشند. مجاهدین ما طالب ترقی اسلام و

وطن و ساعی تمدن و معرفت این ملت هستند نه آن اجرای مفاسد مغرضین و مفسدین. از این تاریخ به بعد، به عموم فرق مجاهدین اجتماعیون عامیون اعلان می‌شود، هر کس بدون اجازه مرکز و شورای عقلا اقدام به فعلی یا شغلی بکند که منافی مسلک این هیئت مقدسه باشد جان و مال او در معرض تلف و ابداً عذری از آن شخص قبول و مسموع نخواهد شد. ای برادران دلیر و ای هموطنان عزیز ای حامیان ملت و ای حاملان لوای غیرت و اسلامیت بدانید و آگاه باشید مبدا بعضی اشخاص مغرض و شیطان صفت در میان شماها باشد و شما را گول زده اسم این فرقه مقدسه را خراب نموده و غرض خود را اجرا نماید مبدا من بعد با انگشت اینها بازی نمایید و غرض اینها حرکت کنید که نتیجه این کارها غیر از خسران دنیا و آخرت چیزی دیگر نخواهد شد. آنچه خفته‌اید بس است حالا بیدار شوید آن که مجاهد است ابداً هرزگی و بی‌مبالاتی نمی‌کند. مجاهدین را لازم است که در هر جا جلوگیری این جور اشخاص لاابالی را بکنند که اسم این مقدس فرقه را ملوث نکنند و با آن بهانه خودشان را قولچماق کرده بنای استبداد و شرارت نگذارند بدون اجازه مرکز احدی از مجاهدین حق تعرض به کسی ندارند و اقدام به کاری نباید بکنند، جزئی باشد یا کلی، هر آن کس که خودسر بدون علت باعث ناراحتی یک نفر مسلمان یا بنی نوع خود شود آن شخص ضد مشروطه ضد تمدن ضد انسانیت بلکه مفسد مستبد مغرض است چنانچه بر عموم صدرها لازم است که بدون اجازه مرکز مقدس اقدام در امری ننموده همواره امر و اجازه مرکز را مطاع دانسته و ابداً تخلفی ننمایند. همچنان بر عموم مجاهدین لازم است که بدون اجازه صدر، رجوع به کاری ننمایند و در صورت تخلف مسئول هستند.

مخفی نماناد، چون بعضی از اشخاص مغرض خودنما، محض اظهار جهالت می‌خواستند که تفرقه در میانه این فرقه جلیله انداخته به غرض خود نایل شوند مهر درست کرده و به اسم این فرقه به خرج می‌دهند. محض استحضار خاطر عموم عرض می‌شود که هر ورقه‌ای که به اسم این فرقه باشد و با این مهر مخصوص مختوم نباشد تقلید است و دخلی به عالم اجتماعیون عامیون ندارد.

اعلامیه فرقه مجاهدین تبریز

موضوع: اتحاد و همبستگی مردم

تاریخ: ندارد

_____شکلی نیست _____ه آسان نشود

_____مرد باید _____ه راسان نشود

ای اهالی غیور تبریز، ای جماعت باغیرت با همت ایران، آیا حالا به علم‌الیقین دانستید که پیشرفت و ترقی هر کار در دنیا به اتحاد و اتفاق است. آیا این اتحاد و مردانگی شما لفظ خبیثه (نمی‌شود) (حالا زود است) (ممکن نیست) (محال است) را از طبیعت خاک ایران بیرون نکرد؟

آیا این غیرت و جوانمردی شما ایرانیان باعث افتخار و سربلندی ایران در مقابل فرنگ نگردید؟ آیا این مملکت همان مملکت پارسال نیست که بی‌چاره مردم قادر گفتن و اظهار داشتن کلمه حق خود نبودند و بدین واسطه دانشمندان فرنگ این ملک را در جزو ملل میته حساب می‌کردند. پس علتش چیست که در روز نامجرات رسمی و غیررسمی هر هفته یک مقاله از ایران تعریف و تمجید می‌نویسند و مشروطیت مجلس شورای نوجوان ایران را، بر مجلس شورای روس ترجیح می‌دهند. علت و سبب جز این نبوده و نیست که ایرانی‌ها یک مرتبه معنی اتحاد و اتفاق را دانستند. دست به دست دیگر برادروار داده چنان نقش استبداد را بر زمین زدند که نیست و نابود شد و بنیان این مشروطه را به جایی رساندند که دیگر زباد و باران نیابد گزند (آنچه می‌بینم به بیداری است یا رب یا به خواب) در سایه این اتحاد و یک جهتی ما گروه اجتماعیون عامیون بر عموم اهالی تبریز ثابت

کردیم که هر که یا از سرحد قانون مشروطه یعنی قانون اسلام (چه مشروطه عبارت از مجلس اجرای قوانین مقدسه اسلام می باشد) بیرون گذارد فوراً به جزای خود خواهیم رسانید.

و، ضمناً این یک نکته باریک و بسیار بسیار مهم باید منظور نظر عموم اهالی بشود که به تصدیق علما و سران سیاسیون اروپا آخرین امید نجات و فلاح ایران بسته به استلالت مشروطه و اجرای قوانین قانون اساسی است. اینجا مسأله تا به اندازه ای و به درجه ای مسلم و محقق شده که شک و تردید در آن جز حماقت و انکار بدیهی نیست. پس بر جمیع وطن خواهان و ملت پرستان واجب و حتمی است که کمر همت و شجاعت را بر میان بسته با کمال جد و جهد هر عایق و مانعی که در راه اجرای مشروطه ملاحظه نمایند ولو سکندر باشد فوراً به دفع و رفع آن همت گمارند. یقین بدانند که، یدالله مع الجماعة، طرفداران حق همیشه غالب و مظفر خواهند شد باید تمامی مشکلات را خیلی سهل و آسان شمرد و همه هر مشکلی به یک اتحاد حقیقی از میان می جهد و بر طرف می شود. باید هر تک تک تکرار کنید.

دست از طلب ندارم تا کام من در آید یا جان. رسد به جانان یا جان ز تن در آید! از قرار نوشته چند نفر از تهران، گویا جناب میرزا علی اصغر خان امین السلطان همراه مجلس و طالب مشروطه هستند. جماعت اجتماعیون عامیون همیشه به مفاد، تأمل ثم تقبل، عمل نموده اند منتظر نتایج افکار ایشان هستیم. در صورت یقین کردن فکر خدمت ایشان، این فرقه متخذه درستایش و هر گونه همراهی قولاً و فعلاً نسبت به ایشان مضایقه نخواهند کرد.

پرواضح است مسلک و طریقت صحیح اجتماعیون عامیون، بر این نهاده شده که هر کس خواه وزیر باشد خواه بچه وزیر، خواه شاه باشد خواه گدا، اگر در فکر تشیید این مشروطه باشد و اغراض مشخصی را کنار گذارد طرفدار او می باشند. همچنین هر که بخواهد سنگ تفرقه در میان بیندازد یعنی معنی مشروطه مقدسه را به تأویلات باطل و جفنگ شرح و تفسیر نماید، خواه علما باشند (یعنی متعالمان و متواعظان غیر متعظان) خواه جهلا، خواه اعلی، خواه ادنی، به جزای خودشان موفق خواهند شد.

پوشیده چه داریم همینیم که هستیم

از کل جماعت تبریز نهایت تشکر و امتنان حاصل است که در عرض جریان این چند

روز با وجود این همه انقلاب و اضطراب از حدود ادب بیرون نشدند و انسانیت را مدنظر داشتند و به اسکات و آرامی گذراندند. در ختام این مقالة مختصره بفرموده حضرت کاینات(ص) توصیه عمل می‌کنیم که می‌فرماید، علموا اولادکم الرماية والسیاقه.

مهر: مرکز داخله ایران، تبریز، شعبه مجاهدین ایرانیان قفقازیه.

اطلاعیه فرقه مجاهدین تبریز

موضوع: همه گرفتاریها از بی قانونی است

تاریخ: ندارد

فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجه

بر عموم اهالی آذربایجان خصوصاً اهل تبریز عرض و اظهار می شود که گوش هوش خودشان را باز کرده بشنوند که، این فرقه مجاهدین که چشم از اغراض شخصیه پوشیده با نیت صاف جان در کف گرفته، متفق القول تمامی همت را بدان بگماشته اند که آنی از ترویج شریعت مطهره نبوی (ص) فرو ننشینند و دمی از اعلاء کلمه حق و حفظ حقوق برادران دینی قدم واپس نگذارند. اشخاص مستبد و مغرضین مفسد بدانند که این ملت غیور آذربایجان خصوص فرقه مجاهدین به هیچوجه القاء شبهات ایشان را محل اعتنا ندانسته و به شیوه و نیرنگ این خدانشناسان مفتون نخواهند شد و عن قریب به جزای شان خواهند رسانید.

ای ملت ارجمند، و ای هموطنان غیرتمند، در حقیقت جا دارد که دل تمامی دول و ملل بر حال شما بسوزد. سالیان دراز بود که در زیر سلاسل و اغلال استبداد دست بسته و چون غلامان زر خرید انقیاد اوامر این ناپاکان نموده همواره طوق عبودیت در گردن گرفته اید و حالا مدت نه ماه است که خون جگر خورده و با هزاران زحمت از دولت مشروطه گرفته اید. پس چرا در صدد آسایش خودتان نیستید و عمر خودتان را به غفلت می گذرانید.

فعلاً علاج این امراض مزمنه و مرحم این جراحتهای مهلکه بجز از استعمال از قانون اساسی داروی دیگر درخور نیست. همه این صدمات از حد زیاده و قاطبه این ابتلائات فوق العاده ناشی از نبودن قانون و تعیین نشدن حدود است، همانا در سرکار خود مردانه بکوشید و به حرفهای لطایلات معاندین و مفسدین گوش ننمایید و از مطالبه قانون اساسی فرونشسته

با تمام جدّ و اجتهاد قانون را درخواست نمایید که آسودگی و رفاهیت شما بسته به قانون است بی‌نظمی امور^۱ از بی‌قانونی است، کمیبای نان از بی‌قانونی است، کسادى بازار از بی‌قانونی است، ناآمنی طرق و شوارع از بی‌قانونی است، استیلای مستبدین از بی‌قانونی است، همه گرفتاریها از بی‌قانونی است، همه اختلافات از بی‌قانونی است، بی‌قانونی هم از بی‌قانونی است. قانون، قانون، قانون. (اجتماعیون، عامیون، تبریز، مرکز داخله ایران، شعبه مجاهدین ایرانیان قفقازیه.

اطلاعیه فرقه مجاهدین تبریز

موضوع: قیام بر علیه ظلم و استبداد
تاریخ: ندارد

ان الله يامر بالعدل والاحسان

گر نبودی ناله‌ی را اثر
نی نمی کردی جهان را پرشکر
قلم است که امروز به واسطه انتشار جراید حق را از باطل تمیز می‌دهد، قلم است که بنی نوع انسان را بر حقوق خود واقف می‌نماید، قلم است که نیک بد اعمال و افعال هر کس را بر صحایف تواریخ دنیا ثبت و ضبط می‌دارد، قلم است که محسنات عدل و سیئات ظلم را بر آحاد افراد بنی نوع بشر می‌فهماند، قلم است که..... البته دانشمندان و عاقلان دانند با این که اجراء عدل در همه دول کره ارض و میانه جمیع صاحبان ادیان روی زمین چقدر ممدوح و مستحسن است در ممالک محروسه ایران به خصوص آذربایجان حکم سیمرغ و کیمیا را داشت و اگر فی‌المثل کثرت ظلم از قبیل عدم امنیت مال جان و عرض و ناموس و شرف و..... جزء صفات ممدوحه یک مملکت و محسنات یک سلطنت می‌بود البته مملکت ایران و وطن مقدس ما مسلمانان سرآمد ممالک دنیا و اولین مملکت روی زمین به شمار می‌رفت. و البته شهر تبریز مقر سلطنت و قاعده دولت ایران می‌شد. زیرا اگر چنانچه ظلم و تعدیات وارده بر اهالی این مملکت را بخواهیم شرح دهیم «مثنوی هفتاد من کاغذ شود» آذربایجان است که هنوز به آواز سوزناک و صدای غمناک می‌خواند.

صبت علی الایام صرن لیا لیا

صبت علی مصائب الوانها

آذربایجان است که متحمل همه قسم تعدیات و اجحافات ده سال ابام ولایت عهد، شخص سلطنت شده انواع،قسام تعدیات فوق‌الطاقة بشری را به جان خرید و نفس نکشید تا کارد به استخوان رسید و جامه برتن درید و در صدد اخذ حقوق ملی خود برآمد و پروردگان دامن

فتوت و غیرت خود را جمع کرد و گفت، ای ابنای وطن، من حفظ حقوق ملی شما را به خودتان واگذاشتم و شما را به خدا سپردم.

یک چند نیز خدت معشوق و می‌کنید
که معشوق شما شریعت و می شما حفظ حقوق اسلامیت است
هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
این است که ابنای وطن به مقتضای

مقصد جانهای شیران خداست
جان گرگان و سگان از هم جداست

متفقاً و متحداً در صدد حفظ این حقوق مودوعه برآمده که به القاء آنها اشاعه عدل کرده ریشه ظلم را براندازند و از نتایج حسنه اتحادات که دامن مقصود به دست آمده و فواید آن مشهود می‌شود ولی افسوس هزاران افسوس که هنوز شخص سلطنت در مقام همراهی و مساعدات با ملت و مجلس دارالشورای نیامده و آنچه به ما فدائیان اسلام و مجاهدان شریعت حضرت خیرالا نام به موجب اخبار صحیحه محقق شده پادشاه شما ملت غیور، هنوز در اشاعه ظلم و استبداد باقی و ابداً در خیال استحکام اساس این امر مقدس و آسایش و رفاهیت ملت نیست،

«گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست»

«آنچه البته به جایی نرسد فریاد است»^۲

مهر: تبریز مرکز داخله ایران، شعبه مجاهدین ایرانیان قفقازیه

توضیحات

۱. مثنوی دفتر اول، (کلاله خاور) ص ۲، در مثنوی چنین است: گرنمودی ناله نی را / مژمنی جهان را پر نکردی از شکر

۲. شعر از یغمای جندقی است

اطلاعیه انجمن تبریز

موضوع: جمع‌آوری اعانه برای پناهندگان دهات خوی

تاریخ: ندارد

اعلان

چون مواسات و رعایت فقرا و مساکین از شرایط دین حنیف اسلام و فرموده حضرت خیرالانام است و بر هر فردی از افراد مملکت لازم است که رعایت این مسئله را نموده آنچه را قادر باشند به قدر وسع و همت خود از رعایت جانب فقرا مضایقه نفرمایند و چون جمعی از اهالی دهات خوی که اموال آنها به غارت رفته و من باب استیصال ناچاری به بلده خوی پناه آورده‌اند لازم آمده است که اعانه‌ای از جانب ملت غیور محترم برای آن برادران مذهبی و وطنی جمع شود. لهذا مستدعی هستیم هر کس که خود را شریک مصائب و شداید هموطنان عزیز خودش می‌داند اعانه برای آنها عنایت و مرحمت فرماید و برای جمع نمودن اعانه مزبور کمیسیونی از انجمن مقدس معین شده که اسامی معزی‌الهییم ذیلاً درج می‌شود قبض چاپی به امضای کمیسیون مزبور به اعانه دهندگان داده خواهد شد. به علاوه اسامی ارباب فتوت و همت که در آن موقع از بذل مال محضاً الله در رعایت مظلومین مضایفه ندارند در روزنامه مجاهد و انجمن مقدس مرتباً درج خواهد شد و بعد از جمع‌آوری وجه اعانه کمیسیونی از تبریز معین به خوی خواهد رفت که به اطلاع اعضاء انجمن آن جا و سایر معارف و محترمین به مستحقین غارت شدگان^۱ لوازم کشت زرع رعیتی تهیه نموده و به محل خودشان عودت دهند. مقصود این است که در شهر تبریز دیناری از این اعانه به خویی یا به

سایرین داده نخواهد شد آنچه داده شود درخوی و به ترتیب مزبوره در فوق داده خواهد شد.

حاجی نظام الدوله - حاجی محمد جعفر آقا مومن - جعفر آقا گنجهای - آقا علی آقا فرش فروش
مشهدی محمد آقا - بصیر السلطنه

اطلاعیه اجتماعيون عاميون

موضوع: اتحاد برای مطالبه قانون اساسی

تاریخ: ندارد

عموم ملت و خواطر مبارک حافظین شرع مقدس نبوی و حارسین پرده اسلام را با مشروح مختصر درذیل را مسبوق داشته و آنان را که هنوز درخیال فاسد خود باقی بوده و با فرقه مجاهدین فی سبیل الله باطناً همراهی نکرده و از فلاکت وطن خودشان بی اطلاع هستند اعلان نموده و افراد اهل وطن را به آواز بلند فریاد کرده و می گوئیم، ای ملت ایران و مخصوصاً ای اهالی غیور آذربایجان، به حق لا اله الا الله، و به حق محمد رسول الله، و به حق علی ولی الله، و به حق شهیدان کربلا، (که بجهت افراشتن بیرق اسلام مردانه جان دادند) که ایران درخطر و به موئی آویخته و کلیه اسلام درحالت وداع و نزع آخرین است. شاهی دراین موقع جز این نداریم که ملت فروشان دوباره از اطراف و اکناف گرد آمده شاه غافل را فریفته و استقراض جدیدی درخفیه تدارک شده و می شود. این نیست مگر فروختن باقی ایران و به خارجه تسلیم نمودن. حالا تکلیف جز این نیست که دست همت به هم داده و مطالبه قانون اساسی را که آخرین چاره حفظ مملکت ما از اجانب است به سختی از دولت نموده و چنانچه تمام ایران منتظر غیرت اهل تبریز هستند اقدامات خودتان را به آخر رسانده و تحصیل روسفیدی دردنیا و آخرت از خود به جهان باقی بگذاریم و اگر دراین موقع مردانه نکوشیده و اندک سستی و مسامحه درکار برود به جز ندامت و حسرت باری نداده و شروع به ذلت خواهد شد.

می رود اسلام هان ملت زدست همتی یا غیرتی وقت است وقت
(اجتماعيون عاميون)

مهر: تبریز، مرکز داخله ایران
شعبه مجاهدین قفقازیه

اطلاعیه اجتماعیون عامیون * اخطار *

موضوع: جمع‌آوری اعانه
تاریخ: ندارد

چون بعضی از اشخاص چنان اشتها را داده‌اند که فرقه اجتماعیون عامیون مردم را مجبور نموده به بعضی عناوین پول می‌گیرند، لذا محض استحضار برادران عزیز عرض می‌شود که مقصود از اجتماع و اتفاق این فرقه خدمت ملت است و ترقی اسلام نه جلب منفعت و پرکردن کیسه، و تاکنون هر شخص محترم که به رضا و رغبت و صرافت طبع خود بجهت مخارج اقامت تلگرافخانه چیزی اعانه مرحمت فرموده‌اند قبول نموده و قبض یا مهر مخصوص داده شده است و اسامی ایشان قبلاً درج می‌شود. و اگر احیاناً احدی جبراً و یا استدعاً بدون قبض و مهر مخصوص چیزی از مردم اخذ نمایند این فرقه از آن شخص تبری جوئیم و ابداً از این مطلب اطلاع نداریم.

جناب آقا میرزا محمد آقا سلمه‌الله (قند ۴۰ کله چای ۲۰ گروانکه تنباکو ۴ من)
حاجی سید آقا گنج‌های (قند یک عدل) حاجی محمد آقا اسکوئی (قند ۱۰ کله چای ۵ گروانکه)
پسر حاجی رئیس (قند ۲۰ کله چای ۱۰ گروانکه تنباکو ۳ من) آقای
شمس‌العلماء (قند ۲۰ کله چای ۱۰ گروانکه تنباکو ۳ من) آقای حاجی میرزا محمد علی
قاضی (۱۰ تومان) آقا بصیر السلطنه (۳۰ تومان) جناب مرتضوی (۱۵ تومان) جناب میرزا
جعفر آقا خلف مرحوم حاجی میرزا صادق آقا (۲۰ تومان) حاجی علی آقا و حاجی
علی اصغر آقا کمپانی (۳۰ تومان) حاجی محمد آقا کلکه‌چی (۲۰ تومان) حاجی میرهادی
آقا خویی (۵ تومان) حاجی مشیر لشکر (قند ۲۰ کله چای ۵ گروانکه)

اطلاعیه فرقه مجاهدین

موضوع: همبستگی مجدد شعب مجاهدین

تاریخ: ندارد

برعموم طبقات مسلمین و اهالی تبریز معلوم و مشهود افتاد که از ابتدای علاء لوای مشروطیت و اخفاء صیت استبداد فرقه باغیرت و جان نثار مجاهدین تاجه اندازه جانفشانی نموده و آنی از خدمت به نوع خود و انجمن مقدس ملی راحت نبوده اند تا به این چند روز باکمال صفا و اتحاد برادرانه ریشه استبداد را قطع و صراط المستقیم شریعت مطهره را پاینده بودند این اوقات بعضی از مفسدین به خیالات فاسده خودشان خواستند در میان این فرقه اسباب افساد فراهم آورده این نعمت عظمی و سعادت ابدی را از دست ما مجاهدین بگیرند از این فساد مفسدین بحمدالله رخنه به بنیان اتحاد مجاهدین راه نیافته و آنچه درانظار اختلاف کلمه از مجاهدین مشاهده نشده دراین روزها رفع فساد اصلاح به عمل آمده و یاس مجاهدین مجدداً به امیدواری مبدل گردید. مخصوصاً دیشب که شب چهارده ماه بود تمام صدر و سرشعبه ها و اعضای مرکزین مجاهدین در مجلسی جمع و در آن مجلس تجدید اتحاد نموده از کدورات سابقه بالمره اغماض کرده و اعراض نفسانیه را کنار گذاشته قرار دادند اگر مرکزی بنا بنمایند مرکز واحد و به قاعده ترتیب بدهند و متعهد گردیدند که اطاعت انجمن مقدس را از فرایض خود دانسته و هیچ وقت از صلاح و صوابدید انجمن مقدس تمرد و تخلف نورزیده و نگزارند احدی از مجاهدین به کار بی قاعده و خلاف میل انجمن مبارک اقدام نمایند.

چون عجالاً به ملاحظات عدیده مرکزها موقوف بود مهر مرکزی زده نشد. از طرف عموم مجاهدین و وطن پرستان.

*** انتباه نامه ***
فذكر فان الذكري تنفع المؤمنين

موضوع: معاهده روس و انگلیس

تاریخ: ۱۳۲۴/۱۹۰۷

از سال هزار و سیصد و بیست و چهار که کوکب سعد ایران از افق تأییدات غیبی طلوع نمود و آزادی زبان و قلم افکار سلیمه را در اظهار بیانات سیاسی و پلتیکی جاری ساخت جراید بسیار، که هریک چون ستاره‌ای از پس دیگری طالع می‌شوند، آنچه که لازمه وطن‌پرستی و ملت‌خواهی و حفظ بیضه اسلام و حراست استقلال دولت قدیم قویم ایران است نگاشتند الحق چیزی فروگذار نکرده و مدیر محترم روزنامه مقدسه حبل‌المتین^۱ که چهارده سال قلم برداشته در حفظ سیادت و سعادت ملی باخون دل خود نوشته و کتابها پرکرده و طفل رضیع او حبل‌المتین^۲ یومیه که بازبانی شیرین و بیانی نمکین داد ملت خواهی و وطن‌پرستی می‌دهد این دو نامه یا مایه سعادت ایران یکی از سال گذشته دیگری از چندی قبل نیرنگ دو همسایه مهربان اعنی معاهده روس و انگلیس را مبحث روزنامه‌های خود قرار داده و به زبان ساده عوام‌فهم نمودند و خواطر اعضای محترم شوری ملی را تکراراً و جداً مستحضر ساختند و خواستار اقدامات از وکلای معظم و امنای محترم بودیم، مدتی گذشت و در کارخانه فراموشی ماند. چون به تازگی^۳ محفل آدمیان از این واقعه فجیعه از جای موثق مستحضر شده که بحث در معاهده ختم گردید و عن‌قریب به امضای دولتین خواهد رسید. حال ای برادران، ای مسلمانان، ایران وطن ماست است روس و انگلیس چه معاهده‌ای است بر سر ایران می‌نمایند. عجیب خوابی ما را فرا گرفته غریب ما ملت قدیم قویم بی‌حس شده‌ایم، نزدیک است آب از سر گذشته تیر از شصت رها شود. این نکته را باید درست در نظر دقت داشت، این معاهده که مثل زن دو شوهر می‌باشد بدتر از حال و مال

هند و بخارا هست شک نیست که اگر معاهده این دو همسایه چنانکه مقصود آنها است پیشرفت نمود ایران درمخاطره و فشار دو سنگ پلتیک همسایگان چون طوطیا نرم خواهد شد. درابتدا شروع به اجرای نفوذ، قومیت ما از میان خواهد رفت. به خدا اندازه‌ای فشار خواهند داد که _____یت _____ها هم _____ضمحل، فرد فرد ملت هر روز به گربهرقصانی تمام خواهند شد. اسلام را محو ایران را اسمی نخواهد ماند. ای برادران تا زود است و وقت نگذشته باید عموم ملت ایران به یک زبان به ساحت قدس مجلس مقدس شوری ملی عرضه بداریم. ای قائدین ملت، و ای سائفین مملکت ای مارسین استقلال دولت شش هزار ساله، ما ملت بیداریم و در سر حفظ حقوق خود هشیار. دیگر دست‌نشانده روس و انگلیس و چنین معاهدات پلتیکی نخواهیم شد. بخواهید وزیر امور خارجه را، و سبب معاهده دولتین را در سر ایران پرسش نمائید. ای مجلس مقدس، ما ملت به هیچ وجه این معاهده را قبول نخواهیم کرد و با خون خود در رفع رسوخ اجانب حاضریم. ای هموطنان عزیز، تا چند به اطوار سابق (ان شاء الله بز است) خواهید گفت. این همه از گور میرزا علی اصغر خان خائن السلطان... برخاسته دوازده روز توقف او در پطرسبورگ امید خیلی نتایج برای دشمنان است تا این خائن صدر ایران است و تا ارفع الدوله سفیر... در باب عالی و نمک بحرامان چند مصدر کارند، استقلال ایران را باید فاتحه خواند. ای برادران حمیت، ای آدمیان الله اکبر.

توضیحات

۱. روزنامه جبل‌المتین به مدیریت سیدجلال‌الدین حسینی ملقب به مؤیدالاسلام درشهر کلکته به زبان فارسی منتشر می‌شد. اولین شماره آن در تاریخ دهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ هـ. ق انتشار یافت. این روزنامه به دلیل داشتن نمایندگانی در مصر، عثمانی و روسیه اطلاعات جامع و مفید از اخبار این کشورها به چاپ می‌رسانید. جامعیت اخبار روزنامه از یک طرف و مجانی بودن آن از طرف دیگر سبب شده بود که جبل‌المتین در میان عموم طبقات خواننده داشته باشد. مقالات جبل‌المتین درآماده ساختن زمینه انقلاب فکری مشروطیت در میان توده مردم نقش بسیار اساسی داشت. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۰۰
۲. روزنامه جبل‌المتین یومی به مدیریت میرزا سیدحسن کاشانی برادر کوچک مؤیدالاسلام تأسیس گردید اولین شماره این روزنامه در تاریخ دوشنبه پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ. ق انتشار یافت و پس از وقایع مجلس و حوادث باغشاه جبل‌المتین تعطیل گردید. رک: تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۰۸
۳. در اصل تازه‌گی
۴. در این زمان میرزا محمدعلی خان علام‌السلطنه وزیر خارجه بود.

متن تلگراف شیخ محمد کاظم خراسانی به انجمن ملی تبریز^۱

موضوع: رفع ظلم و تعدی از مجاهدین
تاریخ: ندارد

انجمن محترم ملی تبریز، شیدالله تعالی قواعد

تلگراف انجمن محترم واصل و صدمات و مصائب وارده بر ضعیفاء مسلمین آن بلاد خصوصاً مظلومین ماگونه چندان موجب تأسف و تحسّر است که تحریر شود. معلوم است به مصداق آیه مبارکه «ولنبلونکم بشئ من الخوف و الجوع و نقض من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين»^۲ ظاهر و امیدوار است که بعون الله و حسن تأییده نتیجه محمودۀ صبر، عما قریب حاصل و انحاء ظلم و تعدیات استبدادیۀ بکلی مرفوع گردد. و محرّکین ایلات زیاده بر این، هدر دماء مسلمین را روا نداشته خود آنها هم اگر در زمرۀ مسلمین محسوبند زیاده جرئت و جسارت نخواهند نمود ان شاء الله تعالی. و اقداماتی که به عکس معمول در حق اعضا^۳ و تفریق کلیه ملت و مخالفت مجلس محترم شورای ملی-رفع الله تعالی قواعد- از بعضی اظهار شده موجب کمال تأسف و تحسّر و در جواب شکایات واصله از جمله از بلاد و محال و ضدیت عموم علما و قاطبۀ مسلمین اهالی آذربایجان اعلام می شود که کمال سعی و اهتمام و جدّ و جهد از تشیید مبانی و اعلاء امر مجلس محترم شورای ملی-رفع الله تعالی قواعد- که امروزه حفظ بیضۀ اسلام است و صیانت حوزه حدود و ثغور مسلمین به آن منوط است با کمال اتفاق و دلگرمی و اعراض از مخالفت آن از اهم واجبات و فرائض و مخالفت آن محاذۀ و معانده با صاحب شریعت مطهره- علی صانع بها افضل صلوات و سلام- است. و ان شاء الله تعالی بعد از این کسی مخالفت نخواهد کرد. چنانچه برخلاف این مضمون نسبتی داده شود کذب محض است و مضمون این تلگراف به توسط انجمنهای

محترمه به جميع بلاد اعلام و مهمات را اطلاع دهيد. ان شاء الله تعالى (احقر محمد كاظم خراسانی).

ايضاً صورت تلگرافي است که به اقبال السلطنة ماکویی فرموده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط انجمن ملی تبریز- رفع الله تعالى اعلامه- جناب جلالت مآب اقبال السلطنة ماکویی از مثل آن جناب که به کفایت و استعداد موصوفند مترقب چنان است که به شکرانه نعمت الهیه- جلت اعلام- در حفظ نفوس و اموال و اعراض و سدّ ثغور مسلمین بذل کفایت فرمایند. این اوقات برخلاف مأمول اخبار موحشه از جمال جرئت و بی‌باکی در قتل نفوس او هتک اعراض و نهب اموال می‌رسد. چنانچه خدای نخواستہ محقق شود البثّه تکلیف قاطبه علما و جميع مسلمین طور دیگر خواهد شد. (احقر جانی محمد کاظم خراسانی).

توضیحات

۱. عنوان متن تلگراف چنین است: صورت تلگرافي است که در جواب انجمن مقدس ملی تبریز از حضرت مستطاب حقایق اسلام والمسلمین آقای آقا شیخ محمد کاظم مجتهد خراسانی- مدظله- رسیده است که محض اطلاع عامه مسلمین و عموم مردم طبیع و نشر می‌شود که مخالفت با اساس مشروطیت و مجلس در حکم محاربه با اصحاب شریعت مطهره است که مفاد لفظ محاده و معانده می‌شود که در تلگراف مرقوم داشته‌اند به کلمات خوش ادای بعضی مفسدین فریفته نشوند که به عنوان شرع مقدس بعضی تشکیکات پیش می‌آورند و می‌خواهند رخنه در این بنای عدل و استقامت بیندازند از خدا خواهیم توفیق ادب.

۲. بقره/۲، ۱۵۵

۳. کذا

نامه آقامیرزا علی اکبر

به آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حاجی شیخ عبدالله مازندرانی

موضوع: تشریح وضع ایران و حمایت از مشروطیت

تاریخ: ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

حجج الاسلاما - ادام الله ایام افاضاتکم الکبری - چون اشخاصی که مشروطیت منافات با اغراض فاسده ایشان دارد به هروسیله در منع از انجام آن می کوشند شاید اذهان مبارکه را از اسماع مجعولات و اکاذیب خود مضطرب نمایند شرح اجمالی دراین باب داده به چندسئوال مذیل می شود. جوابها را برطبق قوانین شرعیه محمدیه - علی الصادع بها آلاف الصلوة والتحیه - مرقوم فرمائید.

مردم ایران را ملجأ به طلب مشروطه ننموده مگر چندچیز:

اول تسلط تام ظلام و حگام و صاحب منصبان و ایل بیگیها و ارباب تیولات و تعدی فاحش فوق العاده من دون حق از ایشان بر نفوس و اعراض و اموال مسلمانان و سکوت دولت از ردع و منع ایشان به نحوی که به هیچ وجه تظلم مظلوم بیچاره مسموع نبوده و ظلام به سبب پیشکشیها به دولت همیشه مقاصد خود را نایل و ضعفای مشرعین که در شرع انوار احرار می باشند بدتر از رفیق حربی شده بودند.

دوم، این قرض مشوم دولت که دیناری از آن در مقاصد عقلانیه مملکت و سدثغور و تربیت عساکر صرف نشده و موجب مفسد عظیمه گردیده از قبیل تسلط کفار و عزت و نفوذ امرونی ایشان در بلاد اسلام و شیوع منکرات از قبیل شرب و قمار و زنان و لواط و غیرها و غیرها، و امتیازات بجهت ایشان از راه آهن^۱ و گمرک و معادن و غیرها و غیرها به حیثی^۲ که عده ای از علما و متدینین قادر به نهی نبودند.

سوم، حبس نمودن ارباب قری، ارزاق مسلمانان را به نحوی که غالب سنوات را به غلا بلکه به قحط می گذرانند و حال آن که گندم در انبارها سبز و متعفن می شد و فقرای بیچاره نوعاً حسرت نان گندم خالص را داشتند آن هم با سنگ کم فروشی. این مفسد که جامع آنها تعقل اهتمام تام دولت به سوی تعیش، و استقرار هم عظیم امن و رجال دولت بر جمع اموال خطیره و چشیدن رغبت از بی صاحبی شربت مرگ را در زندگی می باشد داعی بر هیجان عموم رغبت گردیده. آثاری که بر مشروطه بار است عبارت است از، اجتماع اشخاص صحیح الاعتقاد و اخیار و معتبرین و تجدید حدود دولت و تعیین وظایف حکام و حفظ و ارداد دولتی را از تلف و تربیت عسکر و حفظ ثغور و استخلاص دولت از قرض خارجه و استنفاد مملکت از کفار و رد امتیازات و حمایت ملت به دولت به نحوی که با رغبت خودشان عسکر دولت باشند برای حفظ بیضه اسلام و نهی از منکر و سد باب ظلم، آیا تقویت این مشروطه به نحوی که موجب رواج امر به معروف و نهی از منکر شود مستلزم ترک تعلم مسایل شرعیه و اطلاع بر مطالب دینیه نشود واجب است یا نه؟ و تقویت از مطلقه بودن دولت که عشری از اعاشار قبایح آن به تقریر نمی آید حرام است یا نه؟ و در این جزء زمان که سلطان اسلام بی قوه شده، از مدافعه خارجه آیا بر عموم مسلمین به جهت حفظ بیضه اسلام تعلم طرق حرب و تکثیر آلات آن به نحوی که در اندک زمانی آلات حرب در بلاد مسلمین آن چنان وفور و مسلمین را آن چنان مهارتی حاصل شود که قوه مدافعه خارجه داشته باشد لازم است باز کسی که توهین نوع علما بکند در مجالس و مساجد صراحتاً یا کنایتاً چه حکم دارد.*

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک حضرت مدظله العالی

تقویت این مشروطه که منشاء ترتب آثار مذکوره برای دین و دولت باشد و مستلزم محاذیر شرعیه مزبوره و غیرها نشود واجب و لازم است. و تقویت از استبداد که موجب محاذیر مذکوره و غیرها بوده و هست جایز نیست. تهیه و تدارک موجبات حفظ بیضه اسلام و مدافعه اعادات دین مبین با عدم ترتب مفسده بر آن از اهم واجبات کفائیه. و در این جزء زمان بر مستعدین و متمکنین عینی است. قال الله سبحانه و تعالی لا واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم^۶. اما، توهین علما جرئت و جسارت زننده عصر، بر این امر شنیع غالباً کاشف از فساد عقیده و مقدمه افساد عقاید مسلمین

است. علی هذا، دفع این زنداقه و اجتناب از آنها بر جمیع مسلمین واجب و لازم است و سوادهو مخالطه با آنها حرام است. قال الله سبحانه و تعالی «انما جزاء والذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا و تقطع ایدیهم و أرجلهم من خلاف او ینفوا من الارض»^۷ حرر عبدالاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی. السواد مطابق بالاصل و هو عندی. مهر.

جواب شیخ عبدالله مازندرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه از اول استماع امین امر الی الان در اذهان ما داخل شده این بود و فعلاً نیز غیر از این اعتقاد ندارم که غرض از انعقاد مجلس شوری حفظ حقوق نوع بندگان خداوند عالم جل شأنه و حدود دولت و جلوگیری از نشر ظلم و ستم و سبب استراحت نوع مخلوقین بوده و به عبارت دیگر غرض نهی از منکری که ضرر اوراجع بر نوع ملت و اهل مملکت است بوده و حسن آن و وجوب آن ثابت است حکم عقل و نقل، پس چگونه لازم نباشد بر هر عاقل قادر و مقتدر تقویت آن.

و اما مطلقه، پس اگر مراد از آن خلاف این معنی مشروطه است که ذکر شد السبته تقویت و همراهی آن قبیح و حرام است. و اما تعلیم و تعلم و استعداد دفاع از مسلمین کفایت می کند در خوبی بلکه لزوم آن تشریع سبق و رمایه و ایجاب جهاد و مرابطه که در شریعت مطهره ثابت است.

و اما سؤال اخیر که حکم متجرعین بر شرع و اهل شرر، این مرتبه کفر است و اجراء حدود شرعیه بر آنها لازم است. و در این روزها صورت اعلانی و در زیر آن شرحی خطاب به این احقر انام نوشته بود از تبریز. با پست مقرری سفارشی رسیده از بی نانی بلکه از بی پدری و مادری و پشت پاکت مهر آن ظاهراً اسدالله الحسینی بود. تمام کلمات خبائث آیات آن از کفر و زندقه و الحاد. و زبان هتک و توهین گشوده بر شرع و شریعت و بر حضرت عیسی بن مریم و حضرت خاتمالانبیا - صلی الله علیه و آله و اعلی حضرت اقدس، پادشاه اسلام و علماء اعلام و خود را نسبت داده به طالب مشروطیت و خواهان حریت. و اعتقاد دارم و می توانم بر ایمن اعتقاد قسم ینماید که این خبیث خواهان حریت از دین و مذهب است نه خواهان حریت از ظلم و

ستم و این از کسانی است طالب ظلم و ستم و جور و می خواهد در اذهان داخل کند که این اعتقاد باطله که مضمون کلمات خبیثه او است ناشی از مجلس محترم است و مجلسی را بدنام نماید و میل اعلی حضرت اقدس شهر یاری و علماء اعلام را از مجلس شوری منصرف نماید و به مقصد خود کسه ظلم و جور است بـرسد «یـریدون ان یطفوا نور الله بافواههم و یابی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون»^۸

توضیحات

عنوان نامه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی چنین است.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید.

سئوالاتی است که جناب مستطاب ملاذالانام، مروج الاسلام، حامی الفقرا، مؤسس حقیقی مجاهد فی سبیل الله، آقامیرزا علی اکبر - سلمه الله تعالی - از حضرت حجۃ الاسلام والمسلمین غیاث المله والدین آیت الله فی الارضین آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مدظله علی رؤس الاسلام فرموده است.

عنوان نامه شیخ عبدالله مازندرانی

بلبل، مژده بهار بیار

ایضاً سئوالاتی است که آن جناب از حضرت حجۃ الاسلام والمسلمین آیت الله فی الارضین غیاث المله والدین، ملاذ العلماء و المجتهدین آقای حاجی شیخ عبدالله مازندرانی - دام ظله العالی علی روس الاسلام.

۲. در اصل: راه آهنین

۳. در اصل: حیثیتی

۴. در اصل: سیم

۵. در اصل: اسقرار

۶. انفال ۸، ۶۰

۷. مائده: ۵، ۳۳

۸. توبه ۹، ۳۲

* جواب همین سئوالات از ملا محمد کاظم خراسانی جداگانه درخواست شده است که جواب ایشان ذیلاً خواهد آمد.

اطلاعیه انجمن ملی تبریز

موضوع: فروش غله

تاریخ: ندارد

اعلان

محض رفاه و آسایش عموم اهالی، از انجمن مقدس اعلان می‌شود که، از امروز فروش غله آزاد است. یعنی هر کس می‌تواند گندم از اطراف آورده و در هر نقطه شهر که بخواهد بامظنه روز به فروش برساند و هیچ کس حق ندارد تعیین نرخ بکند یا مزاحمت و تعرضی به رعایا و فروشنده غله برساند. هم چنین در خصوص تره‌بار و روغن حبوبات و سایر اقسام آذوقه که وارد شهر می‌شود باید با کمال آزادی به فروش برسد. بقال و خشکبار و نیم‌گز حق ندارند به جلو بار برونند یا آورنده بار را مجبور بکند که در یک محل معین بفروشند، بارهائی که وارد میدان می‌شود باید عموم اهالی با آزادی خرید و فروش بکنند، هر کس تخلف از این قرارداد بکند مورد مؤاخذه و مجازات خواهد بود. مخصوصاً این مسأله را هم قید و اعلان می‌نمائیم که، جماعت خشکبارچی حق ندارد بار فروشی به بقال و غیره بکند. بار میوه‌جات و آذوقه و غیره باید در میان عموم اهالی، به اختیار و آزادی به مصرف فروش برسد که مسلمین آسوده باشند.

مهر: انجمن ملی تبریز.

اطلاعیه انجمن ملی تبریز «اخطار مخصوص»

موضوع: تأمین امنیت شهر
تاریخ: ندارد

۱- باکمال توقیر و احترام به عموم سادات ذوالعز و الاحترام و علماء اعلام و شاهزادگان^۱ و اعیان و تجار محترم اطلاع داده می‌شود، حال که کسبه و اهالی بنا به صوابدید عقلاء و وکلاء و امثال امر آنها عجالاً دست از تعطیل عمومی برداشته بازار و داکین را باز کردند.

لازم است طبقات پنج‌گانه فوق تارسیدن قانون اساسی و اطمینان خاطر ملت یک ساعت از دسته گذشته به تلگرافخانه مبارکه تشریف آورده تساعت چهار از دسته رفته دراطاقهای مخصوص خودشان باشند و در ساعت چهار به منزل مراجعت فرموده باز سه ساعت به غروب مانده جمع شوند.

۲- عساکر ملی باید سه ساعت به غروب مانده در محلات خودشان مشغول مشق نظامی شده و هرروز یک فوج به نوبه و بانظام صحیح و باطبل تنها به میدان توپخانه و تلگرافخانه آمده درحضور متحصنین محترم عرض لشکر داده بعد بروند.

۳- مجاهدین فی سبیل الله و فراش کدخدایان را لازم است تارسیدن افواج ساخلی شهر زحمت کشیده و هرکسی محله خود را شبها بانهایت معقولیت مواظبت و محافظت نمایند.

۴- معلمین مدارس هم لطف فرموده در تعلیم ابناء وطن عزیز بیشتر جانسوزی فرماند که در ترقی خیلی تأخیر کرده‌ایم.

(انجمن ملی تبریز)

۱. در اصل: شاهزاده‌گان

اعلامیه اجتماعیون عامیون ایران

موضوع: پریشانی مملکت

تاریخ: ندارد

وضوح این مسأله زیاده بر آن است که مقدمه و فصولی ترتیب داده شود و چقدر لازم است برای آگاهی عامه و استحضار تمامی ملت ایران به اینکه میدان جولان قلم در این مورد بی اندازه وسیع است. به طور اجمال عریضه می شود که، چند سال اخیر امناء و وزراء دولت مشغول تعیشت خود بوده و اگر صد سال دیگر هم امور^۱ مملکت و ملت به این وضع ناگوار مختل و غیر منظم و اهالی سرگردان باشد ابداً تفاوتی به حال آنها نکرده و در صدد این نخواهند بود که، این ملت بی چاره مظلوم برادران دینی و ابنای وطنشان بوده، چون تمامی دارایی و ثروتشان را کیف شاء و اراد،^۲ غنفاً و جبراً از خون جگر ملت اندوخته اند و مدتی هم می توانند به آن اندوخته ها زندگانی^۳ و استفاده کرده و به هیچ وجه در خیال آسایش و حفظ حقوقی ملت نباشند که هموطنان و هم مذهبیان عزیزشان هستند که در ممالک خود و اجانب همیشه دچار مذلت و سرافکنده و زیر دست خائنین و مستبدین بی انصاف و پست ترین ملل روی زمین می باشند البته ادامه حالت سابقه خودشان اطراف پادشاه را گرفته اغفال کرده مطالب ترقی و هواخواهانه ملت و وطن دوست دولتخواه را به طورهای دیگر تعبیر و جلوه داده مانع از توجه و التفات به نکات و دقایق مستدعیات دولتخواهانه ملت می باشند غافل از این که هر قسم مذلت و خرابی برای ملت و مملکت پدید آید راجع به دولت و شخص سلطنت است و هر اقدامی برضد مشروطیت نمایند والله بی ثمر بالله مضر بر حال خودشان خواهد بود. اسرار وقت و اخلاص در کار امکان ندارد تغییر بهوضع حالیه داده اعاده استبداد بشود.

من سخن راست نوشتم تو اگر راست نخوانی-جرم.....^۵ علاوه بر اینها، فایده‌ای که از ایام سابق و استبداد عاید دولت و ملت و مملکت شده چیست، جز این که دولت مقروض خزانه خالی، اضافه خرج بر دخل، مالیات مختل، لشکر بی‌نظم و اسم نامستی، رعیت بی‌صاحب، ظلم بی‌اندازه، محاکمات عدل معدوم، حقوق ملت ضایع، پادشاه مسئول دنیا و آخرت، ابناء وطن از وطن خود فراری و محروم از مفاد حب الوطن من الایمان، تجار مزدور و از تجارت اسمی باقی، زراعت در تقلیل، وجوه نقد و ثروت در حکم اکسیر، دولت معطل، ملت سرگردان، گرگان در کمین، دامها پهن بر زمین، گله بی‌شبان، سرحدات بی‌محافظ، غفلت کثیر، فرصت قلیل، اجانب در ازدیاد نفوذ و به امتیازات وافر نایل، خائنین جسور، مظلومین مقهور، مفتضی موجود، موانع مفقود و... و چون کارد به استخوان رسیده، صریحاً عرض و جسارت می‌نمائیم.

تا تاب تـــــــــــــوان بـــــــــــــود تـــــــــــــحمل کـــــــــــــردیم
اکنون چه کـــــــــــــنیم دیـــــــــــــگر تـــــــــــــوانایی نیـــــــــــــست

خدای عالم وائمه معصومین آگاهند که زیاد براین پرده از روی کار برداشتن جز ترغیب ملت به پارهای اقدامات نتیجه‌ای مترتب نخواهد شد. دیگر محال است ملت هوشیار بیدار را، شریک اغفال خودشان نمایند. هیچ ضرری ندارد که یک چندی هم شخص سلطنت و هیئت دولت به مقام مساعدت و همراهی با مطالب و مستدعیات حق ملت برآمده با معیت هم‌دیگر جداً و قلباً مشغول تصفیه امور^۶ و آبادی خرابیهای چندین ساله مملکتی شده ریشه ظلم و استبداد را قلع و قمع و تحکیمات سلطانی هزاران^۷ مستبد خائن را از اهالی مظلوم یک مملکت ایران مرتفع فرمایند. تا عامه اهالی مترنم این مقال شوند

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

آیا در مملکت مثل ایران مطیع اوامر یک سلطان و یک قانون بودن غیر از این که مقتضیات عدالت و حریت و مساوات و آسایش عامه را فراهم آورد چه ضرری به جلالت قدر و عظمت پادشاه مملکت خواهد داشت. آیا انصاف است برای خوشحالی ظاهری و موقتی شخص واحد و چند نفر معدود به مذلت چهل کرور نفوس و اضمحلال مذاهب اسلام حالاً و مالاً راضی شده، سد راه جانفشانی ملت را که برای پیشرفت مقاصد مذهب و ملت دو دولت می‌شود بکنند. چون دیگر مجال صبر و تحمل نمانده و اندک تأخیر باعث زوال دولت و پایمالی مذهب اثنی‌عشری و اسلام است، طاقت‌مان طاق و تحمل به قید اسارت و ظلمهای

سابق نداشته و برای چشم‌پوش و گوش‌کری و نفهمی وقت نداریم. استدعای عاجزانه از خاکپای شخص شخیص اعلیٰ حضرت شاهنشاه اسلام آن است جداً و قلباً بذل توجه کاملانۀ ملوکانه در مساعدت بامجلس دارالشورای کبرای ملی فرموده به امور مملکت پیر علیل رونق داده، مثل خود که جوان و جوان‌بخت و به امضاء قانون اساسی ملت ایران و رعایای باوفای خودشان مسرور فرمایند والا

شعبه مجاهدین ایرانیان قفقازیه، مرکز داخلۀ ایران.

توضیحات:

۱. در اصل اسورات
۲. در اصل آراع
۳. در اصل: زنده‌گانی
۴. در اصل: هواخانه
۵. در اصل چنین است
۶. در اصل: امورات
۷. در اصل هرازان
۸. در اصل: امورات

اعلامیه مجاهدین تبریز

موضوع: دفاع از حقوق ملت

تاریخ: ندارد

من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

تنزلات محسوسه و امراض مزمنه که از ترتیبات بی‌اساسی درباریان مستبد آناً فاناً عارض دولت و ملت ایران می‌شد به قاطبه اهالی ممالک محروسه وعده می‌داد وقوع یک امر عظیمی را که احدی از آحاد خلق را نمی‌توان از آلائش آن مستثنی نمود. رسم عدل و انصاف در تمامی دول کره زمین ممدوح و مستحسن و فواید آن که آسایش ملت و آبادی مملکت و نیکنامی دولت است ظاهر و هویدا. در ایران این رسم متروک و به جای آن آتشها از ظلم و استبداد روشن و شراریهای این آتش به مرتبای بالا گرفته که در تمام عالم پیدا و نزدیک بود. هنگامه بزرگی گرم بود... یعنی در طبیعت محروری مزاجان ایرانی مرضی تولید کند که علاج آن از طبیبهای ایرانی خارج باشد. اثر مرض از همین تشریح جزئی که در اعضای رئیسه دولت و ملت پیدا شده است استنباط خواهد شد. غفلت پادشاه، خالی بودن خزانه، عده لشگر مظلومی و بی‌صاحبی و بی‌چیزی ملت هجوم و تراکم انواع تعدیات مستبدانه بر آنها بالجمله اختیار عرض ناموس مال جان تمامی ملت در دست شخص واحد و درباریان بی‌انصاف بوده که کیف شاه و امراء تصرفات قاهرانه در همه چیز آنها می‌کردند و عجب این است که این وزراء خائن تا به امروز فواید مالیه مملکت و انتظامات حدود اسلام و آسایش چهل کرور ملت بی‌صاحب ایران و غیره و غیره را به حسن کفایت خودشان راجع نموده به دستمزد خرابی آذربایجان و فروختن دختران خراسان و... علاوه مواجب و خلعت و استصوابی می‌گرفتند یکی از اسباب عمده که در انهدام و زوال دولت ایران تسعیل

داشت بیانات متملقانه زبان‌آوران اهل نظام بود. یعنی آنهایی که به چرب‌زبانی فوجها را تصاحب کرده و از هریک فوج بی‌زحمت زرع کشت و آفت ارضی و سماوی به قدر حاصل یک ده معتبر منفعت می‌برند به تملق و شاه‌اندازی ما به تفوق و بلندپروازی معروض می‌باشند. سربازان انگلیس و فرانسه پیش سربازان ما داخل آمدند که اگر یک روز جیره ایشان نرسد اسلحه ریخته پی آزادی خودشان می‌روند. سرباز سرباز ملت است که از گرسنگی بمیرد صدایش بیرون نمی‌آید. این همان سرباز است که در هرات سنگر گرفت و تا حیات داشت شکمش سیر نشد. در بلاد و ممالک خارجه که نظم و عدل سرتاسر آفاق را گرفته اگر از این جنس حیوانات موزیه یک روز پروبال باز کند کسانی که بازوی عقل‌یشان قوی است و حفظ ملت را وظیفه انسانیت خود دانسته و دفع آن حیوانات را از امور فوریه دانسته هدف گلوله خواهند کرد از ارباب عقل و تجربه و غیره و ناموس توقع داریم به اعتقاد بی‌غرضانه ما همراهی کنند و به ما بگویند بعد از آن که خلل و فرج امور یک دولت و یک ملت به این جاهل‌کشد تکلیف اهالی مملکت چه خواهد بود جز این که برای کسب اصول آبادی و نظم مملکت و پاس حقوق ملت و حفظ بیضه اسلام یک چنین هیجان‌غیرانه کرده و خودشان را از قید رقت و اسارت خلاصی و رهایی بخشند علاج و دوا دیگرنه و اگر اهالی ایران در این حالت که کشتی حیات ایشان به گرداب فنا نزدیک شده این اقدام را نمی‌کردند و به حصول نعمت عظمای مشروطیت جان و مالشان را در کف دست نمی‌گرفتند، عاقلان دانند که چه می‌شد. حالا بعضی از علما که خودشان را کفایت دین و هدایت حق یقین‌نایبان امام و علماء اعلام می‌دانند در ادای تکالیف الهی و اضافه سراج و ارائه منهای قاصرانده به اقتضای مصلحت و وقت برای امروز خود تکلیفی تازه ایجاد کرده‌اند همچو می‌دانند اگر در رفع ظلم و استبداد که ضرر آن به اسلام و ملت و دولت ایران می‌رسد و خلق را ناچار می‌کنند برای حفظ اموال و اولاد خود سفارتخانه‌ها را به وصایت اختیار کنند. هرگاه همراهی و مساعدت در استحکام اساس مشروطیت نمایند قادر ذوالجلال از اعانت ایشان عاجز است معاذیری که در صور علمیه ایشان به نظر می‌آید هیچ یک در نظر اهل تحقیق پسندیده نیست. الحمدلله تعالی از توجه و تفضل صاحب شریعت ملت مرحومه اثنی‌عشری منظور نظر حضرت حجة عصر - عجل‌الله فرجه و سهل‌الله تعالی مخرج می‌باشد. از همراهی و استمداد بعضی از علما مستضی هستند حق تعالی حضرات آقایان حجج‌الاسلام عتبات عالیات عرش درجات را برای ترویج شریعت غرای

محمدی (ص) موفق و محفوظ فرماید.

تبریز، مرکز داخله ایران، شعبه مجاهدین ایرانیان قفقازیه.

توضیحات

۱. در اصل چنین است

۲. در اصل چنین است

اساسنامه و نظامنامه جمعیت دفاع اسلام

ایرانده تشکل ایدن دفاع اسلام جمعیتک اساس پرو غرامنه ذیلاً تنظیم اولنان
نظامنامه داخلیسی ترجمه سیدر

برنجی ماده: شرایط عضویت

اسلامیت، اعتقاد مدافعه، اخلاق فاسده ایله معروف و سوء استعمالات ارباندن اولماق
ایکنجی ماده: اعضا لک اقسامی:

اشبو جمعیتک اعضا لری ایکی قسمدر: اعضا عمومی و اعضا افتخاری اعضا
عمومی جمعیت انتساب ایدن علی العموم افراد در.

اعضا افتخاری، دفاع ایچون بللی باشلی بر قوت تدارک ایدن و یا بر فتوحاتده بولنان
و یاشایان تقدیر بر اعانه ایله جمعیت معاونت ایدن و یا مکتب، خسته خانه تاسیس ایدن
ذواتدر

اوچنجی ماده: قبول اصولی

هر فرد عضو دیگر لرینی دعوت و انلره دلالتله مکلف اولوب دعوت ایتدی یی هر فرد
اول امرده قبول ایچون براستدعانا مه امضالا توب، مرکز محلیه گوندریر. تصویب ایدلدیکی
حالده معامله قیدیه ایچون هیأت مرکز یه سنده معاملات قسمنه استدعا ایله مراجعت ایتدیرر.
و اشبو قسمده مدعویه صورتی زیرده کی تعهدنامه امضا ایتدیریلر. و مقابلنده کندینه
عضویت وثیقہ سی ویریلر.

تعهدنامه صورتی، فلان یرلی، فلان صنعتلی، فلان اوغلی، فلان اولادین، اسلامیتک
ترقی و تعالیسی و مسلمانلرک حقوقنک مدافعه سی لزومنی بیله مرک جمعیتک اساسی
نظامنامه سنک سکر ماده سی احکامنی المدن گلدیکی قدر اجراده قصور و خیانت

ایتمیه جکمه و دفاع اسلامه چالیشه جفمه عهد ایدرم. جناب حق شاهد اولسون.
دردنجی ماده: مرکز محلی اگر مستدعی به عضویت قبول ایتمدیکی حالده دیگر مرکز
اوچمه بالاخره قبول ایدلممسی ایچون کیفیت مراکزه اخبار اولنور.

جمعیتک تشکلی

بشنجی ماده: دفاع اسلام جمعیتی هیأت اداره لری بو مرکز عمومی هیأتیله ولایت و لوا
هیأت محلیرلرندن ترکیب ایدر و هیئتله محلیرلر زیرده کی شعبات و اقسامه مالک بولنور:

۱. امور مالیه شعبه سی

۲. دعوات و محررین شعبه سی

۳. خدمات بدنیه شعبه سی

اشبو شعبه لرندن ماعدا هر هیئت محلیمیه ملحق بر معاملات قسمیله بر تفتیش قسمی
واردر مرکز عمومی بالاده کی ایکی قسمی عیناً فقط شعبه لریرینه مالیه و دعوات و خدمات
بدنیه امورنده متخصصلردن مرگب مدیریتری احتوا ایدر.

هیأتلرک تشکلی

التنجی ماده: مرکز عمومی هیئتی بش الی یدی اعضاده، مراکز محلیه اوچ الی بش اعضادن
ترکیب ایدر. و مدت خدمت لری بر سندهر.

یدنجی ماده: هر ممالک مرکز عمومی او ممالکنک مقر اداره سندهر. هر ممالکده مرکز
عمومی نک دیگرنه بولنورلر.

سکزنجی ماده: بر خدمت دولته ماموراً مقید اولانلر مرکز عمومی و مرکز محلیرلر هیئتلرینه
اعضا اینتخاب ایدلمزلر.

طقوزنجی ماده: انتخاباتک مبدائی سنه هجریه ابتداسیدر.

اونینجی ماده: هر سنه نهایتنده مرکز عمومی قرعه و یا اکثریت آرا ایله گنه اعضای قدیمه
بسندن لوچنی اخراج و انلرک یرینه شرایط کافییهی حائز ذواتدن اوچنی اکثریت آرا ایله
خارجدن انتخاب و اخذ ایدر.

اوونینجی ماده: ولایت هیئت لری مرکز عمومی طرفندن، لوا هیئت لری ولایت هیأت لری طرفندن
و بشنجی ماده ده کی شعبه لرله قسملر و مدیریترلر مربوط اولدقلری هیئت لری طرفندن،

شعبه لرک ملحقاته اقامه ایده جکی مأمور لر کندی شعبه لر ی طرفندن لیاقتی حقنده اقتضا ایدن محللردن تحقیقات یاپیله رق و مطالعه النهرق انتخاب ایدیلور.

اون ایکنجی ماده: هر مرکز مافوق سنه نهایتنه اوج آی قاله مادون هیئتک انتخابی معاملاتنه باشلایه رق، یکی سنه نک ورودندن اول ایشی ختامه ایروور.

اون اوچنجی ماده: سنه نهایتنده اول هیئت اعضالردن برینک استعفا و اوقاتی و قوعبورسه بقیه مدتی اکمال ایتمک اوزره و اون و اون برنجی ماده لر موجبجه یرلرینه اعضا انتخاب اولنور.

اون دردنجی ماده: جمعیتک امور و معاملات داخلیه سنی تدوین ایدن بالجمله هیئت لر اعضاسی و شعبه و قسملر و مدیرت لر مأمورین و مستخدمینی اعضای عمومی و یا افتخاریدن انتخاب اولنه بیلر لر.

اون التنجی ماده: بالجمله هیئت لر له شعبه و قسمله و مدیرت لر رؤسا سنک خدماتی مجانی اولوب سائر مأمورین و مستخدم لر احتیاج گوسترد کلری تقدیرده هیئت لر طرفندن کندلرینه مناسب معاش تخصیصی ایدیلر.

هیئت لرک وظائفی

اون یدنجی ماده: هر هیئت ماده سنده کی هیئت لرک و کندینه مربوط اولان شعبات و اقسامک خدماتنک حسن جریاننه نظارت و ایله مکلف شعبه لر دهی ملحقانده کی مأمور لرینه قارشی عین وظیفه بی ایفا ایدر.

اون سگزنجی ماده: هیئت محلله لر بودجه عادیله رینی تنظیم و مصارف فوق العاده سنویه لرینی تخمین ایله تدقیق و تصویب بی مرکز عمومی به تکلیف ایدر لر مرکز عمومیه تصدیقندن سنکره بودجه بی موقع اجرا به وضع ایله بودجه عادی به نک صرفیاته نظارت و هر محلک احتیاجنه گوره مصارف فوق العاده مقدارینی تعیین و عندالحاجه اشبو مقدار دان فضله صرفیات اجرا سنه مأذونیت اعطا و اشبو صرفیاتک کیفیت صرفنی تحقیق و تصدیق ایدر لر. اون طقوزونجی ماده: هیئت اعضالرینک و مدیر لرک تلطف، تجزیه، عزل و اخراج لر مرکز عمومیک تصویبیه شعبات و اقسام و ملحقات مأمور لر یککی مربوط اولدق لر هیئت لرک تصویبیه اجرا اولنور.

ایکرمنجی ماده: لا اقل هفته ده بر کره ملحقات مأمور لری منسوب اولدوقلری شعبه لره و شعبه لرله قسملر و مدیر یتلر مربوط اولدوقلری هیئت لره، هیئت لری لا اقل اون بش گونده بو ولایت هیئت لرینه و ولایت هیئت لری لا اقل آیده بو مرکز عمومی یه معاملات عمومیه یه و مصارفات و واردات اجمالنه دائر راپور ویررلر.

یکرمی برنجی ماده: هر سنه نهایتی هیئت لر تبیلر ایتدکجه بالجمله سندات و اوراق و دفاتر و برسنه ظرفنده پاپیلان ایشلرله در دست اجرا و تعقیب اولان ایشلرک محطه سی هیئت جدیدیه تودیع اولنور.

شعبات و اقسامک تشکیلات و وظائفی

مالیه شعبه سی

یکرمی اوچنجی ماده: اشبو شعبه نک هیئت معینه بش الی یدی اعضاء لزومی قدر مرکز و ملحقات مأمور و مستخدم لرندن عبارتدر.

یکرمی دردنجی ماده: اهالینک دفاع ایچون و یره چکی اعانه لری اخذ، حفظ و امر اولنه جیق جهت لره تسلیم و ارسال ایله مکلف اولوب زیرده کی اقسامه آیریلر و اعضاءن هربری بو قسمک ادارمسنی در عهد مایدور.

۱. صندوق

۲. ارزاق

۳. تجهیزات و البسه

۴. مهمات و اسلحه

۵. وسائط نقلیه

یکرمی التنجی ماده: محلی هیئت لرک تصویبیلر مالیه شعبه لری اداره عمومیه محلیه نک مصارفی قارشولغنده غیری واردات موجوده مسنی حکومتک اداره عسکریه سنه تسلیم ایلیوب بر مقبوض آلیر.

یکرمی یدنجی ماده: اداره دفاعیه نک منبعه وارداتی، زکات، هدایا و تبرعاتدن عبارتدر. مالیه تبعه سی هر نوع مودوعاتک مقدار و یاقیمتی نی قدر آز اولسه بیله حسن قبول و نومرو و تاریخی مضبوط و مرکز عمومی مهریله مختوم قوچانلی بو مقبوض مقابلنده اخذ ایدور.

دعات و معررین شعبه‌سی

یکرمی سکزنجی ماده: بو شعبه اعضاسنک عددی غیرمحدود اولوب مرکز محلی هیئتک نظریاتنه تابعدر. بو وظیفه اهلیتی اولان جمعیت اعضالرندن لزومی قدر انتخاب النور.

یکرمی طقوزنجی ماده: نشر لوائج، تأسیس جرائد، تحریر مقالات و رسائل نافعہ اطرافه دعات اعزامیله قونفرانس ویرمک، اهالی نی مدافعیه تشویق ایتمک بو شعبه‌نک وظیفه‌سی جمله‌سندندر.

خدمات بدنیه شعبه‌سی

اوتوزنجی ماده: بو شعبه اعضالرنک اقلی اوچ اکثری یدی‌در.

اوتوزبرنجی ماده: بو شعبه‌نک اعضاسی ملّک منفرد و یامجتمع قوتلرندن بالاستفاده ممکن مرتبه خدمات بدنیه طالبلرنک عددینی تزئید ایتمکله مکلفدر.

اوتوز ایکنجی ماده: هر مرکز عسکریده اشبورگو کلپلر ایچون بو و یازیاده ضابط و بررمحل مخصوص تعیین و تخصیص جهت عسکریمیه تأمین ایتدیرلر.

اوتوز اوچونجی ماده: خدمت بدنیه کلونجه یاکلنز قسم محاربیدن عبارت اولمایوب خسته باقیچیلنی ایچون و منزل و نقلیه خدماتنده واسطه نقلیه‌سیله خدمت تکلیف ایدنلرده احسن قبول اولنور.

اوتوز دردنجی ماده: خدمات بدنیه شعبه‌سنه مراجعت ایدن گو کلپلرکی اسم و مفصل کنیه‌سی و اشیا و اسلحه و تجهیزات ذایتسی، حتی وارسه حیوانی و واسطه نقلیه‌سی قید و ثبت اولنورق محارب و خسته یاقیچی و نقلیه قسملرینه آپریلر ق پوصله لرله برلکده ولو برنفر اولسون بکله‌تلمیه رک اداره عائده‌سنه تسلیم ایدیلر.

اوتوز بشنجی ماده: مراکز عسکریدن اوزاق محل و ملحقاتده کی مأمورلر جمع ایدیلن خدمات بدنیه اربانی کوچوک پوستلر خالنده و برمسئول شخصی و اشیا و پوصله‌لرله شعبه‌یه کوندیریلر. و کلنلر حقنده ده اوتوز دردنجی ماده احکامی درحال تطبیق ایدیلر.

اوتوز التنجی ماده: ملحقاتدن گلن خدمات بدنیه اربانک مرکز عسکریه تسلیمنه قدر اولان مصارفی اداره دفاعیه‌یه عائددر.

اوتوز یدنجی ماده: اوتوز دردنجی ماده موجبہ ادارهٔ عسکریمہ ده کی محل مخصوصہ گوندریلن کویلیر در حال تعلیمہ باشلاتدیریلور، تعلیم و تربیہ و انضباط و وظایف داخلیہ و سوقہ و ادارملری خصوصندہ قواعد عسکریمہ و محل استخدا ملری خصوصندہ ایجابات عسکریمہ تابع اولورلر. انجق بونلر فرداً دیگر افراد نظامیہ ایلہ قاریشیر لمایہ جقدر و جزو منقسملری برلوکندن آز اولمایہ جقدر.

اوتوز سکزنجی ماده: خدمات بدنیه اربانک مدت خدمتی محاربہنک نہایتنہ قدردر. محاربہ نک نہایتندہ افراد مکلفہ نظامیہ میاننہ داخل و یا مرخصی اولمقدہ مختاردلر. اوتوز طقوزنجی ماده خدمات بدنیه اربابی علامت خارقہ اولمق اوزرہ یقالرندہ کوکلی یازینی طاشیرلر

قرقنجی ماده: خدمات بدنیه محاسب مفرزملرینک ایکی بایراغی اوله جقدر بری دینیه کہ برطرفنہ واعتصماو بحبل الله جمیعاً، آیت کریمہسی و دیگر طرفندہ، انفروا حفاقاً و تقلاً، امرالہیسی منقوش بولنہ جقدر دیگر ایسہ او مملکتدہ رسمی بایراغی اوله جقدر. قرق برنجی ماده: آنجق دولتتک اخذ عسکر قانوننہ خلل گتیرمیه جک صورتدہ قوۃ عمومیه نظامیہ داخل اولمیانلر خدمات بدنیه قبول ایدیلور. شعبہ خدمات فعلیۃ نظامیہ ایلہ علاقہ وار اولان کیمسملرک قبول ایدلمہ سنہ دقت ایدر.

معاملات قسمی:

قرق ایکنجی ماده: مرکز عمومی و محلیرک معاملات قلمیملری معاملات قسمی واسطہ سیلہ جریان ایدوب عموم افراد عضوک قیدی محافظہسی، افراد ایلہ ھئیتلرلہ شعبہلر آراسندہ کی معاملاتہ و تبلیغ و تبلیغ واسطہ اولمق و ھئیتلرک بالجملہ معاملاتنہ توسط اشبو قسمک وظائفی جملہ سندندر. و هر آی نہایتی ھئیت مرکزینک اجرا آتینی مرکز عمومی یہ ویرہ جکی راپورک اساساتنی اشبو قسم ترتیب و احضار ایدر.

تفتیش قسمی

قرق اوچنجی ماده: ایکی و یا اوچ اعضادن مرکبدر، لزومندہ اعضانک عددی تزئید اولنہ بیلیر.

قرق دردنجی ماده: مفتشیر مربوط اولدوقلری ھئیتک تعلیمات عمومیہ و خصوصیهسی داخلدنہ تفتیشات و تحقیقات اجرا ایلہ راپورلرینی ویرلر.

مرکز عمومی به مربوطه مدیرت

قرق بئنجی ماده: مدیر لک وظیفه سی متخصص بولند قلی قسمده دیگر شعبه لک امورینی تدقیق و تعقیب و بوابده مرکز عمومی به تکلیف لده بولنجق و اشبو شعبه لره مرکز عمومی آراسنده واسطه اجرائیه اولمقدر.

مواد عمومی

قرق التنجی ماده: هر هیئت و شعبه و قسمک بر مدیریت و معاونی و لزومی قدر یازجیسی اوله جقدر. شعبه لرو قسم لده قادر و دون فضله اعضا و مأوره احتیاج کورولد کده هیئت لک تصویبیه بلامعاش جمعیتک اعضای عمومیه سندن لزومی قدرینی موقتاً اخذ و استخدام اولنور.

قرق یدنجی ماده: عموم تبعلر و قسملر مطبوع و نومرولو مقبوضه و دفاتر لازمه به مالک بولنه جقدر.

قرق سکزنجی ماده: هر شعبه و اقسام داخلنده کی خدماتک تنظیمی و اعمالک تقسیمی او شعبه و یا قسمک مدیرینه عائددر. بو بابده کی خدمات داخلیه پروگراملری مرکز محلی هیئتک تصویبندن صکره موقع اجرایه وضع ایدیلر.

قرق طقوزنجی ماده: ایجاب ایدن شعبه و قسملر ملحقاته وکیل و مأمورلر تعیین ایدرلر. اللنجی ماده: اداره دفاعیه نک مأمورین موظفه داخلی سندن برینک خیانتی و قوعنده حکومت مأمورلرینک حکومته قارشی ایتد کلری خیانت نوعندن تلقی ایدیله جک مربوط اولد قلی هیئت لک طرفندن تحقیقات ابتدائیه اجرا سیله جرمی محاکم حکومته تسلیم ایدیله جکدر.

اللی برنجی ماده: محاربندن صکره بو جمعیتک تشبثاتی مکتب و دارالصنایع تاسیس و خسته خانملرک تزئید و ترقیلرینه منحصر اوله جقدر.

ترجمه اساسنامه ونظامنامه داخلی جمعیت دفاع اسلام

ماده اول: شرایط عضوی

اعتقاد به دین اسلام، عدم اشتها به فساد اخلاق

ماده دوم: اقسام اعضا

۱. اعضای عمومی ۲. اعضای افتخاری

مراد از اعضای عمومی کلیه آحاد ملت است.

اعضای افتخاری افرادی هستند که در مواردی چون جمع‌آوری قوا برای دفاع از کشور، شرکت در جنگها، اعطای کمکهای مالی، تاسیس مدرسه و بیمارستان شرکت کرده باشند.

ماده سوم: قبول نظامنامه

هر عضو فرد دیگری را با دلیل و برهان به قبول اصول جمعیت دعوت و قبول عضویت را به او پیشنهاد خواهد نمود. سپس داوطلب تقاضا نامه عضویت را امضاء خواهد کرد و به مرکز محلی خواهد فرستاد اگر تقاضای او تصویب شود به هیات مرکزی مراجعه و با امضای تعهد نامه‌ای به شرح زیر کارت عضویت دریافت خواهد کرد.

متن تعهد نامه

این جانب اهل شغل فرزند با اعتقاد به تعالی مکتب اسلام و دفاع از حقوق مسلمانان و براساس ماده هشت نظامنامه تاحد قوه و امکان خود وظایف محوله را با امانت و وفاداری انجام خواهد داد و در دفاع از موازین اسلام تلاش خواهم کرد.

ماده چهارم

در صورتیکه تقاضای عضویت فردی در مرکز محلی پذیرفته نشود، مراتب به مراکز دیگر گزارش داده خواهد شد تا از قبول عضویت وی در آن مراکز نیز خودداری شود.

ماده پنجم: تشکیل جمعیت

جمعیت دفاع اسلام مرکب است از هیات اداره مرکزی، هیات عمومی ولایت و هیات محلی است. هیات محلی به شعبات زیر تقسیم می‌شود:

۱. شعبه امور مالی،

۲. شعبه دعوات و محررین،

۳. شعبه خدمات بدنی.

علاوه بر این شعبه‌ها، هر هیات محلی دارای بخش معاملات و بخش تفتیش خواهد بود. اداره مرکزی نیز دو شعبه امور مالی و دعوات و محررین خواهد داشت. مدیریت این شعبات و خدمات امور بدنی با متخصصان خواهد بود.

تشکیل هیاتها

ماده ششم: عده اعضای مرکزی عمومی شش الی هفت نفر است.
مرکز محلی سه الی ۵ عضو دارد که مدت عضویت آنان یک سال است.
ماده هفتم: مرکز عمومی هر کشوری در مرکز همان کشور مستقر خواهد شد. و این مراکز باهمدیگر در ارتباط خواهند بود.
ماده هشتم: افرادی که در خدمتاند نمی‌توانند به عضویت مرکز عمومی یا مرکز محلی درآیند.

ماده نهم: موعد شروع انتخابات آغاز سال هجری قمری خواهد بود.
ماده دهم: در آخر هر سال مرکز عمومی باقرعه یا با اکثریت آراء از اعضای خود سه نفر را خارج و به جای آنان از افرادی که حائز شرایط باشند سه نفر دیگر را با اکثریت آراء انتخاب خواهد کرد.

ماده یازدهم: هیات ولایت را مرکز عمومی و هیات شهرستانها را هیات ولایت انتخاب می‌کند و سازمانهای یادشده در ماده پنجم، یعنی شعبهها، بخشها و هر آنچه مربوط به مدیریت باشد از طرف هیاتها برگزیده می‌شود. مامورانی که در خدمت شعبات دیگر هستند پس از تحقیق از شعبه مربوط درباره صلاحیت آنان، انتخاب خواهند شد.

ماده دوازدهم: هر مرکز سه ماه مانده به آخر سال به انتخاب هیات اقدام خواهد کرد. امور مربوط به انتخاب هیات تا آغاز سال جدید باید به پایان رسد.

ماده سیزدهم: در پایان سال، اگر عضوی استعفا دهد، بر طبق ماده‌های دهم و یازدهم برای تکمیل هیات، عضوی دیگر انتخاب می‌شود.

ماده چهاردهم: برای اداره امور داخلی جمعیت و شعبهها و بخشها و مدیریتهای می‌توان از میان اعضای عمومی یا افتخاری افرادی را انتخاب کرد.

ماده پانزدهم: (در اصل نیامده)

ماده شانزدهم: کلیه خدمات روسای هیاتها و شعبهها افتخاری است. به سایر مامورین و مستخدمین، باتشخیص هیاتها، دستمزد مناسبی پرداخت خواهد شد.

وظایف هیاتها

ماده هفدهم: هر هیات به حسن خدمات هیاتها و شعبهها و بخشهای تابعه نظارت کامل خواهد داشت و شعبهها نیز عین همین وظیفه را در قبال توابع خود ایفا خواهند کرد.

ماده هیجدهم: هیات محلی بودجه عادی خود را تنظیم و مصارف فوق العاده سالیانه را برآورد و برای بررسی و تصویب به مرکز عمومی ارائه می کند. مرکز عمومی، پس از تصویب بودجه، بر حسن اجرا و مصرف آن نظارت خواهد کرد و، بر حسب احتیاج هر محل، بودجه مصارف فوق العاده را تعیین و در صورت لزوم اجازه خرج پیش از اندازه را صادر خواهد نمود و در مورد نحوه مصرف بودجه تحقیق و نظارت خواهد داشت.

ماده نوزدهم: عزل و نصب اعضای هیات و مدیران با تصویب مرکز عمومی و در مورد ماموران شاغل در شعبات و بخشهای تابعه با تصویب هیاتهای مربوط خواهد بود.

ماده بیستم: ماموران توابع به شعبات مربوط، حداقل هفتگی یک بار و شعبات، بخشها و مدیران به هیاتها و هیاتها به هیاتهای ولایت حداقل هر پانزده روز یک بار و هیاتهای ولایت به مرکز عمومی حداقل ماهی یک بار در مورد معاملات عمومی و مصارف خود گزارش خواهند داد.

ماده بیست و یکم: هر هیاتی در پایان هر سال، اسناد و اوراق و دفاتر و همچنین کارهایی را که در مدت یک سال انجام داده اند و یا در دست اقدام دارند به هیات جدید ارائه خواهد داد.

ماده بیست و دوم: (در اصل نیامده)

تشکیلات و وظایف شعبات و بخشها

ماده بیست و سوم: اعضای ثابت این شعبه پنج الی هفت نفر شامل مامورین و مستخدمین مرکزی خواهد بود.

ماده بیست و چهارم: جمع آوری اعانه برای دفاع از اهالی و حفظ و نگهداری اعانه و ارسال آن بر طبق دستور این شعبات خواهد بود. اعضای شعبه بخشهایی به شرح تقسیمات زیر را اداره خواهند کرد:

۱. صندوق

۲. ارزاق

۳. تجهیزات و البسه

۴. مهمات و اسلحه

۵. وسائط نقلیه

ماده بیست و پنجم: (در اصل نیامده)

ماده بیست و هشتم: باتصویب هیاتهای محلی، شعبات مالی، در مقابل مصارف اداره عمومی محلی، موجودی غیر واردات را به اداره عسکریه دولت تسلیم و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده بیست و هفتم: منابع درآمد اداره دفاع عبارت است از زکات، هدایا و تبرعات، کارکنان امور مالی هرنوع امانتی را، هرچند از نظر مقدار کم و بی ارزش باشد، باحسن خلق قبول و بابت شماره و تاریخ ضبط کرده به مهر عمومی مهیور و رسید صادر خواهند کرد. شعبه دعوات و محررین

ماده بیست و هشتم: عده اعضای این شعبه نامحدوده و منوط به نظر هیات محلی است. کسانی که اهلیت تعهد این وظیفه را داشته باشند در حد لزوم از میان اعضا انتخاب خواهند شد.

ماده بیست و نهم: نشر لوایح، تاسیس جراید، تحریر مقالات و رسایل ویا اعزام دعوات به اطراف و اکناف برای سخنرانی و تشویق اهالی به دفاع از اسلام از وظایف این شعبه است. ماده سیام: عده اعضای این شعبه حداقل سه و حداکثر هفت نفر خواهد بود. ماده سی و یکم: اعضای این شعبه مکلف اند، با استفاده از نیروی ملت چه به صورت انفرادی و چه به صورت گروهی در حد امکان عده افرادی را که طالب خدمات بدنی (نظامی) هستند افزایش دهند.

ماده سی و دوم: درهر مرکز نظامی، برای تربیت نظامیان داوطلب یا افسران محلی تعیین خواهد شد و به این امر اختصاص خواهد یافت.

ماده سی و سوم: منظور از خدمات بدنی (نظامی) داوطلبان، تنها بخش محاربه نیست. پرستاری از بیماران، خدمات نقلیه و پستی نیز مورد قبول خواهد بود.

ماده سی و چهارم: داوطلبانی که به شعبه خدمات بدنیه مراجعه می کنند نام و نام خانوادگی، کنیه و اشیاء و اسلحه و تجهیزات خود را مشخص خواهند نمود و اگر وسایل نقلیه از قبیل چارپا، هم داشته باشند مراتب را ثبت خواهند کرد و سپس درمیان بخشهای حربیه، بیمارستان و نقلیه تقسیم خواهند شد. داوطلب حتی اگر یک نفر هم باشد، بدون اتلاف وقت به اداره مربوط معرفی خواهد شد.

ماده سی و پنجم: مناطقی که از مراکز نظامی دورند و مامورانی که در توابع به سر می برند افرادی را که برای خدمات بدنی ثبت نام کرده اند در دستهای کوچک و با

مسئولیت یک نفر به شعبه روانه خواهند کرد. با این افراد براساس ماده سی و چهار رفتار خواهد شد.

ماده سی و ششم: هزینه افرادی که از توابع به مرکز نظامی اعزام می شوند تا زمان تسلیم آنها در مرکز برعهده اداره دفاع خواهد بود.

ماده سی و هفتم: براساس ماده سی و چهار، افرادی که به اداره عسکریه فرستاد می شوند بلافاصله تحت تعلیم قرار خواهند گرفت. تعلیم و تربیت، انضباط و وظایف داخلی این افراد تابع مقررات نظامیگری خواهد بود. البته این افراد با افراد نظامی آمیخته نخواهند شد و در تقسیم بندی واحد آنها از یک بلوک (دسته) کوچکتر نخواهد بود.

ماده سی و هشتم: مدت خدمت افرادی که در خدمات بدنیه (نظامی) هستند تا پایان دوره جنگ ادامه خواهد داشت پس از پایان جنگ، این افراد می توانند به زمره نظامیان درآیند یا مرخص شوند.

ماده سی و نهم: افرادی که در خدمت بدنیه هستند ملبس به پالتو خواهند بود و روی یخه پالتوی آنان کلمه «داوطلب» نوشته و دوخته خواهد شد.

ماده چهارم: گروههای نظامی خدمات بدنیه دو نوع پرچم خواهند داشت یکی پرچم دینی که در یک طرف آن آیه کریمه «واعتصموا بحبل الله جميعا» و در طرف دیگر آن «انفرو اخفاً و ثقالاً» منقوش خواهد شد، دیگر پرچم رسمی کشور.

ماده چهل و یکم: در صورتیکه مغایر قانون سربازگیری دولت نباشد، از افرادی که جزو پرسنل نظامی نیستند برای خدمات بدنیه استفاده خواهد شد. بخش خدمات فعلیه نظامی با دقت تمام در مورد کسانی که علاقمند به همکاری هستند اقدام و اهتمام خواهد نمود. ماده چهل و دوم: امور قلمی مرکز عمومی و محلی از طریق بخش معاملات انجام خواهد شد. ثبت نام کلیه افراد و محافظت آنها و برقراری ارتباط بین افراد با هیاتهای با شعبه ها از وظایف این بخش است. این بخش موظف است در آخر هر ماه گزارشی از عملکرد هیات مرکزی تهیه کند و با امضای خود به مرکز عمومی ارسال دارد.

بخش تفتیش

ماده چهل و سوم: بخش تفتیش متشکل از دوالی سه عضو خواهد بود و در صورت لزوم بر عده اعضای آن افزوده خواهد شد.

ماده چهل و چهارم: بازرسان موظف اند درباره تعلیمات عمومی و خصوصی هیاتهای

تحت نظارت خود تحقیق کنند و نتیجه را گزارش دهند.

مدیریت مرکزی

ماده چهل و پنجم: وظیفه مدیران، در حوزه مسئولیتشان، تحقیق و تعقیب امور مربوط به اتباع است و در این مورد، ضمن اینکه مرکز عمومی را در جریان قرار خواهند داد، بین شعبه ها و مرکز عمومی واسطه اجرایی خواهند بود.

ماده چهل و ششم: هر هیات وشعبه و بخش مدیر و معاون و در حد نیاز منشی خواهد داشت. شعبه ها و بخشها، در صورت نیاز به ماموران دون پایه، با تصویب هیات مدیره، از میان اعضای عمومی گروه کسانی را که شاغل نیستند، به طور موقت و در حد لزوم، استخدام خواهند نمود.

ماده چهل و هفتم: کلیه بخشها و توابع قبض چاپ شده شماره دار و دفاتر مورد نیاز خواهند داشت.

ماده چهل و هشتم: تقسیم وظایف در شعبه ها و بخشهای تابعه از اختیارات مدیر شعبه یا بخش است. در این باب، برنامه خدمات داخلی، پس از تصویب هیات مرکزی، به اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده چهل و نهم: در صورت نیاز به شعبه ها و بخشها نماینده یا مامور فرستاده خواهد شد.

ماده پنجاهم: هر گاه از هر یک از مامورانی که در خدمت اداره دفاعیه هستند خیانتی سرزند، این خیانت از نوع خیانت مامور حکومت نسبت به دولت محسوب خواهد شد. در این مورد از طرف هیات تحقیقات ابتدایی به عمل خواهد آمد و پس از آن مامور متهم برای محاکمه به مسئولان دولت تسلیم خواهد شد.

ماده پنجاه و یکم: پس از جنگ، فعالیت این جمعیت منحصر به تاسیس دارالصنایع، بیمارستان، مدرسه و اقدام برای توسعه و ترقی آنها خواهد بود.

نامهای است که به شارژ دافر دولت عثمانی ارسال شده

موضوع: پایمال شدن حقوق ملت ایران
تایخ: ندارد

به حضور جناب جلالت‌مآب اجل آقای شارژ دافر دولت علیه عثمانی- دام مجددم
معروض می‌دارد.

ما ملت، اتباع دولت جاوید آیت ایران که سالیان دراز در تحت فشار استبداد رجال
درباری مانده از نعمت حریت و مساوات محروم بودیم و در عهد سلطنت شاهنشام خلد
آشیان- اعلی حضرت مظفرالدین شام- انارالله برهانف- به این نعمت عظمی مباهی و سرافراز
گردیدیم. نوبت سلطنت که به شهریار حاضر اعنی اعلی حضرت تاجداری پدر معنوی ما
ملت شاه دوست وطن پرست رسید ورقه حریت ملیه یعنی قانون اساسی را به دستخط‌های
عدیده شاهانه مزین و موشح و به ایمان مغلفه موکد فرمودند لکن، بعضی مفسدین و
خائنین غیرمال اندیش محض ابراز اغراض نفسانی خود در پیشگاه سده سنیه ملوکانه به
اشتباه کاری پرداخته حقوق ثابته و مشروعه ملیه را دستخوش هوی و هوس خویش قرار
داده، خاطر خطیر ملوکانه را از ملت صادق نجیب مکدر نمودند. در بیستوسوم
جمادی‌الاول، مجلس شورای ملی انفصال و به موجب دستخط همایونی در بیست و سوم
شعبان یعنی در سه ماه بعد افتتاح آن مقرر گردید و به موجب دستخطی که در بیست و
هفتم شهر شعبان مجدداً شرف صدور یافت افتتاح مجلس شورای ملی و مجلس سنا به نوزده
شوال معوق گردید. و حال آن که تا به حال اجرای این مواعید ملوکانه به ساحة ظهور و
بروز نرسیده و در ضمن، مفسدین و مغرضین با دسایس و وساوس ملت را در تحت تضییق
گرفتند و جبراً نوشته‌های بی‌معنی گرفته که سند جواب‌گویی طالبین حقوق قرار دهند. و

ما این مطلب را در ده روز قبل به آن سفارتخانه محترم اخطار نموده و اطلاع دادیم. ما ملت نجیب ایران که از قدیم‌الایام تا به حال همواره داد شاه دوستی و وطن‌پرستی زده و بر تمام عالمیان نجابت فطری و اصالت ذاتی خود را اظهار و اثبات نمودیم چگونه راضی شویم که حقوق صریحه ثابت ملی محض اغراض بعضی کج اندیشان پایمال گردد. لهذا از آن جناب که سمت نمایندگی دولت علیه عثمانی - دام مجده - را دارید استدعا می‌نمائیم که این عرض حال ملت را که خائنین مانع از رسیدن به خاکپای جواهر آسای ملوکانه هستند یک ساعت اول تقدیم نموده و در این باب به نام انسانیت و معاونت نوع از تشبثات لازمه و قطعیه فروگزاری نفرمایند که صبر و شکیبایی برای ملت باقی نمانده طرق و شوارق ناامن اموال تجارت منهوب اغراض ملت غیر مصون تجارت با خارجه کلیه و بالمره مقطوع شده چندین ملیون ضرر و خسارت به عموم طبقات وارد گردیده، حال آذربایجان و سایر بلادش مثل استرآباد و گیلان و فارس و غیره از هر جهت معلوم. استدعا آن که از پیشگاه اعلیٰ حضرت تاجدارای حقوق صریحه ثابت ملی را استرحام نمائید تا آسایش بلاد و ترفیه حال عباد گردد. و عالم انسانیت و تمدن را از خود ممنون و متشکر فرمایند.

امضا کنندگان:

در حاشیه به خط جمال‌الدین افجه‌ای آمده:

سابقاً نوشته و حال هم می‌نویسم، عقل و شرع دو حاکم صادقند که فقدان مشروطیت و اشاعه ظلم نه تنها مانع از ترقی و تمدن بلکه مورث تزلزل استقلال مملکت و سلطنت است. پس سعی در تشکیل مجلس شورای ملی و قطع ایادی مستبدین از اهم فرایض دینی و مدنی است. الاحقر جمال‌الدین الحسینی الافجه‌ای.

اقل سید محمد کاظم اصفهانی، اقل الحاج محمد جواد اصفهانی، اقل الحاج اسماعیل، قوام‌السادات، اقل الحاج مهدی، عبدالملوک شیخ عبدالکریم اصفهانی، اقل محمد حسین اصفهانی، الاحقر محمد بن زین‌العابدین الحسینی، اقل الوعاظ محمود، اقل خدام‌الشریعه محمد صادق، اقل خدام‌الشریعه الحاج میرزا بزرگ، حرره الاحقر صدرالعلماء حاجی علی

اسلامبولچی، اقل محمد تقی، اقل حاج سید محمد تاجر تهرانی، اقل عباد محمد حسین
الموسوی، رئیس بلدیہ تهرآن، بسمہ تعالیٰ، ان الله يامر بالعدل و الاحسان الاحقر الخدام
الشرع جوادین محمد حسین امجد العلماء ، الله ميرزا علی،....*

* بایگانی نخست وزیری، اوراق بابمالی، ش ۲۶۰۵۵۳.
۱. در اصل بهداد.

دستخط محمد علی شاه قاجار

موضوع: سوء قصد به جان محمدعلیشاه

تاریخ: ۲۶ محرم ۱۳۲۶

به همه حکام ولایات تلگراف شود امروز جمعه ۲۶ بعد از ظهر درحالتی که به عزم تشریف‌فرمائی فرح‌آباد از خیابان دوشان تپه عبور می‌فرمودیم اشخاص مجهول‌الحالی سوء قصدی کرده به خیال اینکه ما در توی اتومبیل که دریک صدقدمی پیش روی ما می‌رفت نشستیم دو نارنجک خالی کرده ولیکن خودمان چون در توی کالسکه بودیم بحمدالله، به هیچ وجه ظفری واقع نشد وبا نهایت صحت و سلامت این دستخط تلگرافی را مرقوم فرمودیم که از سلامت وجود همایون مستحضر بوده واین بشارت را به علمای اعلام ابلاغ کنید. به تاریخ ۲۶ محرم الحرام مسیحی مطابق ۱۵ فورال ۱۹۰۸ *

* اصل نامه به ضمیمه روزنامه حبل‌المتین کلکته شماره‌های (۲۴ محرم ۱۳۲۳)، الی (جمادی‌الثانی ۱۳۲۳) در کتابخانه هامبورگ مضبوط است.

نامه حاج عبدالکریم امام جمعه آذربایجان به شهبندز دولت عثمانی^۱

موضوع: درخواست تابعیت از دولت عثمانی

تاریخ: ۲۵ رمضان ۱۳۲۷

چون حالیه بجهت بلوای شورشیان، مملکت ایران از امنیت به کلی خالی شده، علی‌الخصوص در شهر تبریز زندگانی غیرممکن و خوف خطر جاناً و مالاً موجود، لهذا خواهش و تمنی می‌کنم به اولیای دولت علیه عثمانی اطلاع داده، خود داعی و اقوام و کسان و املاک را از تعرض و مزاحمت اشرار حفظ و به تحت حمایت قبول فرموده تا این که، خود داعی و اقوام و کسان و املاک در حفظ و حمایت دولت قوی شوکت علیه بوده باشیم. معلوم است بذل توجه خواهید فرمود. وداعی دوام دولت قاهرة اسلامیة، خادمالشریعة، عبدالکریم^۲ امام جمعه مملکت آذربایجان. ❁

۱. عنوان نامه چنین است، صورت مراسله امام جمعه آذربایجان است که به شهبندز دولت علیه عثمانیه تقدیم داشته مورخه ۲۵ شهر رمضان ۱۳۲۷

۲. حاج مهرزاعبدالکریم امام جمعه تبریز پسر حاج مهرزاعبدالرحیم، از علماء و ملاکین مستبد آذربایجان بود. با محمدعلی شاه رابطه نزدیک داشت. در سال ۱۳۲۴ در یک قیام ملی از شهر اخراج و در قریه قزلجه میدان در نزدیکی تبریز که از املاک خودش بود سکنی گزید و سرانجام در جمادی‌الثانی ۱۳۳۶ به اتفاق پسرش به قتل رسید. رک: تاریخ رجال ایران ج ۲، ص ۲۷۵.
❁ بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۰.

نامه علماء السلطنه^۱ وزیر امور خارجه به سفیر دولت عثمانی*

موضوع: تسویه کار ورثه حاجی عبدالرحیم

تاریخ: ۵ ربیع الاول ۱۳۲۶

به موجب قرارداد شفاهی جناب شمس الدین بیک سفیر کبیر سابق، قرار بود وارث مرحوم حاجی عبدالرحیم وکیل السفاره به طهران بیایند که مدلول قرارنامه بین وزارت خارجه و آن سفارت کبری در تسویه کار ورثه وکیل السفاره اجرا گردد. نظر به این قرارداد، مقتدر السلطان که سمت قیمومیت از صغیره وکیل السفاره دارد چند روز است که آمده، گلین خانم هم از بابت حقوق خود یک سال است در اینجا متحمل مخارج و خسارت شده و به انتظار تسویه این کار به سر می برد لیکن سایر ورثه با این که از طرف سفارت سنیة احضار شده اند هنوز نیامده اند و معلوم هم نیست بیایند. و از قرار مسموع، بعضی از ورثه هم که در طهران بودند دوروز است رفته اند. این حرکت آنها و این اصرار وقت سایر ورثه که در کرمانشاهان هستند موجب خسارت صاحبان حقوق و طلبکارها شده همه روزه به وزارت امور خارجه تظلم می نمایند. لهذا، از حق گذاری آن جناب خواهشمند است، موافق قرارداد جناب شمس الدین بیک امر اکیداً تلگرافی به وراثتی که در کرمانشاهان هستند بشود زودتر به طهران حاضر گردیده در رسیدگی و تسویه امر و احقاق حق ذوی الحقوق پس از این همه مطالعی و خسارات فوق الطاقه اقدامات لازمه به عمل آید. موقع را مغتنم دانسته احترامات فایقه را تجدید می نماید. زیاده چه زحمت دهد.

سواد مطابق با اصل است

مجید منشی ثانی

۱. میرزا محمدعلی خان علماء السلطنه فرزند میرزا ابراهیم خان مهندس در ابتدای جوانی به خدمت امور خارجه درآمد و در سال ۱۳۲۶ با سمت کارپرداز اول ایران در بندر بمبئی مشغول به کار گردید و تا سال ۱۳۸۷

در این سمت بود که در همین سال به تهران احضار و در سال ۱۲۸۸ ملقب به معین‌الوزاره و به نیابت حکومت گیلان منصوب شد. در سال ۱۲۹۶ کارپرداز ایران در بغداد و سپس به تفلیس رفت و تا سال ۱۳۰۷ در همین مقام بود تا این که به مقام وزیر مختاری انگلیس ارتقا یافت و در سال ۱۳۲۴ به وزارت امور خارجه منصوب شد.

علامه السلطنه در دوره مشروطیت در کابینه‌های مختلف پنج بار وزیر امور خارجه سه بار وزیر فوائد عامه یک بار وزیر تجارت و چهار بار وزیر فرهنگ شد. و در صفر ۱۳۳۱ به نخست‌وزیری تعیین گردید و پس از هفت ماه صدارت کابینش سقوط کرد و کابینه مستوفی‌الممالک بر روی کار آمد. تاریخ رجال ایران، ج ۳، ص ۴۴۹

* عنوان نامه چنین است، صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه مورخه ۵ شهر ربیع‌الاول نمره ۳۴۰۰.

متن تلگراف فرمانفرما حاکم کرمانشاهان به علامالسلطنه وزیر امور خارجه^۱

موضوع: امنیت راههای کرمانشاهان

تاریخ: ۱۶ شعبان ۱۳۲۷

خدمت حضرت مستطاب اجل، آقای علاء السلطنه وزیر امور خارجه، دام اقباله.
تلگراف نمرة ۶۴۷ زیارت و برای مزید استحضار خاطر محترم به اخبار، به بسط مقال
هستم.

بنده نظر به عوالم حسن ظن و اطمینانی که به ملاطفت و مساعدت حضرت سفیر کبیر
و مقام ارادت خودم به ایشان داشتم در بدو ورود به کرمانشاهان، حسن مناسبات بین این
دو دولت ذی شوکت اسلامی و شرح مساعدت خودم را به شهبندری این جا خاطر نشان
کرده و منتظر بودم که از طرف او هم تا یک اندازه همراهی بشود تا به نیل مقصود موفق
آئیم. برخلاف انتظار پس از چند روز راهپوری که شاید به وسیله یکی از اتباع عثمانی بود به
این بنده رسید که شهبندر به ملاحظاتی تبعهها را تحریک و تهییج کرده است بگویند امنیت
نداریم و مشغول نوشتن مضبطله هستند. هیچ باور نمی کردم با وجود مقاولاتی که شفاهاً
کرده بودیم شهبندر اقدام به یک همچو حرکتی که بر خلاف نزاکت و منافعی سلم و صفوت
است بنماید تا این که اتفاقاً در همان روزها به ملاقات بنده آمد. در ضمن صحبت از او
پرسیدم که می گویند تبعه همچو یک عنوانی کرده و مضبطله نوشتنشان اظهار بی اطلاعی
کرده به منزل که رفته کاغذی نوشته که تبعه می گویند در قصر، امنیت نیست و حال آن که
پس از انقلاب اخیر سالارالدوله، دیگر به هیچ وجه اتفاقی رخ نداده بود که مورث عدم
امنیت باشد. چون اولین اقدامی بود که به خلاف انتظار از او ظاهر شد اهمیتی ندادم و از
عقایدی که به اتباع عثمانی در وجودم راسخ است هیچ فروگذار نکردم به تدریج مقاصد و

عقاید شهبندر کشف و معلوم شد که مشارالیه در حدّ و مشکل تراشی و بهانه‌جوئی است و تمام همش مصروف بر این است که، یک مسأله موهومی را به عنوانهای مختلفه اهمیت داده، اسباب زحمت فراهم کند. مثل این که همین مسأله فراش شهبندر خانه را که ایرانی و مستخدم آن جا است، با این که اصل قضیه و موضوع مسأله قابل آن که به حکومت هم برسد نبود باید فقط کارگزاری تسویه‌اش نماید، مع‌هذا، مرقباتی برای او چیده و طوری به سفارت اهمیتش داده که حضرت سفیر آن را قابل مذاکره با وزارت جلیله خارجه دانسته‌اند و شرح قضیه این است که چندی قبل جهالهای عرب ادعای یک نفر شتر که در تصرف مسلمی یک نفر از اتباع و منتهی بیست تومان قیمت داشت می‌گشتند، بعد از مراجعه به کارگزاری تراضی طرفین مسأله رجوع به شرع شد چون جهالها نتوانسته بودند شرعاً ادعای خود را مدلل کنند حاکم قضیه به ضرورت حقانیت تبعه ایران صاحب شتر را تصدیق و کماکان شتر در تصرف او ماند. جهالهای عرب به این [.....] نشده بدون هیچ مستندی از بیستون شتر را گرفته به کرمانشاهان آورده بودند. ایرانی صاحب شتر، مراجعه به کارگزاری کرده کارگزاری هم برای این که بکلی رفع غائله گردد فرستاده بود که جهالها با فراش شهبندری در کارگزاری حاضر شده شتر را هم بیاورند که رفع اختلاف کنند. جهالها به اتفاق همین فراش‌بازی مأمورین و صاحب شتر را کتک مفصلی زده و مخصوصاً فراش شهبندری برای مأمورین رولور، کشیده بود. در این اثنا دونفر از مجاهدین می‌رسند مأمورین و صاحب شتر را از چنگ آنها خلاص می‌نمایند. فراش مزبور بامجاهدین کمال خشونت و قاحت را می‌نماید و مخصوصاً فراش در محضر آقای سهام‌الدوله معاون ایالتی در بدو مذاکرات باحضور میرزا علی اکبر خان منشی اقل قونسولگری انگلیس و جمعی دیگر در جزو گفتگو اقرار کرده بود که جهالهای عرب و مأمورین و صاحب شتر را کتک زده‌اند. چون زیاد بودند من نتوانستم جلوگیری کنم به شهبندری که ابراز قضیه نموده حقیقت امر را به او فهمانده برای این که به خوبی و مساعدت و همراهی خودم او را آگاه نمایم به ایشان گفتم که هر چه سبقت شرارت و تقصیر از طرف جهالها و فراش شهبندری بود و مستوجب تنبیه می‌باشند مع‌هذا برای تکمیل مساعدت مضایقه ندارم مأمورین ایرانی را مجبور نمایم از حق خود که تنبیه جهالها و فراش است صرف‌نظر نمایند. یا این که در ایالت و کارگزاری برای کشف حقیقت امر و استنطاق مجلسی تشکیل بشد. باش کاتب شهبندری حضوراً قبول نموده بود استنطاق کرد و از آن جا که مشارالیه کلیه خیالش بر بهانه‌جوئی بود سخت

مقاومت کرد که باید مامورین ایرانی متنبه و رسماً ترضیه بدهند. حالا خوب تصور بفرمائید اگر غرض مشکل تراشی و بزرگ کردن مسائل کوچک نباشد گفتگوی یک شتر بیست تومانی به این ترتیب محتاج به این طور اقدامات و اهمیت دادن نیست که فی مابین یک مقام رسمی محترمی مثل وزارت امور خارجه و سفارت کبرای عثمانی مطرح و مذاکره رسمی شود. مراسلات رسمی که در این موضوع فی مابین کارگزاری و شهبندری ردوبدل شده کارگزاری سواد آنها را در ضمن مراسله نمره ۱۵۶۴ به وزارت جلیله امور خارجه تقدیم داشته بود از مراجعه صدق این عرایض معلوم خواهد شد. و از جمله مسایل غیرمهمی که اهمیت داده به سفارت شکایت کرده یکی هم مسأله حق مرتع ملاک از شتردارها است که حالا سالها معمول و این حق مرتع باعلوفه که از علاف خریداری می شود هیچ تفاوت ندارد و سابقاً هم مطرح مذاکره بوده است تصور بفرمائید شتردار پول بدهد جو از علاف بخرد یا این که قیمت مرتع به صاحب ملک که شتر در آنجا می چراند بدهد فرقی دارد. و یک همچو مسأله قابل شکایت نیست که محل کلام باشد. مثلاً می نویسد در هفده نقطه حق مرتع می گیرند از قلعه سبزی تاهمدان که شتر می رود همه مرتع دارد شتردار در هفده نقطه مرتع می چراند یا بیشتر یا کمتر مرتع چرا باید حق مرتع به ملاک بدهد مربوط به حکومت نیست و شاید صاحب ملک حالا مرتع خود را چهارشتری یک قرآن بفروشد سال دیگر بیشتر یا کمتر بفروشد دخلی به حکومت ندارد و نمی توان او را مجبور کرد که باید مرتع ملک خود را مجبوراً بـ_____فـ_____لان قیمت بدهی یا پول نگیری. زیرا این تکلیف مثل این است که شتردارها توقع داشته باشند در منزل، گاه و جو برای آنها حاضر کنند به آنها بدهند پول نگیرند و این مهسأله امکان ندارد و سرهم رفته غرض این است که این مسأله نیز قابل اهمیت و شکایت نیست، مثل همین کاروانی را در این تلگراف نوشته شده است در پنج فرسنگ شهر غارت شده، تفصیلش این است اوقاتی که سالار الدوله اخیراً نزدیکی هرسین آمده کاکاوندهای لرستانی را تحریک به شرات و هرزگی کرده بود قریب هفتصد نفر از اشرار کاکاوند قبل از اذان صبح غفلةً به بیستون که صد نفر از سوار سنجابی در آن جا مقیم و مراقب حفظ مال التجاره بودند هجوم آورده بعد از زدوخورد زیاد شش نفر از سنجابیها زخمی و دونفر کشته شدند چون در مقابل هفتصد نفر کافی نبودند به ضرورت قدری عقب نشست و سواری که در نقطه حاجی آباد دوفرسنگی بیستون داشته به استمداد خود خواسته درحالتی که کاکاوندها به



میان قافله ریخته مشغول غارت شدند سنجابی‌های مأمورین بیستون به استمدادی که به آنها رسیده به کاکاوندها هجوم آورده جنگ خیلی سختی با آنها کرده بالاخره آنها را شکست فاحش داده قریب چهارده نفر از اشرار را مقتول و تعاقبشان کرده در این بین سنجابی‌ها کاکاوند را دنبال کرده مکاریها و حمالها از این بارهائی را که اشرار کاکاوند باز کرده چه بوده چه در آب انداخته تمام را جمع کرده مجدداً بسته و بار کردند به شهر آمدند. برای تنبیه همین اشرار کاکاوند، چنان اقدامات را کرده بودند. یک عده دیگر از سنجابی بااستمداد بختیاری و مجاهد رفته آنها را تنبیه کامل کرده اموالشان را غارت و چند نفر از آنها را هم مقتول نموده برگشتند. حالا بنده منکر این نیستم که در وقت ریختن کاکاوند میان قافله چند وصله از این مال التجاره تفریط شده باشد و خود حمالهای عرب و مکاری برده باشند. ظن غالب بلکه یقین دارم که حمالها و مکاریها خودشان از این مال زیوررو کرده و در وقت جمع کردن تقلب نموده باشند، ولی این مسائل قابل این نیست که اظهار خسارت خیلی اغراق بنمایند. خلاصه، اگر بخواهیم شرح مشکل تراشی و بهانمجوئی این شخص را عرض نمایم تلگراف سهل است دفتر هم گنجایش ندارد. و خالی از لزوم نمی‌دانم که این مسأله را در خاتمه عرض نمایم، چند روز قبل بایک مراسله رسمی که نمره ۶۱ خصوصی بود و به کارگزاری سپردهام سوادش را به وزارت خارجه تقدیم دارد اظهار داشت که حاجی ملک نام ایرانی به من سوء قصد دارد، باین که هیچ دلیلی و قرینه بر حقیقت این ادعا نداشت مع هذا او را حبس کرده و قرار داده شد در کارگزاری باحضور خود شهرداری مجلس تشکیل و استنطاق شود و به موجب مراسله نمره ۷۱ خصوصی وعده داد که حاضر شود همین که مجلس تشکیل نشد موافق مراسله ۱۵ رجب که نمره نگذاشته و سواد هردو مراسله کارگزاری تقدیم نمود حاضر شد و آن وقت بعد از دو سه روز از شهیندرخانه حسن طلب کردند. حاجی ملک را ضامن گرفته مرخص نمائیم بالجمله از این بهانمجوئیه و اقدامات غیرمنتظره حس می‌شود که به مقدمات عدم امنیت و غیره می‌خواهد عسکری مجدد بر عده‌ای که در این جا هست مزید نماید. در صورتی که قونسولخانه روس شش نفر قزاق و قونسولخانه انگلیس هفت نفر سوار هندی بیشتر ندارد شهیندر به همین دسایس مختلفه در سابق متدرجاً قریب پنجاه نفر عسکر وارد کرمانشاهان نمود. و حال آن که کرمانشاهان بعد از ورود بنده کمال امنیت را دارد. با هزاران زحمت امنیت و انتظام شهر را اعاده کرده و قونسولهای روس و انگلیس و غیره باعیال و اطفال درباغهای خارج شهر

منزل دارند. بانهایت امنیت و آسودگی زندگانی می نمایند و از سوابق معلومات این شهیندر این است که در موقع هجوم سالارالدوله به کرمانشاهان یک عده از مجاهدین بدبخت بیچاره به شهیندرخانه متحصن گردیده آنها را تسلیم سالارالدوله کرده معاملاتی با آنها شد که بنده از عرض آن معاملات مشمئز و متأسف هستم. تفنگهای سمتیر و پنج تیر آنها هم به اظهار این که من مسئول قشله عسکرهاى شهیندرخانه نیستم. جز هفت قبضه مسترد کردند معلوم نشد که برد و چه شد. و چندی وی که پنج شش نفر از همین مجاهدین را در آن موقع فراراً به عتبات نیز مراجعت کرده بودند عرضمان داده اسلحه و اسباب خود را خواسته بودند و کارگزاران رسماً به شهیندری مراجعه کرد ولی نتیجه نبخشید. و علاوه تأسف بنده از این است که یک مأمور رسمی مسلمان در مملکت اسلامی در حالتی که هردو ملت گرفتار پارهای محظورات مختلفه هستیم چرا باید تا این درجه مشکل تراشی و بهانه جوئی نمائیم و اگر غرض بهانه جوئی نباشد قونسولهای روس و انگلیس و اتباع خارجه و داخله در این جا هستند از امنیت راه تحقیق فرمایند و اقوی دلیل امنیت راه این است که پنجاه هزار تومان از این راه حمل به همدان می شود و هیچ روزی نیست که کمتر از پانصد ششصد بار مال التجاره داخله و خارجه حمل نشود. اگر راه امنیت نداشت پس اینها چگونه عبور می کردند. بنده منکر سرقت در این خطه یا در خاک ایران نیستم ولی این سرقتها هم از نظایر سرقتهایی است که در راه کربلا و نجف و سامره و غیره می شود. اعمال ایلاتی حالیه ما هم مثل اعمال عشایری ولایت بغداد و سوریه است که عثمانی ها هم دارند و شباهتش خیلی نزدیک و تفاوتش چیزی نیست که فوق العاده خیلی مستبعد باشد. باقی مسائل منوط به بیانات شریفه وزارت جلیله امور خارجه و نصفت و حق گزاری حضرت سفیر کبیر است. ۱۶ شعبان. فرمانفرما*

سواد مطابق با اصل است. محمد منشی

توضیحات

۱. عنوان نامه چنین چنین است: سواد تلگراف حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما ولی غرب از همدان به تهران
۲. محمود لایق.
- * بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۱

متن تلگراف اهالی قم به سفارت عثمانی

موضوع: دفاع از حقوق حقه ملت ایران

تاریخ: اول قوس ۱۳۲۸

خدمت با جلالت سفرای کبار و وزرای مختار دول معظمه عثمانی و آلمان و اطیش و آمریکا و هلند^۲ - دامت شوکتهم - اغلب ملل عالم مستحضرند که، ملت مظلوم ایران به واسطه استرداد حقوق مفضوبه خود، مدتی است دچار هزارگونه تظلمات و صدمات فوق‌الطافه بوده و هستند. این مطلب هم بر هیچ کس از منصفین دنیا پوشیده نیست که در ابتدای تغییر هراساس^۲، دست طبیعت تولید انقلاب اختلافی می‌نماید. به شهادت تاریخ در تمام دول دنیا از اینگونه حوادث طبیعی که لازمه تجدد است بوده و هیچ رد و بحث و ایرادی شنیده نشده معلوم نیست به کدامیک از قوانین عالم دولتین فخیمتین تمسک اجسته و به اقدامات حق‌شکنانه عالم انسانیت را، متزلزل و استقلال پنج هزارساله ایران را تهدید نموده، جابرانه در مقام تجاوز و مداخله برآمده‌اند. لهذا، عموم ملت مظلوم ایران بعد از معرفتی مظلومیت خود به تمام سگان کره ارض و ملت حیه عالم خاصه، نمایندگان منصف محترم دول متحابه، که حامیان عالم انسانیت و حقوق نوع بشریت‌اند معروض می‌دارد که، تا آخرین نفس در حفظ بیضه اسلام و آب و خاک ایران و مدافعه از وطن خود به هر قسم فداکاری حاضرند. البته آن متمدنین محترم هم در مقام حفظ حقوق بین ملل و آسایش استقلال کلیه دول که فریضه ذمه انسانیت است خواهند بود. و در اجرای این وظیفه مقدسه کوتاهی نخواهند فرمود.

علمای اعلام، متولی‌باشی و سایر طبقات قم، متولی‌باشی آقاسید عبدالله مجتهد، آقاحسن مجتهد، حاجی سید اسحق مجتهد، حاجی آخوند مجتهد، حاجی سید صادق

مجتهد، حاجی میرزا محمد مجتهد، حاجی ابو محمد مجتهد، میرزا ابوالقاسم مجتهد،
میرزا ابوالحسن مجتهد، حاجی شیخ غلامرضا مجتهد، جلال الدین الحسینی، عیسیٰ یک،
ولی فتح الله بیگدلی، ملک الواعظین، حاجی سید جعفر رئیس التجار، حاجی سید شکر الله
باقر، حاجی سید علی باقر، میرزا علی نقلی رضوی، محمد حسین، حاجی محمد جعفر تاجر،
حاجی سید محمود.*

توضیحات

۱. نام برج نهم از دوازده برج فلکی. برابر با ماه آذر از سال شمسی.

۲. در اصل: هولند

۳. در اصل: هر تغییر هراساس

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی شماره ۲۵۰

تلگراف اهالی اصفهان

موضوع: تجاوز دولت روسیه به ایران

تاریخ: ۲ قوس ۱۳۲۸

صورت تلگرافی است که از اصفهان رسیده

گوئید به مجلس مقدس هیئت وزراءالعظام منبع ایرانیان، توسط جنابان مستطابان اجل، سفرای عظام، مقیمین دربار علیّه ایران، به دربارهای دول متحابه معظمه همجوار و غیرهمجوار، از کلیه حامیان نوع بشر و هواخواهان حریت و آزادی اهل عالم و طرفداران عدالت و به وسیله تمام جراید آزادی خواه دنیا، با کمال احترام شرع گرفتاری ملت مظلوم تازه بیدار ایران به مسامع عالمیان رسیده هنوز از فشار سخت استبداد حکومت سابق غاصبه نفسی نیاسوده ایم دولت روس اوسهای باطنی که سالیان دراز در سر و طمع خامی که به مسلک دیرینه داشته، امنیت اتباع خارجه را بهانه نامشروع ورود قشون روس به خاک ما که هنوزش خون جوانان راه حریت خشک نشده و قرارداد محض اشتباه امر تعهد خروج آنها را به حصول امنیت آنان مقرر داشت در صورتی که بر تمام منصفین معلوم مسلم است که سلطنت مشروطه ایران بر حفظ امنیت و استقلال خود قادر است و هیچ وقت هیچ خطری بر اتباع خارجه نبوده و نیست و اگر اندک اغتشاشی بوده معلوم است به تحریک کیست. در این مدت یک سال و نیم قشون روسی هرچه توانستند تولید اشکال نمودند، دولت ایران موفق به رفع و دفع آن گردید. بعد از این که، تعدیات واضحه و مداخلات عداوت کارانه آنها بر تمام خلق جهان محقق گردید و جراید آزادی خواه عالم، به بانگ بلند مصدق نامشروعیت توقف آنها شده اند امتیازات چند را شرط خروج قرار می دهند. دولت انگلیس هم که خود را حامی مشروطیت و عدالت معرفی کرده اندک اغتشاش جنوب را وسیله مساعدت با مقاصد

نامشروع روسی قرار داده، رقعۀ اعتراض که استقلال ما را تهدید می‌کند عموماً اهالی اصفهان با یک صدای عالم رسا از حرکات دو همسایۀ شمال و جنوب خود شکایت و اظهار عدم رضایت می‌نمائیم. اکنون در داخله خون ریخته می‌شود از ماها است، به اتباع خارجه تعرض نمی‌شود. اگر مالی به سرقت یا به غارت می‌رود از ماها است ضرری به تجارتخانه نرسیده و نمی‌رسد. اتباع خارجه محفوظ، تجارت آنها برقرار است. ماها ناامنی را بر امنیتی که به توسط خارج باشد مقدم می‌داریم. ماها مردن را بر زندگی که ذرهای مخالف اسلام و استقلالمان باشد ترجیح می‌دهیم. ما را به حال خودمان بگذارند روابط دوستی را رعایت می‌نمائیم. باب تجارت، برای اهل عالم باز است امتیاز به حضور قشون نمی‌دهیم. بیش از این صبر و سکون نداریم فریاد مظلومیت ما ایرانی بدبخت را بشنوید که همه‌جا و همه کس در داخل و خارج ایران خاصه برادران ساکنین خاک عثمانی مخصوص مقام مقدس ریاست روحانی و سایر پیشوایان دین و مذهب اسلام همین ناله دلخراش را به مسامع جهانیان می‌رسانند و این تظلمات عصر دوشنبه ۲۵ ذی‌قعدة با حضور مبارک حضرت آیت‌الله و سایر علماء اعلام و حصول اسلام و اعیان و اشراف و سادات و عموم خلق مرقوم شده تمام اهل اصفهان در حمایت اسلام جاناً مالاً حاضر و اطاعت دارند. عموم علما، عموم اعیان و اشراف، عموم تجار، عموم کسبه و اصناف، داعی شیخ محمدتقی نجفی، داعی آقا کمال، داعی حاجی آقا، داعی ابوالقاسم الموسوی زنجانی، داعی سیدالعراقی، داعی احمد دولت‌آبادی، داعی میرزا احمد دولت‌آبادی، داعی کلباسی، داعی میر محمدتقی، مدرس منجم‌باشی، بهاء‌الدین نوری، میرسید حسن امامزاده و سایر علما و سادات و اشراف و تجار و کسبه.*

صورت تلگرافی است که از همدان به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده است.

موضوع: توقف سپاه روس در ایران

تاریخ: دوم قوس ۱۳۲۸

گوئید به تمام سفرای عظام، مقام محترم سفرای عظام دول متمدنه متحابه- دامت شوکتهم- به هیچیک از دول متمدنه عالم، طول توقف قشون روس و سوءاثرات او در مملکت ایران پوشیده نیست و همه به خوبی می دانند که این مهمانان ناخوانده تا چه اندازه حیات ملیت و اسلامیت ما را به عنوان ایجاد امنیت در فشار دارد، خصوصاً یادداشت اخیر دولت فخریه انگلیس که بکلی استقلال ملی ما را تهدید می نماید، لهذا ما ملت ملیه همدان، با کمال احديت و اتحاد به کلمه واحده به توسط سفرای عظام به عموم دول متمدنه، پروتست می نمائیم که، اندکی عطف نظر و توجه مخصوص به طرف این مملکت و ملت تازه بیدار فرموده، حیات ملت ایران را از تجاوزات استقلال شکنانه اجانب محفوظ بدارند که عاقبت امر منجر به استعمال قواء ملیه و دفاع مذهبيه نشود.

عموم ملت از مسلم و یهود و ارامنه همدان، آقا ابراهیم مجتهد، آقا سید یوسف مجتهد، عبدالوهاب رضوی، علی رضوی، آقا شیخ ضیاءالدین، آقا شیخ نور علی رضوی شریعتمدار محمدباقر، آقا شیخ علی مجتهد، آقا سیدحسین، محمدصادق احمد محمد حسن حاجی میرزا حسین مجتهد روح الله زین العابدین قراگوزلو، حسام الملک، علی مهدی، عبدالله محمدالحسینی، اعزاز السلطان، عبدالله ابوتراب، عبدالحسین آقاتقی، محمدحسن صفالملک، عموحسین، تقی رضوی، محمدالموسوی، علی اکبر، محمدحسن، میرزا آقا اسدالله، فریدالسلطان، حاجی آقا مهدی حسین میرزا حسین، حسن ابوتراب، عباسقلی علی اکبر، احمد حسین ابراهیم، حسن صادق، عبدالله صادق، رضا محمدحسن، حاجی محمدعلی، علی رضوی، باقر عبدالعلی، تقی رضوی، میرزا محمد، میرزا حیدر، علی نوروز، حسن الحسینی محمدباقر، مرتضی مصطفی محمد محمدجعفر، نورعلی، علیرضا علی کریم،

لطف‌الله، رضا نورالله، رضا محمد، دکتر طاطاوس، ساموئیل داودیان، اوانس واعظ،
طونیاس تکران خان، استیفان کوکل آقاجان، ماردیر وسانس ارمیناک تکران، یحیی، میرزا
ابراهیم، یوسف توکل عزیزالله، مراد ابراهیم داود سلیمان، الیاهو اسمعیل شمعون حیم
عزیز ابراهیم ابراهیم اسحق.*

صورت تلگرافی است که از شیراز به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده

موضوع: تجاوز سپاه روس به ایران

تاریخ: ۶ قوس ۱۳۲۸

اداره مرکزی تلگرافخانه، تلگراف ذیل را گوئید کرده به وزرای مختار دول متحابه عثمانی انگلیس، آلمان، روس، فرانسه، آمریکا، اطیش، ایتالیا، بلژیک، مقیمین طهران بالقابهم بدهید.

مدت چهار سال است ملت ایران محض اطاعت قوانین مقدسه مذهبی و پیشوائی مقام منیع ریاست روحانی که درپای بندی انقیاد آن از بذل هیچ چیز خود دریغ نمی دارد، برای استحضال مقاصد مقدسه همه گونه اقداماتی که سزاوار یک ملت ترقی خواه است نموده باوجود این که به شهادت منصفین دنیا به قدر اسباب طبیعی به خوبی از عده انجام وظایف خویش برآمده و آنچه لازمه انقلاب مقدس ملی و مبتلا به تمام ملل تجددخواه است بایک نجابت و مراعات نزاکت بین ملل خاصه باملل مجاور انجام داده و پارهای از افراد ضعیفه طاغیه را که مجهول به فساد بوده اند همه وقت قلع و قمع نموده، با آن که احساسات عقده مملکت عموماً حاکم است که اقامت قشون دولت بهیه روس بزرگترین اسباب ناامنی و اختلال و طول اقامت آنها منافی انتظام و مخالف بادیانت اسلام بوده بازهم درهمه حال مأمورین دولت افراد ملت حتی همان نفوس متمرده، اول امری که پیشنهاد خاطر داشته اند حفظ و حمایت جان و مال اتباع دول متحابه بوده که همگی جان خویش را وقایه آن نمودند و محض پاس مودت دول و ملل متحابه آنان را مانند یک امر مقدس نگهداری کرده اند. باوجود همه مراتب فوق اقداماتی که تاحال از مأمورین دول بهیه روس رخ داده، همه محرک عرق اسلامی پانصد کرور مسلمین روی کره بوده و ملت ایران برای جلوگیری

بروز حسیات مسلمانان خاصه آنها که در تحت اطاعت دولتین اند همه گونه سکوت اختیار نموده و مرابطات صمیمانه مابین دولتین و دولت ایران را حتمی المراعات دانسته‌اند. اینک پس از انتظار، مدت‌ها که شاید از طرف مأمورین دولتین تدارکی از مافات بشود به واسطه تراکم ماموری که به استقلال دیانت و مملکت اسلامی ایران برمی‌خورد ناچار است که مراتب را به توسط جناب _____ اب _____ لالت‌آب _____ الی، به دولت متبوعه آن جناب عرض نموده و از عموم محبین نوع بشر و طرفداران آزادی با یک وجدان منصفانه درخواست انسانیت‌پروری نماید و این مطالب را در دو ماده ذیل خاطر نشان می‌نماید.

اولاً، یک سال و نیم است بعضی نقاط شمالی به توسط سالداتهای دولت بهیة روس اشغال شده و بر حسب یادداشت دولت بهیة روس که به دربارهای اروپا فرستاده شده بود بایستی پس از استقرار امنیت در ایران عودت کنند و با وجود این که دولت همیشه کاملاً به رفع متمرّدین موفق شده است و فعالیت خویش را در استقرار امنیت ارائه داده مع‌التاسف فرمان امپراتوری ابداً از طرف مأمورین آن دولت بهیة به موقع اجرا گذارده نشده، اینک پلس از آن مدت، افراد ملت به تنگ آمده و مستدعی‌ه‌ند که هر چه زودتر عساکر امپراتوری عودت نموده و اسباب تهیج سایر برادران اسلامی فراهم نشود.

ثانیاً، دولت انگلیس که خود را در تمام زمین به طرفداری آزادی بشر معرفی نموده‌اند، کثرت مستعمرات اسلامی باید حمایت مسلمین را بنماید. یادداشتی در شوال مطابق اکتبر گذشته پیشنهاد نموده است که اسباب بسی ناامیدی است، چرا که اولاً همیشه جان و مال اتباع خارجه محفوظ و تجارت بین‌الملل در کمال رواج و ازدیاد بوده. ثانیاً، امنای دولت و افراد ملت همیشه در صدد انتظام و تسهیل روابط تجارتي بوده و بعد از این هم مراقبت تامه را بیش از پیش خواهند داشت.

نظر به مراتب فوق، ما اهالی ایالت فارس، عدم رضایت و شدت تنفر خود را از اقامت قشون روس که به موجب احداث و تابع غیر مترقبه خواهد بود و یادداشت دولت فخریه انگلیس اظهار نموده منتظر اجرای مقصود هستیم. این اظهارات از طرف عموم اهالی فارس است. ابراهیم شریف، الاحقر یحیی امام جمعه، الاحقر محمد جعفر، اقل خدام شریعت عبدالحسین الموسوی. انجمن ایالتی فارس، علماء اعلام، الاحقر محمد جعفر ابن جمال الدین، حاجی علی آقا، جعفر الموسوی، محسن محلاتی، الاحقر محمدالرضوی،

هاشم طباطبائی، الاحقر جواد طباطبائی، الاحقر حسن سید شرفه مجد العلماء، الاحقر احمد طباطبائی، الاحقر محمد تقی اسد الله الموسوی اعتماد التولیه، نور الدین الموسوی، مرتضی الحسینی، محمد حسن ثقة الاسلام، الاحقر احمد سیف الشریعہ، حاجی عبدالرحیم۔ طبقات اعیان: نصیر الملک، بہار السلطنہ، عز الملک، ملک التجار، قوام لشکر، اجلال الملک، ساعد السلطان، صادق جلال لشکر، محتشم الملک، تجار محترم: غلام علی، الحاج محمد رضا، غلام حسین، محمد ہادی، محمد شفیع، محمد صادق، علی اصغر، مہدی الحسینی، عباس الرضوی، محمد رضا اسمعیل، محمد تقی، کاظم، محمد مہدی، عبدالباقی، علی اکبر، اسد الله کازرانی، علی اکبر، محمد کریم، کریم، محمد جعفر، محمد تقی، محمد علی، مصطفی۔

رؤسا و طبقات اصناف: علی اکبر، محمد حسین الحسینی، محمد علی، محمد الحسینی، محمد ابن علی، محمد رحیم، عباس، محمد تقی، ابوالحسن، علی اکبر، ابوالقاسم، محمد حسین، محمود علی، حسین، عباس، ضیاء الدین.*

صورت تلگرافی است که از رشت به سفارت کبری دولت علیه عثمانیه رسیده

موضوع: تجاوز دولت روسیه به ایران

تاریخ: ۱۴ قوس ۱۳۲۸

سفارت بهیة روس گوئید، سفارت انگلیس، عثمانی، هلند، آلمان، فرانسه، اتازونی، بلژیک، اطریش، جریده مجلس و استقلال ایران خاطر شریف مسبوق است که ایرانیان در پاداش حقوق اتباع سایر دول در این چند سال اخیر منتهای جهد را مبذول و از کار بردن مساعی جمیله به هیچوجه دریغ روا نداشته با آن تراکم سیلها، از داخله و خارجه نقطه نظم متصدیان امور و افراد ملت ایران همواره بدان بوده که بوشی از تبعه خارجه مفقود یا حقّی تضییع نشود. اگر در مقام تحقیق غور رسی بشود مکشوف خواهدشد که، هیچ یک از دول عالم با انقلاب داخلی به واسطه تشکیل حکومت به ترکیب جدید به نحوی که ایران از عهده حفظ حقوق اتباع دول خارجه برآمده عهده ننموده با این ترتیب همسایگان تغییراسلوب داده، از وقتی که دانستند ایرانیان تا اندازهای به حقوق خود پی برده و در مقام آن برآمده که رشته حیات مملکت خویش به دست دیگران نسپارند به طور جدیدی که عوالم انسانیت و روح حقیقت آدمیت کدر می شود با ایران معامله می نمایند. آن که دولت بهیة روس است، قشون خود را بناحق ورود داده، گاهی ارزاق را وسیله قرار داده و زمانی آسایش عموم را بهانه نموده، اغلب نقاط شمال ایران را مسکن و ماوای سالدات و قزاق روس نموده و روز به روز در مقام تقویت قوای حربی می کوشد. پس از آن همه نالها که به ملت ایران وعده خروج قشون خود را داده بود برخلاف انتظار دراین چند روزه نیز دو فروند کشتی قزاق و سالدات و قوای حربیه ورود داده و برعهده سابقه افزوده با این همه پروتستهای مجلس مقدّس شوری و وزارت جلیه خارجه و جمیع ایالات و ولایات ایران را از قشون بناحق ورود داده خود خالی نمی گذارند و به این سبب بعضی که هنوز عودت ارتجاع در مغز آنها خارج نکنند به استظهار اقامت قشون روسی در ایران همه نوع افساد نموده و آتش فتنه را

اعلامیه حضرات آیات عظام آقایان عبدالله مازندرانی و محمد کاظم خراسانی

موضوع: تجاوز روسیه به ایران

تاریخ: ۱۶ قوس ۱۳۳۸

از نجف اشرف

مقام ریاست روحانیه اسلامیة خاطر طرفداران حقوق بشریت و آزادی برادران عدالت‌پرست را متوجه می‌خواهد.

در این دوره تمدن که اشعه عدالت و آزادی دو روی کره را مُنور دارد همیشه می‌شنیدیم که هیچ قوی پنجه و صاحب اقتدار و شوکتی پایمال کردن اندک حقی از حقوق ضعیف‌ترین ملل عالم را غیر ممکن و چنانچه ظلم‌پیشه و مغروری در چنین مقام برآید حکومت‌های متمدنه دنیا با او طرفیت و دفعش خواهند نمود. هر چند مقام ریاست روحانیه اسلامیة از اوضاع سایر ممالکت و طرفداری نوع‌پروران حق‌پرست از حقوق سایر ملل کاملاً اطلاع ندارد لکن از سکوت و اغمازی که از این همه تجاوزات ظالمانه حکومت روسیه در ایران شده و می‌شود بسی حیرت دارد. در چنین موقعی که ملت مظلومه ایرانیه که در عامله بشریت یک اولاد قدیم است بعد از احساسات ملیّه به وادی تربیت و ترقی قدم نهاد و به حسن دلالت و هدایت و تصویب پیشوایان روحانی خود زنجیر اسارت و رقیتی را که از حگام استبدادیه در گردن داشت با یک هیجان ملی گسیخته و بعد از چه قربانیها و فداکاریها به هدم اساس استبداد و خودسری و تشکیل حکومت شورویّه ملیّه بر اساس قوم مشروطیت موفقیت یافت، چون این پیش آمد برخلاف غرض و مقصودی که حکومت روسیه در محو آزادی و استقلال ایران از دیرزمان تهیه می‌نمود نتیجه می‌داد از این جهت به مقام آن برآمد که تا موقع از دستش نرفته به حرکات غیرقانونی و مداخلات ناحق، آزادی پروران

ایران را از اجرات عملیه و ترقیات ملیّه عایق و به مکنونات دیرینه خود هرچه زودتر نایل آید و تا توانست هیکل پوسیده استبداد را نگهداری و از استوار شدن اساس مشروطیت جلوگیری نمود. حتی مجلس ملی ایران را در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ به مباشرت لیاخوف^۲ روسی منهدم ساخت همینکه آن اساس پوسیده را مشرف به اضمحلال دید، اولاً به اسم فتح باب ارزاق برای تبریز در صورتی که قبل از آن مفتوح شده بود و به بهانه حفظ قناسل دول معظمه آن تعدیات که در کتابچه علی حده در ۳۶ ماده ثبت و ضبط شده از عساکر او در تبریز صدور یافت. و چون خود را در هرتجاوز و مداخله بلامانع و دولت انگلیس را هم مساعد خود دید به قزوین و جاهای دیگر هم به اسم حفظ تجارت با این که پیوسته محفوظ بوده و هست عساکر خود را سوق داده از هیچ مداخله و تعدی خودداری نکرد و مفسدین و اشرار مملکت را تا توانست برضد دولت برانگیخت همینکه بعد از زحمات و خسارات زیاد مغلوب دولت شدند پناهشان داد چنانکه پناه دادن به امثال رحیم خان قراجه‌داغی^۳ و سایر پناهندگان به سفارت و قونسولخانه‌ها و افساد کاریهای داراب میرزا که از متحدین نظامی روس است در زنجان و سایر مداخلات ناحق او در داخلیه مملکت بر کشف این مدعادلایل واضحه است لکن تا به حال از دولت انگلیس خبر همان مساعدتهای معنویه علناً مداخله و اقدامی برضد استقلال ایران مذاکره نمی‌شد. حالا همان افسادات صفحه شمال به طرف جنوب هم ساری و دولت انگلیس هم که سالها است خود را در اقطار عالم به عدالت پرستی و آزادی پروری معرفی نموده است نسبت به ایران مسلک قدیم قویم خود را از دست داده همدستی باروس را اختیار و به موجب خبری که تلگرافاً رسیده است به مقام آن برآمده که همان معامله روس با شمال ایران را در صفحه جنوب معمول دارد و عساکر خود را به بهانه اغتشاش جنوب به آن صفحه سوق نماید و بلکه اختیار عسکریه و گمرکات آن صفحه را در تحت اقتدار خود آورد و همان مقاصدی را که دولتین در نظر داشتند که در ضمن قرض دادن نیم میلیون لیره به ایران مجرا دارند و ملت و دولت ایران زیر بار نرفت، حالا به بهانه جوئی در صدد اجرای آن برآمده که به این وسیله استقلال ایران را خاتمه دهند. بدیهی است ملت تازه بیدار ایران که طوق رقیت خاندان سلطنت قدیمه خود را خلع کرد تا جان در بدن دارد به رقیت اجانب تمکین نخواهد کرد و مقام ریاست روحانیه اسلامی هم در دفاع از حوزه مسلمین به هراقدامی حاضر خواهد بود. لکن

گمان نمی‌رفت طرفداران حقوق انسانیت سکوت و اغماض از این همه تعدی و فشار دولتی روس و انگلیس را به ملت تازه هوشیار ایران که تا مدت‌ها لازم است برای اصلاحات امور و ترتیبات اساسی خود فارغ‌البال باشد رضادهند و به جای آن که در عالم نوع‌پرستی حریت‌پروران ایران را در اصلاحات نوع‌پرورانه کمک کنند در تخلیص از چنین گرفتاریها و چنگال دوهمسایه مهربان هم، اعانتی نفرموده جوی خون شدن ایران و لکمدار شدن عالم انسانیت را در این عصر زیاده بر این روادارند. از تمام عدالت‌پروران عالم تمنا داریم بیش از این سکوت و اغماض درباره ملت مظلومه ایران روانداشته، به تخلیص از چنگال دو همسایه مهربان که در محو آزادی و استقلال ایران همدست شده‌اند، عالم انسانیت و حق‌پرستی را جلا بخشند و این بیان نامه را مقام ریاست روحانیه اسلامی در نجف به دربار حریت پرور آن دولت فخریه سفارت جلیله دولت معظمه در طهران با احترامات خالصه تقدیم می‌دارد.

الاحقر عبدالله المازندرانی، الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

این شرح از نجف اشرف از مقام منبع ریاست روحانی - ارواحنا فدا - رسید و امر فرمودند سواد او را به آن سفارت معظمه تقدیم دارم. لهذا حسب الامر مبارک امثال نموده با نهایت احترام خاطرش شریف را مسبوق و مستحضر می‌نماید. الاحقر محمد جعفر الحسینی الحسینی صدرالعلماء*

توضیحات

۱. در اصل: بیداد

۲. سرهنگ روسی و فرمانده بریگاد قزاق در تهران وی در ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ از طرف محمدعلی شاه به سمت فرماندار نظامی تهران منصوب شد و در بیست و سوم همان ماه به دستور شاه مجلس را به توپ بست و نمایندگان مجلس را متفرق ساخت و از طرف محمدعلی شاه مورد تقدیر قرار گرفت. لیاخوف در اول رجب ۱۳۲۷ پس از فتح تهران به پترزبورگ رفت و در سال ۱۳۳۶/۱۹۱۶ به ژنرال نیکتین پیوست و پس از سقوط تزار، در شهر باطوم قفقاز به دست سه نفر گرجی به قتل رسید.

دایرةالمعارف فارسی/ ذیل لیاخوف،

۳. رحیم خان قراچنداغی: رحیم خان ملقب به سردار نصرت، دشمن معروف مشروطه‌طلبان در طول سلطنت محمدعلی شاه قاجار به تحریک او با آزادی‌خواهان به جنگ پرداخت و پس از پیروزی آزادی‌خواهان به

روسیه پناهنده شد. ولی مجدداً در اواخر محرم ۱۳۲۹ به ایران معاودت نمود و در قرمداغ مقر اصلی خود ساکن گردید. مخبر السلطنه والی آذربایجان به لطایف الحیل وی را به تبریز فراخواند و در هفدهم رمضان همان سال به حکم انجمن ایالتی در ارک شهر به ضرب گلوله به قتل رسید.

محمدقزوینی:وفیات معاصرین، یادگار، س سوم، ش دهم، ص ۱۱.

• بایگان وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ش ۲۵۰

صورت تلگرافی است که از قزوین به سفارت دولت علیه عثمانی رسیده.

موضوع: تجاوز دولت روسیه به ایران

تاریخ: ۱۶ قوس ۱۳۲۸

گوئید به تمام سفارتخانه‌ها و جراید محلی توسط سفارت کبرای دولت علیه عثمانی به عموم سفارتخانه‌های دول متحابه مقیمین طهران.

نظر به اشتراک منافع مادی و معنوی عموم ملل و مسئولیت اجتماعی هیئت جامعه بشری در این موقع که به واسطه طول اقامت قشون اجنبی در ایران یادداشت آخری دولت انگلیس اساس دیانت اسلامی و استقلال طبیعی وطن ما متزلزل و حیات آزادی و استقلال خواهی ما بیش از این تحمل ناملايمات حقوق شکنانه این دو دولت همسایه را ندارد با کمال ادب و مسالمت، اولاً به وسیله این تلگراف احساسات اعتراضیه خود را خاطر نشان آن ذوات محترم نموده و آرزو مندیم که حیات انسانیت پرستانه عموم ملت آزاد این سکنه‌های وارده و حمیت غیر حقه را به یک ملت آزاد مستقل که همواره با عموم ملل عالم در نهایت مودت و یگانگی بوده و خواهد بود رواندانسته و در این اعتراض حقه با ما قلباً شرکت کنند. و آخر الامر می‌گوئیم که هیچ راضی نشوید روابط و دادیه مدت ایران و عموم مسلمین عالم به واسطه این تعدیات واضح شکل دیگری پیدا کرده هیئت جامعه اسلامی را به آخرین اقدام دینی و وظیفه خود مجبور بکنند.

آقایان علما: ملا علی اکبر مجتهد، حاجی ملا علی اکبر مجتهد، حاجی سید ابراهیم مجتهد، حاجی سید مرتضی مجتهد، آقا شیخ فضل علی مجتهد، آقا میرزا اسحق مجتهد، حاج ملا علی مجتهد، آقا سید حسین مجتهد، امام جمعه صدر العلماء، آقا شیخ محمد تقی مجتهد، ملا محمد زین آبادی، آقا سید مصطفی مجتهد، آقا شیخ محمد حسن، آقا شیخ محمد حسین،

آقاشیخ صادق، آقاشیخ عبدالعلی، آقاسیدباقر، آقاشیخ احمد، آقاسیدمحمد.
آقایان طلاب:*

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی استانبول، کارتن سیاسی شماره ۲۵۰

صورت تلگرافی است که از اردبیل به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه رسیده
مورخه ۱۸ قوس سنه ۱۳۲۸

موضوع: تجاوز دولت روسیه به حقوق ملت ایران

تاریخ: ۱۸ قوس ۱۳۲۸

مجلس مقدس شورای ملی، سفارت کبرای عثمانی و آلمان و فرانسه و آمریکا، ایتالیا، ژاپن، هلند، سایر سفرای دولت معظمه مقیمین طهران جریده مجلس استقلال، چهارسال است که ملت مظلوم ایران فقط برای تحصیل آزادی و حفظ استقلال و وطن عزیز و استیفای حقوق حقه خود چه اندازه مجاهدت و خونهای گرانبها و نفوس زکیه خود را فدا کرده است. در بدایت امر دولت بهیمة روس و فخیمة انگلیس که همیشه خود را مدعی حفاظت حقوق و آزادی نوع و طرفدار عالم انسانیت و مدتیت معرفی نموده و عموم ملت مظلومه ایران را امیدوار داشته بودند متأسفانه تغییر مسلک و تجدیدپولتیک نموده بی‌نظمی و عدم امنیت را که ناشی از تحریکات خفیه خودشان است بهانه ساخته دولت بهیمة روس قشون خود را من غیرالحق و بدون هیچ قانونی از قوانین عالم داخل خاک ایران کرده و دوسال است در تحت فشار همه روزه اسباب مزید اختلال و بی‌نظمی را فراهم آورده قلوب منکسره ما را به غلبت محزون و متالم می‌دارد. اخیراً نیز دولت فخیمة انگلیس مکنونات خاطر خود را ظاهر کرده به واسطه تقدیم یادداشت تهدیدانگیز نامشروع خود می‌خواهد استقلال و وطن عزیز و استقرار دولت محبوب ما را از میان برداشته و خاطر قاطبه اسلام را بی‌نهایت پریشان بدارد. لهذا، با کمال توقیر و احترام مراتب تنفراً و عدم خوشوقتی خودمان را از اقامت عساکر دولت روس و یادداشت دولت انگلیس به عرض آن نمایندگان محترم دول متحابه رسانیده در مقام تظلم و دادخواهی بعد از خداوند، بزرگترین امیدواری به مقامات عالیه شماها است. تمنای نمائیم، در چنین موقع تاریک، وجدان سلیم آن ذوات محترم و نمایندگان مفخم به

محو استقلال یک مملکت شش هزار ساله که تازه خود را از چنگال استبداد رهائی داده راضی نشده و به یک اقدام نوع خواهانه جلوی تجاوزات این دولت را مسدود و استخراج قشون دولت بهیة روس را خواهند فرمود که با اولیای امور مملکت ما نیز به آسایش خاطر در اصلاح خرابیهای قرون گذشته به نتیجه برسند. انجمن ولایتی.*

توضیحات

۱. در اصل: منتفر

* بایگان وزارت خارجه، استانبول/ کارتن سیاسی ۲۵۰

تلگراف تجارتبریز به سفارتخانه عثمانی

موضوع: وضع آذربایجان بعد از انقلاب

تاریخ: ۳۱ جوزا ۱۳۲۸

سفارت علیه عثمانی با کمال توقیر و احترام مقام محترم سفارتخانه‌های دول متحابه در طهران زحمت می‌دهیم. طبقه تجار مملکت همواره طالب آسایش و امنیت می‌باشد که در سایه امنیت مشغول کسب و تجارت خود بشوند.

بعد از این انقلاب و صدمات، خطه آذربایجان در این ایام اخیر از حسن توجه اولیای امور این ولایت و مرکزی تا درجای از انقلاب خلاصی و خاصه در شهر تبریز نهایت امنیت حاصل و طبقه تجار با کمال اطمینان و امیدواری مشغول کسب و تجارت و سفارشات کنترات با ممالک خارجه شده بودند، ولی متأسفانه از این اوقات قشون نظامی دولتی به واسطه بعضی حرکات بی‌اعتدالانه بدون سببیت آمده این امنیت حاصله با چندین زحمات را سلب و اسباب هرج و مرج در مملکت فراهم می‌نمایند. چنانچه چندی قبل غفلتاً به خانه حضرت مستطاب آقای ثقة‌الاسلام^۱ ریخته در حالتی که خودشان در خانه نبودند سه نفر صاحب منصب بدون اطلاع ایالت جلیله و کارگزاری به کتابخانه ایشان داخل و قزاقها اطراف خانه حضرت معظم‌الیه را محاصره کرده مانع از دخول و خروج شده و این مسأله به حیثیت روحانیت و به مقام آئین ملیه، اولین درجه بی‌احترامی است می‌خواهند به واسطه اینگونه اقدامات اهالی به صدادرآید و ملت را به وحشیگری استناد داده بهانه به دست بیاورند.

اعلان روز جمعه نهم ماه بدون اطلاع مراکز رسمیه به گرفتاری افراد نظمیه که اولین اسباب امنیت است در کوچه و بازار شروع، هفده نفر نظمیه و صاحب‌منصب نظامی را با وضع

بسیار بدی گرفتار و در باغ شمال حبس کرده‌اند. لذا لازم گردید که خاطر آن ذوات محترم را از این حرکات بی‌اعتدالانه قشون نظامی روس مستحضر مظلومیت خودمان را اظهار نماییم که این اقدامات آنها جلب اغتشاش و رفع امنیت از مملکت و صدمه عمده به تجارت و کسب اهالی فراهم خواهد آمد و متمنی است در این خصوص توجه مخصوص فرموده بلکه از توجهات آن دولت محترم از تعدیات قشون روس جلوگیری گردیده و رشته امنیت و تجارت گسیخته نگردد. احدی در تبریز امروز امنیت ندارد که آیا فردا به بهانه قزاق فراری در خانه او خواهند ریخت یا خیر. و نظمیه نمی‌داند که اگر یک نفر شرارت کرد مانع شود یا خیر. مستدعی است توجه مخصوص سریعانه فرمایند که به آسودگی مشغول تجارت و کسب خود بوده باشیم.

عموم تجار و اهالی تبریز، امین‌التجار، محمد حریری، سید محمد اسکوئی، مهدی سلماسی، مهدی کوزه‌کنانی، علی قراجه‌داغی، میر محمد علی اصفهانی علوی، هاشم ترکی، حسین فراهانچی، محمد جعفر هشترودی، محمد علی ایپکچی، علی اکبر حریری، معتمدالتجار، علی اکبر صدقیانی، شیخ جواد کرباسی، محمد علی اهرابی، میرزا باقر چایچی، محمد جعفر نصرالله المملکی، حسن صراف، حسینقلی یوسف قزوینی، محمد جعفر خامنه، علی اکبر رسول صراف، حاجی محمد حریری تقی ساوجبلاغی، حاجی محمد باقر حریری، ابراهیم هشترودی، محمد خوئی محمد تبریزی، میرهادی خوئی، محمد علی فراهانچی، علی اکبر خامنه، ابوالقاسم اهرابی اسماعیل تبریزی، محمد تقی تاجر خوئی، میرزا محمد صراف، رحیم خوئی، میر محمد تبریزی، کاظم محمد دیلمقانی، محمد تقی بافته‌چی، غلامرضا بافته‌چی، حسین کوزه‌کنانی، علی انتیکه‌چی، اسماعیل حریرالتجار، حسن کوچه‌مشگی، حاجی آقا ممقانی، احد خامنه، علی محمد کلکته، رحیم بادکوبچی، محمد باقر صابونی، محمد باقر سمسار، علی دستمالچی، احمد دستمالچی، محمد جعفر فتائی، علوی‌زاده، محمود سلماسی، مناف چایچی، تقی صدیقانی، مهدی میلانی، محمد یزدی، عبد الخالق یزدی، محمد جعفر یزدی، ابوالقاسم اصفهانی، عباس علمداری، حسین صراف.

به تاریخ شب ۳۱ شهر جوزا^۲، ساعت، دقیقه، ایتیل^۳، سنه ۱۳۲۸.

۱. ثقة الاسلام: آقا میزا علی فرزند حاج میرزا موسی ثقة الاسلام، در ماه رجب ۱۲۲۷ ق در تبریز متولد شد. علوم

مقدماتی فارسی و عربی را نزد پدر آموخت و سپس به عتبات رفته در حوزۀ درس شیخ محمدحسین فاضل اردکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی به تکمیل معارف اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۰۸ به تبریز بازگشت و پس از فوت پدر لقب ثقل‌السلام از طرف مظفرالدین شاه به وی داده شد و ثقل‌السلام از علمای مشهور و از روسای فرقه شیخیه در آذربایجان بود و به حکم آن که با آثار دول اروپایی آشنا بود از روحانیون متجدد به‌شمار می‌رفت. در جنبش مشروطیت در صف مشروطه‌طلبان قرار گرفت، و پس از ورود روسها به تبریز در روز نهم محرم ۱۳۳۰ توسط ودنسکی معاون کنسولگری روسیه دستگیر و در عصر روز دهم در باغ شمال به دار آویخته شد. از ثقل‌السلام آثاری چون ایضاح‌الانبا، مرآت الکتب، بت‌الشکوی و سه رساله سیاسی دلالان و واگن ملت، اگر ما آذربایجانیها غفلت کنیم به جا مانده است رک: ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه/۲، ۳۱۱-۲۷۵.

۲. جوزا: سومین صورت فلکی در منطقه البروج و سومین برج از بروج دوازده‌گانه فلکی است.

تطابق ماههای یزدگیری با فارسی کنونی با برج فلکی به شرح زیر می‌باشد.

۱. فروردین=حمل ۲. اردیبهشت=ثور ۳. جوزا=خرداد ۴. سرطان=تیر ۵. اسد=مرداد، ۶. سنبله=شهریور

۷. میزان=مهر ۸. عقرب=آبان ۹. قوس=آذر ۱۰. جدی=دی ۱۱. دلو=بهمن ۱۲. حوت=اسفند.

۳. ایت‌تیل: یازدهمین سال از تاریخ دوازده حیوانی که اقوام ترک از زمانهای قدیم در گاه شماری خود به کار

می‌بستند و عبارت بودند از: اسپیچقان (موش) ۲. اود (گاو) ۳. بارس (پلنگ) ۴. تاوشان (خرگوش) ۴. لو

(نهنگ) ۵. تیلان (مار) یوند (اسب) ۸. قوی (گوسفند) بیچیل (میمون) ۱۰. تاقوک (مرغ خانگی) ۱۱. ایت

(سگ) ۱۲. تونگوز (خوک)

نامه سفیر عثمانی در برلن به رفعت پاشا وزیر خارجه عثمانی*

موضوع: تجاوز سپاه عثمانی به خاک ایران

تاریخ: جمادی الاول ۱۳۲۸

سفارت امپراتوری عثمانی

شماره ۱۵۴/۷۲۷۰

محل مهر اداره کل بایگانی

حاوی شماره تاریخ

ثبت نامه ۱۹۱-۱۱-۵-۱۳۱۰

برلن، ۶ مه ۱۹۱۰

آقای وزیر

آن جناب مطمئناً از استیضاحی که در پارلمان انگلیس، در موضوع به اصطلاح عملیات مالی که دویچه بانک (بانک آلمان) در نظر داشت در ایران انجام دهد، به عمل آمد استحضار یافته‌اید.

با توجه به اهمیت فراوان این مسئله برای ما، در صدد برآمدام، اطلاعات دقیقی درباره این خبر کسب کنم.

ایران، که از منابع درآمد کاملاً بی بهره است، در حال حاضر بازبچه روسیه و انگلستان گردیده که بیرحمانه از وضع اسفبار آن کشور بهره برداری می کنند.

شرایط پیشنهادی برای وامی که ایران به آن نیاز دارد صاف و ساده به معنای تقسیم

این کشور است. بنا بر موافقت نامه چند سال پیش روسیه انگلستان^۱.

بدیهی است که چنین وضعی در خور توجه هر چه بیشتر ماست. زیرا اگر ایران چنین

شرایطی را بپذیرد و دریاچه ارومیه دریاچه‌ای روسی گردد و روسیه در ایران راه آهن بکشد و از معادن آذربایجان بهره‌برداری کند و زمام امور در منطقه‌ای که به خود اختصاص داده به دست گیرد، در نظر ما به آن معنا خواهد بود که مرز روسیه به قصرشیرین رسیده و در امتداد سراسر آناتولی تا بغداد کشیده شده است. از سوی دیگر، با استقرار انگلیسها در کرانه شرقی خلیج فارس و رسیدن آنها تا به دروازه‌های بصره، وضع ما در بین‌النهرین هر چه دشوارتر خواهد شد.

بنابراین، اگر برای پاسداری از تمامیت ارضی، یا به عبارت دقیقتر برای نجات بقای ایران، راهی فارغ از درگیری با دو قدرت ذی‌نفع وجود داشته باشد، فکر می‌کنم چنین چاره‌ای باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

در حقیقت، بر مشکلات بغرنج ناشی از نفوذ دو قدرت بزرگ در مرز شرقی ما، علاقه ما به آذربایجان، ایالت اساساً ترک زبان را که بویژه از نظر گاه مذهبی قضیه است، باید افزود.

تقسیم یک کشور بزرگ مسلمان بین دو قدرت اروپایی رویدادی است که امپراتوری عثمانی، یعنی مرکز خلافت، در اجتناب از آن کاملاً ذی‌نفع است.

هر عملی به این منظور، بی‌گمان میزان نفوذ ما را در جهان اسلامی بالا خواهد برد و رقابتهای موجود میان فرقه‌های مختلف را محو خواهد کرد، با توجه به این که اکثریت جمعیت عراق شیعی مذهب‌اند، ماییم که از این اقدام بیشترین سود را خواهیم برد.

طرز رفتار روسها و انگلیسها در نظر آلمان طبیعتاً ناخوشایندتر است. وقتی دویچه بانک (بانک آلمان) از ویلهلم شتراسه Wilhelm Strasse جويا شد که آیا دولت در این امر محظوری می‌بیند که بانک دست به عملیات مالی در ایران بزند به او جواب داده شد که آلمان موافقت‌نامه منعقد بین انگلیس و روسیه را اصلاً به رسمیت نشناخته است و با توجه به این که این دو قدرت رسماً اعلام کرده‌اند که سیاست دروازه‌های باز را در ایران پذیرفته‌اند، دولت آلمان برای اجرای طرحهای دویچه بانک (بانک آلمان) هیچ محظوری نمی‌بیند.

بدیهی است که آلمان به خاطر ایران با دولتین روس و انگلیس وارد منازعه نخواهد شد، ولی اگر بتواند بی‌آن که خود را زیاده ضایع سازد به این کشور کمک کند مسلماً خواهد کرد. از جانب روسیه است که بزرگترین خطر به چشم می‌خورد. زیرا در انگلستان،

هم اکنون افکار عامه، در برابر نقض فاحش اصل استقلال و عدالت و انصاف، که ملت انگلیس مباحثات بدان را خوش دارد، رفته رفته به هیجان درآمده است. این جانب با آقای استمریج، معاون وزیر امور خارجه انگلستان، که چون زمانی سفیر انگلستان در ایران بوده با اوضاع نیک آشناست، مذاکرات طولانی در این باره داشته‌ام. به نظر او، در برابر ایران، پیش از هر چیز، تشکیل یک دولت با ثبات مطرح است که بتواند تا مدتی، بی آن که به توسل به وام‌های ننگ‌آور پیشنهادی روس‌ها و انگلیسی‌ها نیاز داشته باشد، دوام آورد. با توجه به خالی بودن خزانه، دولت ایران مطلقاً ناگزیر است وام داخلی بگیرد و در حال حاضر چنین وامی با بی‌اعتمادی و فقدان حسن وطنپرستی در بازرگانان پولدار ایران برخورد می‌کند. با اینهمه، بدون چنین وامی، ایران برباد رفته است و این‌جاست که اقدام روحانیان خواهد توانست کشور را نجات بخشد. مجتهدان هنوز در ایران نفوذ بی‌اندازه دارند و اگر به علمای نجف توصیه‌های شایسته بشود تأثیر پرداخته‌ای خواهد داشت.

با معطوف داشتن توجه آن جناب به نظر معاون وزارت امور خارجه انگلستان، به خود اجازه این اظهار را می‌دهم که به عقیده حقیر، باید پیش از هر چیز خطاهای رژیم سابق را در سیاستی که در قبال ایران از آن پیروی می‌شد جبران کنیم. در حقیقت، با اسلوبی که ما، در مسئله مرزی مطروحه در چند سال پیش، از آن پیروی نموده‌ایم بی‌اعتمادی شدیدی در ایران برانگیخته‌ایم و کمک کرده‌ایم که این کشور به آغوش روسیه و انگلستان سوق یابد. از آن‌جا که دیر یا زود ناگزیر خواهیم شد بر سر این مسئله باز گردیم، خالی از فایده نمی‌دانم که اوضاع را در چند کلمه‌ای خلاصه کنم. اگر اشتباه نکنم، در حدود سال ۱۲۶۷ باب عالی، برای خاتمه دادن به مشکلاتی که پیوسته در مرز ایران بروز می‌کرد، با دولت ایران معاهده‌ای به امضاء رساند که به موجب آن دولتین متعهد می‌شدند وضع عملاً موجود در مرز را، تا حل و فصل نهائی موارد اختلاف حفظ کنند، با اینهمه، این تصمیم نمی‌بایست به حقوق و مطالبات هر یک از دولتین لطمه زند. بلکه این حقوق و مطالبات می‌بایست در هنگام حل و فصل نهائی بررسی گردد. چون هیچ نقشه‌ای که خط مرزی عملاً موجود را نشان دهد ضمیمه این معاهده نبود، دولت شاهنشاهی، یا به عبارت دقیق‌تر، مقامات نظامی که برای نظارت بر مرز پیشنهاد شده بودند جزوهای را که درویش پاشا به چاپ رسانده بود اساس قرار دادند.

در این جزوه سه خط مرزی رسم شده است: اولی سرزمینهای را در بر می گیرد که، به قول درویش پاشا، ترکیه به موجب قرارداد ارزروم^۳ بر آنها حقوقی دارد، دومی خط مرزی مورد مطالبه ایران را نشان می دهد، و سرانجام سومی، که خط میانین است، مرز را آن چنانکه درویش پاشا هنگام بازدیدش دیده، یعنی تقریباً در زمان انعقاد معاهده، رسم می کند.

مقامات نظامی خط اخیر را، که درویش پاشا حدود حالیه نامیده است، به عنوان خط مرزی عملاً موجود پذیرفته اند.

ایرانیان، هنگام جنگ ما با روسیه^۴، با استفاده از این امر که، مرز را از سپاه چهارم خالی کرده بودیم در دو نقطه قازلی گول^۵ و دامباط^۶، از خط مرزی موجود تجاوز کردند. از جانب ماتا واقعه^۷ پسوه^۸ رعایت این خط مرزی شده بود. علت واقعه مذکور به شرح زیر است: چون عشایر ایرانی در لاهیجان^۹ از مرز گذشته بودند، فوجی به فرماندهی سرهنگ عزت بیک برای عقب راندن آنها به آن سوی مرز اعزام شده عده ای از سران کرد از عزت بیک تقاضا نمودند که برای حمایت از آنان تا پسوه پیش آید و او از خط مرزی عبور و پسوه را اشغال کرد. سلطان سابق با ترفیع درجه از او قدردانی کرد و به وزارت جنگ «اراده»^{۱۰} ای رسید مشعر بر اینکه پسوه جزو خاک امپراتوری است. افراد جاه طلب در بهره برداری از آن درنگ نکردند. طاهر پاشا، حاکم وان^{۱۱}، فرمان داد تا چند دهکده واقع در آن سوی مرز را، به این بهانه که در خاک امپراتوری واقع اند، تصرف کنند. در همان حال، «اراده» روی «اراده» به وزارت جنگ می رسید که در آنها توصیه می شد دفاع از منافع دولت در مرز را به دست گیرد.

نتیجه این شد که مقامات نظامی، چون نمی دانستند به کدام خط مرزی پابند باشند و وزارت جنگ هم به سئوالهای مبرم آنان پاسخ نمی داد، صاف و ساده خط مرزی عملاً موجود را به خطی که درویش پاشا به موجب قرارداد ارزروم، رسم کرده بود انتقال دادند، از این رو، دستجات نظامی، از هر جانب پیشروی و مقامات ایرانی سر راه را بیرون کردند.

در این هنگام بود که ایران سراسیمه به روسیه مراجعه کرد و روسیه طبیعتاً در استفاده از موقع، کوتاهی بخرج نداد.

پیدا است که فی الحال، چون هیچ مقام دولتی از طرف ایران در مرز وجود ندارد،

تعیین خط مرزی عملاً محال است. ولی برای اعاده اعتماد ایران، باید به آن کشور اطمینان رسمی و مؤکد دهیم که هیچ قصد تجاوزی نسبت به خاکش نداریم و همینکه کمترین نظمی برقرار گردد، مسئله تعیین خط مرزی بنا بر استوارترین اصول عدالت و انصاف و بی‌توسل به دخالت قدرتهای بیگانه حل خواهد شد.

گمان می‌کنم که این اقدام خوشترین اثر را در ایران خواهد داشت و به توصیه‌هایی که خواهیم توانست خواه به تهران خواه به نجف بکنیم وزن و اعتبار زیادی خواهد بخشید. آقای وزیر، لطفاً مراتب عالیترین احترامات مرا بپذیرید.*

توضیحات

۱. مقصود کتاب «تحدید حدود لایحه سی» تالیف درویش پاشا است که در سال ۱۳۸۷ ق در استانبول به چاپ رسیده است.
 ۲. عهدنامه ارزنقاروم شانزدهم جمادی‌الثانی سال ۱۲۶۳ در نه ماده بین ایران و عثمانی منعقد گردید. برای اطلاع از مفاد عهدنامه رک. مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه/ ص ۲۰۰
 ۳. قازلی گول: از توابع آواجیق ماکو
 ۴. دامباط: در جنوب شرقی کوه آرات (آغری کوچک) قرار دارد. رساله مرحدیه ۱۸۵/
 ۵. پسوه: بخش حومه شهرستان مهاباد در ۳۸/۵ کیلومتری غرب مهاباد و ۱۳/۵ کیلومتری شرق جاده خانه به نقده قرار دارد.
 ۶. لاهیجان: نام یکی از دهستانهای بخش حومه شهرستان مهاباد.
 ۷. اراده: در تشکیلات امپراتوری عثمانی، دستورات سلطان را که توسط سرکاتب خطاب به صدراعظم جهت اجرا در ذیل تذکره عرض (گزارش) نوشته می‌شد. «اراده» می‌گفتند. این اصول پس از متروک شدن «خط همایون» در سال ۱۲۵۵ رایج گردید و تا انقراض امپراتوری عثمانی ادامه داشت.
 ۸. وان. در کنار دریاچه وان، در خاک ترکیه واقع است.
- * ترجمه سند، توسط فاضل ارجمند استاد احمد سمعی انجام یافته که دوشم زیر بار منت او است.

نامه میرزا ابراهیم خان معاون الدوله^۱ وزیر خارجه ایران به سفیر دولت عثمانی^۲

موضوع: استرداد اموال مسروقه

تاریخ: غره جمادی الثانی ۱۳۲۸

دوستدار از مضمون مراسله محترمه مورخه غره شهر جمادی الاول ۱۳۲۸ نمره ۴۲ راجع به مراسله مخبر دولت عثمانی از همدان استحضار حاصل نموده‌ام. جواباً با نهایت احترام زحمت افزاست که مراتب به وزارت جلیله داخله اعلام گردید و در جوابی که از وزارت معزی الیها به وزارت امور خارجه رسیده اشعار داشته‌اند که «در موقعی که استعداد و مأمورین اسدآباد فشار به عباس خان آوردند، مشارالیه با معدودی از کسان خود فرار کرد و فعلاً حکومت در اسدآباد مشغول جمع‌آوری اموال مسروقه است که در هریک از دهات مخفی کرده‌اند استرداد شود املاک او هم توقیف و در ضبط دولت است تا از این محل قرار استرداد اموال مسروقه داده شود و تا قرار اموال مسروقه داده نشود املاک عباس خان در ضبط دولت خواهد بود.» بدیهی است قرار استرداد اموال مسروقه داده خواهد شد. که وزارت امور خارجه و سفارت سینه کبری از این رهگذر آسوده بشوند. موقع را غنیمت شمرده همواره احترامات فایقه خود را تجدید می‌نماید. زیاده چه زحمت دهد.*

سواد مطابق با اهل است

مجید منشی

توضیحات

۱. میرزا ابراهیم خان غفاری معاون الدوله فرزند فرخ‌خان امین الدوله در سال ۱۲۷۷ ق وارد دستگاه ناصرالدین شاه شد. در سال ۱۳۰۹ در زمان وزارت محسن خان معین‌الملک وزیر عدلیه و تجارت به سمت رئیس دادگاه

تجارت منصوب شد و در سال ۱۳۱۱ به کارگزاری آذربایجان و سپس در سال ۱۳۱۲ به سرکنسولگری تفلیس تعیین و روانه گردید و در سال ۱۳۱۴ به ایران برگشت و در سالهای ۱۶-۱۳۱۵ وزارت تجارت را برعهده داشت. سرانجام در بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۸ به مقام وزارت خارجه دست یافت. معاون الدوله در کابینه مستوفی الممالک و مشیر الدوله نیز پست وزارت خارجه را در اختیار داشت. پس از سقوط کابینه مشیر الدوله دیگر صاحب شغلی نبود. وی در سن شصت سالگی در ماه ۱۳۳۶ ق درگذشت. تاریخ رجال ایران/۱، ص ۱۹

۲. عنوان نامه چنین است، صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه، مورخه غره جمادی الثانی ۱۳۲۸.

* بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ش ۲۵۰

نامه سفیر دولت عثمانی به میرزا ابراهیم خان معاون الدوله وزیر خارجه ایران^۱

موضوع: سرقت اموال تجار عثمانی

تاریخ: ۲۲ جمادی الاخر ۱۳۲۸

محترماً مراسله جوابیه آن جناب مستطاب عالی، مورخه غره شهر جمادی الثانی ۱۳۲۸، نمره ۷۲۹۹ دائر به سرقت اموال تجاران عثمانی مقیم همدان واصل دست توقیر گردید. جواباً با نهایت احترام زحمت افزا است که، از طرفی مرقوم می‌فرمایند که مأمورین و استعداد در اسدآباد به قدری به عباس خان فشار آورده که با معدودی از کسان خود فرار کرده و فعلاً حکومت در اسدآباد، مشغول جمع‌آوری اموال مسروقه است و املاک او هم توقیف و در ضبط دولت است تا از این محل قرار استرداد اموال مسروقه داده شود از طرف دیگر عباس خان که از جلو استعداد حکومت فرار می‌نماید و حکومت مشغول تعقیب نمودن و ضبط املاک او است فراراً نزد حاکم کرمانشاهان رفته و حاکم مشارالیه با اطلاع کاملی که از حال و رفتار عباس خان شقی شریر شهیر داشته و دارد توقیف که ننموده سهل است بلکه او را پناه می‌دهد بنابراین دوستدار متحیر است که غارت شدگان عثمانی مقیم همدان را با این وضع و رفتار مأمورین دولت علیه ایران که مشاهده می‌نمایند چگونه ساکت و استرداد اموال منهوبه‌شان را به چه وسیله تأمین نماید. لهذا با کمال احترام متمنی و خواهشمند است که دوستدار را از آخرین جواب قطعی خود در خصوص قرار استرداد اموال منهوبه‌ابتیاع عیناً و یا عوضاً سریعاً مستحضر فرمایند تا به مقتضیات آن رفتار نماید. همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید. زیاده چه زحمت دهد.

سواد مطابق بااصل است

مجید منشی

(۱) عنوان نامه چنین است، صورت مراسله سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه به وزارت امور خارجه دولت ایران

مورخه جمادی الاخر ۱۳۲۸ نمره ۸۴.

نامه مخبر السلطنه^۱ والی آذربایجان به شهیندر دولت عثمانی

موضوع: تجاوز عساکر عثمانی

تاریخ: ۲۰ رجب ۱۳۲۸

صورت مراسله ایالت آذربایجان به تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۸ نمره ۴۴۳۳

تلگراف صمصام الممالک سرحددار اواجیق^۲ را راجع به این که در درازدهم شهر حال عساکر عثمانی به سرقریه نقطو هجوم آورده و قریه را تصرف کرده بوده اند خبر به صمصام الممالک سرحددار رسیده جهت ممانعت حرکت کرده دیده است اطراف را محاصره کرده اند. دو روز و یک شب دعوای سخت شده از سواران صمصام الممالک سه نفر مقتول و هفت نفر مجروح شده، الان به قدر یک ساعت تخطی کرده چادر زده اند و عساکر گذاشته اند.

پریروز [نامه‌ای] به توسط ناظم الممالک فرستاده بودم ملاحظه فرموده‌اید چنانکه شفاهاً پیغام داده بودم کتباً نیز با کمال احترام زحمت افزا می‌شوم. با آن حسن نیت اولیای دولتین علیتین اسلامی که همیشه جهت جامعه اسلامیّت را منظور و همواره اتحاد کامل حقیقی جانبین را وجهه همت خود ساخته و دم از تشکیل کمیسیون سرحدی و رفع مناقشات حاصله می‌زنند این تجاوزات هر روزه مأمورین آن دولت علیه که در صورت ممانعت سرحدداران این دولت علیه را می‌زنند و می‌کشند و پیش می‌آیند برعکس مقصود اسباب تاسف شده یقین دارم اولیای امور آن دولت علیه راضی به این تحریکات خودسرانه نیستند. اهم حق شناسانه آن جناب دوستان استظهاری قویاً انتظار دارد که، اقدامات مجدانه موثره در جلوگیری اینگونه تجاوزات فرموده، اولاً عساکر متجاوز را از محال مزبوره سریعاً عقب کشیده، ثانیاً، دیت مقتولین و مجروحین و اضرارات وارده به این طرف را تأدیه

و مرتکبین و متجاوزین را عهداً و حقاً مورد مجازات سخت نمایند که در آتیه برای احدی به اینگونه تضییع حقوق و تجاوزات میدان داده نشود. و دوستدار را از نتایج حسنه اقدامات حق شناسانه خود قرین استحضار فرمایند. احترامات فایقه را تکرار می نماید.

امضاء مخبرالدوله

مهر ایالت آذربایجان

سواد مطابق اصل است علی اکبر منشی*

۱. مخبر السلطنه: حاج مهدی قلی خان هدایت مخبر السلطنه پسر علی قلی خان مخبرالدوله در هفتم شعبان ۱۲۸۰ ق متولد شد تحصیلات خود را در اروپا انجام داد و در سال ۱۲۹۷ به تهران بازگشت و در سال ۱۳۱۵ ملقب به مخبر السلطنه شد. شهرت وی از سال ۱۳۲۴ که مصادف با انقلاب مشروطیت ایران بود آغاز شد و چون مورد اعتماد دربار و مجلس بود اغلب واسطه بین طرفین می شد و در گرفتن قانون اساسی و به امضا رسانیدن آن زحمات فراوان کشید. مخبر السلطنه در سال ۱۳۲۵ به وزارت فرهنگ رسید. در طول حیات سیاسی خود به مقامهایی چون وزارت دارایی، استانداری فارس و آذربایجان، وزارت دادگستری و نخستوزیری دست یافت و در صفر ۱۳۵۷ در سن ۹۵ سالگی درگذشت تاریخ رجال ایران ج ۴، ص

۱۸۴-۷

۲. اواجیق: نام یکی از دهستانهای سه گانه بخش حومه شهرستان ماکوست و درمرز ترکیه قرار دارد.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی استانبول، کارتن سیاسی، ش ۳۵۰.

اطلاعیه اداره نظمیه

موضوع: خلع اسلحه از اشخاص غیرنظامی

تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۸

نمره ۶۸۰۹

چون به تاریخ ۲۶ رجب از طرف مجلس مقدس به مواد ذیل رای داده شده لهذا به حکم هیأت وزراء عظام مواد مقرر مجلس مقدس را به اطلاع عموم رسانیده، ذیلاً طریقه اجراء آن را، به عموم اهالی در طهران و حوالی پیشنهاد می نماید. موادی که از مجلس مقدس شورای ملی مقرر گردیده است.

۱. اسلحه را باید بای نحو کانه از اشخاص غیرنظامی و غیر مطیع بدون استثنا خلع نمایند.

۲. خلع اسلحه به حکم هیأت وزراء به توسط نظمیه و مأمورین نظامی و قوای دولت خواهد شد.

۳. هر کس در مقابل این حکم تمرد کند به قوه قهریه گرفتار و مجازات خواهد شد.

۴. از مجامع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد به قوه قهریه جلوگیری خواهد شد.

چون مقصود از مقررات مجلس و اهتمامات هیأت وزراء عظام آسایش اهالی شهر و جلوگیری از هر گونه اغتشاش است و اهالی شهر نیز این اقدام اولیای دولت را باید با کمال مسرت استقبال نمایند. لهذا باید عموم اهالی و ساکنین طهران اعم از مجاهدین و سایر ساکنین شهر غیر از طبقات نظام و پلیس و ژاندارم و سایر قوای مرتبه دولت باید اسلحه خودشان را به توسط نظمیه به وزارت جلیله جنگ تحویل نموده از قرار قیمتی که کمیسیون مخصوص نظامی ذیلاً معین کرده است.

پنج تیر آلمانی بلند نو چهل و پنج تومان، کهنه سی تومان، کوتاه نو سی تومان، کوتاه کهنه هیجده تومان، پردان نو پنج تومان، کهنه سه تومان. پنج تیر روسی نمره اول نو چهل و پنج تومان، کهنه بیست و پنج تومان، نمره دوم نو بیست و پنج تومان، کهنه پانزده تومان، طپانچه ماوئر سی تومان. ورنندل بلند نو ده تومان، کهنه هفت تومان، کوتاه نو پنج تومان، کهنه سه تومان. طلیمه و مکنز نیمچه نو بیست و پنج تومان، کهنه پانزده تومان، ترکدار بلند قد نو سی تومان، کهنه سی تومان.

قیمت تفنگهای خودشان را نقداً دریافت دارند. توضیح آن که تفنگ لیل بلند کوتاه و کوپلند و هم چنین تفنگ ورنندل آنچه را علامت خرید دولت در آن است چون خریداری آنها انحصار به ذوات علیه داشته و خرید و فروش آن غیر مشروع و نوع خطای بزرگ نظامی بوده است، لهذا بدون این که صاحبان آنها مطالبه قیمت نمایند باید مجاناً به وزارت جلیله جنگ تحویل نمایند. از تاریخ انتشار این اعلان تا مدت دو روز هر کس به مقررات این اعلان عمل ننمود بعد از انقضای مدت اسلحه این نوع اشخاص به قوه قهریه گرفته می شود و صاحب آن اسلحه علناً برای عبرت اشخاصی که در مقابل راس مجلس مقدس و اراده دولت مقاومت می نمایند در میدان عمومی به مجازات خواهد رسید. چون تمام این اقدامات اولیاء دولت علیه برای این است که، فساد در شهر ظاهر نشود و اهالی شهر از ضیاع و شریف عموماً درمهد آسایش و امنیت بوده تجار و اصناف و سایر طبقات در کمال اطمینان خاطر به کسب و کار خود مشغول باشند و نظایر این وقایع اخیر خاصه واقعه قتل مرحوم حجة الاسلام اعلی الله مقامه که ظهور آن وقایع هیأت دولت را فوق العاده مهموم و متأسف داشته است بروز نکند، لهذا بعد از دو روز مهلت، هر محلی را که مأمورین نظمیه و طبقات نظام طرف سوءظن دانسته برای گرفتن اسلحه محاصره کند باید اشخاصی که در آن محوطه هستند در کمال معقولیت و آرامی بدون حمل آلات ناریه بیرون آمده اسلحه خودشان را تسلیم نمایند و چنانچه اظهار نمایند در آن محل اسلحه نیست در حالتی که مأمورین نظامی اطراف آن محل را محاصره نموده باشند یک نفر پلیس برای معاینه آن خانه با صاحب خانه داخل شده مواقع لازمه را معاینه می کند. در صورتی که اسلحه در آن خانه بوده است و نشان نداده اند صاحب خانه توقیف و به مجازات خواهد رسید و چنانچه در مقابل قوای دولت اعمال اسلحه ناریه نمایند مرتکبین در همان محل تیر باران خواهد شد و هرگاه در موقع محاصره از ساکنین آن خانه مقاومت و شرارتی بروز کند و به نصیحت و

تهدید مأمورین دولت تسلیم نشوند آن خانه به توپ بسته خواهد شد. در موقعی که اداره نظمیه به محلی که سوءظن بود و آن محل را برای گرفتن اسلحه محصور قوای نظامی نموده اشخاصی که در مجاورت آن محل خانه دارند باید اطلاعات لازمه را در باب اسلحه که در آن محل هست به مأمورین نظمیه بدهند و هریک از همسایه‌ها یا از اشخاص متفرقه به اداره نظمیه معلوم نمایند که در آن محل مقدار زیادی اسلحه حفظ شده است بعد از یقین به گوینده این خبر یک صد تومان انعام داده می‌شود. باید عموم اهالی شهر بدانند که قشونی را که دولت برای حفظ آنها فراهم نموده از هر جهت تدارک امنیت و آسایش اهالی را ضامن است و در این صورت به بهانه حصول امنیت نمی‌بایست مردم در نزد خودشان اسلحه نگاه دارند، بلکه مکلف هستند که در کمال آرامی و خوشوقتی اسلحه خودشان را به توسط نظمیه به وزارت جنگ آورده، مطابق مقررات فوق معمول دارند. از طبقه مجاهدین هر کس بعد از انقضا دوروز به وظیفه شریفه مجاهدت و اطاعت عمل ننموده و از تمکین احکام مقررہ تخلف نمود اداره نظمیه آن شخص را به نظر متمرّد و غیر مطیع شناخته حکم دولت را در مواد آنها مجری خواهد کرد. پلیس‌هایی که در محلهای مظنونہ برای تحقیق و تفحص اسلحه وارد می‌شوند باید از طرف نظمیه دارای حکم کتبی باشند، والا حق ورود به آن محل را نخواهند داشت. چنانچه پلیس به موجب حکم وارد محل مظنون بشود و به طرف پلیس در آن خانه که از آن جابه پلیس تیر انداخته شده معلوم خواهد شد چنانچه تفنگ و اسلحه در خانه اشخاصی باشد که معروف به صحت اعمال و حسن رفتار بوده و طرف اطمینان دولت باشند و به هیچ وجه احتمال فساد در آن اشخاص نرود در این صورت آنچه تفنگ شکاری است از نظمیه به آنها بلیط داده می‌شود و آنچه غیر شکاری است در همان خانه در اطاق معین تاملت معلوم توقیف می‌شود و در ب آن اطاق رامامور نظمیه مهر خواهد نمود و باید این نوع اشخاص قبل از انقضا پنج روز اسلحه موجودی خود را با کمال صداقت و راستی به اداره نظمیه صورت بدهند به طوری که با تفتیش مأمورین نظمیه مخالف نباشند.

چون به موجب رأی مجلس مقدس مجامع و مطبوعاتی که موجب فساد و هیجان باشد ممنوع است لهذا اکیداً اخطار می‌شود که از تاریخ انتشار این اعلان هر نوع تجمع و هر نوع مطبوعاتی را که اداره نظمیه موجب فساد بداند قبلاً به موجب اخطار کتبی حکم به تفرق و توقیف خواهد نمود و چنانچه از حکم کتبی نظمیه تخلف شود قهراً آن مجامع و مطبوعات

در تحت تهدید مأمورین نظمیه و قوای نظامی متفرق و موقوف خواهد شد.*

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، استانبول، کارتن سیاسی، ۲۵۰

۱۱۸ / اسناد قاجار

نامه میرزا حسینقلی خان نواب وزیر خارجه ایران به سر جرج بارکلی^۲ وزیرمختار
انگلیس

موضوع: وضع عمومی ایران و تجارت اتباع خارجه با ایران
تاریخ: ۱۷ شوال ۱۳۲۸

جواب یادداشت انگلیسیها

از مضمون مراسله شریفه آن جناب جلالت‌مآب مورخه ده شوال ۱۳۲۸ که از وضع طرق و شوارع جنوب ایران اظهاراتی فرموده بودند استحضار حاصل کرده، اینک با کمال احترام زحمت افزا می‌شود که اولیای دولت فخیمه انگلیس کاملاً مستحضر و از روی کمال انصاف مقتضی است تصدیق نمایند که اولیای دولت علیه ایران از سنه ماضیه بعد از زوال هرج و مرج سابقه، زمام مملکت را در چه حالت در دست گرفتند در صورتی که تمام اوضاع و دوایر مملکت در شدت انقلاب و به خصوص امور مالیه و اساس امنیت و آسایش عمومی نهایت پریشانی را داشت با آن که روزبه روز به موانعی چند از قبیل اقامت دستجات قشون خارجه در داخله مملکت که باعث هیجان عامه و دست‌آویز تحریکات و افساد اشخاصی که از هرج و مرج سابقه استفاده می‌نمودند و چه واقعات دیگری مشغول وقایع قراچه‌داغ و اردبیل زنجان و مازندران و ورامین و غیره که دائماً استعداد دولت را در چند نقطه مشغول داشت دچار می‌شدند. از آن تاریخ تاکنون، از خیلی جهات امور مملکت پیشرفت نموده و روبه بهبودی گذاشته، ولی بدبختانه هنوز در بعضی نقاط فساد اشخاصی که برای استفاده میل دارند مملکت به همان حال هرج و مرج و دوره سابقه باقی بماند به ترتیبات ذیل در کار باقی و کلیه مرتفع نشده است. مثلاً بعضی اشخاص پس از ارتکاب فتنه و فساد در بعضی از سفارتخانه‌ها تحصن جسته و پس از آن به استظهار طرفداری خود را از تبعه که معمول متحصن است مصون داشته در داخل و خارج محوطه سفارت افساد می‌نمایند و یا به

دیگرافتاد و در این بین مراسله مورخه ۳ ربیع الاول ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ مارس ۱۹۱۰ آن جناب جلالت‌آب در باب سندیکات بین‌المللی به دولت علیه ایران رسیده و باعث مذاکرات و تبادل مراسلات شد که تحصیل وجه را که در واقع وسیله ازدیاد امنیت طرق و شوارع بود به تأخیر انداخته و از طرف دیگر، علاوه بر این که مذاکرات و تبادل مراسلات مذکور، تولید اثراتی کرد که باعث انتقال اولیای امور شد خلجانی هم در اذهان عامه ایجاد کرد که نتیجه آن به مرور اوضاعی است که خود آن جناب جلالت‌آب در مراسله اخیره اشعار داشته در این صورت خاطر نصرت مظاهر آن جناب جلالت‌آب گواهی خواهد داد که اگر در بدو تأسیس دولت جدید در باب تحصیل وجه این اشکالات به میان نیامده بود برقراری امنیت کامله برای دولت علیه خیلی سهلتر از امروز میسر می‌شد. با وجود این، دولت علیه از مقصود خود آنی منصرف و برای نیل به این مقصود تهیه وجهی از راه ذیل در نظر دارد. در خصوص قروض ثابته بانک شاهنشاهی با تنزیل معتدلتری مشغول مذاکرات است و عقیده دولت علیه ایران است که از این راه مبلغی عاید خواهد شد که بتواند عاجلاً جلوگیری کامل از فساد و تحریکات بنماید. و دولت ایران تأمینی که در مقابل این قرض در نظر دارد همان تأمینی است که در مقابل قرض ثابت خود به بانک شاهنشاهی از بابت عایدات گمرکات جنوبی مقرر بوده است و بنابراین به هیچوجه خللی بر تأمینات سایر قروض ایران نمی‌رساند و نظر به توجهی که اولیای ایران به مسأله امنیت فوری طرق و شوارع فعلاً لازم است از آنچه وجوهی که به واسطه این معامله حاصل خواهد شد بنمایند و به دولت انگلیس اطمینان می‌دهند که به واسطه این اقدام مالی به هیچوجه در جریان قرض سنه ۱۹۰۹ هندوستان خللی واقع نخواهد شد. بنابراین دولت علیه اطمینان کامل دارد که نظر به نگرانی خود آن دولت در مورد پیشرفت تجارت از طرف دولت انگلیس اقدام مالی را که دولت ایران بیشتر برای این منظور در نظر دارد و به حسن توجه مقرون نمائید. و ضمناً لازم است که این نکته را خاطر نشان آن جناب جلالت‌آب نماید که چگونگی دولت نمی‌تواند همه ساله به واسطه استقراض پی در پی احتیاجات خود را ایفا نماید باید در مقابل هر احتیاجی محلی تهیه کند و بهترین محلی که امروزه به اوضاع کنونی ایران وفق بدهد و یک قسمت از مبلغی که برای مصارف ژاندارمری لازم است تهیه نماید همان اشعاری است که در مراسله اخیره راجع به ازدیاد ده یک حقوق گمرکی آن جناب جلالت‌آب فرموده‌اند. ولی چون ترتیبی در مراسله مزبوره اظهار شده به استقلال مسلمه

دولت علیه و مناسبات و داد و یکجتهی که این وقت بین این دو دولت معمولی و مرعی بوده منافعی می باشد و دولت ایران در هیچ وقت و در هیچ صورت نمی تواند تصدیق نماید. و چون از طرف دیگر دولت ایران نگرانی اولیای دولت انگلیس را راجع به خطوط تجارتی جداً در نظر گرفته است، بنابراین دولت علیه، رعایت حفظ استقلال خود را با رفع نگرانی اولیای آن دولت در این موضوع قوام دانسته و صلاح می داند که، این حقوق ده یک را خود دولت علیه از گمرکات گرفته به مصارف لوازم ازدیاد امنیت برساند و اولیای دولت علیه به توسط آن جناب جلالت مآب، از اولیای دولت انگلیس خواستار می باشند که در انجام این مقصود و مساعدت فرموده، این تمنای اولیای دولت علیه را که برای ازدیاد منافع تجارتی است و دولت علیه انجام آن را بجهت حفظ همان امنیتی که اظهار فرموده اند از لوازم می داند به حسن قبول تسریع فرمایند و قبل از این که به این مراسم خاتمه دهد لازم می دارند که برای اثبات عدم لطمه تجارت توجه خاطر اولیای دولت انگلیس را به طرف افزایش فوق العاده که در عایدات گمرکات جنوب حاصل شده جلب نماید و بدون این که کلیه منکر شود که هیچ نوع زحمت و اشکالی در این اواخر برای وسایل تجارتی بین ایران و انگلیس در میان نبوده و مسلم می دارد که در مقابل استاتستیک عایدات گمرکی واقعاً خسارت تجارتی متوجه اتباع آن دولت نشده بلکه قریب یک صد هزار تومان که بر عایدات گمرک عربستان در سنه قوی ثیل نسبت به سنه سابق اضافه شده است و در هذمهالسنه به طور فوق العاده در ترقی است دلیل ثابتی است برای این که تجارت جنوبی فقط از معبر سابق خود موقتاً منحرف گردیده است و حتی بر کلیه واردات تجارت ایران در سنه ماضیه، قریب صدی نوزده اضافه بر سنه پیچی ثیل شده است. و در پنج ماه هذمهالسنه از قرار صدی بیست افزوده شده است. نظر به مراتب مذکوره در فوق، به عقیده اولیای دولت علیه برای اتباع خارجه از حیث تجارت با ایران محل شکایتی نمی ماند.*

توضیحات:

۱. میرزا حسین قلی خان نواب پسر جعفر قلی خان است. تحصیلات خود را در هند، انگلیس و فرانسه به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۰ ق به ایران بازگشت و در سال ۱۳۰۷ در اداره (رژئی) انحصار دخانیات استخدام شد. پس از به توپ بستن مجلس برضد دربار فعالیت داشت و در سال ۱۳۲۸ در کابینه مستوفی الممالک وزیر خارجه شد و سپس به عنوان وزیر مختار ایران در آلمان راهی آلمان گردید و سرانجام در

۱۳۲۴ش درگذشت.

تاریخ رجال ایران/ ج ۱، صص ۹-۴۵۷.

۲. جرج یارکلی (۲۳ مارس ۱۸۶۳/۲۶ ژانویه ۱۹۲۱) فرستاده ویژه و وزیرمختار انگلیس از اول سپتامبر

۱۹۰۸/ تا ۲۳ مارس ۱۹۱۲ در ایران مقیم بوده است.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ۲۵۰

صورت تلگرافی است که از استرآباد به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه رسیده

موضوع: تجاوز دولت روسیه به ایران

تاریخ: ذی قعدة ۱۳۲۸

خدمت جناب جلالت مآب، سفیر کبیر دولت علیه عثمانی گویند به هریک از سفرای عظام دول متحابه مقیم طهران از آلمانی و فرانسه و ایتالیا و هولند، امریک، بلجیک، اطریش، سویس و غیرهم. پنج سال است که با هزاران فداکاریها و بذل نفوس و اموال عموم ملت ایران خود را از قید اسارت و استبداد خلاص نموده، مدت مدیدی است که دولت متبوعه ایران معرفی به مشروطیت شده و امروز دارای جهات قانونی است در این مواقع که تجاوزات دول متحابه همجوار علنی شده و برخلاف عدالت و انصاف و مسلک خصوصیت و اتحاد در هدم استقلال دولت ایران و اساس دیانت اسلامیة سلوک و رفتار می نمایند. ما عموم ایرانیان با اتحاد کلمه و مراعات جهت جامعه اسلامیة، یا ملاحظه نزاکت بین الملل به خدمت ذی شرافت آن سفرای عظام که حافظ حقوق هستند مظلومیت خودمان را عرض و اظهار و پروتست می نمایم تا به موجب حفظ قوانین بین الملل و به مقتضای عدالت پروری، حقوق ما ایرانیان مظلوم را منظور و محفوظ فرمایند و به مقام منیع دول متحابه همجواریان پروتست قانونی نمایند که دست از این تجاوزات جانشوز بردارند و هیئت جامعه اسلامیة را مجبور به اقدامات دفاعیه نمایند که مفاد کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله، در عروق و اعصاب ما مسلمانان مانند خون جاری است و در حفظ این مقام به هیچ وجه خودداری نمی توانیم نمود.

الاحقر صفی الله، الاحقر عبدالرزاق، الاحقر محمد حسین، الاحقر محمد طاهر الحسینی، الاحقر محمد حسن، احقر محمد باقر، احقر ابراهیم الحسینی، احقر علی اکبر،

احقر غلامحسین، احقر حمزه، احقر یعقوب الحسینی، احقر ابوتراب عقیلی، احقر عباسعلی
عقیلی، احقر محمد مهدی الحسینی، احقر اسماعیل، احقر محمد باقر الحسینی، احقر علی
محمد الحسینی، و عموم خوانین و عموم تجار و عموم اعیان و عموم ملت ایران. •

• بایگانی وزارت خارجه عثمانی، بخش سیاسی: کارتن ش ۲۵۰

اغتشاشات دوره ایران که تخریبات آن نسبت به انقلاباتی که در تاریخ ملل عالم سراغ داریم به درجه صفر بوده و حتی نسبت به خود انقلابات روسیه که پنج سال پیش اتفاق افتاده اهمیتی نداشته و در عرض این چهار سال به یک نفر تبعه خارجه آسیبی نرسیده است. دولت روس به بهانه حفظ جان و مال اتباع خارجه برخلاف تمام معاهدات بین‌المللی قشون به خطه ایران وارد نموده و اینک اخراج آن را حریصانه موقوف بدادن امتیازات از طرف دولت ایران به روس محول می‌نماید.

ایرانیان با همه آن مایوسی که از پلتیک سنوات اخیر دولت انگلیس داشتند باز هم نظر به آن که این دولت بزرگ خود را حامی آزادی و حریت می‌پندارند تصور می‌نمودند که در این مورد یا مقاصد مستبدانه دولت روس همراه نبوده تخلیه ایران را از قشون که به تصویب خود او وارد شده بود به دوست خود اخطار خواهد نمود.

هیئات که از این قیافه ریاکارانه انگلیس یک دفعه دیگر هم فریب خوردند. این دولت آزاد لیبرال یادداشت توهین آمیزی به دولت ما داده و استقلال قدیمی ما را تهدید می‌نماید و مصمم می‌شود که بعد از سه ماه دیگر مداخله در امور جنوبی ایران نموده و به همین واسطه بهانه جدی برای مداخله به روسها در شمال داده قدمی.... سمت بردارند. دولت آزادیخواه انگلیس بهانه ظاهری یک چنین جسارت خود را عدم امنیت طرق و مفقودیت استعداد دولتی ایران نشان می‌دهد، حال آن که بر همه اشخاصی که انقلابات ایران را تدقیق نموده‌اند واضح و آشکار است که دولت ایران در تحصیل پول مانند همه دولی که مبتلا به تبدیلات اساسی اداره می‌شود با کمال شدت احتیاج داشت و از طرف دولتین روس و انگلیس انواع موانع به وجود می‌آمد. به واسطه این که نه دیگران را می‌گذاشتند بدهند و نه خودشان می‌دادند و اگر هم می‌دادند، شرایطی پیشنهاد می‌کردند که دولت ایران هرگز نمی‌توانست این شرایط را قبول نماید. زیرا که قبول هر یکی از آن شرایط فروختن استقلال و آزادی مملکت بود که مقصود اصلی در تمام مجاهدات ملی محافظت آنها بود. باز هم در اسکات اغتشاش اهمالی ننموده و اقتدارات خود را در وقوعات اردبیل، قراچه‌داغ با تأدیب ایلات متمرده و واقعه زنجان که همگی اثرات تحریکهای خارجی بود بروز داد موجودیت این انتریکها به واسطه واقعه داراب میرزا و آمدن پسر رحیم‌خان با رابطهای که مابین رحیم‌خان و روسها بود باز کردن درهای سفارت برای مفسدین متحرکین ارتجاعی و هرج و مرج طلب وغیره، از مسائل واضحه است که محتاج به بیان نیست. و حتی که دولتین روس و انگلیس

قصد نمودند که به هر شکل باشد ما را اسیر هوسات طماعانه خود نمایند و طفل نوزاد آزادی مشروطیت ما را در اولین درجه رشد و بلوغ خود خفه نمایند. مسلم است که دولت روس چنانچه وانمود می کند محض نوع پرستی خود اقدام به انعقاد کنفرانسهای صلح لاهه^۱ نموده و دولت انگلیس که خود را حامی آزادی خواهان کره زمین دانسته همه قسم بهانه‌ها برای برائت اسقهلال مقاصد ظالمانه خویش تراشیده و اتمام حجت‌های زیادمبنی برای بهانه‌های جعلی خود به ما خواهد نمود. چنانچه برخلاف شهادت ارقام استاتیسیتیک گمرکی دولت انگلیس تنزل تجارت جنوب را ادعای نماید. ولی اگر دولت انگلیس به رفاقت دولت روس تکیه نموده اتمام حجت بی اساس حق شکنی به دولت ما بدهد، ما ملت ایران نیز حق داریم که اتمام حجت بر تمام عالم تمدن و آزادی خواهان دنیا و نوع پرستان اروپا عموماً و به ملت روس و انگلیس خصوصاً نمائیم. ما منتظریم که عناصر صلح طلب و انسانیت پرور اروپا و دولی که تابع این احساسات وجدانی هستند به این مسئله مشکله که به ایران روی داده است توجه مخصوص نمایند. امروز می خواهند یک ملتی را که دارای یک قدمت مشعشع تاریخی سه هزار ساله بلکه بیشتر است محو و نابود نمایند.

به کسانی که در ادوار قدیمه خود خدمات نمایان به عالم انسانیت نموده و در آینده برای خدمات لایقه در صدد تدارکات اسباب لازمه که عبارت از اصول مشروطیت و عدالت باشد برآمده، امروز مبتلای قهر و غلبه حرص و از یک عده دولتیان طماع روس و انگلیس پرست نموده، این ملت از شما ای آنان که به تمدن و انسانیت پرستی خود می بالید استمدادی جوید و با یک صدای رسا، که انعکاس آن در جو هوای کره زمین الی یوم القیامه پایدار بماند می گوید که، از این جنایت تاریخی جلوگیری نمائید و بدانید که ملت قدیم ایران به این آسانیه‌ها دست از حیثیت ملی و استقلال خود نخواهد کشید. دولت انگلیس باید بداند که مسئله ایران امروز یک مسئله معظم اسلامی را دربردارد و سوء قصدی که در باره او می شود تمام عالم اسلام را متنفر ساخته برای یک دولتی که دارای صدمیلیون اتباع اسلامی است نتایج وخیمی خواهد داشت. دولتین روس و انگلیس و دوستان ایشان بخوبی بفهمند که بر این تجاوزات علنی برنماینده یکی از ارکان قدیم عالم اسلام مسئله شرق موافق منافع آنان حل نگردیده و عالم اسلام را بالاجبار به آغوش دیگران خواهد انداخت. کشورستانان امپریالیست اروپا باید بدانند که هر قدر به مقصود اضمحلال عالم اسلامی متشبث شوند همان اندازه بر اتحاد اسلام و قوه دامنه آن افزوده‌اند. مبارزات ملت ایران فقط برای

استقلال و آزادی بوده و مداراهایی را که با دول و ملل همجواری استیلا کار تاکنون نموده‌اند نیز برای خاطر استقلال و آزادی وطن عزیز بوده والا، مردن را ترجیح بر ذلت امارت می‌دهند، زیرا برای یک مملتی که داخل در راه تمدن و تجدد گردیده، ذلت اضمحلال و اسارت را کشیدن هرگز گوارا نخواهد بود. ایران مال ایرانی است در نتیجه رو به دولت و وکلای محترم خود نموده تقاضا می‌نمائیم که بر مطالب جدی ملت اتکال نموده رفتن قشون اجانب را جداً از منابع لازمه خود بخواهند.^{۳۰*}

توضیحات:

۱. در اصل: لاهی
 ۲. در اصل: ملیان
 ۳. در پایین قطعه‌نامه چنین آمده: ما هیئت مدیره متینگ که روز پنج‌شنبه ۱۴ ذی‌قعدة در طهران تشکیل یافته به اقتضای هزاران اشتراک کرده در آن، وکالت این بیان نامه را به نام عالم تمدن نشر می‌نمائیم.
- * بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۰

نامه مخبرالسلطنه به کنسول عثمانی در تبریز.^۱

موضوع: ورود عبدالرزاق بیگ به ارومیه

تاریخ هفدهم جمادی‌الاول ۱۳۲۹

بعد العنوان، الان تلگراف از حکومت ارومیه رسید که عبدالرزاق بیگ وارد ارومیه شده با کمال احترام در شهیندرخانه منزل کرده و دید و بازدید نموده و روز جمعه بیستم این ماه با تمام فرنگیها در حکومت مهمان خواهد بود. دوستدار تلگراف کردم که از طرف باش شهیندري محترم تعلیمات تلگرافی به شهیندري ارومیه خواهند داد که او را به داخل^۲ خاک عثمانی روانه دارد. از شما هم اگر مساعدتی بخواهند البته مساعدت نمایند حالا لازم است که آن جناب دوستان استظهاری نیز سریعاً تعلیمات تلگرافی به طوری که صلاح دانسته و وعده فرموده‌اید به شهیندري ارومیه ابلاغ فرمایند.

احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

سواد مطابق اصل است علی اکبر مهنشی*

امضا: مخبرالسلطنه

مهر: ایالت آذربایجان

۱. عنوان نامه چنین است: صورت مراسله ایالت آذربایجان به باش شهیندري مرکزی به تاریخ ۱۸ جمادی‌الاولی

۱۳۱۹ نمره ۱۷ خصوصی.

۲. در اصل داخله.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، بخش سیاسی، ش ۵۶۶.

نامه سفیر عثمانی به محمد ولی خان تنکابنی^۱ وزیر خارجه ایران

موضوع: عذاری یهودی

تاریخ: ۱۳ جمادی‌الآخر ۱۳۲۹

دو فقره تلگراف از وکیل شهیندر عثمانی مقیم همدان الان به سفارت سینه رسیده که برای استحضار خاطر محترم آن ذات عالی وزارت پناهی عیناً درج می‌نماید. «دو روز است دلالهای مسلم به عذرا، دلال بغدادی تبعه عثمانی محض غرض همکاری، نسبت کفر داده‌اند. فدوی به انتها مراقبت خود و موافقت کارگزاری، در جلوگیری این کار با این که عذرا از خوف پنهان بوده است کرده چون فدوی پایه و ماده فساد را مستعد دید از حضور مبارک استدعا دارم چاره در جلوگیری برای امنیت و آسایش آنها قبل از این که دچار زحمات و صدمات نشده‌اند بفرمائید» «فقره عذرا اهمیت تمام پیدا کرده چون این مسأله به هیجان عمومی و انقلاب اهالی راجع است آن وقت امنیتی برای عذرا و کسان او و سایر تبعه نخواهد بود، مستدعی است فوراً چاره فرمائید.»

البته پس از ملاحظه تلگرافات فوق تدابیر موثره فوری در جلوگیری از فتنه و فساد و فراهم نمودن امنیت و آسایش برای عذرای مذکوره و کسانش و سایر اتباع عثمانی مقیمین همدان اتخاذ فرموده و دوستدار را از نتیجه مطلوبه به صورت سریعه مستحضر خواهند فرمود. والا در صورت بروز حادثه نسبت به اتباع عثمانی مقیمین همدان بدیهی است که حقاً و اصولاً مسئولیت کامله آن به عهده دولت علیه ایران خواهد بود. همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.*

سواد مطابق بااصل است

مجید منشی

۱. محمد ولی خان سپهسالار اعظم فرزند حبیب‌الله خان ساعدالدوله در سال ۱۲۶۴ قمری متولد شد. در اوایل

سلطنت مظفرالدین شاه به وزارت گمرک منصوب گردید و در سال ۱۳۱۷ به حکومت گیلان دست یافت. پس از به توپ بسته شدن مجلس از طرف محمدعلی شاه مأمور متفرق کردن مشروطه‌طلبان آذربایجان شد. چون در آذربایجان باعین‌الدوله سازش نکرد به تنکابن رفته و انجمن عدالت را تشکیل داد و سپس با همکاری حاج علی قلی خان سردار اسعد به طرف تهران حرکت کرده و تهران را به تصرف خود درآورد. محمدولی خان پس از این تاریخ بارها به صدارت رسید و سرانجام در سن هشتاد و یک سالگی در هشتم محرم ۱۳۴۵/۱۹ ژوئیه ۱۹۲۶ به ضرب گلوله خودکشی کرد. تاریخ رجال ایران / ج صص ۴- ۲۱.

● بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

انتباه نامه شعبه فرقه دموکرات ایران (فرقه عامه) در آذربایجان

موضوع: انتباه نامه

تاریخ: ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۲۹

اگر در جریان اصول سیاسیه روی زمین بانظری دقیق و فکری عمیق غور نمائیم و وضع نمو هیئت اجتماعی بشر را در تحت نظر تقید بیاوریم باروشنی تمام خواهیم دید که ترقی تدریجی هیئت‌های سیاسیه، قانون لایتغیر تکاملی است که تتبعات آینده بشر دراثبات و تبیین آن اتصالاً کار می‌کند. حتی هر تجربه‌ای که اجرا می‌شود و هر حادثه‌ای که به وقوع می‌رسد مراتبی جالب تأیید در تقویت آن می‌گردد.

هیئت‌های سیاسی از استبداد و تغلب ابتدا کرده در مدارج موجوده از مشروطیت و جمهوریت و غیره - رو به سوی نقطه تکامل تدریجاً ارتقا می‌جوید و اگر در اثنا سیر خود به حکومت عوامی منتهی شود در عصر حاضر سیستم که دوره تمدنش می‌نامیم آخرین منزل ترقی خواهد بود زیرا مملکتی که به واسطه حکومت دموکراسی اداره می‌شود و قسمت اکثر اهالی آن در امور اداره اشتراک دارند ممتاز ممالک دیگر خواهد بود و ملتی که تابع حکومت عوامی است به دولت متبوعه خود از ملل سائره بیشتر خاطر جمع و مطمئن است. و در مشروعیت همین اشتراک ابدأ اشتباهی نبوده چه که مداخله اعضای مریض و منکر اجتماعات بشریه - یعنی حزب عوامی که بی‌هیچ اسلحه قدم به میدان مبارزه حیاتی می‌گذارد به اداره امور حکومت. از دخالت صنوف ممتازه زیاده لازم و بجا بوده و غایتی که از وجود حکومت منظور است فقط همین اعتبار است و بس، اساساً در تمامی حکومت حاضره برای نیل و وصول بدین غایت یک میلان طبیعی و مقاومت‌ناپذیر و درحادثات سیاسیه و اجتماعیه به سوی آن، یک جریان غیرقابل و شدید است. همچنین مملکت ایران

که در تاریخ حیات عالم یک عائله قدیمی را تشکیل می‌دهد از چندی به این طرف بدین سیر طبیعی خود آغاز کرده و امروز که روز فیروز مبارکی است امروز که روز عید سعید حریت است. امروز که در دماغ استقبسال مویدا نورپاش و درخشان خواهد زیست امروز که چهاردهم شهر جمادی‌الآخر است و بالاخره امروز که مانند چهاردهم ژانویه فرانسوی‌ها یک روز انوار و فیاض تاریخی است مدت پنج سال تمام قمری است که به سر منزل مشروطیت رسیده و در اعداد دول مشروطه به شمار می‌رود.

در مدت سه سال اول که ششمین نماینده آل قاجار از تابش انوار آزادی به وسایل ممکنه ممانعت می‌نمود بعضی از پیروان طبیعی اریستوکراسی با احراز و دموکراسی ایران اتفاق کرده در مقابل حملات لعینانه آن متحداً مقاومت ورزیده و چون در اوایل سال چهارم غلبه و مظفریت از طرف احرار رونما گردیده از تعدیات مستبدانه فرعون عصر خاطر جمعی و اطمینان به عمل آمد و همان وقت شد که پای امتحان به میان آید آنها که مجاهدتشان در راه آزادی و مساعدتشان به احرار فقط به خیال آن بود که میدانی برای جولان خود آماده‌سازند و بی‌منازع قوی و پر زور به کار حکومت پردازند کم‌کم به سوی ارتجاع متمایل گشتند و از آن به بعد اجرا اصول حکومت اشرافی را در نظر گرفته بایک جدیت تمام در این خط می‌کوشند. پس در این صورت ایرانیان را نیز لازم است که خویشتن را بی‌اختیار داخل یک مبارزه مسلکی و مناقشه سیاسی دانسته و به یقین بدانند که امروز سعادت آتیه وطن و نمو کامل و ارتقا سریع قوه ملیّه ما مصادف بسی مخاطرات داخلی و خارجی بوده و خواهد شد و مصادمات مهیب و موحش در سر راه جریان اصول حکومت ملی ما خواهد بود و پنجه‌های قوی و خونین درخفه نمودن دولت جوان ماهر قسم تشبثات خواهد نمود. اینک یگانه چاره که دواى دردها می‌تواند بود، تنها علاجی که این همه نکبت‌ها را جلوگیری تواند کرد و آتیه خطر نمون ما را تأمین تواند نمود، همانا عبارت است از توحید افکار و از یک اتحاد قلبی. اما چگونه اتحاد، اتحادی که علایق معنوی را به هم وصل دهد، اتحادی که منافع مغضوبه ما را مژده حصول بخشد، اتحادی که پس از درک مراتب مظلومیت و شرح فلاکت حال و مخاطرات استقبال بایک حس بلاگیر به عزم سده حملات حکومت اشرافی که جلد ثانی استبداد است تشکیل یابد.

– بلی – اتحادی که در سایه همدستی مظلومین خونین دل و ضعیف که به امتداد ازمنه ایام حیات تلخ خود را در زیر ظلمها و فشارها و جان‌کنی‌ها با هزاران ناله و آه به سر

برده‌اند به عمل آید. اتحادی که افراد مستظل آن جملگی با دل صاف و خاطری شفاف بی‌شائبه ریب و ریا بی‌آلایش اغراض و بدون همراهی نفسانیت و اکدار اخلاقی فقط و فقط در حمایت یک حکومت ملی، در حراست یک شورای عمومی، در محافظت یک سلطنت عامه حاصل گردد.

ای هموطنان عزیز، فرقه دموکرات ایران (عامیون) برای تشکیل همین اتحاد مسلکی مرامنامه اساسی خود را به دست برداشته و بایک صدای رسا تمامی افراد کارگر و رنجبر و زحمتکش را از تاجر و اصناف کسبه و عمله و فعله و زارع و دهاتی و غیره به دایره دوران خویش دعوت می‌کند و این همه باریکی موقع و مخاطره و منظره و تفتیشات داخلی و تحریکات خارجی و هزاران بلایای دیگر را منظور داشته خاطر نشان آن برادران عزیز می‌نماید که هر چه زودتر بی‌تسامح و تغافل بایک حدت و جدیت وطن‌پرورانه برخود برآمده و در اصلاح امور مملکت تاریخی خود بکوشد و با گرمیتی تمام و جدیتی کامل در اجرای آمال و افکاری که موجب پیشرفت مقاصد و حصول منافع عامه باشد بذل اجتهاد بنمایند و بدانند که اگر آنی غفلت به کار رود وطن از دست خواهد رفت و انقراض ابدی گریبانگیر استقلال ما خواهد شد.

هان... هان ای هموطنان محترم! ای معصومها و مظلومهایی که بی‌هیچ قباحت و جنایتی... فقط به واسطه ایرانیت!... فقط به سبب زندگانی در ایران به یک دسته جانی قساوتگر اسیر شده و هنوز ماهیت انسانیت و هویت حیات خودتان را نفهمیده به درود زندگانی سیاسی خویش را می‌گوئید. بطلالت بس، غفلت کافی است. دیگر چشمتان [را] بگشائید، زیر پایتان نظری بیفکنید، اگر خطوه دیگری هم با این غفلت بزر دارید آخرین خطومه‌ای است که به سوی فلاکت خواهید برداشت و در یک مخاطره پرهول دایمی خواهید افتاد و به یک مدلت و سفالت سروری محکوم خواهید شد.

ای هموطنان محترم

بطالت تا کی؟ غفلت تا چند؟ بطالت را نام بی‌طرفی ندهید، بی‌طرفی را مایه راحت جان و خلاص گریبان مپندارید. همان بی‌طرفیهای نامشروع است که به این روز سیاهتان کشانیده و براین خاکستر مدلتان نشانیده است.

هموطنان محترم: موقع بسی خطرناک، بیم اضمحلال در پیش، دشمنان غدار و پر زور داخلی و خارجی در پی، هموطنان محترم یقین بدانید که دیگر بعد از این یک غفلت،

یک بطالت از شما کافی است که کشتی طوفان گرفته وطن را غرق و تاریخ مشعشع ایران را به یک لکه ننگین مبدل بدارد.

ایرانیهای غیور... شما را به خدا هیچ روا است ایرانی که در ادوار بربریت و در بحبوحه وحشیت ضربالمثل تمدن بوده در دوره تمدن مایه عبرت ناظرین گردد.
ایرانیها، ایرانیها،

معاندین حریت، دشمنان آزادی، تا همه جا ولو به دست اجانب ولو به معاونت بیگانگان حاضر آقای شما و مصمم امحاء حقوقتان هستند و از هیچگونه تشبثات نامشروع دریغ ندارند. ایرانیها، موقع بسی باریک است فقط بطالت یک نفر از شما می توانند حقوق میلیونها رنجبر بدبخت را به باد فنا داده دچار یک مذلت یک اسارت یک سفاهت دایمی بکنند. ایرانیها، ما دوره خونین انقلاب گذشته را تقدیر نمی کنیم همین قدر می گوئیم که این همه خانه خرابی و بدبختی به هر نحوی که بود دموکراسی بی چاره ایران را فرا گرفت ولی نتیجه آن همه فلاکت و هلاکت آیا پاره های تعديات و مظلومی باید بشود که برای اخلاقمان به جای نام نیکی از ما به یادگار بماند.

دموکراسی ایران

مادام که به اختیار خود به تحمیلات قسا و تکارانه و اجحافات طمّاعانه مشتی مفتخواران بی انصاف متحمل بوده اید تا که این قید سنگین شقاوت را به واسطه اقدامات مششروع پشماره پشماره نکرده و از هم ندیده اید محال است که پیکر نازنین وطن محبوب خویشان را از پنجه حقوق متزلزل خودتان را از تجاوزات بی رحمانه شیفتگان حرص و شهوت محفوظ بدارید. دموکراسی ایران، مظلوم ممتاز عصر بیستم وطن سیه بخت شما ایران در محیط مظلومیت خود به مدافعی غیر از شما گمان ندارد. از جنگ استبداد در سایه مجاهدتهای حمیت پرورانه شما رهائی یافته و اینک تأمین سعادت آتیه خویش را از شما امید می دارد. و کمیته ایالتی نیز برادران عزیز خود را به دستگیری آن مادر ستم دیده با نهایت جدیت دعوت کرده اظهارات مخلصانه خود را با تبریک و تهنیتهای صمیمانه این عید سعید ملی به ختام می رساند.
زنده باد ایرانیان، پاینده باد دموکراسی ایران (کمیته ایالتی آذربایجان دموکرات ایران) *

* روزنامه شفق، سال اول (جمادی الاخر ۱۳۲۹) شماره ۴۲، صص ۲ و ۱

صورت مراسله سفارت سنیه دولت علیه عثمانی به وزارت امور خارجه دولت ایران

موضوع: عذرای یهودی

تاریخ: ۲۰ جمادی الاخر ۱۳۲۹

ذیلاً مراسله خود را مورخه ۱۳ جمادی الاخر ۱۳۲۹ نمره ۵۶ دائر به مسئله عذرا تبعه عثمانی و اغتشاش همدان را تأکید و تأیید می نماید که، علی رغم تشبثات شفاهی و کتبی دوستدار مجدداً الان تلگرافاتی از وکیل شهبندری عثمانی مقیم همدان و اتباع به سفارت سنیه رسیده که برای مزید اطلاع آن ذات عالی وزارت پناهی عیناً درج می نماید. در مسئله عذرا، جناب حاج شیخ باقر بی حضور عذرا و فردی حکم قتل او را داده است، تاکنون عذرا و سایر تبعه در امنیت بوده اند پس از صدور این حکم و نشر این کلمه که باعث انقلاب شهر و اهالی شده ابداً امنیت در جان و مال اتباع عثمانی نمی بینم. مستدعی چاره سریع وکیل عثمانی عذرا تبعه عثمانی را به گفتن کفر متهم نموده فتوی به قتلش دادند از این تهمت خود عذرا و تمام تبعه با بیست و پنج کرور اموال و مطالبات جاناً و مالاً در خطریم دخیل چاره فوری نمائید. (امضاء عموم تبعه عثمانی مقیم همدان.) در عصر مشروطیت مشاهده این قبیل احوال و وحشیانه که تماماً در زجر و تضییق اهالی بیچاره است موجب نهایت حیرت و کمال تعجب گردید و در مملکت مشروطه چگونه ممکن است بعضی اشخاص خودسرانه به این قبیل معاملات کیفی و وحشیانه بپردازند. بنابراین دوستدار صدور این احکام از طرف اشخاصی که بکلی خارج از صلاحیت او است نشناخته و قویاً پروتست می نماید و امنیت مال و جان عذرا و سایر اتباع عثمانی مقیمین همدان را به صورت قطعی از اولیاء عظام دولت علیه ایران درخواست می نماید و بدیهی است که آن ذات عالی وزارت پناهی نظر به معدلت فطری و حق شناسی ذاتی فوراً تدابیر لازمه مؤثره سریع الاجرا

در اعاده امنیت و آسایش مال و جان عذرا و سایر اتباع عثمانی مقیمین همدان اتخاذ فرموده و دوستدار را هم از نتیجه مطلوبه و فعلیه آن البته هر قدر ممکن است زودتر مستحضر خواهند فرمود والا خدای نخواستہ در صورت بروز و ظهور حادثہ نسبت بہ اتباع مذکورہ مسئولیت کاملہ آن حقاً و اصولاً بہ عہدہ دولت علیہ ایران خواهد بود . خاصہ حکومت محلیہ ہمدان را ہم بہ شخصہ مسئول می داند.

همواره احترامات فایقه را تجدید می نماید. زیاد چه زحمت دهد.

سواد مطابق با اصل است.

مجید منشی *

را به صورت سریعه با کمال تهاک انتظار می نماید که جواب تلگراف باب عالی یک آن اول داده اید و در صورت وقوع حادثه ناگوار نسبت به عذرا خصوصاً و سایر اتباع عثمانی مقمین همدان عموماً مسلم است که دولت متبوعه دوستدار دولت علیه ایران را کاملاً مسئول می داند و مراسلات فوق الذکر دوستدار هم در قوت خود باقی خواهد بود. سواد مطابق با اصل است.

محمد منشی*

صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سینه دولت علیه عثمانیه

موضوع: مجازات عذرای یهودی

تاریخ: ۲۶ جمادی الاخر ۱۳۲۹

دوستدار از مضمون سه طغرا مراسله محترمه مورخه ۱۳ و ۲۰ و ۲۲ شهر جمادی الاخر ۱۳۲۹ نمره ۵۶ و نمره ۶۷ و نمره ۷۴، جناب مستطاب عالی که متضمن تلگرافات و اشعارات وکیل شهیندرهمدان راجع به مسأله عذرای یهودی بود اطلاع و آگاهی حاصل نمود. جواباً با توقیر تمام زحمتافزاست که از اول وقوع این اتفاق و قبل از وصول مراسلات محترمه سابق الذکر به وزارت امور خارجه خبر رسیده بود و دوستدار نظر به اهمیتی که در امنیت و آسایش اتباع آن دولت علیه دارد فوراً تعلیمات تلگرافی از وزارت امور خارجه و وزارت جلیله داخله به حکومت و کارگزاری همدان صادر نمود که اهمیات قویه در حفظ جان عذرای مومی‌الیه و جلوگیری از هیجان عامه به عمل بیاورند. و موافق تلگرافاتی که متدرجاً به وزارت خارجه و وزارت داخله رسیده است غایله مزبور تسکین یافته است. بیم خطر رفع شده و اتباع آن دولت علیه در امنیت هستند. ولی چنانکه خاطر دقایق شناس ذات عالی سفارت پناهی به این مسأله تصدیق خواهند فرمود، چون عذرا نسبت به آئین مقدس اسلام توهین نموده و به بیانات کفرآمیز تفوه کرده است لازم است که بر روی مجازات نمایند. لهذا وجوباً باید مشارالیه به طهران جلب و برای حفظ شرایع اسلام قرار مجازات او داده شود. بدیهی است در این خصوص تعلیمات سریعۀ مقتضیه به وکیل شهینداری همدان صادر فرموده و دوستدار را از نتیجه اقدامات حسنه قرین اطلاع خواهند فرمود.

همواره احترامات فایقه خود را نسبت به آن جناب مستطاب تجدیدی نمیاید.

سواد مطابق با اصل است

مجید منشی*

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن شماره ۵۶۵

نامه سفیر عثمانی به وزیر امور خارجه ایران

موضوع: عذرای یهودی

تاریخ: ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹

مراسله محترمه مورخه ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ نمره ۲۱۴۰ دایر به مسأله عذرا تبعه عثمانی واصل دست توقیر واحترام گردید. جواباً زحمت افزاست این که، مرقوم فرموده‌اند (وجوباً باید مشارالیه به طهران جلب و قرار مجازات او داده شود) برای دوستدار از صدور آن حکم ظالمانه بیشتر اسباب تعجب و حیرت گردید به چه حق می‌توان کسی را بدون جهت و سبب فقط برای چنین حکم بی‌اساس جابرانه آن هم از طرف شخصی معلوم‌الحال که اعمال و افعال گذشته وی در نزد آن اولیاء عظام بخوبی مکشوف است و علاوه بر آن اقدام به چنین امری هم که کلیه خارج از صلاحیت او است تبعید نموده و از کسب و کار خود که معیشت خانواده‌اش را تأمین می‌نماید مانع گردیده چنانچه کتباً و شفاهاً خاطر اصول‌شناس آن ذات عالی وزارت پناهی را کاملاً مسبوق داشته است دولت متبوعه دوستدار به موجب قرار قطعی در صورت عدم موافقت آن دولت علیه در رفع دفع این قبیل حرکات و خامت مال در اجرای تشببات جدیده فروگذار نخواهد نمود. لهذا با کمال احترام از خاطر دقایق شناس آن جناب مستطاب عالی قویاً منتظر و خواهشمند است که به صورت سریع اقدامات مجدانه در فراهم نمودن اسباب امنیت و آسایش برای عذرای یهودی تبعه عثمانی اتخاذ فرموده و بیش از این رضا ندهند که یک نفر از اتباع عثمانی بدون هیچ سببی هراسان و مخفی بوده و نتواند معاش خانواده خود را تأمین نماید والا بدیهی است که مسئولیت تامة آن حقاً و اصولاً به عهده دولت علیه ایران بوده و خواهد بود. و مراسلات دوستدار هم، مورخات ۱۳ و ۲۰ و ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ نمره ۵۶ و نمره ۶۷ و نمره ۷۴ در قوت

کامله خود باقی خواهد بود.
همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید. زیاده چه زحمت دهد.
سواد مطابق با اصل است
محمد منشی*

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

صورت مراسله وزارت امور خارجه ايران به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه

موضوع: جلب عذرای یهودی به تهران

تاریخ: ۲ رجب ۱۳۲۹

مراسله مودت مواصله آن جناب مستطاب مورخه بیست و هشتم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۹ نمره ۷۴ واصل است توقیر و احترام گردید. در مسأله عذرای یهودی، وزارت امور خارجه به آن اندازه که لازم بوده است در حفظ جان و مال او اقدامات کرده و نگذاشته است از هیچ حیث صدمه و آسیبی به مشارالیه وارد شود. این که از آن سفارت محترم خواهش نمود چند روزی عذرا را به طهران جلب فرمایند که در ضمن به یک موضوعی که از وظایف اسلامیت و طرفین در آن مشارکت دارند رسیدگی شود بیشتر برای تسکین غائله بوده و وزارت امور خارجه هیچ منظوری جز اطفاء این مفسده ندارد. به هر حال مجدداً دستورالعملهای لازمه به کارگزاری و حکومت داده شد و یقین دارم موافق دلخواه این مسأله را به اتمام خواهند رسانید. موقع را مفتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می نماید. سواد مطابق با اصل است.

محمد منشی*

صورت تلگراف سفارت سنیه به وکالت شهبندر عثمانی

موضوع: عذرای یهودی

تاریخ: غره رجب ۱۳۲۹

در خصوص مسأله عذرا، چند روز است که سفارت سنیه را از جریان کار و حصول نتیجه مطلوبه بی‌خبر گذارده‌اید و سفارت کبرای در اجرای اقدامات شدید فروگذار نکرده است و چنانچه در حفظ جان و مال عذرا و سایر اتباع عثمانی تاکنون بذل همت و غیرت ننموده‌اید البته دوام نمایند و در نزد حکومت محلیه و سایر مواقع رسمیه در فراهم نمودن اسباب امنیت مال و جان عذرا و سایر اتباع عثمانی اقدامات مجدانه به عمل آورده و آن معتمدالسلطان را رسماً مامور می‌نمائیم که به هیأت محترمه حکومت محلیه و شخص حکومت جلیله رسماً تبلیغ نمائید که به نام دولت متبوعه خود آن ذوات محترم و خاصه شخص شخیص حاکم را در این مورد مسئول می‌دانیم تا به صورت قطعی از مسئولیت خود جداً مستحضر گردند و نتیجه اقدامات حسنه را هم مشروحاً و مفصلاً اطلاع دهید.

سواد مطابق با اصل است

محمد منشی*

نامه میرزا احسن خان وثوق الدوله^۱ به سفیر دولت عثمانی^۲

موضوع: قطع مستمری محمدعلی شاه

تاریخ: ۲۶ رجب ۱۳۲۹

برخلاف مدلول پروتکل مورخه ۲۵ اوت ۱۹۰۹ منعقد بین اولیای دولت ایران و سفارتین دولتین بهیتین انگلیس و روس از طرف اعلیحضرت محمدعلی میرزا پادشاه مخلوع و همراهان ایشان تحریکات و اقدامات برخلاف مصالح امور مملکت و برضد حکومت حاضره به عمل آمده تا این که خود اعلیحضرت معظم با کشتی روس موسوم به جریس توفور از طریق روسیه روز ۲۱ رجب وارد گمش تپه شده، مراتب در ضمن دو فقره مراسله به سفارتین بهیتین امضاء کنندگان پروتکل مزبور اخطار و مخصوصاً خاطر نشان می شود که از این تاریخ مقرری محمدعلی میرزا بکلی مقطوع و هر گونه خسارتی که از این مسأله حادث شود، دولت علیه مسئول نخواهد بود. محض استحضار خاطر محترم آن جناب مستطاب عالی زحمت افزا گردید. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می نماید.

سواد مطابق با اصل است

محمد منشی*

۱. میرزا حسن خان وثوق الدوله پسر میرزا ابراهیم معتمد السلطنه و برادر بزرگ قوام السلطنه (احمد قوام) در سال ۱۲۹۰ متولد شد. در اوایل دوره مشروطیت از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از به توپ بستن مجلس در کابینه سپهدار اعظم وزیر دادگستری شد و سرانجام در سال ۱۳۳۴ شوال نخست وزیر گردید. وثوق الدوله از سرسپردگان دولت انگلیس بود و قرارداد معروف ۱۹۱۹ او ایران را رسماً به تحت‌الحمایگی انگلیس درآورد. وثوق الدوله در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۳۷۰ ق درگذشت. تاریخ رجال ایران / ج ۱، ص ۵۱-۳۴۸.

۲. عنوان نامه چنین است، صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سنیه دولت علیه عثمانی مورخه

۲۶ شهر رجب ۱۳۲۹

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

نامه سفیر دولت عثمانی به میرزا حسن خان وثوق الدوله وزیر خارجه ایران^۱

موضوع: قطع مستمری محمدعلی شاه

تاریخ: پنجم شعبان ۱۳۲۹

دوستدار برحسب دستورالعمل دولت قوی شوکت اعلیحضرت امپراتوری با نهایت توقیر و احترام زحمت افزا شده اظهارات ذیل را به آن جناب عالی می‌نماید. چون شاه سابق برخلاف نصیحتی که کراراً دولتین روس و انگلیس به ایشان کرده‌اند که از هر گونه فساد در ایران احتراز نمایند مراجعت به ایران نمودند لهذا، دولت اعلیحضرت امپراتوری تصدیق دارد که شاه سابق حق خود را از بابت مستمری که موافق پروتکل، معین شده بود باطل نمودند. لیکن از طرف دیگر دولت روس چنین تصور می‌نماید که چون شاه سابق در خاک ایران می‌باشند دولت روس نمی‌تواند دخالت کند. بنابراین دولت اعلیحضرت امپراتوری اظهار می‌دارد که در منازعه‌ای که بدبختانه در ایران روی داده هیچ گونه دخالتی نخواهد نمود. در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

سواد مطابق با اصل سواد است. محمد منشی*

(۱) عنوان نامه چنین است. صورت مراسله جناب وزیر مختار به جناب وزیر امور خارجه دولت علیه ایران مبرخه پنجم شهر شعبان ۱۳۲۹.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

صورت راپورت کارگزاری وکیل شهیندر شیراز به سفارت دولت علیه عثمانیه

موضوع: تجاوز کنسول انگلیسی به حقوق مردم

تاریخ: ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۹

در نمره قبل عرضه داشت که تجار و علما و اشراف مجلس برای آمدن روس و انگلیس به ایران منعقد نموده بودند که همه روزه حاضر می شوند، نهایت قرار دادند که قهوه خانه ها بسته شود و تجار تلگراف نمایند که وکلا آنها مال برای ایران نفرستند. در خود شیراز هم مردم معامله با سربازهای هندی نکنند. در این خصوص لایحه و حکمی نوشته تمام مهر کردند ولی در آن حکم ذکر شد که کسی متعرض آنها نشده زحمتی به آنها وارد نیاورند. مردم هم به همین قرار و حکم رفتار کردند رفته رفته مسأله آذوقه به سربازهای هندی تنگ شد. دو یوم قبل قونسول^۱ انگلیس با یک نفر صاحب منصب انگلیسی و سی نفر سوار و قدری قاطر به شهر آمده، در وسط شهر نزدیک کاروانسرای گمرک قونسول خود از اسب پیاده شده از دکان هر چه لازم بوده برداشته بار قاطر کرده به قونسولخانه فرستاد و رسیدی داد که هر کس این رسید را بیاورد وجه آن داده خواهد شد. چون سوار زیادی با مشارالیه بـوده کـسی جـرات نـکرده چیزی بگوید و از ترس، ولی خیلی ها در این عقیده هستند که خود قوام الملک^۲ که حال رسماً حاکم است در آن روز به قونسولخانه رفته بوده احتمال می دهند که اشاره او باشد والا خود قونسول همچو جسارتی نمی کرد که با سواره به شهر آمده هر چه بخواهد حمل نماید به عنف از بازارها.

به نوعی که شنیده می شود، دولت انگلیس قونسول حالیه را معزول، مسیو المارت که سابقاً مأمور شیراز بوده خواهد فرستاد. چند یوم قبل تلگراف فوت مرحوم مغفور آخوند

ملا محمد کاظم خراسانی به شیراز رسیده در اغلب مساجد ختم گذارده شده است. بعد از فوت آن مرحوم تلگرافی از جناب مستطاب آقاسید کاظم یزدی مجتهد که در عتبات است به این مضمون رسیده حال که عیسویان از هر طرف به اسلام تعدی می کنند مثل ایتالیا به عثمانی، روس و انگلیس به ایران، پس دفاع آنها لازم است و باید جلوگیری از این مسأله بنمائید.

دو یوم قبل ضمیمه الدوله که به جای سردار عشایر صولت الدوله^۲ نصب شده وارد شیراز شد، ولی سردار عشایر خود را ایلخانی قشقایی می داند. فعلاً اعتنائی به این عوالم و به بختیارها به کلی ندارد یعنی هر چه حکم می رسد به کلی نمی خواند تا دیده شود ولی مردم از این مسأله مشوش هستند. اغلب اجناس فرنگ محض این که حکم شده وارد نشود در کمال ترقی است. شهر شیراز بد نیست ولی بیرونها امن نیست.*

توضیحات:

۱. در این زمان جان هوگو هیپورن بیل، کنسول انگلیس در شیراز بود. وی در فاصله سالهای ۱۹۰۸-۱۹۱۲ به مدت چهار سال این مقام را برعهده داشت.

۲. قوام الملک: حبیب الله خان فرزند محمدرضا خان قوام الملک در سال ۱۲۸۶ هـ. ق دو شیراز متولد شد. در سال ۱۳۰۱ از طرف پدرش به بیگلربیگی فارس تعیین شد و در سال ۱۳۲۵ پس از قتل پدر ملقب به قوام الملک گردید. قوام الملک از طرفداران سرسخت انگلیسها و از مخالفان صولت الدوله رئیس ایل قشقایی بود در جنگ جهانی اول خدمات شایانی به انگلیسها نمود و مردم شیراز نیز به تلافی همین حرکات وی، به خانه او ریختند و اموالش را به غارت بردند. مرگ قوام الملک در سال ۱۳۳۴ اتفاق افتاد. تاریخ رجال ایران/ ج ۱، ص ۳۱۰

۳. صولت الدوله: اسماعیل قشقایی صولت الدوله، سردار عشایر رئیس ایل قشقایی فرزند داراب خان است. وی در سال ۱۲۵۲ خورشیدی متولد شد. دشمن انگلیسها بود با آنان مبارزه کرد چندین بار به وکالت مجلس انتخاب شد و سرانجام پس از مرگ مستوفی الممالک گرفتار و به زندان افتاد و در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در سن ۵۹ سالگی درگذشت. تاریخ رجال ایران/ ج ۱، ص ۱۳۸

*. بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

صورت راهرت وکیل شهبندری شیراز به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه

موضوع: ورود سربازان هندی به شیراز

تاریخ: ۳ ذی حجه ۱۳۲۹

چند یوم قبل، دویست و پنجاه نفر سرباز هندی، از مسلمان و هنود مال دولت انگلیسی با چند نفر انگلیسی که صاحب منصب بوده مع یک عراده توپ هفت سانتیمتری به شیراز وارد شد. نزدیکی قونسولخانه انگلیس در چادر منزل نموده، بعد از دو روز توقف^۱ به قدر پنجاه سرباز از هنود در شیراز مانده بقیه برای اصفهان حرکت کردند، و طی^۲ توقف در شیراز دو نفر از هنود مرده [را] آتش زدند. ولی قونسول انگلیس باغی رو به روی قونسولخانه است اجاره^۳ نموده که در باغ مزبور مشغول ساختن طویله و سرباز [خانه] است ولی این ساختن به نوع موقت است از چوب و روی آن آهن است دیده می شود البته به قدر توقف پانصد نفر سرباز از پیاده و سواره مشغول ساختن جا هستند آذوقه برای سرباز و علوفه برای مال و هیزم زیادی برای سرما تهیه شده است.

سه شب قبل، به قدر پانصد تومان پول نقد از قونسولخانه انگلیس سرقت شده که معلوم است از خارج کسی داخل نشده، کار خود اجزا، است.

از طهران حکم شده نصیرالملک، بهاءالسلطنه، عطاءالدوله و منتصرالملک، این چهار نفر طرفدار ایالت سابق بوده اند از شیراز خارج شوند. دو شب قبل به قدر چهل نفر دزد به خانه شیخ عبدالعزیز تاجر رفته، برادر شیخ مذکور را و یک نفر نوکر [را] با گلوله زده که نوکر در شرف مرگ است معلوم است این دزدها سواره و از خارج شهر داخل شده اند که چهل نفر بوده اند. سه یوم قبل، قافله که از شیراز به بوشهر می رفته، چهارصد نفر سواره و پنجاه نفر پیاده ریخته تمام قافله را لخت کرده حتی لباس و چادر زنهارا بیرون

آورده آنچه مال التجاره همراه بوده برده‌اند. دو نفر از اهل ژاپن^۵ در این قافله بوده لخت کرده کتک زیادی هم زده‌اند بیرونها در کمال نا امنی است، شهر قدری خوب بوده ولی چون مدتی است علاءالدوله حاکم شده و از طهران حرکت نکرده است رفته رفته کار بار شهر در شرف بدی است که دزدها از خارج شهر داخل می‌شوند و مشغول سرقت هستند. از این وضع که فعلاً پیش آمده خیلی از اهالی شیراز خارج شده یا به عتبات و یا به هندوستان مهاجرت می‌کنند. در آمدن سربازهای هندی به شیراز [در بین] اهالی همهمه زیاد است. لایحه و شب نامه‌ها می‌نویسند به نوعی که شنیده می‌شود باز هم سرباز هندی در راه است که به شیراز خواهد رسید، گویا برای شیراز سیصد نفر تعیین شده است که توقف نمایند. غیر از مهتر برای مهاجران چون شیراز گرمتر از اصفهان است سربازهای مسلمان را به اصفهان فرستاده و هنوز را در شیراز نگاه داشته‌اند. از بدی بیرونها پست از طهران به شیراز چهل روزه آمده در حالتی که، سابق نه روزه می‌رسید. ارزاق در شیراز نسبت به سابق دو مقابل قیمت شده است.

سواد مطابق با اصل است

محمد منشی*

توضیحات

۱. در اصل: توقیف

۲. در اصل ولی

۳. در اصل: ایجار

۴. در اصل: با

۵. در اصل جاپان

* بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۶.

نامه پاکلوسکی وزیر مختار روس به میرزا حسن خان وثوق الدوله وزیر خارجه ایران

موضوع: اخراج شوستر و پرداخت غرامت

تاریخ: ۷ ذی حجه ۱۳۲۹

در ملاقات جمعه گذشته دوستدار احتراماً جناب مستطاب عالی را به سببهایی که به موجب آنها اولیای دولت امپراتوری چند تقاضاهای مکرر به اولیای دولت علیه ایران پیشنهاد خواهند کرد ملتفت داشت و در این خصوص منتظر دستورالعمل اولیای دولت متبوعه خود بود. الان دستورالعمل مزبور به دوستدار رسیده و باکمال توقیر از طرف دولت امپراتوری به موجب این مراسله تقاضاهای ذیل را اظهار می‌دارد.

اولاً عزل مسیو شوستر^۱ و مسیو لکف^۲ دخالت اشخاص دیگر که مسیو شوستر آنها را به خدمت دعوت نموده باید موافق فقره دوم این تقاضاها رعایت شود.

ثانیاً، متعهد شدن دولت علیه ایران، که اشخاص خارجه تا این که قبلاً رضایت سفارتین روس و انگلیس را حاصل نکنند به خدمت ایران دعوت نمایند. ثالثاً، پرداختن دولت علیه ایران مخارج لشکر کشی که حالیه به ایران شده است^۳. مقدار مبلغی که به دولت امپراتوری باید برسد و ترتیب پرداختن آن پس از وصول جواب دولت علیه بعد معین خواهد شد و دوستدار تکلیف خود می‌داند توضیحاً اشعار دارد که جهت این اقدام یکی لزوم و حتم اخذ غرامت برای این که دولت امپراتوری مجبور بفرستادن لشکر به ایران شد و برای اقدامات جدید توهین آمیز مسیو شوستر نسبت به روسیه، و دیگر، میل صمیمی دولت امپراتوری فعلاً رفع کردن اسباب عمده اختلافی که روی داده است و در آتیه ایجاد بنائی که در روی آن دولتین علینین بتوانند مناسبات دوستانه و روابط محکمه را استوار نمایند و تمام کارهای روس و مسائلی که بلا انجام هستند به آنها یک انجامی زود و موافق داده شود

می‌باشد. علاوه بر مطالب فوق، دوستدار لزوماً اخطاری می‌کند، که دولت امپراتوری بیش از چهل و هشت ساعت برای اجرای تقاضاهای مزبوره منتظر نخواهد بود و در ظرف این مدت عساکر روس در رشت توقف خواهند کرد اگر تا انقضای این مدت جوابی نرسد و یا جواب غیرمساعدی برسد عساکر مزبوره پیش خواهند آمد و البته این فقره هم باعث مزید مبلغی که دولت ایران باید به دولت روس بدهد خواهد شد.

امضاء پاکلوسکی وزیر مختار روس*

توضیحات:

۱. ویلیام مورگان شوستر، مستشار مالی آمریکایی در ایران در فاصله سالهای ۱۹۰۶-۱۸۹۹ در کوبا و ۱۹۰۶-۹ در فیلیپین مأموریت داشت در ماه مه ۱۹۰۹ به ایران آمد و با عنوان خزانه‌دار کل با پشتیبانی آزادیخواهان به اصلاح وضع مالیه ایران پرداخت. رجال بیگانه‌پرست ایران که منافع خود را در خطر می‌دیدند دست به انتقاد و جوسازی بر علیه وی زدند. از طرف دیگر استخدام استوکس در مقام معاونت شوستر سخت مورد اعتراض دولت روسیه قرار گرفت و بنگفدروف سفیر روسیه در لندن در ملاقات خود با سر ادوارد گری وزیر امور خارجه انگلیس نگرانی خود را از این امر بیان داشت. استوکس به ناچار به هندوستان برگشت و شوستر نیز سرانجام در اثر فشار دولت روسیه و اولتیماتوم هفتم ذی‌الحجه ۱۲۳۹/۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ در بیستم محرم ۱۳۳۰ / یازدهم ژانویه ۱۹۱۲ تهران را ترک گفت. و در بیست و سوم محرم ۱۳۳۰ / چهاردهم ژانویه ۱۹۱۲ از طریق بندر انزلی خود را به بادکوبه رسانید. کشف تبلیس یادورویی و نیرنگ انگلیس/ صص ۳۲-۱۸

۲. لکف: مراد مسیو لکفر بازرس مالی شوستر در تبریز است.

۳. روسها در این لشکرکشی تبریز را به تصرف خود درآوردند و تا رشت و قزوین پیش راندند و در تبریز ثقیلاً سلام را به همراه سایر آزادیخواهان دستگیر و در روز عاشورا به دار آویختند.

* بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

نامه وثوق الدوله به پاكلوسكى سفير دولت روس

موضوع: پرداخت غرامت دولت ايران به روسيه

تاريخ: ۹ ذى حجه ۱۳۲۹

دوستدار در جواب مراسله محترمه نمره ۱۵۸ آن جناب جلالت مآب، مورخه هفتم ذى حجه ۱۳۲۹ بانهایت توقیر و احترام زحمت افزاست که، پس از آن که اولیای دولت امپراتوری به موجب مراسله نمره ۱۵۶ آن جناب دوستان استظهاری در مسأله توقیف املاک شعاع السلطنه تکالیفی به اولیای دولت متبوعه دوستدار فرمودند اولیای این دولت باین که سابقاً حقیقت امر و نقطه نظر خود را در مسأله مزبوره به موجب پیغام شفاهی به اطلاع آن جناب جلالت مآب رسانیده بودند و باوجود بحران کابینه وزرا، که در چند روز قبل از وصول مراسله مزبوره حاصل شده بود باعجله و سرعتی که مقتضی حسن نیت لازمه و حفظ مراتب و دادیه از جانب این دولت بود به انجام تکالیف آن دولت بهیه اقدام نموده و اینگونه مسالمت جوئی و موافقت طلبی خود را به موجب رفع هر نوع بهانه کدورت و ملالت اولیای آن دولت دانسته و به همین دلیل اقدام به آن را لازم دانستند. اما در مقابل این نیت موافقت کارانه، اولیای آن دولت بهیه باین که در مراسله نمره ۱۵۶ انجام تکالیف مزبوره را به هیچ مدت معینی توقیف نکرده و از بحران کابینه وزرا نیز مطلع بودند و با این که در مراسله مزبوره و نه در پیغام شفاهی اخبار سوق قشون در صورت رد تکالیف مزبوره نفرموده بودند بغتة اظهار قطع مناسبات و اخبار از سوق قشون نموده و پس از انجام تکالیف مزبوره نیز به اعاده قشون که اعزام آن را مربوط به انجام نشدن تقاضا می دانسته اند نفرموده و متأسفانه اولیای آن دولت قوی شوکت به این حد نیز توقف نفرموده مناسبات و دادیه قدیمه را که همیشه در مراسلات آن سفارت سنیه متشهد و مشار به است طرف ملاحظه و رعایت قرار نداده و اینک در مراسله نمره ۱۵۸ تکالیف دیگر که اهمیت فوق العاده آنها معلوم و

مخالفت بعض از آنها با استقلال مملکت در بادی نظر مبرهن و مشهود است بادقتی مضیق و باسلب امکان مادی مطالبات و ملاحظات لازمه و سد باب مذاکرات با اولیای این دولت پیشنهاد می فرمایند و عجیتر این که در مراسله محترمه توجیح این تقاضاها را بکلی ملزوم و حتم اخذ غرامت و دیگر به اقدامات توهین آمیز مسیو شوستر و بالاخره به میل صمیمی دولت امپراتوری به رفع اسباب اختلاف و ایجاد بنای موافقت و حسن مناسبات تعلیل می فرمایند. در صورتی که در سوق قشون آن دولت هیچ نوع اقدام اولیاء این دولت مداخلیت نداشته تا الزام غرامتی را موجب گردد و توهین مرقوم هم بدون این که در اصل وقوع و کیفیات آن مابین اولیاء دولتین مذاکرات و تحقیقات مقدماتی شده و در صورت وقوع از جبران آن از طرف اولیاء این دولت مضایقه شده باشد موجب ایراد تکلیفی نخواهد بود و رفع اختلاف و ایجاد بنای موافقت و اتحاد نیز با وسایل صلح آمیز طبعاً موافقتر و مناسبتر خواهد بود. بنابر مقدمات فوق، دوستدار محترماً خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالت مآب و اولیاء آن دولت بهیه را به عطف نظر در حقیقت احوال و مناسبات و دادیه بین الدولتین و اهمیت رعایت آنها دعوت نموده معذرت اولیاء این دولت را از قبول تقاضاهای مرقومه تقدیم و با کمال احترام حاضر بودن اولیاء این دولت را برای مذاکره از تغییر تکالیف مزبوره و قبول هر تکلیفی که حقاً بر این دولت وارد شود به استحضار آن جناب دوستان استظهاری می رساند. احترامات فایقه را تجدید می نماید. وثوق الدوله

سواد مطابق با اصل است.

محمد منشی *

مکتوبی خطاب به رئیس مجلس شورای ملی

موضوع: بررسی مفاد نامه ارسالی

تاریخ: ندارد

ریاست مجلس شورای ملی،

مشروحهای به مجلس شورای ملی نوشته لفا ارسال می دارم که ملاحظه می فرمائید و یقین دارم با علم و اطلاعی که به اوضاع حاضره دارید تصدیق خواهید نمود که این جانب در فرستادن این مشروحه حق داشته و ناچار بوده ام و البته با خیرخواهی و حسن بیانی که جناب عالی دارید به نمایندگان محترم کاملاً حالی خواهید نمود که در این موقع که به واسطه تراکم امور، ضیق وقت برای مجلس شورای ملی حاصل است و تاریخ انعقاد مجلس جدید معلوم نیست فوراً توجه کامل در مندرجات مشروحه مزبوره لازم است. و از خیرخواهی و حسن بیانات عالی انتظار دارم که توجه کامل نمایندگان محترم را با اهمیت موقع جلب فرمائید که، در کلیه مندرجات مشروحه مزبوره ان شاء الله نتیجه مطلوبه سریع حاصل شود و سوءانتظاری در امور مملکت به ظهور نرسد. منتظر نتیجه فوری هستم و اگر هم می دانید نتیجهای حاصل نمی شود آن را هم اعلان بفرمائید*

فرمان احمدشاه قاجار

موضوع: انفصال مجلس و انتخابات عمومی

تاریخ: اول محرم ۱۳۳۰

فرمان همایونی

فرمان مهر لمعان همایونی که به نام نامی اعلیحضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاهی سلطان احمدشاه قاجار - خلدالله ملکه و سلطانه - به امضای والا حضرت اقدس، آقای نایب السلطنه دامت عظمت به تاریخ غرة محرم ۱۳۳۰ شرف صدور یافته است.

آن که چون دوره تقنینه مجلس شورای ملی به تاریخ چهارشنبه بیست و سوم ذی قعدة به انتها رسیده برای این که انقضای آن با امر انتخابات جدید فاصله نیابد به صدور این فرمان به عموم دارندگان حق انتخاب اعلام می فرمائیم که، موافق قانون جدید، مورخه دوازدهم ذی قعدة ۱۳۲۹، برای اقدام به انتخاب و کلای جدید مهیا شوند. به وزارت داخله نیز مطابق دستخط مورخه غرة این ماه، در اجرای تمام اقدامات لازمه مبنی بر حسن ترتیب و جریان انتخابات و رعایت نکات مهمه قانونی تأکیدات بلیغه نموده ایم. در این موقع لازم می دانیم به اهالی ممالکت محروسه خاطر نشان نمائیم که، از وظایف فرض دارندگان حق انتخاب است که، با مطالعه و دقت کامل در قانون انتخابات و معاونت به یک دیگر در تفهیم معانی و نکات آن رجوع به عقل و وجدان خود بدانند به که وسیله رایی که می دهند رفاه و سعادت شخص خودشان و تقدیر سعادت مملکت را در مدت دو سال دوره تقنینه جدید به دست نمایندگان خود می سپارند شایسته حقیقی چنین اختیار مهمی اشخاصی می توانند بود که امین و عالم به احتیاجات ملت و کافی به ادای این وظیفه خطیر بوده و عقاید رسایشان به انتخاب کنندگان ظاهر و معلوم شده باشد.

و نظر به این که از طرف هیأت وزرا به تاریخ ۸ رمضان ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی مذاکره شده و وزرا و نمایندگان برای صلاح مملکت اساساً لازم دانستند که در مجلس

جدید تجدید نظری در قانون اساسی به عمل آید به این ترتیب که در موقع انتخابات این اختیار از طرف ملت به نمایندگان داده شود لهذا در این مسأله بنا به رعایت قاعده اصلی حکومت مشروطه که مراجعه به ملت است اعلام می داریم که افراد ملت و انتخاب شوندگان این نکته را در نظر داشته باشند که برای وکلای ملت در این دوره این اختیار مخصوص نیز

_____ ترقب است _____ پس از افتتاح

مجلس جدید نمایندگان با آزادی رای و دقت کامل آنچه را صلاح دانند در این باب اقدام نمایند. و اگر چه در ممالک مشروطه از رسوم خارجه است که تاریخ شروع به انتخابات و تاریخ افتتاح مجلس جدید را دولت قبلاً تعیین و اعلام می نماید، ولی چون انتخابات این دوره از روی قانونی است که تازه از مجلس گذشته و برای تهیه مقدمات لازمه آن مجال نشده به وزارت داخله امر اکید فرموده ایم که، اهتمامات لازمه نماید در حوزه ها هر چند زودتر مقدمات امر تهیه و شروع به انتخابات شود و همین که نتیجه انتخابات یک اندازه معلوم شد از قرار تعیین روز افتتاح مجلس جدید را به ما عرضه بدارد. به وکلای هم که انتخاب می شوند مقرر می داریم که ان شاء الله هر چه زودتر عزیمت به تهران نمایند. در این موقع از خداوند قادر مسئلت می نمائیم که، حسن وفاق به قلوب ارزانی داشته، ضمیر اهالی را به نور الهامات خود روشن فرمایند. غره محرم الحرام ۱۳۳۰.

دستخط ابوالقاسم ناصرالملک نایب السلطنه

موضوع: انتخابات عمومی مجلس

تاریخ: غره محرم ۱۳۳۰ .

دستخط مبارک والا حضرت اقدس نایب السلطنه - دامت عظمته که بر طبق فرمان همایونی شرف صدور یافته است، به نام اعلیٰ حضرت قوی شوکت اقدس همایون، شاهنشاه سلطان احمد شاه قاجار - خلد الله ملکه و سلطانه - بر حسب تصویب و پیشنهاد وزیر داخله و نظر به مقررات قانون اساسی و نظر به مدلول قانون جدید انتخابات عمومی مورخه دوازدهم ذی قعدة ۱۳۲۹ مقرر می‌داریم.

ماده اول

قانون جدید انتخابات عمومی و فرمان همایونی راجع به انتخاب وکلای شورای ملی طبع و در تمام شهرها و قصبات و قراء و عشایر در تمام صفحه ممالک محروسه منتشر شود.

ماده دوم

مراقبت کامل به حفظ آسایش و نظم در مدت انتخابات برای این که دارندگان حق انتخاب، بتوانند از روی وجدان با کمال آزادی آراء خود را بدهند.

ماده سوم

قدغن اکید به تمام مأمورین دولتی اعم از نظام و غیر نظام شود که نفوذ و رسوخ خود را به فرض در تشویق یا تحذیر انتخاب کنندگان یا اشخاصی که می‌خواهند وکیل شوند وجهاً من‌الوجه استعمال ننمایند.

ماده چهارم

تعلیمات کافیة اکیده داده شود برای اعمال و اجرای کامل قانون جدید انتخاب عمومی

خصوصاً از فقرات ذیل:

۱. دقت در تشخیص دارندگان حق انتخاب و اهتمام در این که به ادای حق خود کاملاً موفق شوند.

۲. در تعیین و اعلام وکیل شوندگان موافق قانون در دادن اوراق تعرفه و اخذ آراء در تمام حوزه‌ها دقت و نظارت کامل شود.

۳. در شماره اوراق رای و تطبیق آنها با عده اوراق تعرفه دقت و نظارت کامل به عمل آید به طوری که اعتماد بر جریان ترتیب قانونی حاصل آمده و جهاً من الوجوه، سوءاستعمال واقع نشود.

ماده پنجم

نظر به اینکه قانون انتخابات این دوره از روی قانون جدیدی است که تازه از مجلس گذشته و تهیه مقدمات آن را از قبیل ترتیب دفتراسامی دارندگان حق انتخاب و تقسیم اوراق تعرفه و تشکیل انجمنهای نظار و تعیین اشخاصی که در نظر انتخاب کنندگان معروف و با صلاحیت باشند مجال نشده و دوری مسافت و عدم مساعدت حصول فی الجمله اسباب تأخیر این اقدامات است، تعیین تاریخ روز شروع به انتخابات و روز افتتاح مجلس جدید که از رسوم جاریه ممالک مشروطه و از وظایف دولت است در این موقع امکان حاصل نکرده، ولی مقرر می‌داریم که وزیر داخله اهتمامات لازم نماید که در حوزه‌ها هر چه زودتر مقدمات امر تهیه و شروع به انتخابات شود. و همین که نتیجه انتخابات حوزه‌ها یک اندازه معلوم شد تعیین روز افتتاح مجلس جدید را به ما پیشنهاد نماید.

ماده ششم

وزیر داخله مأمور اجرای این دستخط است.

ابوالقاسم ناصرالملک نایب‌السلطنه^۲

تهران غره شهر محرم تنگوزئیل ۱۳۳۰

وزیر داخله قوام‌السلطنه^۳

۱. احمد شاه قاجار فرزند محمدعلی شاه در بیست و هفتم شعبان ۱۲۹۸/۱۳۱۴ متولد شد. در دوازده سالگی پس از خلع پدر به سلطنت رسید. در هفتم ربیع ۱۳۳۴/۱۹۱۴ پس از رسیدن به سن قانونی تاجگذاری کرد

و سرانجام در سیزدهم ربیع‌الآخر سال ۱۳۳۴ از سلطنت عزل رهسپار اروپا گردید و در بیست و ششم رمضان ۱۳۴۸ در سن سی و چهل سالگی درگذشت. جسدش را به عراق حمل کرده در حرم حضرت امام حسین به خاک سپردند.

۲. ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی فرزند احمدخان در سال ۱۲۸۲ متولد شد، در دانشگاه آکسفورد به تحصیل پرداخت و پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۰۱ به ایران بازگشت. در کابینه میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک وزیر دارایی شد و در اولین کابینه دوره مشروطیت که به ریاست سلطان علی خان وزیر افخم در تاریخ ششم صفر ۱۳۲۵ تشکیل یافت پست وزارت را برعهده گرفت. در زمان صدارت امین‌السلطان مجدداً وزیر دارایی شد. در هیجدهم رمضان ۱۳۲۵ از طرف محمدعلی شاه، نخست‌وزیر و مامور تشکیل هیات دولت شد. مدت صدارت وی بیش از دو ماه طول نکشید و خود استعفا داد و رهسپار اروپا گردید. و در هفدهم رمضان ۱۳۲۸ به اشاره دولت انگلیس به نیابت سلطنت برگزیده شد و در دوازدهم صفر ۱۳۲۹ به ایران بازگشت. پس از تاجگذاری احمدشاه مجدداً به اروپا رفت و سرانجام در سال

۱۳۴۶ در سن شصت و چهار سالگی درگذشت. تاریخ رجال ایران/ج ۱، صص ۷۰-۶۶

۳. احمد قوام ملقب به قوام‌السلطنه فرزند میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه در سال ۱۲۹۰ تولد یافت و در سال ۱۳۱۴ به همراه امین‌الدوله به عنوان رئیس دفتر به آذربایجان رفت. در دوره مشروطیت ملقب به قوام‌السلطنه گردید. قوام در دوره نخست وزیر ضیاءالدین طباطبایی دستگیر و زندانی شد اما مدتی بعد آزاد و به نخست‌وزیری انتخاب شد. قوام در بیست و هفتم صفر ۱۳۳۱ نیز به دستور رضاخان توقیف شد و پس از آزادی به اروپا رفت و پس از تامین امنیت جانی مجدداً به ایران بازگشت و به نخست‌وزیری رسید. برای حل مشکل آذربایجان به مسکوفسفر کرد و با استالین ملاقات نمود. قوام یک بار دیگر پس از عزل دکتر مصدق به مقام صدارت دست یافت اما دولتش مستعجل بود و پس از چهار روز استعفا داد و سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی در تهران درگذشت. تاریخ رجال ایران/ج ۱، ۹-۹۴.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۲

نامه وثوق الدوله وزیر خارجه ایران به سفارت دولت عثمانی^۱

موضوع: انفصال مجلس شورای ملی

تاریخ: ۴ محرم ۱۳۳۰

محترماً خاطر آن جناب مستطاب را قرین استحضار می‌دارد که، نظر به پارهای ملاحظات هیأت دولت انفصال مجلس شورای ملی و اعلان انتخابات جدید را تصویب نموده و مراتب [را] به عرض مقام منیع نیابت سلطنت عظمی رسانیدند. این پیشنهاد هیأت دولت در حضور مبارکشان موقع قبول یافته و به صدور فرمان مبارک انفصال مجلس شورای ملی و اعلان انتخابات عمومی مقرر گردید. اینک سواد فرمان و دستخطی که در انتخابات جدید صادر شده است برای اطلاع و استحضار خاطر آن جناب جلالت‌مآب لفاً ارسال داشته و احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

سواد مطابق با سواد است

محمد منشی*

۱. عنوان نامه چنین است: صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سنیة دولت علیه عثمانیه

مورخه ۴ محرم ۱۳۳۰ نمره ۱۱۹۳.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۱

نامه سالارالدوله^۱ به سفیر دولت عثمانی

موضوع: جلب عساکر سقز و بانه به سلیمانیه و انفصال شهبندر کردستان

تاریخ: ۲۰ محرم ۱۳۳۰

جناب جلالت مآب، دوستان استظهارا، متوقع هستم که مراتب ذیل را رمزاً به توسط جناب اجل، وزیر امور خارجه دولت علیه عثمانیه به حضور مهر ظهور اعلی حضرت قوی شوکت ظل الله خلافت پناهی- خلدالله ملکه از طرف این جانب عرض و تقدیم نمایید. از قراری که راپورت رسید، مستطاب اجل امیر افخم را، با جنابان مستطابان احتشامالدوله امیرتومان اعظم که داماد اعلی حضرت مظفرالدین شام انارالله برهانم هستند با حسامالملک^۲، برادر او را، ولایت بغداد بدون میل و رضای آنها به استانبول^۳ فرستاده‌اند. کمال تعجب است که بامهمانان محترم آن دولت علیه این رفتار من غیر حق بشود، آبروی چندین ساله یک خانواده محترم را ضایع نمایند. حیثیات و شرف یک دولتی مثل دولت علیه عثمانیه را هم رعایت نکنند. مراتب را به عرض برسانید که عاجلاً آنها را آزاد و به ایران عودت دهند باعث امتنان من و امیدواری چندین میلیون نفوس خواهد شد. در جامعیت اسلامیت اگر آنها به اطمینان قوانین بشریت به آن دولت علیه پناهنده شده‌اند حق این بود طوری با آنها رفتار شود که باعث امیدواری مردم شده، درآتیه هم آن دولت را محل پناه و خانه امید و التجای خود بدانند نه این که به اجانب بگروند و از دولت اسلام متوحش بشوند. دیگر این که، مسأله رفتار شهبندر کردستان محمود مخلص، که از روز ورود کردستان مملکت منظمی را بی نظم نموده به اموری که ابداً به او مربوط نیست مداخله نموده اهالی را به شهبندر خانه جلب کرده و باعث اختلال آن مملکت شده، عجا در شهبندر خانه کنده و زنجیر و چوب و فلک راه انداخته، اظهارات حکومت محلیه را مجرا

نداشته و به شخصه تشکیل حکومت مستقله که برخلاف قوانین مدنیت است داده‌اند و لازم به اظهار نیست که با قوانین عدالت شعارانه دولت علیه اسلامی چقدر تباین دارد. هکذا، در اراضی متنازع فیهای دولتین علیتین عساکر عثمانی که موقتاً در آن جا هستند همه روزه در حدود اسباب زحمت طرفین را فراهم می‌آورند که بالمآل موجب دردسر دولتین علیتین است.

هکذا، خوانین سقز که تا اردوی ساوه در رکاب بوده و در آن جا اسباب بی نظمی فراهم آورده و از سخط ما ترسیده فرار نموده بودند بعد از ورود به سقز و بانه که ملک طلق دولت علیه ایران است به صاحب منصب عسکری که در آن جا است متوسل شده، بیست و پنج نفر عسکر به سقز آورده‌اند. و بدیهی است که این کار چقدر خلاف قانون بین‌الدول و مباین رسوم همسایگی است، خاصه این که عسکر مزبوره را در سقز شرارت خود قرار داده چنانکه حکومت کردستان مکرر راپورت این مسأله را به عرض رسانده و چون خودمان در شرف حرکت به آن صوب بودم نمی‌توانستم چنین خلاف انتظار را در دوستی و یکجتهی یقین نمایم، حالا که از حکومت سقز همه روزه راپورت شکایت می‌رسد متأسفانه می‌بینم که صاحب منصب بانه این خلاف را مرتکب شده است.

اولاً، در این مسائل که ممکن است در عوالم یکجتهی خلل برساند رعایت لازم است که امر فوری به اعاده آنها به سلیمانیه صادر شود.

ثانیاً، به صاحب منصبان سرحدی قدغن شود که من بعد از حدود دولتین و حفظ یکجتهی و اتحاد تجاوز نمایند تا این رشته اتحاد و اخوت و جامعیت اسلامی خصوصاً با موقع باریک امروزه که دشمنان در کمین هستند و منتظر چنین حوادث ناگوارند مستحکم بماند. و چون آرزوی قلبیم این است که این دولتین علیتین به مقتضای اخوت و جامعیت اسلامی همه وقت و در هر مورد ناصر و ظهیر یک دیگر باشند و بنا بر فدویت و ارادتی که به ذات اعلی حضرت قوی شوکت خلافت پناهی خدایه ملکه دارم و می‌خواهم عموم اهالی دعاگوی آن ذات ملکوتی صفات و شاکر نعمت آن آستان مقدس بشوند به اولین وسیله استخلاص جناب امیر افخم و پسرهای ایشان و جلب عساکر سقز و بانه و غیره را به سلیمانیه و انفصال یا سد باب اقدامات غیر حق محمود مخلص شهبندر کردستان و تعیین مأمورینی را که مراقب و مقید حفظ قوانین و روابط و اتحاد بین دولتین

علیتین باشند انتظار دارم و بدین وسیله احترامات فایقه را تجدید می‌نمایم. سالارالدوله
قاجار *

۱. سالارالدوله: ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین شاه در سال ۱۲۹۸ مستولد شد. در هفده سالگی به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. به علت تعدی و ظلم، اهالی سر به شورش برداشتند و مظفرالدین شاه به اجبار او را عزل و در سال ۱۳۱۶ روانه زنجان نمود. بعداً به حکومت خوزستان و لرستان و بروجرد منصوب شد. در زمان محمدعلی شاه مدعی سلطنت شد ولی شکست خورد و به کنسولگری انگلیس در کرمانشاه پناه برد. سالار یک بار دیگر زمانی که محمدعلی شاه در رجب سال ۱۳۲۹ در سواحل بحر خزر پیاده شد مدعی سلطنت شده سکه به نام خود زد، اما از قوای مرکزی شکست خورد و به عراق عقب‌نشینی کرد. سالار چندی در سویس زندگی کرد و سپس به مصر رفت و سرانجام در هشتاد سالگی درگذشت. تاریخ رجال ایران ۱/ ۵۰-۴۹.

۲. حسام‌الملک: زین‌العابدین خان قراگوزلو پسر محمدحسین خان در سال ۱۲۷۵ ق مستولد شد و پس از فوت پدر در سال ۱۳۰۷ ق به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. در سال ۱۳۰۸ ق علاوه بر حکومت کرمانشاه حکومت لرستان و بروجرد نیز بر عهده وی گذاشته شد. در سال ۱۳۱۰ در پی شورش که در همدان رخ داد عزل و به تهران احضار گردید و سرانجام در سال ۱۳۴۶ درگذشت. تاریخ رجال ایران ۲/ ۲-۵۰.

۳. در اصل: اسلامبول

۴. سقز: شهرستان سقز در شمال استان کردستان واقع و از طرف شمال به مهاباد و از باختر به بخش دیوان‌دره محدود است.

۵. بانه: در باختر شهرستان سقز در استان کردستان واقع است.

۶. سلیمانیه: شهری است در عراق و کرسی ایالت سلیمانیه می‌باشد.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۲

نامه سالارالدوله به سفیر دولت عثمانی

موضوع: لغو کلیه قراردادهای

تاریخ ۲۷ محرم ۱۳۳۰

جناب جلالت مآب، دوستان استظهار، محترماً، از روز ورود موکب مسعود مبارک
اعلی حضرت اقدس همایون، محمدشاه ارواحنا فدام به خاک ایران که وارث بالاصالة تاج
و تخت ایران هستند هرگونه امتیاز و استقراض که حکومت غاصبیه حالیه به هرکس از اتباع
خارج داده باشد یا نماید صحیح و ممضی نخواهد بود و تمام امتیازات و قراردادهای باید به
امضا و صحت مبارکه اعلی حضرت اقدس محمدعلی شاه ارواحنا فدام باشد. حالا که
مجلس هم منفصل شده اگر هیأتی امتیازی بدهد یا قراری بگذارد یا استقراضی بکند، بدون
امضا و صحت مبارکه اعلی حضرت ظل الله، محمدعلی شاه - ارواحنا فدام مقبول و مسموع
نخواهد بود. چنانکه در بدو ورود خودم این مسأله را اخطار نموده‌ام اکنون هم از آن جناب
متوقع هستم که مراتب را به سفارت سنیة دولت علیه متبوعه خود اطلاع بدهید که جمیع
امتیازات و قراردادهای، بعد از ورود موکب اعلی حضرت اقدس بر تخت آباء واجدادی خود
منوط به امضاء و صحت مبارکه اعلی حضرت همایونی - ارواحنا فدام است. بدین وسیله
احترامات فایقه را تجدید می‌نمایم.

سالارالدوله قاجار *

نامه سفیر عثمانی به وثوق الدوله وزیر خارجه ایران

موضوع: حفظ حقوق اتباع عثمانی

تاریخ: ۲۵ صفر ۱۳۳۰

از قرار اشعار شهبندری عثمانی مقیم کردستان معلوم می گردد که به واسطه کدورت و منافرتی که سالار مظفر با حاکم سقز مظفر السلطنه دارد به تضییع اموال و امتعه تجاریه اتباع عثمانی سببیت داده است و به کاروانیانی که از موصل و سلیمانیه و به طریق و به نحوین به کردستان آمد و شد می نماید و از آن جا به همدان می روند در اثنای راه از طرف اشقیای مریوان و اورامان دچار تعرض می شوند. و از این رو معاملات تجاریه کلیه منقطع شده است و تمام دهات بین راه از این جا تا کرمانشاهان از طرف اتباع سالار الدوله و رئیس عشایر جوانرود یاغی و عاصی و عباس خان چناری، کلیه یغما و تخریب گردیده است، و در راه هم به هر کاروانی که حمل و نقل مال التجاره می نمایند می خورند تماماً را نهب و غارت می کنند، و از این رو خیلی اموال تجاریه اتباع عثمانی تضییع و پیاپی مال گردیده است. و نایب الحکومه^۱ حالیه هم علاوه بر آن که هیچگونه اقدامی در حفظ حقوق اتباع عثمانی نمی فرمایند نفرت عمومیه را هم به خود جلب نموده است. و نرفتن حاکم از مرکز با استعداد کافی به بسیار اسباب نگرانی اهالی و تضییع حقوق عبادالله گردیده است. بنابراین با کمال احترام از اولیاء عظام آن دولت علیه تمنای نماید که، هر قدر ممکن است زودتر حاکم مقتدری با استعداد کافی به کردستان گسیل فرمایند و اوامر لازمه هم در استرداد اموال منهبه اتباع عثمانی تسلیم دارند که موجب مزید تشکر خواهد گردید. و خواهشمند است که از نتیجه اقدامات حسنه و تعلیقه دوستدار را زودتر مستحضر فرمایند تا شهبندری را

مطلع سازد.

سواد مطابق با اصل است.

محمد منشی*

توضیحات:

۱. عنوان نامه چنین است: صورت مراسله سفارت سنیه دولت عثمانیه به وزارت امور خارجه

دولت ایران مورخه ۲۵ شهر صفر ۱۳۳۰ نمره ۵۷.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۶۲۰

۱۶۸/اسناد قاجار

نامه کنسول دولت عثمانی به کنسول دولت روسیه^۱

موضوع: التجای عساکر روس

تاریخ ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۰

بعد از عنوان، مراسله شریفه مورخه سلخ شهر ربیع الاول ۱۳۳۰ نمره ۱۸۱ آن جناب دوستان استظهاری رسیده دست توقیر گردید. جواباً و عاجلاً زحمت اظهار می‌دارد که، از آن قبیل سالدات روس قطعاً به شهیندر خانه نیامده و از شهیندري به طرفی فرستاده نشده است. هرگاه سالدات مزبور به شهیندر خانه هم می‌آمد به مناسبت اتحاد و مودت که در میانه حاصل است بالطبع قبول نمی‌شد. لیکن بنا به تحقیقاتی موثوقه که در این باب به عمل آمده چند روز قبل بر این یک نفر سالدات اولاً به قریه قصر یک آ که قریه گرد است داخل شده و بعد تنها و فراراً در سوانه به اداره عسکریه دخالت نموده بنابر این قوماندنهای عساکر این دولت علیه مقیمین سوانه به موجب نظامنامه که در دست دارند فراری مزبور را به قصبه کوار فرستاده‌اند. در خصوص اعاده شدن مجرمین و فراریها مع‌التاسف فی‌مابین دولت فخمیه روس و دولت علیه عثمانی معاهده موجود نبوده و اعاده شدن هر قبیل فراری که به خاک یک دولت عبور می‌کند مخالف حقوق و مراعات مماثلت دولیه است. مع‌مافیہ، کیفیت به سفارت سنیه تهران عرض و اشعار گردید. در صورتی که از طرف مقامات عالیہ، اعاده شدن نفر مزبور را قبول فرمایند علاوه به مناسبات دوستی که فی‌مابین دولت فخمیه روس و این دولت علیه حاصل است به حسب مودت شخصی که نسبت به آن جناب دوستان استظهاری‌پرور می‌نماید باعث کمال ممنونیت دوستار خواهد شد. در تأمین مراتب و داد

احترامات فایقه را تجدید می‌دارد. امضاء شهیندر*
سواد مطابق اصل است
منشی شهیندر خانه روسیه

توضیحات:

۱. عنوان نامه چنین است، روسیه روس قونسو لوسنه یازیلان ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ تاریخ و ۴۴۴ نومرولی
تقریر جوابیه صورتیدر.
۲. قصریک: از دهات شینتال بخش سلماس در سه و نیم کیلومتری مرز ترکیه. فرهنگ جغرافیایی ایران/ ج ۴
* بایگانی وزارت خارجه عثمانی استانبول، کارتن سیاسی ش ۲۵۰.

۱۷۰/اسناد قاجار

تلگراف مؤید الاسلام به نایب السلطنه^۱

موضوع: حراست از مناطق مرزی

تاریخ: ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۰

والاحضرت نیابت سلطنت، مد ظله العالی

ان شاء الله، مناقشه سرحدی ما با عثمانی حسن خاتمیت می پذیرد. ولی بر حسب مقتضیات سیاسی اروپا، شایسته چنان است که اول مسلمان باشیم بعد ایرانی. یعنی نکته‌ای که خیلی قابل لحاظ است این که، دقت شود نقاطی را که عثمانی تخلیه می نماید روسیان قبضه ننمایند^۱، چه علاوه بر این که سلاسل روابط اتحادیه اسلام منقطع می گردد، محافظه آذربایجان^۲ هم در آینده برای مابسی دشوار تواند بود و خطر عظیمی هم برای عثمانی تولید خواهد شد که بالطبع^۳ زیان آن کمتر از عثمانی به ما عاید نخواهد گردید. مؤید الاسلام.*

توضیحات:

۱. در اصل: ننماید

۲. در اصل: آذربایجان

۳. در اصل: بالتبع

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۲.

نامه ستارخان^۱ به سفیر دولت عثمانی

موضوع: احقاق حقوق حقه

تاریخ: شعبان ۱۳۳۰

مقام منبع اشرف عرض و ملاحظه حضرت وزارت جلیله خارجه دولت علیه عثمانی رسانیده اکیداً تظلم می نماید و استدعای حقیقت‌رسی و احقاق حقوق حقه خود را که وظیفه آن حضرت می نماید. (عریضه ستار سردار ملی که تحت حمایت^۲ دولت علیه عثمانی است) البته خواطر عاطر اولیاء دولت قاهره علیه عثمانی خاصه حضرت وزارت خارجه مدظله از خدمات این بنده ستار ملقب به سردار ملی در استرداد و استقرار دولت علیه ایران کماکان مسبوق و مستحضر است تفصیل اخذی چاکر در سنوات ماضیه مشروطیت را از دولت جابره ظالمه برای استقلال دول اسلامی طوری ثبت دفاتر جراید سطح کره است که حاجت به عرض چاکر نیست و کالشمس فی وسط السماء، ظاهر و هویدا بوده و هست. پس فقط آن استقامت و همت چاکر که تأییدات الهیه بوده تا از پیش رفته دارای هزاران فواید کامله صحیحه عمومیه بوده که یک فقره از فقرات آن اتحاد قهری اسلامیت است که آن اتحاد از لوازم مشروطیت و آزادی است که قوانین مشروطیت پیش آورنده است و اتحاد موجبات فلاح دول اسلامی را فراهم آورنده است. و نقشه‌های اجنبی را برهم زننده. چنانچه می بینیم و احساس می نمائیم که مقهور... [] طرف می نمایند با دولت قاهره مقتدره علیه عثمانیه یک سال است آن دولت مدظم را از آن طرف مشغول ساخته و دولت علیه ایران را این طور در داخله خود مشغول به هم نموده قوه و قدرت یافته را به دست خود ایرانی از ایرانی می گیرند تا وقت اتحاد و اتفاق به دول اسلامی همجوار خود باقی نگذارده به همین وسایل باطله خر لنگ خودشان را به قومه‌های پلتیکی از

اسبهای تازی نژاد اسلامی بگذرانند. همچنین است ۹۹۹ فقرات دیگر از فوایداتی کامله که در نظر داشته که ملاحظه هریک از آنها متوقف به دقت نظر اولیای امور دولت علیه است. خاصه، نظریات کامله وزارت جلیله خارجه دول اسلامی. هرگاه گفته شود این دقایق نظر در اولیای امور دول اسلامی خدای ناخواسته نیست توهین هرگاه گفته شود هست اثرات آن کجا است، زیاده را فضولی می‌داند.

تظلمات شخصی، پس از مدتها زد و خورد چاکر و کشمکشها در استقرار مشروطیت ایران و گرفتن قوه‌های ظالمانه و جابرانه استبدادی دچار^۳ پلتیکات اجنبی شده. در شهیندرخانه متحصن، در تحت حمایت^۴ دولت علیه عثمانی که دولت حقه محقه اسلامی وبا دولت متبوع^۵ ایرانی و اسلامی خود فرق نمی‌گذارد درآمده، خود وبستگان و اتباع و کسان خود را نفر نفر سرشمار تحت حمایت^۶ آن دولت علیه درآورده، آزادانه از شهیندرخانه خارج وبرملا در ملک آذربایجان حرکت می‌نمود و جنگال ظالمانه اجنبی را از ابدان خود بیرون کشیده می‌خواستیم به استانبول^۷ تشریف حاصل نمایم پارلمان ممانعت داشت تا عاقبت به تهران مرکز دارالخافه وارد از آن پس از برای ایران پیش آمده آنچه را که به قوه ملاحظات و نظریات معروضه در قبل برای دول اسلامی می‌خواست پیش نیاید و این اوقات باز پلتیکات اجنبی دست حاجی صمدخان^۸ ظالم مستبد را در آذربایجان روی کار آورده دست اندازی می‌نماید، کس و کار چاکر را از برادر و برادرزاده وغیره غیره... گرفته در داراستبداد مصلوب و مقتول ساختند و مال و ملک و خانه وهستی چاکر را وغیره بر باد فنا داده امروز پس.... در این ظلمهای به چاکر وبستگان و مال چاکر وغیرها توهین دول اسلامیت خاصه دولت عثمانی و منافیت با حمایت دولتی علیه این است که به عرض عریضه خواطر محترم اولیای امور دولت علیه عثمانی را مستحضر می‌سازد هر چه در این مدت کرده‌اند بماند. حالیه اولادش ساله و برادر و برادرزاده باقی مانده خود را مخفی کرده عاجلاً حکمی که موجب نجات و بقای این بازماندگان چاکر باشد شر فصدور یابد وبه علاوه دست تطاول و تعدی حاجی صمد خان وغیره را از املاک وهستی چاکر مرتفع سازند تا معنی تحت حمایت دول بزرگ اسلامی عثمانی مهمل نمانده موجبات حقیقی امر بر دول اسلامی به توسط اعتبار و توجهات خاصه و نظریات دقیقه آن دولت مکشوف شده از حجاب مندرسه که نقشه‌های پوسیده است بیرون آمده آسایش واستقلال دولت اسلامی فراهم آید، امر کم مطاع. جواب بر صدور هر حکم وامنیت واقدامات مقتضیه آن وزارت جلیله باشد به سفارت

دارالخلافة مرقوم فرموده، از پایتخت داده شود*.

۱. ستارخان: ستار قرمداغی فرزند حسن قرمداغی در سال ۱۲۸۴ ق متولد شد. تا هفده سالگی چندان معروفیتی نداشت. در پی حادثه صمدخان و احمد خان در نارین قلعه اردبیل زندانی گردید. پس از دو سال از زندان فرار و مدتی میان ایل یورتچی پنهان شد. سپس به دربند آمده بر ضد دولتیان قیام کرد و به یاغیگری پرداخت زمانی در خدمت میرزا حسین خان حفاظت راه خوی، سلماس و مرند را بر عهده داشت و چون آوازه شجاعت او به گوش مظفرالدین میرزا رسید به تبریز خوانده شد و جزو تفنگداران ولیمهد در آمد و ملقب به لقب خانی گردید. ستارخان به زودی از دربار قاجار برید و به علت علو طبع و جوانمردی که داشت در میان طبقه جوانمردان احترامی فوق العاده کسب نمود. در دوره استبداد کبیر بر علیه محمد علی شاه قیام و مجاهدین تبریز را رهبری کرد و ملقب به سردار ملی شد. پس از فتح تهران از طرف مجاهدین به تهران آمد و در سال ۱۳۲۹ ق در واقعه پارک اتابک تیر خورده از ناحیه پا مجروح گردید و در اثر همین زخم سرانجام در بیست و هشتم ذی الحجه ۱۳۳۲ پس از چهار سال زندگی پر درد و رنج در سن چهل و پنج سالگی در تهران درگذشت.

۲. حمایت

۳. در اصل: دوچار

۴. در اصل: حمایت

۵. در اصل: مطبوع

۶. در اصل: حمایت

۷. در اصل: اسلامبول.

۸. شجاع الدوله: حاجی صمدخان مقدم مراغه‌ای از محرم سال ۱۳۳۰ از طرف روسها به حکومت آذربایجان منصوب شد و در اندک مدتی تعداد کثیری از آزادیخواهان را اعدام کرد. بر اثر اعتراض مردم، دولت روسیه وی را از آذربایجان فرا خواند. شجاع الدوله پس از جنگ جهانی اول مجدداً به آذربایجان آمد و در جنگ با عثمانیها و کردها شکست خورده به روسیه گریخت وی سرانجام در سال ۱۳۳۶ به مرض سرطان درگذشت. تاریخ رجال

ایران/۲، ۱۸۰

۹. در اصل چنین است.

۱۰. در اصل، حمایت

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ش ۵۶۲

۱۷۴/اسناد قاجار

از وزارت خارجه خطاب به فرمانفرما حاکم کرمانشاهان

موضوع: تأمین امنیت راههای کرمانشاهان

تاریخ: ۲۱ شعبان ۱۳۳۰

کنکاور،

خدمت حضرت اشرف والا، شاهزاده فرمانفرما موافق تلگرافات و اطلاعات واصله از سفارت کبرای استانبول^۱ و مکاتبات جناب مستطاب سفیر کبیر عثمانی، کراراً در خصوص تکمیل تأمینات راه کرمانشاهان به حضرت والا تلگراف شده و مستدعی شده‌ام توجهی خاص در امنیت راه و تأمین مال التجاره اتباع داخله و خارجه خصوصاً عثمانیها بفرمایند. گرچه اتباع سایر دول شکایتی نکرده‌اند و حضرت والا عدم موافقت شهبندر عثمانی و توضیح و اظهارات او را اشعار و سبب این شکایات قرار داده‌اند ولی معلوم خاطر والا هست که غفلت در انتظام طرق و شوارع کرمانشاهان ممکن است سلب مسئولیت گردد. بنابراین به فوریت هرچه تمامتر در تکمیل موجبات امنیت راه و تأمین آسایش مکاریان و مال التجاره داخله خارجه خصوصاً اتباع عثمانی بذل توجه بفرمایند که در عصر فرمانگزاری^۲ والا، همینطور که موفقیت حاصل فرموده‌اید اثرات مطلوبه باقی بماند. اگرچه اعلام فرموده‌اند راهها امتیّت حاصل کرده و هر روز موفقیت والا بیشتر می‌شود ولی باز انتظار می‌رود^۳ که هرچه زودتر نتیجه اقدامات فوریّه مؤثره خود را اعلام فرمایند که بتوان کاملاً از تکمیل انتظام راههای کرمانشاهان و حمل مال التجاره اطمینان حاصل کرد که البته هرگونه شکایت قطع شود.

سواد مطابق با اصل است

محمد منشی *

توضیحات:

۱. در اصل: اسلامبول

۲. در اصل: فرمانگذاری

۳. در اصل: می‌برد

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۱

ترجمه گزارشی است که از سفارت روسیه به باب عالی ارسال شده

موضوع: مسائل مرزی

تاریخ: شوال ۱۳۳۰

۱۸۴۲ سنه‌سنده (عثمانلی- ایران) تحدید حدودی ایشنده، انگلتره و روسیه طرفندن اجرا اولنان واسطاتی حکومت عثمانیه‌جه مجهول اولسمیان احوال استلزام ایتمش‌ایدی. روسیه و انگلتره مرخصلری ارضروم قونفرانسی مذاکراتیله قونفرانسی ضبط‌نامهلرینک تنظیم و تحریرینه اشتراک ایتمش و بو قونفرانسی ارضروم معاهده‌نامه‌نک عقدینه منجر اولمشدر. معافیه بو معاهده‌نامه بعضی ماده‌لرینک صورت تفسیری حقنده ظهور ایدن اختلاف سببیه موقع اجرایه وضع اولنه مامش و التمش سنه قدر حدود اوزرنده قرارسز بر حال تمادی‌ایده بیلمش ایسه ده ۱۸۶۹ سنه‌سنده طرفین بیننده عقد اولنان و استاتوقویه موقتہ رعایت اولنمسنی تأمین ایلان بر مقاوله مخصوص سایه‌سنده تشویشاته سببیت ویرممشدر.

بو استاتوقو آنجق ۱۹۰۵ سنه‌سی ایلولنده عساکر عثمانیه‌نک لاهیجان‌مشی و حرکتی و جهت شمالیه ده کائن سوراوا جبلندن اعتباراً جنوبده کائن بانهیه قدر امتداد ایدن حوالنیک بالاخره اشغالی اوزرینه کلی بریتدله اوغرامشدر.

عثمانلی- ایران حدودی اورزنده‌کی وقایعک ۱۹۰۵ سنه‌سندن برو روسیه موجب اولمش اولدیغی ضایعاتک بو مناسبتله ذکر و تعدادی بیلزومدر.

بیوک کاربان یوللری قپالی بولند یغندن آذربایجانک جهت غربیه سنده روس تجارتی کلی ضرر و زیان دوچار اولدی مأمورین عثمانیه وارداتلری روسیه‌ده عقد اولنان استقراضاته قارشولق طوتولمش اولان ایران گمرکلرندن اکثرینسی فسخ و الفا ایتدیلر.

تحت اشغاله النان منطقه ده اداره عثمانیه‌نک تاسیس و بعضاً بونی تعقیباً عثمانلی گمرک اداره‌لری احدائی روسیه تشبثات و تاسیساتنک مجرای طبیعتنده اوله‌رق توسع و انکشافنی سکتهدار ایتدی. اشغال عثمانی‌یه متعاقب املاکک یکیدن توزیعی زراعتله اشتغال ایدن و یا خود زراعدن مطلوباتی اولان روس تبعه‌سنجه حس اولنور درجه‌ده ضرر و زیان بادی اولمشدر.

برده ۱۹۰۵ سنه قدر جاری اولان اصول واحوالک رفع والغاسی قبائل اکردان سرفت و شقاوت طریقه‌نک سالک اولمه‌لرینه یول آچمش و بو صورتله هرگونه معاملات داد و ستدی و هرکسک کندی ایش و گوجیله اشتغالنی محال حکمنه قویمشدر.

شوحال یدی سنه دنبرو بردوام اولدیفی حالدده حکومت عثمانیه‌نک مدعیات اخیرمسی تدریجاً حوالی سائرمیده سرایت و تشمیل ایتمکده و بو صورتله آذربایجانک حال و موقعنی کلیاً هرج و مرج اولمق ته‌لک‌سنه معروض بولنمقددر. بونک نتیجه‌سی اوله‌رق ده شو احوال غیر طبیعه‌نک برطرف اولمسنی کورمکده دولته متجاوزده صفیته منفعتدار اولان روسیه ۱۸۴۸ معاهده نامه‌سی اساسنه مستند بولنان استاتوقونک تمامی اجراسی خصوصنده بردولت متوسطه صفیته اصرار ایتمک مجبوریتنده بولنیور.

حکومت ایمپراطوریه گرک اشبو معاهده‌نامه‌یی و گرک التمش سنه ظرفنده جمع اولنان معلومات وسیعه‌یی صورت موشکافانه ده سنجیده میزان تدقیق ایتدکدن صکره بتون اراضی مسئله‌سنک ارض‌روم معاهده‌نامه‌سنک و ایکنجی و اوچنجی ماده‌لریله صورت قطعیده فصل و قسم ایدلمش اولدیفنه جزم و یقین حاصل ایلمشدر.

فی‌الواقع ارض روم معاهده نامه‌سنک اوچنجی ماده‌سی استاتوقونک تبدیل و تغییر اولنمسی لازکلمش (ایکنجی ماده) اوچ اراضینک ذکر و تعدادی عقبنده آتی‌الذکر مقدمه‌یی سزد ایدیور: «طرفین عاقدین اشبو مقاوله نامه‌یله اراضی‌یه متعلق سائر بالجمله مدعیاتدن فراغت ایتد کلریندن الخ» (عطوفتلو نورا دونکیان افندی حضر تلرینک ترجمه‌لری) «سائر بالجمله مدعیات» تعبیری انجق ماده‌ سالفه‌یه راجع اوله بیله‌جکی جهته: اولاً: بتون اراضی مسئله‌سنک (سلیمانیه، زهاب و محمریه عائد اولان) ایکنجی و (سائر بالجمله مدعیاتی فسخ و ابطال ایدن) اوچنجی ماده‌لرله فیصل پذیر اولمش اولدیفی و بناء علیه معاهده‌نامه مذکورک طقوزنجی ماده‌سنک اراضی مسئله‌سنه هیچ بروجه‌له شامل اولمیه جفی.

ثانیاً، حکومت عثمانیہ نک مدعیاتی ارض روم قونفراسنک اون برنجی اجتماعندہ واضحاً بسط و تمہید ایدلمش اولدیغندن اراضی مسئلہسی قبادلدقندن و بو کیفیت متوسط دولتر قومیسرلرنجہ اتخاذ ایدلدکدن صکرہ، انوری افندیکنک اشبو مدعیانندن ایکنجی مادہدہ فصل و تسویہ ایدلممش اولنلرک ۱۸۴۸ معاہدہنامہ سنک اوچنجی مادہسی موجبنجہ کان لم یکن حکمنده بولندیغی.

ثالثاً، ایکنجی مادہیہ توفیقاً تحدید حدودک و بردہ اوچنجی مادہ موجبنجہ سائر بالجملہ مدعیانندن فراغتک نتیجہ منطقہسی حدودک قسم متباقیسی اوزرنده ۱۸۴۸ استاتوقوسنک دوامنک تصدیق و تأییدی ایدوکی آشکاردر.

خصوصات مشروحہیہ بناء حکومت ایمپراطوریہ ارض روم معاہدہنامہ سنک ۱۸۴۸ استاتوقوسنک اعادہ تأسیسنی تضمین ایدن احکام صریحہ و موجبنجہسنک بلاامہال موقع اجرایہ وضعی لزومنه ارجاع کلام ایدلسندن استغنا حاصل اولہ میہجفی اعتقادندہ بولندیغندن معاہدات مرعیہ احکامنہ موافق اولان حدود گذر گاہی بر تفصیل بسط و تمہید ایدن بر مخطرہیہ لغاً حکومت عثمانیہیہ اعطاایلر.

حکومت ایمپراطوریہ، اشبو حدودک قبولی جغرافیا نقطہ نظرندن دخی درجہ وجودہ بولندیغی جزم و اعتقادندہدر. بو حدود آزارات طاغنک جنوبہ قدر امتداد ایدن سلسلہنک خط کبیرینی تعقیب ایدرک ایران ادارمسندہ بولنان گوچہ و جنگاور قبائل و عشائر ایلہ دولتہ علیہ ادارمسندہ کی قبائل و عشائر آرمسندہ طبیعی برسد تشکیل ایدر و بو صورتلہ آتیا حدود وقایعنک عودتی امکانی بر طرف ایلر.*

توضیحات

* عنوان سند چنین است «روسیہ سفارتندن وارد اولان ۲۲ آغستوس سنہ ۹۱۲ تاریخلی و ۲۶۴ نومرولو تقریرک ترجمہسیدر.

* بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، سیاسی ۶۲۱

ترجمه

در سال ۱۸۴۸، در مورد تحدید حدود ایران و عثمانی دولتین واسطتین روسیه و انگلیس مسائلی را که از نظر دولت عثمانی روشن بود مورد توجه قرار داده بودند. نمایندگان روس و انگلیس در کنفرانس ارز روم به تحریر و ضبط مذاکرات اقدام کرده بودند که در نهایت منجر به عقد معاهده ارز روم شده بود. متأسفانه، به علت ظهور یک سلسله اختلافات بر سر تغییر بعضی ماده‌های عهدنامه، این پیمان به موقع به اجرا در نیامد و با اینکه در حدود ۶۰ سال در سرحدات دو دولت یک حالت غیرطبیعی حکمفرما بود ولی، با عقد پیمان استاتوکو در سال ۱۸۶۹ از گسترش تشویشات در مرزها تا اندازهای جلوگیری بعمل آمد، اما حالت استاتوکو نهایتاً در ایلول سال ۱۹۰۵، با تجاوز سپاه عثمانی به منطقه لاهیجان و اشغال مناطقی که از شمال کوه سورآوا تا بانه در جنوب امتداد داشت، وضع موجود را برهم زد. در پی یک سلسله حوادثی که از سال ۱۹۰۵ در مرزهای ایران و عثمانی به وقوع پیوست دولت روسیه متحمل خساراتی شد که بازگو کردن آن بی‌مورد است.

بابسته شدن شاهراه تجاری دربخش آذربایجان، به تجار روسی خسارت کلی وارد شده است. مأمورین گمرک عثمانی، برای مقابله با پیمان استقراض که در روسیه انعقاد یافته، اکثر عوارض گمرکی را فسخ و الفا نموده‌اند.

دولت عثمانی در منطقه‌ای که تحت تصرف خود درآورده مبادرت به تاسیس ادارات نموده و بعضاً نیز در تعقیب همین سیاست به تأسیس گمرکخانه اقدام کرده است و این وضع تاسیسات روسیه را از مجرای طبیعی خود منحرف می‌سازد. متعاقب تصرف اراضی از جانب

دولت عثمانی و تقسیم مجدد آنها در میان افرادی که به زراعت اشتغال دارند و یا بنوعی با زراعت در رابطه‌اند تا حد زیاد موجب خسارت اتباع دولت روسیه شده است. از طرف دیگر تا سال ۱۹۰۵، یعنی تا زمان لغو اصول جاری در مرزها، قبایل کرد از راه سرقت و قهر و خشونت به‌طور کلی جلوی هرگونه داد و ستد و فعالیت افراد را گرفته بودند و در عین حال که این وضع از ۷ سال پیش ادامه داشت، حکومت عثمانی بتدریج مدعی سایر مناطق نیز شده و این امر موجب گردیده است که هرج و مرج، کلیه سرزمینهای آذربایجان را فراگیرد و در نتیجه دولت روسیه، برای تغییر این اوضاع غیرطبیعی و به استناد عهدنامه ارزروم ۱۸۴۸، برای اجرای حالت استاتوکو، به‌عنوان یک دولت میانجی در مقام اصرار برآمده است.

بعاعتقاد امپراتوری روسیه پس از بررسی موشکافانه، هم عهدنامه و هم اطلاعاتی که در مدت ۶۰ سال جمع‌آوری شده، مسائل مربوط به اراضی باید براساس ماده ۲ و ۳ عهدنامه ارزروم به صورت قطعی حل و فصل گردد. درواقع، براساس ماده سوم عهدنامه ارزروم حالت استاتوکو در مرزها تغییر یابد. در حالیکه براساس ماده دوم عهدنامه ارزروم «طرفین متعهد می‌شدند، به‌موجب قرارداد حاضر، از دعاوی ارضی خود صرف‌نظر کنند... الخ» و با ذکر نام منطقه آنچه که بعداً در عهدنامه آمده بی‌تأثیر می‌گردد، و اما تعبیر «بالجمله سایر مدعیات» فقط به ماده سالفه مربوط می‌شود بدین ترتیب که براساس ماده ۲ و ۳ معاهده ارزروم:

اولاً از کلیه مسائل ارضی و آنچه مربوط به سلیمانیه، زهاب و محمره می‌شود و بالجمله از سایر مدعات صرف‌نظر کرده و، بنابراین، ماده ۹ عهدنامه به هیچوجه شامل مسائل ارضی نخواهد شد.

ثانیاً، براساس ادعاهای دولت عثمانی در یازدهمین جلسه کنفرانس ارزروم، چون بموضوح مسائل ارضی بسط و تمهید شده بحث مسائل ارضی مکتوم مانده است و این کیفیت، پس از اینکه در کمیسیون دولّتين متوسّطین اتخاذ گردید، انوری افندی توانست این ادعاها را براساس ماده ۲ حل و فصل نماید. بنابراین، اساس ماده ۳ عهدنامه ۱۸۴۸ کان لم یکن شناخته شده است.

ثالثاً، براساس ماده ۲ عهدنامه تحدید حدود و همچنین براساس ماده ۳ با کنار گذاشتن سایر مدعیات، به‌طور منطقی و براساس عهدنامه ۱۸۴۸، حالت استاتوکو در

مرزها بموضوح مورد قبول خواهد بود.

براساس مشروح فوق، حکومت روسیه، با اعتقاد به این نکته که اعاده و تضمین حالت استاتوکو براساس عهدنامه ارزروم ۱۸۴۸ تحصیل نخواهد شد، یادداشتی در مورد گذرگاههای مرزی با شرح و تفصیل، که موافق و مطابق با احکام و معاهدات مرعیه باشد، تقدیم دولت عثمانی خواهد کرد.

دولت روسیه، اعتقاد راسخ دارد که مرزها کاملاً با شرایط جغرافیایی منطبق است. زیرا این مرزها، که از سلسله جبال آرارات که تا جنوب امتداد دارد، بین قبایل و عشایر جنگاوری که در اداره دولت ایران است و عشایر و قبایلی که تحت اداره دولت عثمانی است سد طبیعی و مستحکم ایجاد می کند و بدین ترتیب در آینده وقوع هر حادثه را در مرزها منتفی می سازد.

نامه وثوق الدوله وزیر امور خارجه به سفیر دولت عثمانی^۱

موضوع: سوء رفتار مأموران عثمانی

تاریخ: ۲۹ شعبان ۱۳۳۱

دوستدار در تکمیل مراسلات وزارت امور خارجه مورخه ۲۵ شهر صفر ۱۳۳۱ نمره ۱۳۲۰۱ و ۳۲۰۹ دائر به تشبثات از سوء رفتار مأمورین عراق عرب نسبت به ایرانیان عموماً و اشکال تراشیهای مدیر اجنبیه بغداد در موضوع تذاکر آنها، خصوصاً با کمال احترام زحمت افزاست. با این که جناب امین بیک سفیر کبیر سابق، صریحاً بر حسب اشعار باب عالی حضوراً اظهار فرمودند که از طرف اولیای دولت علیه عثمانی امر اکید به مأمورین بغداد صادر شده است که با ایرانیان به حسن رفتار عمل نمایند و هر قسم صدمات و زحماتی که به هراسم و رسم با آنها می نمودند متروک دارند. و نیز سفارت کبرای این دولت علیه هم از اسلامبول همین مسأله را به وزارت امور خارجه اشعار داشته و به وعده های متقنه اولیای عظام آن دولت علیه امیدواری کامل داشتند، مع التأسف باز از بغداد راپورت رسیده و تلگرافهای تظلم آمیز نیز می رسد که به امور اجنبیه بغداد این اوقات به اصرار تمام [] عموم ایرانیان حتی طبقه علمای اعلام شده و در موضوع تابعیت ایرانیه مسلمة آنها مشکلات سخت تولید می نماید و این مسأله موجب هیجان سخت ایرانیان گردیده حفظ حقوق و حدود خودشان را جداً درخواست می نمایند. متأسفانه ژنرال قونسول ایران هم در بغداد هر تشبثی در نزد ولایت بغداد نموده بلا ثمر و نتیجه مانده است که دوستدار با احترام تمام خاطر نصف اثر ذات عالی سفارت پناهی را به این قسم رفتار عهدشکنانه که درخور دوستی و اتحاد دولتین علیتین نیست متوجه ساخته حقاً و عهداً رفع و ترک این معاملات جابرانه مأمور اجنبیه بغداد را نسبت به ایرانیان از همم سفیرانه آن

جناب مستطاب خواهشمند و آسایش ایرانیان مقیمین عراق عرب را از مسلک خیراندیش جناب مستطاب عالی جلب می‌نماید تا مقتضیات یگانگی و روابط یکجتهی بین دولستین اسلام حقیقت حاصل نماید و برای دوسنداررجای واثق حاصل است که به اسرع وسایل اقدامی خواهند فرمود که این تضییقات و تعصبات مدیراجنبیه به ایرانیان متروک و تذاکر ایرانیه آنها را در حال اعتبار دانسته هیچ معامله غیر از معامله ایرانیت درباره آنها سزاوار ندانند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.*

توضیحات

۱. عنوان نامه چنین است.

صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت سنیه دولت علیه عثمانیه. مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۳۱

نمره ۷۳۳۲.

۱۸۴/اسناد قاجار

نامه سفیر عثمانی به میرزا محمد علی خان علاء السلطنه رئیس الوزراء

موضوع: حفظ منافع اتباع عثمانی

تاریخ: ۱۵ رمضان ۱۳۳۱

با کمال احترام، خاطر مودت ذخایر آن جناب مستطاب اشرف را مستحضر می‌سازد که به فاصله چندروز پس از ورود دوستدار وزارت جلیله امور خارجه شفاهاً به توسط جناب ظهیرالملک ادعای ثمنیه از یک قسمت املاک مرحوم وکیل الدوله تبعه عثمانی را در کرمانشاهان به اسم صبا یای آن مرحوم نمودند در صورتی که این مسأله قبلاً با حضور طرفین و با نمایندگان محتاج به رسیدگی بود. علاوه بر آن، مداخله در امور^۲ اتباع عثمانی از وظایف مخصوصه این سفارت کبری است فقط برای بروز حسن موافقت دوستدار قبول نمود که به شهبندری عثمانی مقیم کرمانشاهان تلگراف نماید که ثمنیه را تأدیه نموده اگر در مقابل ادعا و یا حرفی دارند به مواقع لازمه مراجعه، البته به مقتضیات آن رفتار خواهد گردید. هنوز این مذاکره به موقع اجرا گزارده^۳ نشده تلگرافی از شهبندری کرمانشاهان به سفارت کبری رسید که حکومت محلیه آن جا به اسم اخذ ثمنیه موافق امر وزارت جلیله امور خارجه املاک پسر وکیل الدوله را در تحت توقیف و تعرض درآورده است. با وجود این که اکنون چنین امری واقع نگردیده بود دوستدار با کمال سکونت مراتب را به توسط جناب خان شوکت به استحضار آن وزارت جلیله رسانیده و تمنا نمود که فوراً تلگرافی از طرف آن وزارت معزی الیها به حکومت محلیه کرمانشاهان در خلعید از املاک مذکوره نموده و دوستدار هم به موجب وعد سابق در تأدیه وجه ثمنیه تلگرافاً به شهبندری مخابره نماید. این قرار وزارت جلیله امور خارجه قبول و دوستدار تلگرافی را که وعد نموده بود فوراً مخابره نمود ولی متأسفانه پس از دوروز تلگرافی از شهبندری معزی الیه به سفارت کبری

رسید که به موجب اظهار کارگزاری آن جاز طرف وزارت خارجه چنین تلگرافی نه به کارگزاری و نه به حکومت مخابره نگردیده و املاک تبعه عثمانی در حال توقیف باقی می باشد. باز دوستدار این خلاف وعد را حمل به دھول نموده با کمال ملایمت آن وزارت معزی الیها را ملتفت این رفتار ناپسند داشته و تکرار اجرای قرار سابق را تمنا نمود. مجدداً وزارت معزی الیها تقبل و قول قطعی در اصرار امر تلگرافی در تخلیه املاک داده که دوستدار هم مجدداً تلگرافی در تأدیه وجه ثمنیه به توسط کارگزاری آن جا به شهبندری عثمانی مخابره نمود. ولی با کمال تأسف مجبور است که به استحضار خاطر محترم آن ذات اشرف عالی برساند که به موجب تلگراف اخیر شهبندری کرمانشاهان تلگرافی را که مکرر مخابره آن را وزارت جلیله امور خارجه وعده داده و اخیراً اصرار آن را به صورت قطعی اظهار داشته بود به علتی که کشف آن از جهتی واضح و از جهتی مستور است مخابره ننموده و املاک از طرف حکومت محلیه برخلاف اصول و قواعد جاریه بین الدولتین در حال توقیف و تعرض باقی می باشد. و پیدا است که این توقیف تا چه درجه به موجب ضرر و زیان مادی و معنوی تبعه عثمانی گردیده است. و حال آن که دوستدار فقط برای ابراز حسن موافقت با وزارت جلیله امور خارجه تأدیه وجه ثمنیه را قبول نموده بود و الا طرفین اتباع عثمانی و تسویه امورشان از وظایف مخصوصه سفارت کبری است و علاوه بر آن حکومت محلیه کرمانشاهان به چه حق و صلاحیت جرأت نموده املاک اتباع عثمانی را بدون جهت تحت توقیف درمی آورد و اینگونه تعرض علنی به املاک اتباع عثمانی اولین دفعه است که در خاک آن دولت علیه واقع می گردد. لهذا چگونگی این حرکت حکومت محلیه کرمانشاهان مخالف با نص عهود مقدسه جاریه بین الدولتین و یک نوع تجاوز علنی به حقوق اتباع دولت متبوعه دوستدار عد می گردد. و علاوه بر آن با آن همه بروز حسن موافقت هم نتوانست مسأله را با وزارت جلیله امور خارجه قرین حل و فصل دارد، این است که مجبور گردید با واسطه آن جناب اشرف به اولیاء عظام دولت علیه ایران مراجعه نماید و با کمال [] حاصل اقدامات آن اولیای فخام را انتظار و مترصد است که آن ذوات گرام به چه قسم مسأله مبحوئه را به حسن ختام منجر خواهند فرمود تا به مقتضیات آن رفتار گردد. همواره احترامات فایقه را تجدید می نماید. *

توضیحات:

(۱) عنوان نامه چنین است، صورت مراسله سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه به رئیس الوزراء دولت علیه ایران

مورخه شب ۱۵ شهر رمضان ۱۳۳۱

۲. دراصل: امورات

۳. دراصل: گذارده

۴. دراصل: اموراتشان

● بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۶۲۰

از سفارت پترزبورگ به وزارت خارجه عثمانی

موضوع: اوضاع پریشان ایران

تاریخ: ۱۳۳۰

خلاصه احوال ایرانیه دائر امور سیاسیه مدیریت عمومیه سی

دولت علیه عثمانیه

پترزبورگ سفارت سینه سی

عدد:

عمومی ۳۲۶۲۹

خصوصی ۲۱۰ مکرر

معروض چاکر کمینه لریدر

بو صوک زمانلرده روسیه حکومتی ایرانده کی فعالیتنی تزید ایتمگه باشلامشدر. آذربایجانده یکریمی بیگدن زیاده لرنده اولان عسکرینک مقادیرینی یکی قرعه نفراتی سوقیله تکثیر و بعضی مهمات حربیه ارسال ایلیدیکی گبی عسکر مذکورهنک اقامتی ایچون قشله لر انشاسنه قرار ویرمشدر که اولحوالیده بتون بتون بولشه جگنه دلالت ایتمکدهدر. انشایدلمکده اولان جلفا و تبریز شمند و فر خطی گله جک سنه واسطنه طوغری ختام بوله جفندن شیمیدیدن تبریز و طهران خطی ایچون پلانار ترتیبی و سرمایه تحریری گبی تدابیره توسل ایتمشدر. ماورای ایران شمند و فری مسئله سی ایسه تحت تدقیق و تذکردهدر. بوندن ماعدا روسیه حکومتی طهرانده کی روس قزاق آلانک مقادیرینی تزید

ایچون حکومت ایرانیه نزدنده تشبثاته اجرا ایتمکدهدر. بو آلائی بوندن اوتوز سنه اقدام. ناصرالدین شاهک زمان سلطنتنده مشارالهیک طلبی اوزرینه بو روس ارکان حربیه میرآلانیق قومانداسنده اولهرق تشکل ایتمش و مقداری حین تشکلنده بشیوز کشیدن عبارت ایکن تدریجاً تزئید ایدیلهرک اوچ بیک بشیوزه ابلاغ ایدلمش و معیتنه دخی بر قاق روس ضابطی علاوه سیله پیاده بلوکلری و طوپچی بطاریه لری ویرلمشدر. روسیه کندی منطقهلرنده بولنان حوالیده اسوچ ضابطانی ادارمسی آلتنده بولنان ژاندارم افرادینک اشبو ضابطانک احوال محلیهیه و روسیه نک موقع مهمنه عدم و قوفلری حسبیه تأمین آسایش مقتدر اولمیه جقلرندن محافظه آسایش خصوصنک مذکور قزاق آلائی طرفندن ایفاسی دها مناسب اوله جغنی ادعا ایدیلر. بر قاق گون اقدام پترسبورغ مطبوعاتی حکومت ایرانیه نک روسیه دن عسکر اعزامی طلب ایتدگینی نشر ایتمشدر ایدی. بوراده کی سفارتی حوادث مذکوره نی در حال تکذیب ایتدی.

طهرانده کی روسیه سفیرینک قزاق آلانیق تزئید مقداری خصوصنده کی تشبثاته جواباً حکومت ایرانیه حال حاضر مالینک مذکور آلانیق مصارفنه متحمل اولمیدینی و اختلال ائناسنده مذکور آلائیک اجرا ایلدیکی حرکاته ارتجاعیه دن طولابی اهلینک امنیت و محبتنی حائز اولمیدینی و آلائیک حربیه ناظریه تابع اولمیبو طوغریدن طوغرییه شاهک معیتنده بولنمسی غیر طبیعی بو حال تشکیل ایتمکده بولندینی در میان و روس قزاق آلانیق مقدارینی تزئیدن ایسه ۳۵ اسوه چی ضابطنک تحت قومانداسنده بولنان ۶۰۰ ژاندارمه نک مقدارینی تکثیر ایله محافظه امن و آسایشک بولنر طرفندن ایفاسی خصوصنی بیان ایله روسیه نک مطالبنی اسعاف ایلهممک ایچون بذل مساعی ایتمکده ایسه ده موفق اوله جقی مشکو کدر.

ایران اوریجه ضعف و اغتشاش ایچنده بولینور که روسیه نک آرزوسنه مخالفت امکانک خارجندهدر. روسیه ایسه ایرانک بو حال ضعف اغتشاشندک و مضایقه مالیه سندن استفاده ایله قطعه مذکوره یی بتون بتون استیلا ایتمک و ایرانی عادتاً دیگر ایالتلری گبی اداره ایلهمک ایچون هر درلو تدابیری اتخاذ ده قصور ایتمیور.

روسیه نک ایرانیه قارشی اتخاذ ایلدیگی پولتیقه تضیق مالی پولتیقه سیدر. ایران خزینه سی کاملاً بوش اولد یغندن روسیه حکومتی طهران قابینه سنگ هیچ بر یردن پاره بوله بلمسنی امکانسز بر اقمقده و آره صره احتیاجاته مبرم و مستعجله سنه صرف ایتمک اوزره

براللی ملیون روبله اقراض ایدرک حال اغتشاشه ادامه ایتمکده بولندیغندک ایران دولتی هیچ برشی یاپمغه موفق اوله میهرق کندی کندینه محو و منقرض اولمقده و روسیه بوحالده استفاده ايله گویا روس تبعه سنک منافع اقتصادی و تجاریه لرینک و تأمین ایچون محافظه آسایش ضمننده عسکر گوندره رک ایران شمالی بی اشغال و استیلا ایتمکده در.

۱۶ مارس ۹۱۴ تاریخ و ۱۵۴۰۲۲۵۱۲۰ نومرولی عریضه کمترانمده عرض ایلیدیگم وجهله ایران حکومتی اردو و ژاندارم تشکیکی ایچون لزومی در کار اولان پاره یله تدارک ایده مدیکندن ایچنده بولندیغی حال اغتشاش دوام ایدیور و بو حال دوام ایتدکجه روسیه نیک مداخلاتی تزايد ایدیور و بونک نتیجه سی اوله رق ایران استقلالنی غائب ایدیور.

اگر بوگون ایران حکومتی روسیه نیک تضییق مالیسندک قور تله ییلوب بریردن گلینجه بر پاره استقرار ايله، امور داخلیه سی تنظیم و آسایشی تأمین ایده جک اولسه استقلالنی محافظه یه موفق اوله جغنده شبهه یوقدر. روسلر قزاق آلاینک تزید مقداری ایچون وقوعبولان تشبثلرنده انگلیزلرک دائره نفوذلری داخلنده بولنان ایران جنوبی ايله روس منطقه سی عد اولنان ایران شمالی یکدیگرنه مقایسه اولمیوب انگلیز مستملکاتی ایران ايله هم حدود اولمدیقی گبی ایران ايله هندستان آره سنده بلوچستان صحرالری بولندیغندن حالبوکه روسیه قفقاسیا و آسیای وسطا جهتلرندک ایران ايله هم حدود اولدینی جهته ایران شمالیده انتظام و آسایشک محافظه سی روسیه ایچون بیوک بر اهمیت سیاسیه یی حائز بر مسئله اولدیغنده اولحوالیده آسایشک محافظه سی روس عسکری طرفندن ایفا ایدلمک اقتضا ایدیکنی ادعا ایدیورلر.

انگلیزلرک ۱۹۰۶ ائتلافی عقد ایلملرندک مقصدلری روسیه نیک عمان دکزینه اینملرینه مانع اولمق اولدیغندن و شمذیکی حالده روسلر ایران شمالی ايله مشغول اولدیغندن کندی منطقه لرنده هیچ برشی یاپمه مقده درلر. روسلرک کندی منطقه لرنده یرشوب بیطرف منطقه یه تجاوزله اورالرده دخی شمندوفر انشاسی وعسکر اقامه سی گبی تدابیر اتخاذیله استیلا ایتلمری و اندک صکره انگلیز منطقه سنه تجاوزلری زمانه محتاج اولمدیغندن و روسیه سرمایه نک مفقودی حسیله ماورای ایران شمندوفر نیک انشاسی بقیه زمانلرده اوله میه جنی در کار بولندیغندن انگلیزلر وقت قزانمقده درلر. ایران مسئله سندک طولایی ایکی بیوک دولت آرمسند بر اختلاف ظهوری در کار ایتسده روسیه نیک تکمیل ایرانی استیلاسی پک چوق زمانه متوقف اولدیغندن هر نمقدر هر ایکی طرفده ایران ائتلافی علیه نه بعضی افکار

موجود ایسه ده بو اختلافک ظهوری پک چوق سنه لردن اول و قوعبولیه جفی طبیعدر.
روسیه نک حرکاته استیلاجویانه سنک تزایدی حسبیه ایرانیه لر و غایت احوالی تقدیر
اتیمکده اولدقلرندک بوراده ملاقی اولدیم عجم دیپلوماتلری ایرانک استقبال و استقلاللرندک
نامیددرلر. اولبابده امر و فرمان حضرت ولی الامر کدر. ۸ نیسان ۹۱۴.
پترسبورغ سفیر کبیر و کیلی فخری بیک.
سواد مطابق با اصل است
محمد منشی*

* بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ۵۶۵

ترجمه سند

در سالهای اخیر، دولت روسیه برای گسترش فعالیت خود در ایران دست به اقداماتی زده است. در آذربایجان عده نظامیان خود را که افزون بر بیست هزار سرباز است از طریق قرعه افزایش داده است. با ارسال مهمات جنگی آنها را تقویت و برای اقامت آنها در ایران سربازخانه ساخته که این امر دلالت بر تجمع آنان در منطقه می کند. احداث خط راه آهن تبریز- جلفا تا اواسط سال آینده به پایان خواهد رسید و از هم اکنون برای احداث خط تهران- تبریز نیز اقدام به طرح نقشه و تامین بودجه کرده اند. در ماورای ایران هم مساله راه آهن در دست بررسی است و علاوه بر این، دولت روسیه برای افزایش عده سربازان روس در ایران با حکومت ایران وارد مذاکره شده است. این نیرو سی سال قبل، در زمان حکومت ناصرالدین شاه، بنا به درخواست شخص شاه به فرماندهی صاحب منصب روس تشکیل شد. ابتدا عده آنها به پانصد نفر می رسید، اما بتدریج بر این عده افزوده شد و نیرو به گروههای پیاده، سوار و توپخانه تقسیم شد.

روسها مدعی اند که افسران اتریشی و ژاندارمهایی که زیر نظر آنها اداره می شوند به دلیل بی اطلاعی از اوضاع محلی و درک نکردن موقعیت روسها قادر به تامین امنیت منطقه نیستند. از این رو برای تامین امنیت حضور فوج قزاق را در منطقه ضروری می دانند. چند روز قبل جراید پترزبورگ مطالبی درباره درخواست ایران مبنی بر اعزام سپاه دولت روسیه به ایران درج کرده بودند، اما سفارت ایران

این موضوع را تکذیب کرده است.

در پاسخ به تشبث سفیر روسیه در تهران در مورد افزایش عده سپاهیان قزاق حکومت ایران در حال حاضر هزینه‌های مالی سپاه مزبور را مستحمل نمی‌شود و در اثنای آشوب، به سبب اجرای کارهای مرتجعانه‌ای که از طرف سپاه مذکور به ظهور می‌رسد، امنیت اهالی تامين نمی‌گردد. از طرف دیگر، سپاه هم از ناظم حربیه تبعیت نمی‌کند و در عین حال اشعار می‌دارد که همراهی آنان با شاه‌حالتی غیر طبیعی پدید می‌آورد. اما در مورد افزایش تعداد قزاقان روس و ازدیاد حدود ۶۰۰ نفر ژاندارم تحت نظارت ۳۵ فرمانده سوئدی برای حفظ امنیت و آسایش، با توجه به مطالب عنوان شده از سوی روسیه توفیقش تردید آمیز است؛ زیرا دولت ایران چنان دچار ضعف و اغتشاش و ناامنی است که هر گونه مخالفت با درخواستهای دولت روسیه خارج از امکان اوست. دولت روسیه، با استفاده از ضعف داخلی ایران، این سرزمین را به طور کامل تحت نفوذ خود در آورده است و در مورد آن، مثل سایر ایالت‌های خود، به تدبیری دست خواهد زد و در این باره کوتاهی نخواهد کرد.

سیاستی که دولت روسیه در مقابل ایران اتخاذ کرده سیاست تضییق مالی است. خزانه دولت ایران کاملاً خالی است و تهیه وام هم از هیچ جا برای ایران امکان پذیر نیست. گهگاهی با گرفتن پنجاه میلیون روبل وام از روسیه به تامين مصارف ضروری و مبرم و عاجل خود اقدام می‌کند، اما، به دلیل ناآرامی و اغتشاش اوضاع داخلی، هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. بنابراین، خود بخود منقرض می‌شود و دولت روسیه نیز، با استفاده از این موقعیت، ظاهراً برای حمایت اتباع روسی و تامين منافع اقتصادی تجار و حفظ امنیت و آسایش آنها، با اعزام سپاه در کار اشغال سرزمین‌های شمالی ایران است.

همچنانکه در گزارش شماره ۲۲۵۱۲۰۱۵۴ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۱۴ خود معروض داشته‌ام، در حالی که دولت ایران در تهیه و تامين هزینه مورد نیاز قوای ژاندارمری سخت در تنگناست، اغتشاش و ناآرامی همچنان ادامه دارد و اگر این حال دوام پیدا کند دخالت روسیه افزایش خواهد یافت، و در نتیجه، ایران استقلال خود را از دست خواهد داد.

اگر امروز حکومت ایران از تضییق مالی روسیه نجات یابد و از جایی بتواند

کمک مالی بگیرد و وضع داخلی خود را بهبود بخشد، بی شک استقلال خود را حفظ خواهد کرد.

با این که دولت روسیه برای افزایش عده قزاقها دست به اقداماتی زده است، اما منطقه نفوذ روسها در شمال با منطقه‌ای که در جنوب تحت نفوذ انگلیسهاست قابل مقایسه نیست، زیرا مستملکات دولت انگلیس با ایران هم مرز نیست و بین ایران و هندوستان صحرای بلوچستان قرار دارد، در حالی که روسیه در منطقه قفقازیه و آسیای میانه با ایران هم مرز است و ایجاد نظم و امنیت در شمال ایران برای دولت روسیه بسیار اهمیت دارد و آن دولت به همین دلیل مدعی است که امنیت این منطقه با سپاه روس باید تامین گردد.

هدف انگلیس از عقد قرارداد ۱۹۰۷ جلوگیری از دستیابی روسها به دریای عمان است و در حال حاضر در حالی که روسها مناطق تحت نفوذ خود را به تصرف خود درآورده‌اند و باتجاوز به منطقه بیطرف و اتخاذ یک سلسله تدابیری چون ایجاد راه‌آهن، نفوذ خود را گسترش داده‌اند و از این پس، برای نفوذ در منطقه انگلیس نیازی به زمان نخواهند داشت. اما روسیه، به علت کمبود سرمایه، به ایجاد راه‌آهن در ماورای ایران در آینده قادر نیست و دولت انگلیس در حال استفاده از فرصت است. مساله ایران بین دو دولت بزرگ باعث بروز اختلاف شده است در حالی که روسیه برای آنکه بتواند به طور کامل بر ایران تسلط پیدا کند نیاز به زمان خواهد داشت و هر چند در هر دو کشور افکار مخالف قرار داد تقسیم ایران وجود دارد، وجود این اختلافها از سالهای قبل امری طبیعی محسوب می‌شود.

به علت تزايد حرکات استیلا جویانه دولت روسیه، دیپلماتهای ایرانی و ایرانیانی که من با آنها در تماس بوده‌ام از آینده و استقلال ایران ناامیدند.

در این باب امر و فرمان حضرت ولی الامر است.

فخری بیک وکیل سفیر کبیر

پترزبورگ ۸ نisan ۱۹۱۴

نامه وثوق الدوله وزیر امور خارجه ایران به سفیر دولت عثمانی^۱

موضوع: انتظام راههای کرمانشاهان

تاریخ: ۲۸ محرم ۱۳۳۱

دوستدار از مفاد مراسله محترمه آن جناب مستطاب، مورخه دوازدهم محرم الحرام ۱۳۳۲ نمره ۳۸۵، راجع به منهوبات هارون آباد، بدان نحو اشعاراتی که فرموده بودند اطلاع حاصل داشت و خاطر دوستی مظاهر ذات عالی سفارت پناهی را از تصدیع جواب، به مندرجات مراسله محترمه ۱۸ محرم ۱۳۳۲ نمره ۳۹۵ آن سفارت کبرای، که پس از حصول اطلاع از حسن مراقبت ایالت جلیلیه غرب مرقوم فرموده بودند معطوف داشته و ضمناً خاطر گرامی عالی را مستحضر و مطمئن می‌دارد که، اولیای امور این دولت علیه حتی‌الامکان از حلّ و عقد کارها و تهیه موجبات آسایش اتباع آن دولت علیه خودداری نخواهد داشت. و نیز خاتمه زحمت افزاست به طوری که خواسته بودند در تنزیید امنیت و انتظام بین راه کرمانشاهان و قصر شیرین و خانقین به ایالت جلیلیه غرب تأکیدات لازمه به عمل آید. موقع را غنیمت شمرده احترامات فایقه را نسبت به آن جناب مستطاب تجدید می‌نماید.*

سواد مطابق با اصل است. مجید

توضیحات:

۱. عنوان نامه چنین است صورت مراسله وزارت امور خارجه دولت ایران به سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه

مورخه ۲۸ محرم ۱۳۳۲ - ۲۲۶۹.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۶۲۰

متن خطابه نایب السلطنه در مجلس

موضوع: وضع بحرانی مملکت و لزوم تکمیل کابینه

تاریخ: ۱۳۳۱

مجلس شورای ملی، چون خاطر نمایندگان محترم کاملاً از حالت حالیه و اوضاع کنونی مملکت مستحضر است هر چه در این باب اظهار شود توضیح واضح خواهد بود. همین قدر به طور اشاره و اجمال یادآوری می‌نمایم که، چنانکه خاطر آقایان محترم مستحضر است کابینه وزرا از چندی به این طرف ناقص و تقریباً در شرف تحلیل بوده است و با این که خدمات جناب مستطاب اجل اشرف افخم، آقای صمصام السلطنه^۱ رئیس الوزراء - دام‌اقباله - به دولت و ملت معلوم است به واسطه همین بحرانها و عدم موافقتی که حس کرده‌اند مدتی است ایشان هم در زحمت و محذور هستند به طوری که تصمیم بر استعفا کرده بودند و این جانب ایشان را منع کردم. ولی بدیهی است بدون تشکیل و تکمیل کابینه و معاونت و موافقت لازمه یک نفر شخص واحد ایشان نمی‌توانند نیات خیری را که در خدمت مملکت و آسایش ملت و انتظام بلاد دارند از قوه به فعل بیاورند. چون موقع انتخابات در پیش است به علاوه وضع اطراف و مشکلات بهار آتیه معلوم است. مسلم است که کابینه به طور صحیح و به موافقت ایشان و اظهار همراهی مجلس شورای ملی به سرعت هر چه تمامتر تکمیل و تشکیل نشود و بلافاصله پروگرام عملیات خود را در حفظ نظم ولایات و آسایش اهالی که حسن جریان انتخابات منوط بدان است و تهیه جلوگیری مشکلات بهار آینده به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده به نظر نمایندگان محترم نرسد، و آنچه برای اجرای مقاصد فوق لازم می‌دانند در مجلس شورای ملی قبول نشود. در این موقع باریک به هیچ وجه اطمینان خاطر در صحت جریان امور و تهیه جلوگیری مشکلات مملکتی میسر نخواهد بود.

بنابر این، این جانب اهمیت موقع را خاطر نشان نموده اظهار می‌دارم که، وظیفه واجب خیرخواهی نمایندگان محترم بر این است که فوراً در تشکیل و تکمیل کابینه مساعدت تامه با ریاست وزراء عظام نموده و بعد از تشکیل برای تعیین تکالیف کابینه صرف اوقات نمایند تا تکلیف قوه اجرائیه معلوم و هیأت دولتی که مقتدر بر ادای وظایف خود باشد و به وجود آمده، ان شاء الله سوءانتظاری در امور مملکتی حاصل نشود. تذکار این نکته را هم لازم می‌دانم که چنانکه در تلگراف خود از فرنگستان یادآوری نموده‌ام که نظر محبت و همراهی همگی به مقام نیابت سلطنت شرط لازم است. اختلاف پارتی مانع کار و مستلزم بحران خواهد بود و با حالت حالیه ایران که صورت آرام و سکون اهمیت کلی دارد این بحران مضّر و وسیله تخریب مملکت خواهد شد. و نیز در خطابه خود در موقع ادای مراسم قانونی در مجلس اظهار داشته‌ام که اگر اختلافات خدای نکرده بر اختلال امور بیفزاید این جانب در این مقام نشسته شاهد چنان حال ناگوار مملکت باشم چون از سه قبل علایم شدت ظهور اختلافات و تعصبات و مفتریات نسبت به مقام نیابت سلطنت که باید مورد توجه و احترام کلی باشد مشهور بوده و همه نمایندگان محترم مشاهده کرده و می‌دانند که از همان وقت تصمیم به ترک مقام داشته‌ام ولی چون انقلابات بزرگ روی داد برای این که در چنان موقع خطرناکی گفته نشود این جانب از مساعدت و خدمت به ملت قصور کرده‌ام، تحمل نموده و اجرای قصد خود را به تأخیر انداخته بودم و محض این که بگفتا بدون تهیه امری واقع نشود در این چندروزه به نمایندگان محترم اظهار کرده‌ام که با مشارکت اولیاء امور به هر ترتیبی که بعد از مشاوره صلاح دانند در این باب اقدام شود. بنابر این مجدداً یادآوری می‌نمایم که اگر در این فقره جداً اقدامی نشود این جانب لابد خواهم بود بدون انتظار این مقدمات تصمیم خود را اجرا و رسماً اعلان نمایم و چنانکه در خطابه خود در موقع ادای مراسم اظهار کرده‌ام هیچ‌دی وجدانی مسئولیت آن را وارد بر این جانب نخواهد دانست، زیرا که فوق قوه بشری سعی در رفع اختلافات کردم و متأسفانه مفید نیفتاد. به اعتقاد این جانب بر ذمه وطن‌خواهی نمایندگان محترم فرض و واجب است که تماماً و مجتمعاً بدون فوت وقت حتی در شبانه‌روز مشغول انجام این امور مهمه بوده ان شاء الله تا نتیجه مطلوبه حاصل نشود خود را بری‌الذمه ندانند. مجدداً در آخر این مشروح به اهمیت موقع و لزوم جریان ترتیب فوق‌الذکر و وخامت غفلت از آن تأکید می‌نمایم و عدم اختیار و مسئولیت قانونی خود را یادآور شده به ادای

تکلیف واجب که تذکار مراتب فوق است خود را از مسئولیت وجدانی بیرون آورده معاف و معفومی دانم.



آقای رئیس اظهار داشتند چنانچه ملاحظه می فرمائید دست خط والا حضرت راجع به دو امر مهم است که یکی راجع به مقام نیابت سلطنت و یکی راجع به تشکیل کابینه چون نمایندگان محترم از دلائل تصمیم ایشان اطلاع ندارند کمیسیون بیست نفره معین شود حضور مبارکشان شرفیاب شده فرمایشات ایشان را اصفانموده و به عرض مجلس برسانند و معلوم است هر اقدامی برای حفظ مقام نیابت سلطنت لازم باشد از طرف مجلس به عمل خواهد آمد. و در خصوص تشکیل کابینه که چون متوقعی نیست که بگوئیم به ما ربطی ندارد آقای رئیس الوزرا خودشان کابینه را تشکیل داده و به مجلس معرفی نمایند اگر صلاح بدانند کمیسیونی از پنج شش نفر معین شده به آقای رئیس الوزرا کمک نموده که کابینه را زودتر تشکیل داده و به مجلس معرفی نمایند. در خصوص کمیسیون بیست نفری آقای متین السلطنه عقیده شان این بود که، خود آقای رئیس بیست نفر را انتخاب نمایند آقای رئیس اظهار نمودند باید این کمیسیون از طرف مجلس نماینده باشد و مجلس باید انتخاب کند. در خصوص کمیسیون دومی آقای ادیب التجار عقیده شان این بود که، آقای رئیس به آقای رئیس الوزرا کمک نمایند. بالاخره کمیسیون اولی مخالفی نداشت و دومی تصویب نگردید و مجدداً شروع به مذاکره امتداد مجلس گردید. آقای هشتروندی اظهار داشتند بدیهی است که حکومت ملی مداخله ملت است در امور مملکت، لیکن به واسطه وکلایی که دارند زیرا هرچه آن نماینده بکند خود ملت کرده، ولی ترتیب انتخاب حتماً نباید با ورقه و رای باشد. سابق هم در سایر دول معمول بود که فرق جمع می شد و رای خود را علناً اظهار می کردند و به هرچه اکثریت رای می داد آن طور رفتار می کردند حالا هم ملت بطور علنی تلگرافات کرده که شما باشید به همان ترتیبی که بودید و مشغول قانون گذاری باشید تا نمایندگان جدید برسند و آنها که این تلگرافات را کرده اند در واقع مؤسسين این اساسند. و آنها که این تلگراف را کرده اند عاشق این اساس هستند و آن تلگراف را بنده کاملاً مفید می دانم زیرا که آنها همچو حس کرده اند که اگر مجلس نباشد خطراتی برای مملکت ما پیش خواهد آمد، بنده وکیل هستم، هرچه موکلین بگویند باید بشنوم و این عین وکیل بودن از طرف ملت است. به علاوه اگر این تلگرافات هم نبود همان طور که گفتند

ضرورت انسان را وادار به جعل قانونی می‌کند که منحصر به همان موقع ضرورت است و شاید ضرورت به جانی رسیده باشد که بقای مجلس لازم باشد. جمعی تقاضا نمودند پیشنهاد آقای حاجی شیخ‌الرئیس بدون ارجاع به کمیسیون [] در همین جلسه مطرح شود تقاضای مزبور قرائت شد مشعر براین که یک ماده به قانون انتخاب الحاق شود در آخر دوره هر وقت نمایندگان احساس کردند که، در مدت تعطیل و زمان فترت اشکالی پیش آمده حق داشته باشند اکثریت یا به اتفاق رأی بدهند که مجلس امتداد پیدا کند تا نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان [به] دوره‌آتیہ برسد.*

توضیحات:

۱. مصمصام السلطنه: نجفقلی خان بختیاری فرزند حسینقلی خان در سال ۱۲۶۷ ق به دنیا آمد. مدتی حکومت اصفهان را داشت. بعد از استقرار مشروطیت به تهران آمد. در فاصله سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۶ هفت بار نخست وزیر شد و سرانجام در سال ۱۳۴۹ در سن هشتاد و دوسالگی درگذشت.
۲. در اصل فروض

• بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ش ۵۶۵

اعلان انتخابات

موضوع: انتخاب نمایندگان مجلس

تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۳۳۱

چون اولیای دولت علیه، انعقاد پارلمان را همواره از اهم امور و اساس سعادت مملکت می‌دانند و اگر هم تاکنون در انعقاد مجلس شورای ملی اقدامی نشده به واسطه عللی بوده که اولیای دولت مشغول حل و تسویه آن بوده‌اند. لهذا، در این موقع که مقتضیات قیام به این امر واجب فراهم شده مصمم‌اند که هر چه زودتر مجلس شورای ملی را منعقد نمایند. پس به عموم ملت اعلام می‌شود که باید با کمال عجله و دقت در امر انتخابات اقدام نموده نهایت سعی و مراقبت را به عمل آورند که به وجه احسن صورت‌پذیر گردد. و ضمناً این نکته را خاطر نشان عموم می‌نمایند که حسن انتخابات نمایندگان ملت فوق‌العاده دارای اهمیت و در واقع هلاک و نجات مملکت و ملت بسته به همین است. و اگر چه امر انتخابات اعضای پارلمان در جمیع اوقات و ادوار معظم و مهم است، لیکن به جهاتی که ذیلاً مذکور می‌شود در دوره آینده مخصوصاً اهمیت آن فوق‌العاده و کیفیت انتخاب نمایندگان ملت در این دوره منتج نتایج عظیمه خواهد بود، زیرا به موجب رای‌ی که در جلسه هشتم رمضان سنه ۱۳۲۹ در مجلس شورای سابق اتخاذ شده، مجلس شورای آینده حق خواهد داشت که در قانون اساسی تجدیدنظر نماید و بدیهی است که این مسأله به چه اندازه دارای اهمیت و در امور مملکت مؤثر است. به علاوه چون دولت حسن جریان امور مملکت را در این می‌داند که مجلس سنا با مجلس شورای ملی توأم بوده و بنابراین مصمم است نظامنامه مجلس سنا را که تهیه کرده به محض انعقاد مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده به تصویب مجلس برساند و مجلس سنا را نیز به اسرع مایمکن منعقد نماید و از این جمله ظاهر می‌شود که

انعقاد مجلس شورای ملی کل ضرورت و فوریت را دارد و عموم ملت برای رسیدن به این مقصود اهم باید بانهایت اهتمام در انتخابات شرکت کنند و مزیداً للتوکید دولت لازم می‌داند که من باب مصلحت اندیشی خاطر نشان عموم نماید که باید در امر انتخابات سعی و جاهد بوده سهل انگاری و مسامحه در آن روا ندارند. و حتی الامکان اشخاصی که حق انتخاب را موافق قانون دارند از شرکت در انتخاب تغافل نورزند و در این امر به نظر لایقیدی ننگرند و تصور نمایند که به واسطه تجافی از انتخاب مقصودی حاصل خواهند نمود بلکه نتیجه نخواهد برد جز این که حق مشروعی از خود سلب کرده و شاید نمایندگانی که انتخاب می‌شوند برخلاف نظریات و رضای ایشان بوده و خود را از دخالت در جرح و تعدیل قانون اساسی محروم خواهند نمود. و البته شایسته نیست وکلائی که قانون اساسی مملکت را تغییر می‌دهند به عده آرای قلیلی انتخاب شوند و بعبارة اخری لازم است که، در هر حوزه انتخابیه وکلائی که منتخب می‌شوند واقعاً نماینده اکثر اهالی حوزه باشند و البته عموم ملت این صلاح اندیشی دولت را در نظر گرفته فوق‌العاده اهمیت خواهند داد. چه نفع و ضرر آن خطیر و عاید خود ملت خواهد بود و اگر در شرکت در امر انتخابات کوتاهی شود نتایج غیر مطلوبه آن قابل ترمیم نیست. لهذا عموم انتخاب کنندگان مملکت را بر حسب فرمان همایون و دستخط والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه- دامت عظمه- که در صفحه مقابل به طبع رسیده است دعوت می‌کنیم که، موافق قانون انتخابات و به ترتیبی که از طرف انجمن نظارت انتخابات دستور داده می‌شود نمایندگان با بصیرت بی‌غرض امین با دیانت، انتخاب کرده به مرکز روانه کنند تا به فوریت مجلس شورای ملی منعقد گردیده و در تشکیل مجلس سنا هم موفقیت حاصل شده با حول و قوه الهی قانون اساسی را در تحت نظر گرفته به طوری که مقتضی اوضاع و احوال باشد اصلاحات لازمه را در آن به عمل آورند تا موجبات آسایش و سعادت عموم ملت فراهم آید. ان شاء الله تعالی و بتوفیقه.

توضیح آن که انجمن نظارت در تهران به تاریخ دوم شوال ۱۳۳۱ و در ایالات و ولایات یک ماه بعد از رسیدن دستور العمل حکام و اوراق راجعه به انتخابات تشکیل خواهد شد. وزیر داخله.

۲۷ شعبان ۱۳۳۱ (سلطان عبدالمجید)

• بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۲

صورت نطق افتتاحیه مجلس مبعوثان

موضوع: خط مشی دولت جدید

تاریخ:

به نام خداوند آزادی‌بخش و به توجه باطنی حضرت ولی‌عصر عجل الله فرجه، به مبارکی و میمنت مجلس شورای ملی افتتاح می‌شود.

ممالک محروسة ایران که قرون مدیده و خصوصاً این عصر اخیر را با کمال سکوت و سکونت گذرانده بود بالاخره به اقتضای تربیت فکریه و ترقی مدارج عقلیه ملت به طی دوره انقلاب قدم گذاشته و در ظرف سه سال این بحران عظیم را به انتها رسانیده و عقبات ابتداییه لازمه برای تکامل ملل را پیموده و شکر خدا را که ختم به خیر گشته و با کمال سعادت و خوشوقتی اینک امروز می‌بینیم که مجلس مبعوثان ملت که نخستین دارالشورای ملی این سلطنت عظمی و دوره مسعود و نتیجه زحمات طاقت‌فرسای یک ملت است به همت و مجاهدات خود ملت و حسن مساعدت خیرخواهان ایران افتتاح می‌شود.

امیداستقبال

امیدواریم که وکلای ممالک محروسة، ما با کمال جدّ و خلوص نیت به همان غیرت و فعالیت که مملکت را به این سعادت رسانیده مدارجت کرده و ظایف مقدمه خود را با مواظبت تامه و باریک‌بینی و مال‌اندیشی حسن ایفا نموده دولت من نیز سعی بلیغ وجد واقعی خود را در تأمین و تنظیم مملکت و ترقی مدارج مدنیت صرف خواهد نمود.

اوضاع داخله

و نهایت خوشوقتیم از این که دولت جدید ترقی‌پرور جالب قدرشناسی ملت و موجب امنیت و آسایش عمومی گشته و اندک اغتشاشات جزئی نیز که از طرف بعضی از اشرار خائف از

اعمال خویش در بعضی نقاط سرزده در شرف قلع بوده و دولت من با عزم راسخ مصمم به تصفیه آن است.

مناسبات با خارجه

بسیار خوشوقتیم که مناسبات دوستانه ما با دول متحابه کاملاً برقرار و مستحکم است و در حسن نیت آنها در پیشرفت وضع جدید بسیار خشنود و دوام استحکام آن را در آتیه امیدواریم.

قشون خارجه

نگرانی و ملالتی که در حضور قشون خارجه در خاک ایران بر اذهان مستولی است با حسن جریان مذاکرات دوستانه و نظر به مواعید صریحه و نتیجه حسنه که در این باب مشاهده می‌نمائیم اطمینان کامل داریم که عمأ قریب وضع می‌شود.

پروگرام آتیه

و برای شروع به اساس اصلاحات مملکت و تشکیل حکومت منتظمه نخست وکلای ملت و وزرای دولت باید اولین هم خود را مصروف تنظیم ادارات و ترتیب تشکیلات آنها مطابق اصول ممالک متمدنه به تدریج و مخصوصاً در اصلاحات مهمه در مالیه مملکت و تکمیل نظمیه و امنیه و تأمین طرق و شوارع نموده مطابق پروگرام مفصله که هیأت وزرای ما در اصلاحات لازمه به مجلس پیشنهاد خواهند نمود با سرعت ممکنه نیت حسنه ما و مقاصد ملت را که همه موجبات آسایش ملت و باعث استحکام مشروطیت که موافق روح اسلامیت است می‌باشد، به موقع اجرا خواهند گذاشت.

خاتمه

از خداوند توفیقات و کلا و مبعوثان ملت را مسئلت نموده، متمنی مزید شوکت و استقلال و سعادت ملت هستیم. *

اطلاعیه مخالفان نهضت مشروطیت

موضوع: قیام برعلیه مشروطه

تاریخ: ۱۳۳۰

ای مؤمنین، ای مسلمین، آیا خوابید نه، به خدا قسم مرده‌اید. سه سال است ما بیچاره را از هستی ساقط کرده‌اند. جان ما را [] کردند. جوانهای ما کشته شدند، تاجار ما ورشکست شدند، حجة الاسلام محترم ما را در طهران دازدند^۱، و محمد، و اشریعتا، واملجا، چه شده است، چه خبر است، رئیس بابیه، ملاکاظم خراسانی آزادی می‌خواهد، مساوات می‌خواهد، مشروطه مبسوطه می‌خواهد، یک مشت با بی را سهام‌الدوله شیراز جمع کرد و برای هر دسته گدا اسمی گذاشت. شریعت محمدی، قرآن خدا، چه گناهی داشت که حالا چهار نفر بابی فرنگی مآب باید دورهم جمع شوند عدلیه ظلمیه درست کنند اگر وجود مبارک حضرت آیت‌الله آقا سید محمد نبود، سهام‌الدوله شلیه پنبه‌دار هم [] شما کرده بود چه جای کلاه کاغذی، حالا که او گور و گم شد گفتیم الحمدالله از شر بابیه خلاص شدیم، دسته بابیه ثانیاً جان گرفتند و به اسم عدلیه بیت ما را می‌خواهند بشکنند، درب خانهای علما را بستند به سپهدار بابی می‌نازند، به سردار اسعد^۲ نامرد تفاخر می‌کنند، غیرت کنید، چه شده است همان عده محقری که رفتند لار، سید سئی و تبعه او را نیست کردند در شیرازند اگر از صولت‌الدوله می‌ترسید والله بالله او هو. خواه آصف‌الدوله و باایل شاهسون همراه است. ده سوار ترک قشقائی... هرچه بختیاری است... نمی‌دانیم چرا بی غیرت هستید. آقای نصرالدوله از چهار نفر الواط شهری و بی غیرتی شما می‌ترسد. والا تا حالا عمل صاف شده بود. از میرزا ابراهیم مجتهد مایوس باشید، ولی اگر چه با شما نیست با آنها هم نیست. یک جو غیرت پیدا کنید. حضرت آیت‌الله آقای آقا سید محمد را

تنها نگذارید، با مال و جان با شما همراهی کرده و می‌کند. الحمدلله، آقای مخاطب‌الدوله از هواخواهان اعلی حضرت محمدعلی شاه و با مقاصد ما همراه، بشارت می‌دهیم شما را، والله رحیم‌خان، سردار نصرت^۳ که خدا نصرتش کند، تبریز را هم گرفته است، زنجان را فتح کرده است. قزوین به تصرف قشون روس است، کرمان تمام از جانفشانیها قوام‌الملک به اطاعت اعلی حضرت محمدعلی شاه است. اگر بی‌غیرتی کنید و به خیال این که ظفرالسلطنه با اردو می‌آید باشید و بترسید، خاک بر سرتان می‌شود. این همان اردوی خیالی است که با سهام‌الدوله هم می‌گفتند هست با هفت نفر آمد و بابی‌ها را روی کار آورد. غیرت کنید، حمیت کنید باز غیرت کنید. اگر فی‌الجمله اردو و سپاهی در تهران بود هدف تیر و تفنگ رحیم‌خان و اتباعش شدند حالا به مشک خالی تیر خورده پرهیز پرهیز می‌گویند، زنده باد آقای آیت‌الله نایی، زنده باد جوانان خونخواه آیت‌الله نوری، پانده باد دین اسلام، زنده باد اعلی حضرت محمدلی شاه قاجار، نیست باد وضع جدید و بابی‌ها و مشروطه‌طلبها، می‌بینید که بابی‌ها باز دوروز است توپ را ظهر می‌اندازند و می‌خواهند اذان از میان برود*

توضیحات:

۱. مقصود شیخ فضل‌الله نوری است که در سیزدهم رجب ۱۳۲۷ به دار آویخته شد.
۲. سردار اسعد: جعفرقلی خان سردار بهادر، پسر بزرگ حاج قلی‌خان سردار، در سال ۱۲۵۸ متولد شد و پس از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه به عضویت هیأت قضاات عالی انقلابی درآمد و سپس به همراه یفرم‌خان برای سرکوبی اشرار عازم اردبیل شد. سردار اسعد چندی حاکم کرمان و خراسان بود و سپس به وزارت پست و تلگراف و جنگ رسید و سرانجام به دستور رضاخان گرفتار و زندانی شد و در سن پنجاه و پنج سالگی مسموم و مقتول گردید.
- تاریخ رجال ایران/ ۱، ۲۴۵.
۳. رحیم خان سردار چلبیانلو معروف به سردار نصرت فرزند حاج علی‌خان از سران عشایر شمالی آذربایجان و از مخالفین سرسخت مشروطیت در آذربایجان بود. وی پس از پیروزی مشروطه‌خواهان به روسیه گریخت ولی چندی بعد به آذربایجان آمد. در زمان حکومت مخبرالسلطنه به تبریز فراخوانده شد و سرانجام در تاریخ هفدهم رمضان سال ۱۲۳۹ به حکم انجمن ایالتی تبریز در ارک شهر به قتل رسید.
- رک. شرح حال رجال ایران/ ۱، ۵۰۶.
- * بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۰

اطلاعیه بر علیه دولت

موضوع: بی کفایتی ناصرالملک

تاریخ: ۱۳۳۱

هموطنان بیدار باشید

پیشانی اوضاع ناگوار مملکت به اندازهای است که چیزی بر احدی مخفی نمانده، هر انسان حساس با وجدانی از حال و تباه و روزگار سیاه این مملکت و اهل آن متالم می گردد. صرف نظر از خبط و خطاهای سنوات گذشته، می خواهیم بدانیم علت عمده بدبختی اخیر این مملکت کیان بودند، و چه کسانی. هر کس فی الجمله از اوضاع سیاسی این کشور واقف باشد نمی تواند منکر شود که تمام بدبختیهای این دو ساله اخیر ایران به واسطه زمامداری ابوالقاسم خان همدانی وقوع یافت که با تدلیس و حيله بازی خود را به مقام نیابت سلطنت رسانید. این شخص پست فطرت بی حمیت که فقط به توسط حيله و تزویر و اتخاذ مسلک عوام فریبی خودش را یگانه دانشمند عالم و نخستین شخص با کفایت ایران جلوه داد و از طریق تدلیس مقام ریاست قوه اجرایی ایران را اشغال نمود از کثرت بی کفایتی ناشی از خیانتکاری اعضا و ارکان دولت را مبتلای سخته و فلج ساخته ایران را گرفتار بحرانهایی غیر قابل تصور نموده وطن عزیز و تربت نیاکان ما را به این بلیات خطرناک دچار کرد. یعنی ناصرالملک همدانی از بدو ارتقا به مقام نیابت سلطنت درخت اختلافات و اغراض را آبیاری نموده، ایرانیان بدبخت را گرفتار ابتلائی کرد که هزارها بوذرجمهر از عهده استخلاص آن نتوانند برانند.

این مرد باشرف! پس از امضای معاهده ۱۹۰۷ برانفصال مجلس و وا گذاشتن امور مالیه (از برای اینکه سی هزار تومان موجب سه ماهه خودش را پیش بگیرد) و سایر خیانتهای

غیرقابل عفو، اکنون یک سال است ایران را ترک نموده در قهوه‌خانه‌های فرنگ به عیش و عشرت مشغول است و ابدأ در خیال این ملت و مملکت نبوده ایران و ایرانیان را، کان لم یکن پنداشته جزو موجودات ندانست، حالا نمی‌دانیم به چه خیال و برای انجام کدام مأموریت مجدداً عزم ایران نموده و می‌خواهد ازین بدبختیهای جدید براین کشور وارد آورد و ایرانیان را یکسره قرین مـاـتـم سازد. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْتَبِ خِيَانَتِ وَبَيِّ كِفَايَتِيْ او به حدی واضح و هویدا شده که دیگر احدی براین پست فطرت نابکار اعتماد ننموده، گذشته از نفع وجود او را از برای بدن مجروح نحیف این مملکت سم مهلک و زخم کاری شناخته‌اند. پس برخلاف شایعاتی که مغرضین شهرت داده و می‌گویند ایرانیان آرزوی مراجعت او را به ایران دارند گوئیم، احدی از ایرانیان به هیچ وجه من الوجوه مایل به آمدن این خیانتکار بدفرجام نیستند و چنانچه خدای نخواستہ قدم می‌شوم او به ایران رسید طرز سلوک و مراتب پذیرائی ایرانیان مراتب بُغض و کینه عمه را نسبت به او ثابت خواهد نمود. امیدواریم عناصر صالحه مملکت، محض این که ایران خراب. بیش از این گرفتار بدبختی نشود، آخرین وظیفه وجدانی خود را ادا نموده عودت این ماده فساد را مانع شوند. بدیهی است با این کثرت تنفر و انزجار افکار عمومی هیچ صاحب وجدانی با افکار عمومی ضدیت ننموده، استرضای خاطر عامه را بر خیالات و اغراض شخصی ترجیح داده، سعادت ایران و آسایش ایرانیان را فدای وجود یک نفر دشمن ایران و ایرانی نخواهد نمود.

(۱) به دنبال نفوذ آلمانها در خاور نزدیک و شکست روسیه از ژاپنی‌ها دولتی روسیه و انگلیس برای رفع اختلافات خود در آسیا در سی‌ویکم اوت ۱۹۰۷ در پترزبورگ قراردادی بین خود منعقد نمودند که به قرارداد ۱۹۰۷ معروف است. براساس این پیمان دولت ایران به سه منطقه تقسیم می‌شد منطقه شمال تحت نفوذ روسیه و منطقه جنوب تحت نفوذ انگلیس و مرکز ایران که منطقه بی طرف نامیده شده بود. هر دو دولت متعهد شده بودند که در منطقه نفوذ دیگری دخالت نکرده و امتیازی کسب نکنند. اگرچه انتشار خبر قرارداد در ایران هیجانی به وجود آورد ولی موثر نیافتاد و دولتی روس و انگلیس در سال ۱۹۱۵ منطقه بی طرف را نیز بین خود تقسیم نمودند.

• بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۲

گزارشی است که از شهیندرخانه عثمانی در تبریز ارسال شده^۱

موضوع: وقایع تبریز

تاریخ: شوال ۱۳۳۱

روز پنجشنبه ۱۸ ايلول ۱۹۱۳ اعلانی که از طهران دایر به مشروطه به ایالت آذربایجان رسیده بود از طرف ایالت به معابر چسباندند. مأمور همین کار دونفر بودند یکی می چسباند و دیگری پاره می کرد و به مشروطه و مشروطه‌چی بد می گفت و همان ساعت چند نفر سید که تحریک و از اهل محله شتریان و سابقاً از مجتبعین اعلامیه بودند، با چند نفر از اجامر و اوباش دور خودشان جمع کرده به داد و فریاد و زور کی بازار را بستند و به خانه حاجی میرزا حسن آقا مجتهد^۲ رفتند و از آنجا به دایره امین شهر از آنجا به ایالت جلیله در علیه مشروطه اقدامات می کردند. روز پنجشنبه و جمعه و شنبه به ه هروسيله بود بازار را بسته نگاه داشتند و روز شنبه مسجد صادقیه را فرش و چای گذاشتند. اهل بازار و سایه‌رین را به مسجد دعوت و حاجی میرزا حسن مجتهد و حاجی بیوک آقا پسر حاجی میرزا کریم آقا امام جمعه و سایر علما و اعیان شهر را مجبوراً به اتفاق اعتمادالدوله نایب‌الایاله و امیر معزز امین شهر به مسجد آورده تا عصر بودند عصری از حاجی شجاع‌الدوله^۳ به حاجی میرزا حسن مکتوبی رسیده که از طرف ایالت به اهالی اطمینان بدهید که تا من حاجی شجاع‌الدوله زنده هستم در آذربایجان خللی به اسلامیت وارد نمی‌شود و بعضی اقدامات که مخل آسایش و موجب اختلال است ممکن نخواهد شد، اهالی متفرق و بازار را باز کنند. روز شنبه قدری بسته و معدودی باز بودند و در این ضمن با تهران مشغول مذاکره و مخابره تلگرافی بودند قونسول انگلیس و روسها متصلاً با ایالت ملاقات و مشغول مذاکره بودند. روز یکشنبه هم

باز اجتماعی بود و هر کس در کوچه و بازار صحبتی از مشروطه می‌کردند می‌گرفتند و می‌زدند و از تهران هم جواب رد سخت شنیدم‌اند. امروز که صبح دوشنبه است باز می‌خواهند تمام بازار و دکان‌ها را حکماً ببندند ولی اهل بازار و سایرین... به تعطیل ندارند مجبورند و جنابان حاجی میرزا محسن و میرزا صادق آقا و حاجی میرزا عبدالحسین و حاجی میرزا ابوالحسن آقا مجتهد از شهر به خارج رفته‌اند و امروز بالصراحه اهالی می‌گویند آذربایجان از تهران مجزا است. دیروز در ساعت شش آلافرانقه در محله ارمنستان یک نفر سالدات روس با یک نفر عسکر هندی انگلیس دعوا کرده چند نفر هندی رسیده سالدات را خیلی کتک زده و کشان کشان به قونسولخانه انگلیس برده و علامت عسکری سالداتی او را هم باز کرده‌اند و فعلاً در شهر استعداد آشوب و اغتشاش است تا بعد چه شود محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض شد.

وکیل باش شهرداری. علی‌اکبر احتشام‌السلطان.*

توضیحات:

۱. عنوان نامه چنین است: صورت مراسله واصله از تبریز راجع به وقایع محلی مورخه ۲۲ ایلول ۱۹۱۳.
 ۲. حاجی میرزا حسن آقامجتهد تبریزی فرزند حاجی میرزا باقر مجتهد از علما و روحانیون متمول و طراز اول تبریز بوده است. در اوایل با مشروطه‌خواهان و بعد با مستبدین بود. در سال ۱۳۲۶ که کنسول روس در تبریز انجمنی به نام «انجمن اسلامی» تشکیل داد حاجی میرزا حسن ریاست آن را برعهده گرفت. وی در سال ۱۳۳۸ در تبریز درگذشت و از شاگردان حاج میرزا حسن شیرازی و حاج حسین کوه‌کمری بود. تاریخ رجال ایران/ ۱/ ۳۴۳.
 ۳. مقصود حاج صمدخان مقدم مراغه‌ای ملقب به شجاع‌الدوله است که در مدت چندماه حکمرانیش متجاوز از دو‌یست و چهل نفر از آزادیخواهان را اعدام کرد. شجاع‌الدوله از مخالفین سرسخت مشروطه‌خواهان بود و روسها برای پیش‌برد مقاصد سیاسی خود از وجود شجاع‌الدوله استفاده می‌کردند. وی در اواخر عمر به مرض سرطان مبتلا و سرانجام در سال ۱۳۳۶ درگذشت. شرح حال رجال ایران/ ج ۲ ص ۱۸۰.
- * بایگانی وزارت خارجه عثمانی، بخش عثمانی، ش ۲۵۱.

نامه میرزا محمد علی خان علاء السلطنه رئیس الوزرا به سفیر کبیر دولت عثمانی

موضوع: تمنیه وکیل السفارة

تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۳۱

مراسله محترمه جناب مستطاب عالی مورخه ۱۵ شهر رمضان ۱۳۳۱ نمره ۲۱۲/۲۱۳
راجع به تمنیه جنابان مرحوم وکیل السفارة که دولت علیه ایران آنها را بدون تردید تبعه
مسلمه خود می داند و اصل انامل احترام گردید. قطع نظر از مدلول مراسله فوق، فقط
محض مساعدت و احترام اظهار جناب مستطاب عالی وزارت امور خارجه مصمم شده است
که به کارگزاران کرمانشاهان تلگرافاً امر شود نظر خود را از محصول املاکی که در دست
عنایت الله خان است بردارند جناب مستطاب عالی هم تلگرافاً امر مؤکد بدهند که رُبعیه
صبایا را از محصول هذا السنه سریعاً برسانند و تمنیه فرح السلطنه را که هنوز ایصال
نداشته اند ایصال دارند. انتظار دارم که از نتیجه اقدامات منصفانه خود که مستلزم احقاق
حق مشارالیها خواهد بود، هر چه زودتر وزارت امور خارجه را مستحضر بدارند. موقع را
مغتتم شمرده، اقدامات فایقه را نسبت به آن جناب مستطاب تجدید می نماید.*

نامه علاءالسلطنه به سفیر کبیر عثمانی

موضوع: اغوای فرح السلطنه

تاریخ: ۲۹ اسد ۱۳۳۱

مرقومه جناب مستطاب عالی عز وصول بخشید. قبل از اشعار جواب به زحمت این مختصر می‌پردازد. به اقتضای رغبت وافر که به حسن مناسبات و عوالم یک جهتی اولیای دولتین علیتین دارم، هیچ وقت منتظر نیستم و نمی‌توانم تصور کنم که روابط طرفین خدای نخواستہ خلل‌پذیر باشد، به تعقیب همین مقصود مقدس، تأکیدات لازمه می‌کنم که به این امر حسن خاتمه بدهند و نتیجه را به زودی به اطلاع خاطر محترم می‌رسانم. زاید ندیده این نکته را نیز تصدیع بدهد که از کرمانشاهان خبر رسیده اطلاع می‌دهند، فرح السلطنه عروس امیر مقتدر را به اغوا و تحریک حاجی صفر معدل فریب داده به شهنرداری برده‌اند. نظر به این که این مسأله قهراً مستلزم سوء نتیجه است که البته خلاف انتظار جناب عالی و بنده خواهد بود، مترصدم به فوریت امر بدهند مشارالیه را به خانواده‌اش تسلیم نمایند که از بروز این اتفاق ناگوار جلوگیری شد، ضمناً بنده به اصلاح امر، موفقیت حاصل نماید. زیاده زحمت نمی‌دهد. سواد مطابق اصل است. مجید*

اعلان انجمن نظارت مرکزی طهران و توابع

موضوع: شرایط انتخابات مجلس

تاریخ: نمره صفر ۱۳۳۲

به موجب ماده (۲۱) قانون انتخابات، موافق قانون اساسی مملکت و به موجب فرمان والا حضرت اقدس نایب السلطنه دامت عظمته، و حکم وزارت جلیله داخله و امر حکومت دارالخلافه، به عموم اهالی تهران و شمیران و کن و سولقان و لواسانات و قصران و لورا و شهرستانک اعلان می شود که، انجمن نظارت مرکزی انتخابات نمایندگان تهران و توابع منعقد شده و انجمنهای جزء و محل انعقاد آنها را از قرار ذیل تعیین نموده است.

اسامی محلات محل انعقاد انجمن

محله سنگلج و دروازه قزوین و شهرنو و توابع متعلقه به هریک از آنها

مسجد حاجی شیخ هادی خیابان فرمانفرما

محله دولت و حسن آباد و توابع متعلقه به هریک از آنها مسجد سراج الملک خیابان چراغ برق

محله بازار و توابع متعلقه به آن مسجد ملک

محله عودلاجان و توابع متعلقه به آن مسجد آقابهرام

محله چالمیدان و توابع متعلقه به آن مسجد امین الدوله

شمیرانات تجریش

کن و سولقان ارنکه لورا شهرستانک کن

لواسان رودبار قصران لواسان بزرگ

لذا، پس از انقضای ده روز از غره صفر که مدت قانونی انتشار این اعلان است کسانی

که موافق قانون حق انتخاب دارند، از یازدهم صفر ۱۳۳۲ تا بیست و ششم سوای روز

اربعمین از سه ساعت به غروب مانده تاغروب در شهر به عمارت بلدیة و درتوابع شهر درمحلّی که تعرفه گرفته‌اند رفته ورقه رای خود را تسلیم نمایند.
عمده نمایندگان که برای تهران و توابع مذکور فوق قانون تعیین کرده است دوازده نفر است که باید در روی یک ورقه نوشته شود.
شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان به موجب ماده ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ قانون انتخابات از قرار ذیل است.

ماده ۲- انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند.

۱. تبعه ایران باشند.
۲. لااقل بیست سال داشته باشند.
۳. درحوزه انتخابیه متوطن یا لااقل از شش ماه قبل از موقع انتخابات درآن جاساکن باشند.
- ماده ۴. کسانی که از حق انتخاب کردن محرومند**

۱. نسوان
۲. کسانی که خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند.
۳. تبعه خارجه
۴. اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام و درحضور یکی از حکام شرعی جامع‌الشرایط ثبوت رسیده باشد.
۵. اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند.
۶. ورشکستگان به تقصیر

۷. متکدیان و اشخاصی که به وسایل بی‌شرمانه تحصیل معاش می‌نمایند.
۸. مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند.
۹. مقصرین سیاسی که برضداساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند.
- ماده ۵- کسانی که به واسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند.**

۱. اهل نظام بری و بحری به استثنای صاحب‌منصبان افتخاری
۲. صاحب منصبان و اجزای امنیه و نظمیه در محل خدمت
- کسانی که تعرفه انتخاب می‌گیرند در موقع رای دادن اشخاص را باید انتخاب کنند که دارای شرایط ذیل باشند.

ماده ۶- انتخاب شونده‌گان باید دارای صفات ذیل باشند.

۱. متدینین به دین حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه واله، باشند.
۲. تبعه ایران باشند.
۳. خط و سواد فارسی به اندازه کافی داشته باشند.
۴. در محل انتخاب معروف باشند.
۵. سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد نباشد.
۶. معروف به امانت و درستکاری باشند.
- ماده ۷- اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند.
۱. شاهزادگان بلا فصل، ابناء و اخوان و اعمام پادشاه.
۲. نسوان
۳. تبعه خارجه
۴. مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام بری و بحری به استثنای صاحب منصبان افتخاری
۵. حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو ماموریت خود.
- تبصره- سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند به شرط این که پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند.
۶. ورشکستگان به تقصیر
۷. مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند.
۸. متجاهرین به فسق و اشخاصی که فساد عقیده دینی و خروجشان از دین حنیف اسلام در نزدیکی از حکام شرع جامع الشرایط ثبت و به شیاع رسیده باشد.
۹. مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اعلام کرده‌اند.
- به عموم اشخاصی که دارای شرایط فوق می‌باشند سفارش و تاکید بلیغ می‌شود که از شرکت در انتخابات و گرفتن تعرفه و دادن رای مسامحه و غفلت ننمایند.
- امضاء انجمن نظارت مرکزی تهران و توابع*

نامه شعاع السلطنه^۱ به سیف‌الدین بیک سفیر دولت عثمانی

موضوع: کناره جویی از تحت الحمایگی دولت عثمانی

تاریخ: ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۲

۲۸ شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۲

بروکسل

جناب جلالتمآب اجل عالی سیف‌الدین بک وزیر مختار دولت علیه عثمانی- دام
اقباله- در سال ۱۳۲۷ هجری نظر به اختلاف احوال ایران و خطراتی که برای نجبا
و خانواده سلطنت ممکن و متصور بود برای حفظ نفس اتکال به یک دولتی را وجداناً لازم
دانستم چون در آن وقت خود را بکلی از پلتیک خارج کرده و مثل یک تماشاچی بی طرفانه
به صحنه نمایشگاه ایران می‌نگریستم صلاح وقت خود را چنین دانستم که تکیه‌گاه خود را
یک دولت دوست هم مذهب و هم مسلک ملت خود قرار بدهم، این بود که به دولت علیه
عثمانی پناهنده شده اعلی حضرت سلطان مخلوع، لازمه مهربانی و آنچه وظیفه مقام
یک تاجدار ملت بزرگ و نجیب عثمانی نسبت به شاهزاده بلافضل است به عمل آورده و
زمان حرکت از استانبول^۲ یک تذکره^۳ به من عنایت کردند مدتی که، صدرالدین بک در
اواخر همان سال شارژ دافر سفارت سنج در تهران بود کمال حمایت و همراهی را از من
کرد مخصوصاً از آن نماینده عاقل با اشرف و ملت پرست دولت علیه در مکتوب خود تشکر
می‌کنم.

این اوقات که امنیت و آسایش در مملکت ایران بحمدالله^۴ اعاده یافته است، دولت
اعلی حضرت شاهنشاهی به من اطمینان کامل داده و تقاضا می‌کند که من از تحت حمایت
خارج کناره جویی کرده مراجعه و مراجعت به وطن خود بنمایم. لهذا از جناب عالی متمنی

هستم تشکرات صمیمانه مرا به پیشگاه اعلیٰ حضرت اقدس خلافت پناهی و اولیای امور دولت علیه رسانده و خواهش نمائید که به سفارت سنیہ مقیم تهران تلگرافاً دستور العمل بدهند که به وزارت امور خارجه اطلاع بدهند که من مراجعه به ملیت خود کرده و دولت عثمانی مرا به تبعیت ایران می شناسد.

امضاء: ملک منصور شعاع السلطنه*

توضیحات:

۱. ملک منصور شعاع السلطنه پسر دوم مظفرالدین است. در زمان پدر دوبار در سال ۱۳۱۸ و ۱۳۲۲ به حکومت فارس منصوب شد و هر دو بار با شورش اهالی روبرو و ناچار به ترک شیراز گردید. در سال ۱۳۳۰ به همراه سالارالدوله با حکومت مشروطه مخالفت نمود و به همین دلیل دولت نیز املاک آنها را توقیف نمود. عین الدوله از طرفداران سلطنت شعاع السلطنه بود و در زمان صدارت خود با نظر دولت انگلیس می خواست که محمدعلی میرزا را از ولیعهدی خلع و شعاع السلطنه را به جای وی ولیعهد نماید که با مخالفت روسها مواجه شد و موفق نگردید. تاریخ رجال ایران / ج ۴، ص ۱۵۶.

۲. دراصل: اسلامبول

۳. در اصل بحمدالله.

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۵۶۵

نامه سیف‌الدین بیک سفیر عثمانی به وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه ایران^۱

موضوع: حفظ حقوق اتباع عثمانی

تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۲

در این چند سال اخیر از دچار ظلم و اعتساف گردیدن کاروانیان^۱ اتباع عثمانی در موقع تابستان از قصر شیرین الی کرمانشاهان و همدان و در زمستان فقط تا قصره^۲ خاصه سنه گذشته که جمع آن وجوه مأخوذه از طرف رؤسای عشایر اطراف به اسم حق المرتع و فدیة نجات از پنجاه شصت هزار شتر یک مبلغ حیرت افزائی را تشکیل داده بود به طوری معلوم خاطر محترم آن ذات عالی وزارت پناهی است که گمان می کند حاجت به شرح آن نباشد و همه ساله قبل از تابستان برای تحت تأمین درآوردن طرق مذکوره از طرف سفارت کبری در نزد آن وزارت جلیله به انواع تشبثات پرداخته شده و علی رغم مواعید مکرره در اجرای ایجاب آن باز در موقع عبور و مرور کاروانیان عثمانی دچار همان سختیا و متحمل آن خسارتهای طـــــــاقت فـــــــر سا گـــــــر دیدماند تـــــــا در سال گذشته که مکاریان مزبوره پیش از بیش گرفتار آن قسم مظالم و در مقابل اظهارات سفارت کبری از طرف آن وزارت معزی الیها کتباً و شفاهاً و عد قطعی امنیت و آسایش طرق کرمانشاهان را به انضمام اعزام اردو فرموده بودند، ولی متأسفانه موافق اشعار شهبندری کرمانشاهان و عرض حال تجار عثمانی معلوم می گردد در صورتی که دو ماه بیشتر به مواقع آمد و شد کاروانیان باقی نمانده هنوز از طرف حکومت محلیه به هیچ وجه برای آسایش و امنیت طرق تدابیری اتخاذ نگردیده است. لهذا، دوستدار محترماً نظر دقت آن جناب مستطاب را به مواعید فوق الذکر جلب نموده و قویاً متمنی است که به اسرع وسائل تاوقت نگذشته موجبات اعاده امنیت طرق کرمانشاهان را فراهم فرمایند والا بدیهی است که

در صورت دوام احوال سنوات سابق در اخذ آن رسوم خارج از اصول و سایرہ حقاً و اصولاً آن دولت علیه ضامن بوده و دولت متبوعه دوستدار هم برای حفظ حقوق تجار خود مجبور خواهد بود کہ به ہر نوع وسایلی متثبت گردد. و بدیہی است کہ دوستدار را ہم از نتیجہ اقدامات فعلیہ و سریعہ ہر قدر ممکن است زودتر قرین استحضار خواهند فرمود. ہموارہ احترامات فایقہ را تجدید می نماید.

سواد مطابق با اصل است مجید منشی*

توضیحات:

۱. عنوان نامہ چنین است: صورت مراسلہ سفارت کبرای دولت علیہ عثمانیہ بہ وزارت امور خارجہ دولت ایران مورخہ ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۲ نمرہ ۸۵.
۲. در اصل: کاربانیان
۳. در اصل: علی الرغم
- * بایگانی وزارت خارجہ عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۱

اعلامیه دولت

موضوع: مانور نظامی

تاریخ: رجب ۱۳۳۲

اعلان

اهالی شهر بدانند که، از طرف نظامیان دولت بهیّه به موجب مراسله که از قونسولگری محترم رسیده است شلیک نظامی خواهد شد. لازم است موقع شروع به شلیک همینکه اهالی صدای تیر تفنگ را شنیدند فوراً در منازل و خانه‌های خودشان پنهان شوند که دچار صدمه نشده و بعد از اتمام ساعت شلیک، مجدداً مشغول کسب و کار و آسوده باشند.

اعتمادالدوله*

توضیحات:

۱. در اصل: خانهای

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۶۲۰.

اعلامیه دولت

موضوع: حفظ نظم و آسایش مردم

تاریخ: ۴ رجب ۱۳۳۲

اعلان

از قرار معلوم اعلان منتشره راجع به شلیک نظامیان دولت بهیته تا یک درجه جالب وحشت و اضطراب اهالی گردیده و هر کسی فی حد ذاته مدرک و تأویلی بر آن قرار می دهند. این است برای تصریح مسأله و رنج وحشت و اضطراب و پاره [ای] خیالات اهالی می شود که، بعضی اشخاص شریر و معلوم الحال در سلماش و حوالی آن جاپیدا شده که باعث بعضی بی نظمیها گشته و اقدامات مضره در نظم و تأمین آن جا را آسایش اهالی ظاهر ساخته اند نظامیان دولت بهیته برای حفظ آسایش اهالی، و استدامه نظم مجبور از شلیک برای دفع اشرار آن جا گشته و اشرار را گرفتار و به سزای اعمال خود رسانده اند. به مناسبت این که ممکن است در این جائیز اشرار راهی پیدا کرده وقتی برای ظهور شرارت و سلب امنیت حاضره اقدام غیر منتظره ظاهر ساخته اسباب اغتشاش فراهم نمایند، نظامیان دولت بهیته فوراً برای جلب و گرفتاری او از اقدام به شلیک مجبور خواهند بود که سریعاً او را گرفتار نمایند و چون دیگر در آن ساعت مجال نمی شود که به اهالی اعلان شود این بود قبلاً این اعلان انتشار داده شد اگر در موقعی چنین امری از کسی ظاهر شود و نظامیان اقدام به گرفتاری او نمودند می باید همینکه اهالی صدای شلیک را شنیدند خودشان را از دچار صدمه و خطر محفوظ و پنهان شوند والا، نسبت به اهالی ابداً مقصودی در نظر نبوده و مادامی که از کسی شرارتی ظاهر نگشته هیچ گونه اقدامی نخواهد شد. علی ای

نحو کان، اهالی از هر جهت مطمئن و به آسودگی مشغول کسب و کار خود باشند.
عرجب ۱۳۳۲. اعتمادالدوله.*

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۶۲۰.

تلگرافی است که از سفارت ایران در استانبول مخابره شده

موضوع: شایعه واگذاری اراضی ایران به دولت عثمانی

تاریخ: ندارد

خدمت جناب مستطاب اجل، آقای سردار حکمران-- دام اجلاله-- تلگرافی از سفارت کبری استانبول آمده بود عیناً درج می‌شود.

حضرت شجاع‌الدوله از قرار معلوم در حدود شهرت دادماند گویا اراضی که عثمانیها اشغال نمودماند به عثمانیها واگذار خواهد شد. این شایعات چه بکلی بی‌اصل به مأمورین دولت و حدود مقرر فرمائید البته تکذیب نمایند. اراضی مغضوبه بخواست خدای استرداد خواهد شد.*

محمود

نمره: ۱۰۲۴

توضیحات:

۱. در اصل اسلامبول

* بایگانی وزارت خارجه عثمانی، کارتن سیاسی، ش ۵۶۲.

تصاویر اسناد

در اوج دولت مرکز قدرت و شامت حضرت سلطان عظیم الله

نامیه پسا کرامی با نضام نشان عالی استیاد و الهامی مخصوص آن بزرگترین آن دولت و استعدادت عظیمه

مصحف جیاد آداب محمد رحیمی پادشاه مخصوص آن دولت آیت سید دست فروز و کرامت شوق نادر

با دکار با قدر و با غیظ خیر که نمونه از و و با غیظ آن عظیمه و ال بر کمال عظمت و صبر و با غیظ

سلطانی بود و در خیر خاطر مخزن و مقام شکر این عظیمه و سلطان برسیام و ظهور این عظیمه

کاز روی میل قلبی مشهور و اخصیات بزرگ رسید و اکنون محمد رحیمی پادشاه و با کمال دولتی و با غیظ

بخار شاین و شکر نامه چشم الهام و عاصمه عالی و با غیظ که با اعتقاد و ارتقاء و کجندی و اتحاد و با غیظ

و معنای اید شاه و اتحاد و با غیظ حسن تقریر و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ

و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ

در این روزگار عظیمه و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ و با غیظ



تکرات امامان نجف . از نجف بطهران ۷۰۲ هجری

بنو سط مجلس محترم عماد الاسلام آقا سید جعفر شیرازی و آقا شیخ محمد مساعدت
باجلس مقدس بر همه لازم تفصیل از قصر (محمد کاظم الخراسانی)
همچنین ایضاً از نجف بطهران ۷۰۲ هجری ۲۸ جمادی الاولی
حجج اسلام با مجلس شورای ایران بی درنگ باید همراهی کرد حرفهای مخالفین
مسموع نیست دعا و نشان مزخرف (الاحقر محمد کاظم الخراسانی)

مجلس محترم

(*) سواد تکرات حجج اسلامیه صلعم الله تعالی از نجف اشرف (۵)

(از قصر ۳ جمادی الآخر)

(مجلس محترم شورای ملی) رفع الله قواعد تکرات مو حش انجمن شریف
واصل و از مخالفت مخالفین با (مجلس محترم ملی) اسلامی خواطر قاطبه اهل اسلام ملول
گشته عموم اهل علم و کافه متحزین شریعت مطهره حضرت ختمی مرتبت [ص] را اعلام
بیدار که خداوند متعال گواه است ما باید دار غرض جز تقویت اسلام و حفظ
دما مصلحتین و اصلاح امور عامه نداریم عایدنا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم
و اغاثه مظلوم و اعانت مظلوف و ادر بمرور و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترقی
حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است قطعاً عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح بلکه واجب است
و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است رجاء و اتق که
تاکنون انشاء الله تعالی کسی مخالفت نکرده و نخواهد کرد و هرگاه برخلاف این مضمون
کتباً و تکراتاً نسبتی بماداده شود کذب محض احضار را صلاح ندیدیم
مهمات را اطلاع دهید (الاحقر نجل حاج میرزا خلیل)
(الاحقر محمد کاظم الخراسانی)
(الاحقر عبد الله مازندرانی)



سخن از بهغ - مصوری

حضور اعضای انجمن محترم ملی دام بقا و هم
 (بمحموم ملت آذربایجان مژده می دهیم که روشنائی)
 (چشم محوم مشروطیت پرستان قانون اساسی)
 (مقدس و مبارک الان بامضیه و صحه هایونی)
 (اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه رسید)
 (و روح تازه در قالب ایران دمیده شد و خوش)
 (بخشنا نه بعد از اینکه امروز صبح قانون اساسی)
 (بمصور شاهان نه بتوسط یک هیئتی از مجلس مقدس)
 (تقدیم شد ذات شاهان نه پیش از دو ساعت)
 (مطل نظر موده و فوراً پس از قرائت امضاء فرمودند)
 (خادمان ملت) (آقای زاده) (فضلعلی)



(سواد دستخط مبارك همایونی)

توسط ولیعهد باهالی مملکت آذربایجان تشکیل مجلس شورای ملی و نظامنامه آن را بشما اجازه و مرحمت فرودیم وکلای شهر تبریز و سایر ولایات بطهران بیایند و به ترتیبات کار مشغول شوند و سبب عموم منحصن فونسلگری انکیس عفو عمومی شامل خواهد شد

(سواد دستخط مبارك حضرت اقدس والا)

اولا از طرف فرین الشرف بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فدا و از طرف حرم باین اشخاص که در فونسلخانه و مسجد متحصن هستند اطمینان میدهم که درباره آنها عفو عمومی خواهد شد و مطلق در افزای این اقدامات آنها مزاحمتی از طرف حکومت و غیره نخواهد شد

دویم مجلس شورای ملی را بطوریکه بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی ببات اعطاء و مرحمت کرده من هم تصدیق دارم و اجرا خواهم نمود و بولایت جروهم اعلام خواهد شد

سیم برای اعطاء مجلس شورای ملی که اساس آبادانی ثروت و ترقی دولت و ملت است عموم رعیت چه در شهر تبریز چه در ولایات مملکت آذربایجان چراغان بکنند

چهارم در تمین انتخاب وکلا هم فرودی قرار دادند که وکلای تبریز و سایر ولایات معین شده را روانه قاهران شوند

دستخط حضرت ولیعهد

این چهار فصل که نوشته شده است صحیح است

پنجشنبه ۸ شعبان ۱۳۲۴

(از مصلحت گذار دولت انکیس فونسلگری تبریز)

صدراعظم بایجاب اطلاع داد نسخه های جایی دستخط اعلا حضرت همایونی در اعطاء مشروطیت و ترتیبات مجلس بامتای آذربایجان و حکام ولایات فرستاده شد و انتخاب وکلاء در موقع اجراءات شما هم باید پناهدکن و سستی ها را اطلاع بدهد و توضیح نماید اجرای وعده های اعلا حضرت شهریاری فقط مربوط بدول ایران است ضمانت سایر دول در آن باب جابر نیست بگویند مسلم و آشکار است ترتیب مجلس ملی ممکن نیست مگر بهرور

امضا

فرمانروا

(دستخط مبارك حضرت اقدس بجنرال فونسل انکیس)

مسیو راتسلو چهار فقره را که اهالی استدعا کرده بودند بر طبق مقررات علیه همایونی مهر و امضا نموده دادم دستخط تکلفاتی را هم فرستادم که باهالی داده همگی مطلع و شکر گزار باشند بطوریکه آنها تمهید کرده اند و بمنای برونه بازار را باز کرده مشغول کسب و کار خودشان باشند

امضا

اسناد قاجار ۲۲۹

(ولیعهد دولت علیه ایران)

بسم الله الرحمن الرحيم

مشت خدا بر آنکه آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بقوت الله تعالی از قوه بفضل آمد و با انجام مقصود میسر
 صایان الهیه موفقیتم و هر روز مبارک و میوه که در زقتاح مجلس شورای ملیست جلالت و شت حاء
 امود و لحن و ملکوتی را مربوط و متصل میدارد و علا یقما بین دولت و ملت و امین و محکم و سازد جلالت
 مظهر افکار و غامه و احتیاجات هائے ملک است جلالت که نیکان عدل و داد شخص هائون ما است در
 حفظ و اطمینان ذات و احیا لوجود بک کفایت ماییده امروز روزیست که بر و داد و اتحاد مابین دولت
 و ملت افزوده میشود و اساس دولت و ملت بر شالونه محکم گذارده میشود و امروز روزیست که بهین
 داریم و وسای محرم ملت و وزرای دولت خواه دولت و امثال اعیان و تجار و عوم و غایا و صیق ملک
 در اجرای قوانین شرع انور و ترتیب و تنظیم دوائر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و فیه اسباب توان
 امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی وطن بگویند و هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و
 منافع اهالی و مملکت و البته می دانند که بنسب ساس مقدسی که بملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود
 و با غرض فساد نکرده و حالا براتفاق شده که کمال است که تکالیف خود را چنانچه منظور نظر دولت
 و ملت است انجام بدهند بدین است که هیچ کدام از شما ها مستحق انتخاب نشدید مگر بواسطه تقوی و
 و جلاله که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مردم داشته اید و خود این که باعث اطمینان خاطر و
 قوت قلب ما است و رخا و ائق داریم که با کمال ظفر و پیش و بغرضی در اینجا مقدس قدم خواهند
 زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهند داد و در این قاطبه اهالی را مثل فرزندان خود
 دوست داریم و بیک و یک خود مان بر اینم و خوشنودی و محبت و خیر و افضاییم و شریکیم باز لاریست خاطر نشان
 باین که معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شما ها فقط غایب خودتان بود و بی ولی از طرف
 شامل حال هزاران نفوس است که شما ها را انتخاب کرده اند و منتظرند که شما ها با اخلاص و صریح و پاک
 بعقیدت بد دولت و ملت خود خدمت نمایند و از اموریکه باعث فساد آخر از نمایندگان باید کاری بکنند
 که در پیش خدا مسئول و در نزد ما شمرند و محمل نباشید بر سب و نصیحت ما را هیچوقت قلم نموش
 نکنند و این از مسئولیت بزرگ که بر عهده گرفته اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال حاضر
 حق و اعمال ماها است و حافظ حق و حقانیت است دست خدا همراهم شما و بد مسئولیتی را که بر
 عهده گرفته اید با صداقت و درستی انجام بدهید و بفضل قادر متعال و توبه ما مستظهر و امید
 و اریا بشید

مصدقهم شیخان المعظم

سوال بخط مبالغه حضرت اقدس
و ليعهد الي ملت لا يبت

انجمن ملی تبریز که فی السابق برقرار
بوده و یکفره امور بقصد یقین اجراء انجمن
جانب حضرت اقدس معین و در انجمن حاضر
خواهد شد که اجراء انجمن را موارث
جزئی و کلی ملت هیچ حکم نموده اند به
موقع اجراء گذارد و کار گذاران حضرت
و الا در اجراء تمام احکامات

انجمن ملی تقویت خواهند

محمده مبارک

نمود ۱۷ رمضان ۱۳۲۴

پاشا و بر حوال این مقصود جناب طالب اجل شریف سر از عالم و کیمبر از قلوب قلوب
 اندک علیه احکام کان سبب نبوت باقی بر سر آید و اید و اید که این مختصر است با قصای
 به سیرت مقصد و از کمالی این بحال ساعدت برای آمدن فرمود عراض و رعایت
 که نمی برید احکام بطور دادید و استیج بر معال صیاد و امور و امور و امور و امور و امور
 از حد و مثال در حاکم خود خرامان فایده و دوستی بر پدید آوردن نسبت با مختصر
 در قصر سلطنتی در آنجا و در آن تاریخ و شهر و ایام و سال اول سلطنت مکرر



۱۰۶۰
 ۱۰۶۰
 ۱۰۶۰

اذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

ما مجاهدین سبیل الله و فدا ییان ملت نجیبه ایوان از خبر و حشت اثر
رحلت پدر تاجدار شاهنشاه حریت بخش اعلیحضرت مظفرالدین شاه
کیور انارالله برهانه زاید الوصف متأثر و متولم است عموم اسلامیان
خاصه هموطنان عزیز را از این حادثه مو لمه تسلیم و تعزیت داده از قادر
ذوالجلال مسلت مینماییم که روح مقدس آن شاهنشاه جمجواهر
تا مقربین در گماش محشور فرماید.

حسبنا و اسفا!! واملتا!!

ای شاهنشاه مبرور اینک از پدر جالس تا انتهای عمر خود این همه زحمات فوق العاده را
کشیدی! ابواب سعادت و ینک نامی را بروی ما ایرانیان کشیدی!! و نام نیک در صفحه
روزگار گذاشتی!!! ای پدر نفس و اسیر ما یچارگانرا بکسی سپردی؟؟ آنسبکه بعد از پدر
روفا جانشین و وارث تخت کیان میشود! هیچ توصیه ما را قریه مودی؟؟ بلی به وجدان
پاک و فطرت مطهرت قسم که همه نکلمات آخرین سفارش ما ملت نجیبه بوده و همواره
روان مقدست بدور دارالشورای ملی خواهد گردید! ما فرقه مجاهد و فدائیان وطن
در عوض این همه مراحم شاهانه و الطاف خسروانه متعهد میشویم که قدر این نعمت عظمی
را دانسته تاجان در بدن داریم از دست ندهیم و هر آنسبکه مغل و مانع پیشرفت مقاصد عالییه
آن پدر مهربان بشود ریخته وجود نحسش را از روی زمین برکنیم تا روح مطهرت را از خودمان
راضی بپفکنیم

و امید داریم که خاف تاجدار آن شاهنشاه کیور ملاحظه مل خود واستقبال ما ایرانیان
را نموده و وسیع و بزرگوای ولی نعمت مبرور بوده بهمان رویه اسباب سعادت و رفاه ملت
را فراهم بیاورند

قارون هلاک شد که چهل خانه کنج داشت نوشیروان نمرد که نام نگو گذاشت

مفقور باد شاهنشاه کیور زنده و پاینده باد حریت و مشروطیت
مؤسسه مطبوعه مرکزی



در دستخط هایون اندس علی امین در مشروطیت ایران

رکابیه هر شصت و یک سال آگاه صفحه عالم عموماً و بر همه طوائف خیر و بصیرت ما خصوصاً صابوئی و مستور
نیست و مکرر گفته ایم که امضای اصول قوانین سیاسی این مملکت با محقق شاهنشاه میرور انار الله
برهانه از برکات انعام مقدسه و توجهات کامله این شهرار عالیقدر و پدر تاجدار بزرگوار ما خلد
الله ملکه و دولته بود و همگال تصدیق دارد که این پادشاه جوان بخت از آن روز که مالک تخت و تاج
شعبان گردید نیت پاکش از همه جهت مصروف به احسان خلق و آسایش رعیت و تشیید مبانی ملک و ملت
بوده است مکرر شفاها فرموده اند که (وکلای ملت) چرا کار نمیکند! و چرا مشغول امور
امور نمیشوند! تا ما نیز جداً با آنها همراهی کرده مقاصد ما را اصلاح کنیم شاهد مدعا دستخط
هایون است که بر حسب استدعای حجج اسلام و مجلس شورای ملی در خصوص مشروطیت دولت
و سلطنت قویته ایران صادر شده و برای آگاهی کلیه ملت شرح آنرا ذیلاً تکلیف داده و نامه مجلس را بدین
ذیل مریس و مبارز میجانبیم نامه مردم بخواند و سایرین تصدیق کنند که این شهریار سعادت مند و رتبه
خود را با (امیر اطوار زبان) برابر ساخته است چنانچه نگارنده روزنامه (اللو) جناب (مصدق)
کامل باشد لایکی از ملایم سیاسیون ملت اسلام است مقام مقدس این مرد و پادشاه را برابر و مساوی دانسته
اگر چه ترتیب نگارش ما بر آن بود که این ملاطفت همیون را در ضمن مذاکرات مجلس شورای ملی در موقع
خود نگارش آید ولی بملاحظه اینکه مشترکین عظام در انتظار زیارت آن ناستد بکمال سرعت در این
ورقه درج و منتشر ساختیم تا بملاحظه آن چشم و دل را روشنی داده بقای ذات هایون و دوام سلطنت
سعدیه را در خاندان مقدس ایشان از حق تعالی مسئلت نموده بدانند که این تاریخ محلیست ایران دارای
شرف و اعتبار است و اعلی حضرت شاهنشاه مؤید و الا کبر در کشور خود شهریار خواهد بود
این است سواد دستخط هایون خلد الله ملکه

جناب اشرف صدر اعظم ساقی هم دستخط فرموده و برای کتبات مقدسه ما در توجه باجای اصول
قوانین اساسی که امضای آنرا خودمان از شاهنشاه مرحوم انار الله برهانه گرفتیم پیش از آن است که
ملت تشکر و قدس و این بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه میرور انار الله برهانه شرف
صدور یافت و تأسیس شد و ایامی شد دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کفایت و قویون
بشمار می آید مآلها ملاحظه که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمه برای تنظیم وزارت خارجه
و دیوان حکومتی و مجالس بلدی مطابق شرع (محمی ص) نوشته آن وقت بموقع اجرا درج شده
شود عین این دستخط ما را برای جنابان مستعالم حجج اسلام علیه الله تعالی و متخیرین شورای ملی
ابلاغ نمایند ۲۸ ذی حجه ۱۳۲۴



اتفاق رجال دولت

بشارت بر عموم ملت

از طهران

رئیس محترم تکر افغانه دام مجده امروز که روز اول سال دوم تأسیس مجلس شورای ملی است با کمال شرافت و شمع وجود هیئت رجال لشکری و گدومری بتکر افغانه آمده و بنوسط شما محکومت جلیله و کارگذاران دولتی و اولیای ملت و عامه برادران وطنی خودمان اشماری نمایم که چون از مدتی باین طرف تا مافی بلاد و هرج و مرج ولایات و طرف و شوارع و وقایع سرحدیه را مردم حل عدم اتفاق هیئت دولت و اولیای ملت نموده و اذهان عوام از آن بابت خالی از سوء ظن نبود و حال آنکه ذات مقدس ملوکانه ارواحفاده از ازاله این اساس لازمه توجه و مساعدت را در پیش رفت این عطیه ملوکانه دریغ نفرموده اند معذراقم این مؤظن برای آسایش خیال عامه که بای تمام امنیت و آرامش عباد واجب بود بر حسب اجازه علیه ملوکانه ارواحفاده تمام و جوه رجال دولت از کشوری و لشکری با کماله واحده مجلس محترم شورای ملی در قیام و بابک مهر و استقلال بخت آمیز اتحاد و مودت هیئت رجال دولت را بذرفه خلقهای خلی مشفقانه از طرفین خوانده شد و تبریکها و نهایتها بعمل آمد اتفاق نام و تمام و اتحاد کامل مابین هیئت دولت و وکلای ملت حاصل و در حقیقت برای طرفین این روز اول سال دوم عیدی شمرده شد و حال با قوه قلب هیئت رجال کشوری و لشکری دولت با وزراء مسؤول با اتفاق مجلس محترم شورای ملی مشغول کار شدیم و امیدواریم که بخواست خداوند و برکت امام عصر عجل العفرجه و توجیهات همایون شاهنشاهی ارواحفاده و اتفاق کبیه دولت و ملت عنقریب تمام اصلاحات مملکت حاصل و اسباب شرف و سعادت کامل برای عامه ملت صورت پذیر شود در این صورت باید حکام والا مقام و کار گذاران دیوانی آنجا هم با محسوسهای ایالتی و ولایاتی که بطریق نظامنامه تأسیس شده باشند اتفاق نموده و دقیقه از دقائق آسایش رعیت و امنیت بلاد و طرق و شوارع را فرود گذار نمایند و سر بجا بدانند که هیچ قصوری من مد از هیچ کس بذرفه نشده و هر گس در وظائف دولت و ملت خواهی اندک خودداری بکنند بدانند که گرفتار مسئولیت فوق العاده خواهد بود که ملامت جز بر شخص خودش نخواهد آمد این تکر را با اطلاع حکومت جلیله مردم اطلاع نموده و نتیجه را بتکلیف نمایند وزیر مخصوص (آدم الدوله) (امیر مدار) (وزیر دیار) (موفق الدوله) (اقبال الدوله) (علاء الدوله) (وزیر همایون) (محتشم السلطنه) (سید مدار) (معین الدوله) (امیر اعظم) (امیر نظام) (نظام المائت) (وزیر نظام) (سردار کل) (حاجی امین الدوله) (سردار منصور) (وزیر تشریفات) (ناظم السلطنه) (سید الدوله) (سردار فیروز) (نصر المائت) و سایر رجال دولت

حکم تلکراف فی حُج اسلام از عنبات عالیات در خصوص رفع اِشنبات

جواب نمرة ۲۲۸

(از قس)

بوسط جناب ثقة الاسلام آقای میرزا محمد نجفی ذات برکانه خدمت علمای اعلام و البحرین
مخبرم و عموم اعیان و تجار و قاطبه اهل خراسان نامت ناکیدانتم تلکرافات شریعه و اصل و
افدا ماتی که بعکس مأمول در شوق عضا و تفریق کلمه ملک مخالف مجلس مخبرم شورای ملی واقع الله
قواعد از بعضی اظهار شده موجب کمال ناسف و تحسّر سابقاد و جواب تلکرافات طهرانی که
شکایت از مهربان ^{مطلب} مطالب نموده بودند و حال هم مجدداً عموم اهل علم و تدبیر اعلام میذاریم
جلسه که بحمد الله تعالی ناکسیران برای حفظ بیضه اسلام و تهویت دولت ملک و زرفیه حال
رعیت صیانت دماء مسلمین و رفع ظلم و اغانه مظلومین و اغانه مأموفین و امر بمعروف و
نهی از منکر و سد ثغور است قطعاً عقلاً و شرعاً و عرفاً راسخ بلکه واجب است و مخالفت آن
ضار به با صاحب الزمان علی الضادع بها افضل الصلوة والسلام انشاء الله تعالی بعد مائیکه
مخالفت نخواهد کرد عموم علماء و قاطبه مسلمین با کمال اتفاق و اتحاد و دلکری در تشدید مخالفت
و اعلام امر آن بدال مجتهد خواهند نمود و هرگاه کسی برخلاف این مضمون کتاب و تلکراف
بنماها نسبتی دهد کذب محض است مضمون این تلکراف را با خبر ما بخاره نموده مهمات را
اطلاع دهید انشاء الله احقر بخل مرموم حاج میرزا خلیل محمد حسن الاحقر محمد کاظم الخراسانی

عبدالله مازندرانی



(مختصر سرانامه ایست از سرگزشتی فرقه مجاهدین اجتماعین عامیون)

دینی و ای هوطنان عزیز ای ساجدان و ای حاملان لوی غیوت
و اسلامیت بدانید و گاه باشید مباد بعضی از اخصام مغرض و شیطان
صفت در میان شماها باشد و شما را کول زده اسم این فرقه مقدسه را
خراب نموده مغرض خود را اجرا نماید مباد این بعد از انکشت اینها می
نمایند و مغرض اینها حرکت کنید که نتیجه این کارها غیر از خسران
دنیا و آخرت چیزی دیگر نخواهد شد آنچه خفته بود پس است حالا
بیدار شوید آنکه مجاهد است اندام رزکی و بی لایق نمی کند مجاهدین را
لازم است که در هر جا جولو گیری انجام رسانند و این را بکنند که اسم
این مقدس فرقه را ملوث نکنند و آن بهانه خودشان را فو لطیفی کرده
بنای اسلام اند و شرارت نگذارند بدون اجازه کسی از مجاهدین
حق تعرض یکی ندارند و اقدام بکاری نباید بکنند جزئی باشد باکلی
هر آنکس که خود سر بدون علت باعث ناراحتی یک نفر مسلمان
بافتی نوع خود شود آن شخص ضمه مشروطه ضمه تمدن ضد انسانیت
بلکه ضد مسیحیت مغرض است چنانچه بر عموم صدرها لازم است که
بدون اجازه هر که مقدس اقدام در امری خود نموده و از او امر و اجاره
سر کر و اطاع دانسته و انداخته نمی باشد همچنان بر عموم مجاهدین
لازم است که بدون اجازه صدر رجوع بکاری نه نمایند و در صورت
تخلف مسئول هستند .

مخفی نماید چون بعضی از اخصام مغرض خود تنها محض اظهار
جهالت و بغضند که فرقه در میان این فرقه حلیله انداخته بغرض
خود مانع شوند و در دست کشیده و نام این فرقه را تحقیر
معرض است بعضار خاطر عموم مغرض میشود که هر فرقه که نام ای فرقه
باشد و با این مهر مخصوص مخموم نباشد تقلید است و دینی
اسلم اجتماعین عامیون ندارد .

اصل مقصود و مرام از تشکیل این هیئت و جماعت آنست که حفظ
حقوق انسانی و وطن فردا بعد فرد منظور و مرعی باشند و آنچه لازمه
ترقی و سعادت ملت است از قبیل تربیت و تمدن علم و ثروت
و افتخار مکاتب و مدارس اجرای قانون عدل و انصاف و تنبیه
از وحشیگری و جهالت و کنگاره جوئی از ظلم و جور و فساد و تنگ
باز و رسوم انسانیت نه اینکه بعضی اخصام خود را مقرب
این فرقه نموده اسم این هیئت مقدس را بغرض نفسانی خود ملوث
و مرتکب بعضی افعال ناپایق و خارج از وظیفه انجمنیت شده هر چه
دلش میخورد بکنند و آنچه میزنایش نباید بکنند معنی مجاهدی را
نداند و نه مقصود و وسعین این هیئت را خالی باشد بهانه دست انداخته
و عنوان برای مغرض و شرارت خود پیدا نموده خود را داخل
به فرقه مجاهدین (فی-بیلا الله) حقی کرده از روی جهل و نادانی
بالمغرض شخصی و غسانی برای هرزهگی و الواطی و استیلا
گذاشته خود نتانی و مردم آزادی بکنند مخلوق خدا و اولاد وطن
عزیز را با حرکات و حیثیانه و مفرصانه اذیت نماید ماحتمای عیون
عامیون مجاهدین بغرض صراحتاً عرض میکنم باز اینکه نه اخصام
خود تنها و مستقیم و مغرض و لایالی تیرا میکنند و این قبیل اخصام
هر که از مملکت ما خارج ندارد بدور نزد هم هر از نظر مجاهدین تیریز
و نهضت دار مجاهدین و خبر حواریان وطن است که در قاع و قمع
واضع و حلال این قبیل اخصام می و کوشش نمایند و اولاد هر صنف
و در هر لباس باشند مجاهدین ماطا اب ترقی اسلام و وطن و دینی تمدن
و معرفت این ملت هستند نه آلات اجرای مقاصد مغرضین و مقصدین
از این تاریخ به بعد به عموم فرقه مجاهدین اجتماعین عامیون اعلان میشود
هر کس بدون اجازه هر که و شورای عقلا اقدام بغصب یا تنفی بکند
که متافی مسالک این هیئت مقدسه باشد جان و دل او در معرض تلف
و ابد آنری او از آن شخص قبول و مسخر خواهد شد ای برادران



دفع و رفع آن جهت کارند یقین بدانند که (بدالله مع الجلاء)
طریقہ سازان حق همیشه غایب و مظاہر خواهند شد باید تمامی
مشکلات را خیلی سهل و آسان شمرد و همه را ممکن بین اتحاد
حقیق ازمیان مجسمه و بر طرف میبود باید هر یک یک تکرار
دست اطلب تمام تا کام من در آید —

باجار رسد بجانان یاجان (زن در آید)
از قرار نوشته چند نفر از طهران گویا جناب میرزا علی اصغر خان
امین السلطنین همراه مجلس و طالب مشروطه هستند جماعت
اجتماعیون عامیون همیشه بتفاسد (تأمل نم تقبل) عمل نموده اند
منظور شایع افکار ایشان همین در صورت یقین کردن مکر خدمت
ایشان این فرقه متحده در سنایش و هر کوه و هر ای فولاً
وفلاً نسبت ایشان مضاحقه خواهند کرد

بر واضح است مسلط و طریقت صحیح اجتماع علما و بزرگان
 نهاده شده که هر کس خواه وزیر باشد خواه مجبور خواه شاه باشد
 خواه گدا اگر در فکر تشدید این مشروطه باشد و اعتراض
 شخصی را ندارد ندارد طرفدار او میباشد همچنین هر که
 بخواد سبک تحفه در میان بپندارد یعنی مشروطه مقدس را
 بتأویلات باطل و جفتک ترویج و تفسیر نماید خواه علما باشند
 (یعنی متلمان و متواضعان غیر متظاهر) خواه جملا خواه اعلی
 خواه ادنی مجزای خودشان موفق خواهند شد

آنچه نوشته شده چه داریم همین که هستیم
 از کج جماعت تبریز نهایت تشکر و امتنان حاصل است که در عرض
 حیران این چند روز با وجود این همه انقلاب و اضطراب ارحم و دود
 آب بیرون شدند و انسانیت را مد نظر داشتند و با سبک
 آرایی گذرانیدند در ختام این مقالة مختصره
 فرموده حضرت کائنات [ص] توصیه عمل به خیر که میفرماید
 (اعملوا اولادکم الرعاية والنبافة)

(شکلی نیست که آسان نشود مراد باید که هراسان نشود)

ای اهالی غیور تبریز ای جماعت باغیرت باهت ایران
ایا حالا بایم ابقین و التبقیه که پیشرفت و ترقی مکرار در دنیا
بسته به اتحاد و تقاضای است آبا این اتحاد و مردانگی شما لفظ حیثیه
(عیشود) (حالا زود است) (ممکن نیست) (مخالفت) را
از طبیعت خاک ایران بیرون نکرد ؟ آبا این غیرت و جوانمردی
شما ایرانیان باعث افتخار و سر بلندی ایران در مقابل فرنگ
نکردید ؟ آبا این مملکت همان مملکت پارسیان نیست که بپایه
مردم قادر متفق و ظاهر داشتن کف حق خود نبوده و بدین
واسطه دانشمندان فرنگ این ملک را در جزو ملل مبتته حساب
میکردند پس عیش چیست که در روز اعجاب ترسی و غیر برسی
مرهفته بک مقاله از ایران امرای و متحد می نویسند و مشروطیت
مجلس شورای نو جوان ایران را بر مجلس شورای روس ترجیح
میدهند علل و سبب جز این نبوده و نیست که ابراهیم یکمرتبه
معنی اتحاد و اتفاق را دانستند دست بدست دیگر برادر و او
دادم چنان نقش اسبند را بر زمین زدند که نیست و ناپوشده
و بیان این مشروطه را بجای رساندند که دیگر زیادو زیران نیاید کند
(آنچه می بینم که میداریم یارب باغضاب)

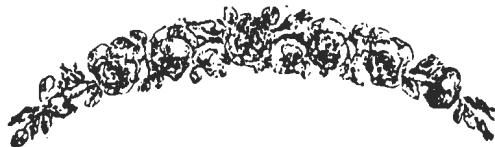
درسایه این اتحاد و یک جبهه ما گروه اجتماعیه را می بین بر محرم
اهمائی نیز ثابت کردیم که هر که با از سر حد قانون مشروطه یعنی
قانون اسلام (چه مشروطه عبارت از مجلس اجرای قوانین
مفسره اسلام میباشد) بیرون گذارد فوراً مجرای خود
خواهم رسانید
و ضمناً این یک نکته بسیار باریک و بسیار بسیار مهم باید منظور افکار
عموم اهالی بشود به تصدیق علماء و سران سیاسیون اروپا
آخرین امید نجات و فلاح ایران بسته با استلایت مشروطه و اجرای
قوانین قانون اساسی است اینجا مسئله تابانده شود چه مسلم و محقق
شده که شک و تردید در آن جر حوائث و انگار بدیهی نیست پس
بر جمیع وطن خواهان و ملت پرستان واجب حتمی است که گریخت
و شجاعت را بر میان بسته نکال جد و جهد هر عایق و مانعی که
دور از اجرای مشروطه ملاحظه نمایند و سد کنند باشد فوراً



(فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجه)

بر عموم اهالی آذربایجان خصوصاً اهل تبریز عرض و اظهار میشود که کوش هوش خودشانرا باز کرده بشنوید که این فرقه مجاهدین که چشم از اغراض شخصیه پوشیده بایست صاف جان در کف گرفته متفق القول تمامی همت را بدان یکماشته اند که آتی از ترویج شریعت مطهره نبوی [ص] فرو نه نشینند و دمی از اعلاء کلمه حق و حفظ حقوق برادران دینی قدم واپس نکذارند. اشخاص مستبد و مفرضین مفسد بدانند که این ملت غیور آذربایجان مخصوص فرقه مجاهدین بهیوجه القاء شهرات ایشانرا محل اعتنا نداشته و بشیوه و نیرنگ این خدانا شناسان مفتون نخواهند شد و عنقریب مجرای شان خواهند رسید ای ملت ارجمند وای هموطنان غیرتمند در حقیقت جادار دکه دل تمامی دول و مال بر حال شما بوزد سالیان دراز بود که در زرسلاسل و اغلال استبداد دست بسته و چون غلامان زرخربد انقیاد اوامر این ناپاکان نموده همواره طوق عبودیت در گردن گرفته اید و حال آمدن نه ماه است که خون جگر خورده و با هزاران زحمت از دولت مشروطه گرفته اید پس چرا در صدد آتیش خودشان نیستید و محر خودتانرا بهفت میکندرانید فعلاً علاج این امراض غریبه و سرخم این جراحتهای مهلکه بجز از استعلاج از قانون اساسی داروی دیگر درخور نیست همه این صدمات از حد زیاده و قاطبه این ابتلائات فوق العاده ناشی از نبودن قانون و تمین نشدن حدود است همانا در سر کار خود مرده بگوشید و بحرهای لامایلات معاندین و مفسدین کوش نه نمائید و از مطالبه قانون اساسی فرو نه نشسته باتمام جد و اجتهاد قانون را درخواست نمائید که آنودکی و رفاهت شما بسته بقانون است بی نظمی امورات از بی قانونی است کیایی نان از بی قانونی است کساد بازار از بی قانونی است ناامنی طرق و شوارع از بی قانونی است استیلاهی مستبدین از بی قانونی است همه گرفتارها از بی قانونی است همه اختلافات از بی قانونی است بی قانونی هم از بی قانونی است قانون قانون (اجتماعیون، عامیون)





حسب ان الله باسرا بالعدل والاحسان
(کر نیودی ناله ای را اثر نمی کردی جهان را بر شکر)
قلم است که امروز بواسطه انتشار جریده حق را از باطل تمیز
میدهد قلم است که بی نوع انسان را بر حقوق خود واقف
مینماید قلم است که نیکبذ اعمال وانه ل هر کس را بر صواب
تواریخ دنیا ثبت و ضبط میدارد قلم است که محسنات عدل
و سیئات ظلم را بر آحاد افراد بی نوع بشر می نماید
قلم است که البته دانشمندان و عاقلان دانند
بالیکه اجراء عدل در همه دول کره ارض و بیانه جمیع صاحبان
آدیان روی زمین چه قدر مدوح و مقسین است در میانک
مهر و سیه ایران بخصوص آذربایجان حکم سیرغ و کیمیا را
داشت و اگر فی المثل کثرت ظلم از قبیل عدم امنیت مال جان
و عمرض و ناموس و شرف و جزء صفات مدوحه
یک مملکت و محسنات یک سلطنت می بود البته مملکت ایران
و وطن مقدس ما مسلمانان سرآمد ممالک دنیا و او این مملکت
روی زمین بشمار میرفت و البته شهر تبریز مقر سلطنت و قاعده
دولت ایران میشد زیرا که چنانچه ظلم و تعدیات وارده بر اهالی
پنجم مملکت را بخوامیم شرح دهیم «مثنوی هفتاد و نه کاغذشود»
آذر بلبلان است که هنوز با آواز سوزناک و صدای محناک میخواند
(صبت علی مصائب لو انما صبت علی الایام صرنا لایا یا)
آذر بلبلان است که محفل همه قسم تعدیات و اجسادات
ده سال ایام ولایت همد شخص سلطنت شده انواع افسام

همدات فوق الطایفه بدی را بجان خرید و نفس نکشید تا کارد
بافتخوان رسید و جامه برش درید و در صدد اخذ حقوق
ملی خود برآمد و پروردگان دامن قنوت و غیرت خود را
جمع کرد و گفت ای انبای وطن من حفظ حقوق ملی شمارا
بجود مان واکند انهم و شمارا بخدا سپردم ،
(یک چند نیز خدمت مشوق و می کفید)
که مشوق شما شریعت می شما حفظ حقوق اسلام است
(هر که این هردو ندارد عدمش بهر وجود)
این است که انبای وطن مقتضای ،
(مقتضای شیران خدا است)
(جان کرکان و سکان از هم جدا است)
و متفقاً و متعهداً در صدد حفظ این حقوق و در پی برآمده که با قیام
آنها اشاعه عدل کرده ریشه ظلم را بر اندازند و از شاخ حسنة
انحادات که دامن مقصود بدست آمده و قیام آن مشهود میشود
ولی افسوس هزاران افسوس که هنوز شخص سلطنت در مقام
همراهی و مساعدت بامت و مجلس دارالشورای نیامده و آنچه
عافدانیان اسلام و مجاهدان شریعت حضرت خیر الانام بموجب
اخبار صحیحہ محقق شده پادشاه شما ملت غیور هنوز در اشاعه
ظلم و استبداد باقی و ابد در خیال استحکام اساس این امر مقدس
و آسایش و رفاهیت ملت نیست ،
« گشوش اگر گشوش تو ناله اگر ناله ماست »
« آنچه البته بجای نمی رسد فریاد است »
« بقیه در نمره آتی »



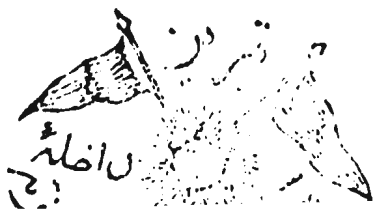
اعلان

چون مواسات و رعایت فقرا و مساکین از شرایط دین حنیف اسلام و فرموده حضرت خیر الانام است و بر هر فردی از افراد مملکت لازم است که رعایت این مسئله را نموده آنچه را قادر باشند بقدر وسع و همت خود از رعایت جانب فقرا مضایقه انفرمایند و چون جمعی از اهالی دهات خوی که اموال آنها بفارت رفته و من باب استیصال و ناچاری بلده خوی پناه آورده اند لازم آمده است که اعانه از جانب ملت غیور محترم برای آن برادران مذهبی و وطنی جمع دود لهذا مستدعی هستیم هر کس که خود را شریک مصائب و شداید هموطنان عزیز خودش میداند اعانه برای آنها اعانت و مرحمت فرماید و برای جمع نمودن اعانه مزبور کمیونی از انجمن مقدس معین شده که اسامی مفری المیم ذیل درج میشود قبض چاپی بامضای کمیون مزبور باعانه دهندگان داده خواهد شد بملاوه اسامی ارباب قنوت و همت که در الموضع از بدل مال مخصوصاً الله در رعایت غلامین مضایقه ندارند در روزنامه مجاهد و الجمن مقدس مرتباً درج خواهد شد و بعد از جمع آوری وجه اعانه کمیونی از تبریز معین بخوی خواهد رفت که باطلاع اعضا انجمن آنجا وسایر معارف و محترمین به مستحقین غارت شده گان لوازم کشت زرع رعیتی تهیه نموده و بدجل خودشان عودت دهند مقصود این است که در شهر تبریز دیناری از این اعانه بخونی یا بسایرین داده نخواهد شد آنچه داده شود در خوی و به ترتیب مزبوره در فوق داده خواهد شد

حاجی نظام الدوله حاجی محمد جعفر الاءوین جعفر آقا کنبه آغا علی آقا فرش فروش

مشهدی محمد آقا بصیر السلطنه

مهمومات و خواطر مبارک حافظین شرع مقدس نبوی و حارسین
 پرده اسلام را با مشروحه مختصر در ذیل را مسبوق داشته
 و آنرا که هنوز در خیال فاسد خود باقی بوده و بافرقه
 مجاهدین فی سبیل الله باطناً همراهی نکرده و از فلاکت وطن
 خودشان بی اطلاع هستند اعلان نموده و افراد اهل وطن را
 به آواز بلند فریاد کرده و می گوئیم ای ملت ایران و مخصوصاً
 ای اهالی غیور آذربایجان بحق لا اله الا الله و بحق محمد
 رسول الله و بحق علی ولی الله و بحق شهیدان کربلا (که بجهت
 افراشتن بیدق اسلام مردانه جان دادند) که ایران در خطر
 و بموئی آویخته و کلیه اسلام در حالت وداع و نزع آخرین است
 شاهدهی در اینموقع جز این نداریم که ملت فروشان دوباره از
 اطراف و اسکناف گرد آمده شاه غافل را فریخته و استعراض
 جدیدی در خفیه تدارک شده و میشود این نیست مگر فروختن
 باقی ایران و بخارجیه تسلیم نمودن حالا تکلیف جز این نیست که
 دست همت بهم داده و مطالبه قانون اساسی را که آخرین چاره
 حفظ مملکت ما از اجانب است بسختی از دولت نموده و چنانچه
 تمام ایران منتظر غیرت اهل تبریز هستند اقدامات خودتاز را
 به آخر رسانده و تحصیل رو سفیدی در دنیا و آخرت از خود
 بجهان باقی بگذاریم و اگر در اینموقع مردانه نکوشیده و اندک
 سعی و مسامحه در کار برود بحزن ندامت و حسرت باری نداده
 و شروع بذات خواهد شد [میرود اسلام هان ملت زد دست
 همی باغیرتی وقت است وقت] (اجتماعیون طامبون)



⚡ اخطار ⚡

چون بعضی از انخاص چنان شده اند که فرقه اجتماعیه ن عامیون مرد مهرا
محبوبه ر نموده بیامفی عناوین بول میگیرند . لهذا محض استحضار برادران عزیز
عرض میشود که مقصود از اجتماع و اتفاق اینفرقه خدمت ملت است و ترقی اسلام
نه جاب منعمت و پر کردن کیسه و تاسکنون مرخص محترم که رضا و رغبت
و صرافت طبع خود بجهت مخارج قامت تلکرافحاجه چیزی اعانه مرحمت فرموده اند
قبول نموده و قبض اباهر مخصوص داده شده است و آسای ایشان ذیلاً درج
میشود و اگر احیاناً احدی جبراً و یا استدعا بدور قبض و مهر مخصوص چیزی
از مردم اخذ نمایند اینفرقه از آن شخص تبری جوئیم و ابداً از این مطلب اطلاع نداریم

جناب آقای میرزا محمد آقا سلمه الله (قند ۴۰ کله جای ۲۰ کروانکه تنباکو ۴۰۰)
حاجی اسد آقا کنبه (قند یکم دل) حاجی محمد آقا اسکونی (قند ۱۰ کله
جای ۵ کروانکه) پسر حاجی رئیس (قند ۲۰ کله جای ۱۰ ک تنباکو ۳۰۰)
آقای شمس العلماء (قند ۲۰ کله جای ۱۰ کروانکه تنباکو ۳۰۰) آقای
حاجی میرزا محمد علی قاضی (۱۰ تومان) آقای بصیر المطنه (۳۰ تومان)
جناب مرتضوی (۱۵ تومان) جناب میرزا جعفر آقا خلیف مرحوم حاجی
میرزا صادق آقا (۲۰ تومان) حاجی علی آقا و حاجی علی اصغر آقا کپانی
(۳۰ تومان) حاجی محمد آقا کلکچی (۲۰ تومان) حاجی میرمادی آقا
حوی (۲۰ تومان) حاجی مشیر لشکر (قند ۲۰ کله جای ۵ کروانکه)



بر عموم طبقات مسلمین و اهالی تبریز مقاوم و مشهود افتاد که از ابتدای علاء لوای مشروطیت و اخفاء صیت استبداد فرقه باغیرت و جان نثار مجاهدین تا چه اندازه جان فشانی نموده و آئی از خدمت بنوع خود و انجمن مقدس ملی راحت نبوده‌اند تا باین چند روز با کمال صفا و اتحاد برادرانه ریشه استبداد را قطع و صراط المستقیم شریعت مطهره را پاینده بودند این اوقات بعضی از مفسدین بخیالات فاسده خود شان خواستند در میان این فرقه اسباب فساد فراهم آورده این نعمت عظمی و سعادت ابدی را از دست ما مجاهدین بگیرند از این فساد مفسدین بحمداله رخنه بینیان اتحاد مجاهدین راه نیافته و آنچه در انصارا ختلافی کلمه از مجاهدین مشاهده نشد در این روزها رفع فساد اصلاح بعمل آمده و یاس مجاهدین مجدداً بامیدواری مبدل گردید مخصوصاً دیشب که شب چهاردهم ماه بود تمام صدر و سر شعبه‌ها و اعضای مرکزین مجاهدین در مجلسی جمع و در آئینجاس تجدید اتحاد نموده از کدورات سابقه بالمره اغماض کرده و اعراض نفسانیه را کنار گذاشته قراردادند اگر مرکزی بنالین نمایند مرکز واحد و بقاعده ترتیب بدهند و متعهد گردیدند که اطاعت انجمن مقدس را از فرایض خود دانسته و هیچوقت از صلاح و صواب دید انجمن مقدس تمرد و تخلف نور زیده و نگزارند احدی از مجاهدین بکار بی قاعده و خلاف میل انجمن مبارک اقدام نمایند چون عجالتاً بملاحظات عدیده مرکزها موقوف بود مهر مرکزی زده نشد از طرف عموم مجاهدین

و وطن پرستان

انتباه نامه

(فذكر فان الذكري تنفع المؤمنين)

از سال هزار و سیصد و بیست و چهار که کوکب
سعد ایران از افاق تأییدات غیبی طلوع نمود و آزادی
زبان و قلم افکار سلیمه را در اظهار بیانات سیاسی و بلتیک
جاری ساخت جراید بسیار که هر يك چون ستاره از
پس دیگری طالع می شوند آنچه که لازمه وطن پرستی
و ملتخواهی و حفظ بیضه اسلام و حراست استقلال دولت
قدیم قوم ایران است نگاشتند الحق چیزی فروگذار
نکرده مدیر محترم روزنامه مقدسه جبل المتین که چهار
ده سال قلم برداشته در حفظ عبادت و سعادت ملی باخون
دل خود نوشته و کتابها پر کرده و طفل در ضیع او جبل
المتین بومیه که با زبانی شیرین و بیانی ممکن داد ملتخواهی
و وطن پرستی میدهد این دو نامه یامایه سعادت ایران
یکی از سال گذشته دیگری از چندی قبل تیرنگ دو همسایه
مهربان اعنی معاهده روس و انگلیس را بیعت روزنا
لهای خود قرار داده و بزبان ساده عوام فهم نمودند و
خواطر اعضای محترم شعوری ملی را تکراراً و جفاً
متدحضر بناختند و خواستار اقدامات از و هلائی منظم
و امنای محترم بودیم مدتی گذشت و در کارخانه فراموشی
ماند چون بناز یکی محفل آدمیان از این واقعه فحیمه
از جای موقوف مستحضر شده که بحث در معاهده ختم
گردید و عنقریب بامضای دولین خواهد رسید حال ای
برادران ای مسلمانان ایران وطن ما است روس و انگلیس
چه معاهده ایست بر سر ایران می نمایند عجیب خوانی
مارا فرا گرفته غریب ما ملت قدیم قوم بی حس
شده ایم نزدیک است آب از سر گذشته تیر از شمت رها

شود این نکته را باید درست در نظر داشت این
معاهده که مثل زن دو شوهر میباشد بدراز حال و مال
هند و بخارا هست شك نیست که اگر معاهده این دو
همسایه چنانکه مقصود آنهاست پیشرفت نمود ایران در
مخاطره و فشار دو سنگ بلیک همسایگان چون طوطیازم
خواهد شد در ابتداء شروع باجرائی نفوذ قومیت ما
از میان خواهد رفت بخدا اندازه فشار خواهند داد که
شخصیت ما هم مضحل فرد فرد ملت هر روزه بگریه
رفصای تمام خواهند شد اسلام را همو ابرار اسمی
نخواهد ماند ای برادران تا زود است وقت نگذشته
باید عموم ملت ایران بیکر بان بساحت مقدس مجلس
مقدس شعوری ملی عرضه بداریم ای قائدین ملت وای
سائین مملکت ای حارسین استقلال دولت شش هزار
ساله ما ملت بیداریم و در سر حفظ حقوق خود هشیار
دیگر دست نشاندۀ روس و انگلیس و چنین معاهدات
بلیکی نخواهیم شد بخوانید وزیر امور خارجه را و
سبب معاهده دولتین را در سر ایران پرش تأکید ای
مجلس مقدس ما ملت بهیج وجه این معاهده را قبول
نخواهیم کرد و باخون خود در دفع رسوخ اجانب
حاضریم ای هموطنان عزیز تا چند باطوار سابق (انشاء الله
زیات) خواهید گفت این همه از گور میرزا علی اصغر خاں
خان السلطان . . . برخواست دوازده روز توقف او در
پترسبورغ امید خیلی نتایج برای دشمنان است تا این خان
صدر ایران است و تا ارفع الدوله سفیر . . . در باغالی و
تلك بحرامان چند مصدر کارند استقلال ایران را باید فاحه
خواند ای برادران حیث ای آدیان الله اکبر

صورت مکرانی است که در جواب انجمن مقدس فی تبرز از حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای
آقا شیخ محمد کاظم مجتهد فراسانی مد ظله رسید است که محض اطلاع عابستین طبع و نشر شود که عموم مردم
مخالفت با اساس شریعت و مجلس حکم محاربه با صاحب شیعیت مطهره است که معاذ الله محاربه
و معاند می شود که در تکرار مرقوم داشته اند بکلمات خوش ادای بعضی متصدین فریفته شوند که بعنوان مش
مقدس بعضی تسلیکات پیش می آورند و میخوانند رخنه در این بنای عدل و استقامت بلند از حد خواجیم قبول
انجمن محترم فی تبرز نشید الله تعالی قواعد

تکرات انجمن محترم و اصل و صدقات و مصائب وارده بر ضعیف مسلمین آن بلاد خصوصاً مظلومین که زنده اند بوجوب تأیید و تکرار
که تحریر شود معلوم است بمصدق آیه مبارکه (و لن یؤخکم شیئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الا نفوس و الثمرات و بشر الصابرین)
ظاهر امیدوار است که بیون الله حسن آئیده نتیجه محمود صبر عارف حاصل و انجا بظلم و تعدیات استبدادیه بکلی مرفوع گردد
و محکمین ایالات زیاده بران بر دماء مسلمین برار داند آشته خود آما هم اگر در زمره مسلمین محو بنده زاده عبرت و جرات نخواهند بود
انشاء الله تعالی و اقدایت که بکس معمول در حق عطا و تفریق یکدست و مخالفت بکس محترم ثورای فی ریغ الله تعالی قاعده از
بعضی اظهار شده موجب کمال تأیید و محتر و در جواب شکایات و اصل از حد و بلاد و حال و ضدیت عموم علماء و قاطب مسلمین
انالله آذربایجان اعلام شود که کمال سعی و اهتمام و جد و جوارشید مبنای و اعلام امر مجلس محترم ثورای فی ریغ الله تعالی قواعد که
امروزه خطبیه اسلام است و صیات حوزه حدود و ثغور مسلمین بدان منوط است کمال اتفاق و ذکر می و اعراض از مخالفت آن
از اتم و اجابت و فراغ و مخالفت آن محاربه و معاند با صاحب شریعت مطهره علی سابع باب از ضعیف مسلمات و سلام است و انشاء الله
بعد از این کسی مخالفت نخواهد کرد چنانچه برخلاف انضام نسبتی داده شود کذب محض است و مضمون این تکرار توسط انجمنهای تحریر کتب بلاد
اعلام و معاترا اطلاع دهید انشاء الله تعالی (تقریر محمد کاظم فراسانی) انشاء صورت مکرر است که با قال السلطنة الکونی فرموده اند
بسم الله الرحمن الرحیم توسط انجمن فی تبرز ریغ الله تعالی اعلامه جناب جلاله قال السلطنة الکونی از مجلس انتخاب که بکفایت و استعداد
موصوفه ترقب جان است که بکرا از لغت آئینه ملت اعلام و خط نفوس و اموال و اعراض و دست ثورای مسلمین بکمال کفایت فرزند
این اوقات برخلاف اصول اخبار روحه از جمال حریت و پاک و قتل نفوس و بهت اعراض و منب اموال میرسد چنانچه خدای بخوشت
متحقق شود انکه تکلیف قاطبه علماء و جمیع مسلمین طور دیگر خواهد شد (تقریر محمد کاظم فراسانی)

مژده ابدل که میانی نسیاید

سوالانی است که جناب طایف الانام مروج الاسلام حامی الفقرا مستحق حقیقی
فی سبیل الله قاضی را علی المرتضی الله تعالی از حضرت محمد الاسلام و السیدین غایت الله تعالی
آیه الله فی الارضین قاضی خود ملا محمد کاظم خراسانی مد ظله علی رؤس السلام فرموده است

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله المجدد امام افاضتکم البکری چون شما سیکه شرطیه فایات با اعتراض سده ایسا در دهر
در مع از انجام آن بگویند شاید ان سار که از اسامع مولات و اکا ذی خب و مضطر غایت شیعیه شرح احکام و کتب با
و ادب بچند سوال بذیل میشود و جوابها را بطریق توأمن شرعیة محمد علی الصواعق با کراف القصوله و التجدیه قوم فرماید
مردم ایران را بطی طلب شرط نموده که چید خیر اول تسلط نام نظام و حکام و صحنه با و ای که با و ارباب سولات
فاحش فوق العاده من دون حق از ایشان بر نفوس و اعراض و اهل سلیمان و سکوت و دولت از نوع وضع این
چونیکه چو نظم مظلوم چاره منوع نبوده و نظام سبب یک شهادت همیشه صاف خود را نامل و صفا مشرق که در شرع بود
اخر از یک شند بد از رفیق محراب شده بودند دوم این فرض شوم دولت که دیگر از آن در مقام صلائیة مملکت
و دستور در تربیت و کمرش شده و موجب عیاض عیاض گردیده از قبل تسلط کفار و عتوت و نفوذ امر و بی نشان و طلاق
و امتیازات مجتازان از راه آهین و کمرک و معادن و غیره با تخمین کمال و حقیقتین قادی نبوده و نیم تخمین
ارباب کر از آن سلیمان را چونیکه غالب سولات را بعد از کمال میگردانند و حال آنکه کدم در انبار با سیر و شش کشید و
فخر اجماره نوعا حضرت ان کدم خالص را داشته اند با سکت کفر و شی افغانه که جامع آنها علق اینهم تمام دولت
سبوی نفیض و اهرار هم عظیم اسناد و حال بر جمع اسوا نظیره و چنین رعیت از نهجای شربت مکرانند که عیاض و بی
بر بیان عدم رعیت گردید و اما یک بر سر و کمر با راست عیاض است از اجتماع شما من صبح الاعفا و در خیار و معین بود
حدود دولت و تعیین مطالب حکام و خط و اوقات دولتی را از طرف و تربیت مکر و خط نفوذ و اتملاص دولت از طرف
خارج و دستغاف و مملکت از کفار و درو استیارات و حمایت ملت بدولت چونیکه با رغبت خودشان مکر دولت
بشد برای خط نفقه اسلام و غیره و سکت و سداب ظلم آما قوت این شرط چونیکه موجب رواج امر بود و بی
از کوشش و مستلزم ترک تعلیم سائل شرعی و اطلاع بر طالع سبب نبوده و است ایانه و تقویت از خط بودن
دولت که معشری از اشراف و قاضی آن بفرمایند مردم است بانه و در این جز زمان که سلطان اسلام مقهور شده
از ماضی خارج آبا بر عوم سکین بجهت خط نفقه اسلام تمام طرف حرب و تخیر آلات آن چونیکه اندک زمانه آلات حرب
ارباب سکین انجمن و فور سکین انجمن مارتة حاصل شود که توهده ماضی خارج و کشته باشد لازم است باز کسی
که توأمن نوع عامر بخند و حال دست و صراطه تا کشته میکار و در ص

اعلان

محض رفاه و آسایش عموم اهالی از انجمن مقدس اعلان میشود که از امروز فروش غله آزاد است یعنی هر کس میتواند کسب از اطراف آورده و در هر نقطه شهر که بخواهد بامظنه روز بفروش برساند و هیچکس حق ندارد تعین نرخ بکند یا مزاحمت و تعرضی برعایا و فروشنده غله برساند (همچنین) در خصوص تره بار و روغن و حبوبات و سایر اقسام آذوقه که وارد شهر میشود باید با کمال آزادی بفروش برسد بقال و خشکبار و نیم کر حق ندارد بجلو بار برونند یا آورنده بار را مجبور بکند که در يك محل معین بفروشند بارهائیکه وارد میدان میشود باید عموم اهالی با آزادی خرید و فروش بکنند هر کس تخلف از این قرار داد بکند مورد مواخذة و مجازات خواهد بود مخصوصاً اینمسله را هم قید و اعلان مینمائیم که جماعت خشکبارچی حق ندارد بارفروشی ببقال و غیره بکند بار میوه جات و آذوقه و غیره باید در میان عموم اهالی با اختیار و آزادی بمصرف فروش برسد که مسلمین آسوده باشند

❦ اخطار مخصوص ❦

۱ - با کمال توقیر و احترام بمعوم سادات ذوالمرز والاحترام و علماء اعلام و شاهزادگان و اعیان و تجار محترم اطلاع داده میشود حال که کسبه و اهالی بنا بر صوابدید عقلاء و وکلاء و امتثال امر آنها عجالتاً دست از تعطیل عمومی برداشته بازار و دکانها را باز کردند لازم است طبقات پنجگانه فوق تارسیدن قانون اساسی و اطمینان خاطر ملت یکساعت از دسته گذشته به تکرار افغانه مبارکه تشریف آورده تا ساعت چهار از دسته رفته در اطرافهای مخصوص خودشان باشند و در ساعت چهار بمنزل مراجعت فرموده باز سه ساعت بفروب مانده جمع شوند

۲ - عساکر ملی باید سه ساعت بفروب مانده در محلات خودشان مشغول مشق نظامی شده و هر روز یکفوج بنوبه و بانظام صحیح و باطلبل تنها بمیدان نوبخانه و تکرار افغانه آمده در حضور متحصنین محترم عرض اشکر داده بعد بروند .

۳ - مجاهدین فی سبیل الله و فراس کدخدایان را لازم است تارسیدن افواج ساخوری شهر زحمت کشیده هر کسی محله خود را شبها بانهایت مراقبت و مواظبت محافظت نمایند .

۴ - معلمین مدارس هم لطف فرموده در تعلیم ابناء وطن عزیز بیشتر جان سوزی فرمایند که در ترقی خیلی تاخیر کرده ایم

د انجمن ملی تبریز



و ضووح مسئله زیاده بر آست که مقدمه و فصلی تربیت داده
شود و چه لازم است برای آگاهی عامه و استحضار تمامی ملت
ایران ماینکه میدان جولان قلم در انجمنی اندازد و وسیع است
بطور اجمال عرض میشود که چند سال اخیر امانه و وزراء دولت
مشغول امورات خود بوده و اگر صد سال دیگر هم امورات محکمت
و ملت باین وضع ناکوار محفل و غیر منظم و اهالی سرگردان باشد ابدأ
تفاوتی بحال آنها نه کرده و در صدر این بخوانند بود که این ملت
بجایزه مظلوم برادران دینی و استای و طایفان بوده چون تمامی دارائی
و ثرویشان را یکبار شده و اراغ نعماً و حیراً از خون جگر ملت
اندوخته اند و مری هم می توانستند تا آن اندوخته ها زنده گانی
و استفاده کرده و هیچ وجه در خیال آسایش و حفظ حقوق ملت
نباشند که هم طایفان و هم مذهبیان عزیزشان هستند که در محال خود
و اجانب همیشه دجال مداد و سرافکنده و زیر دست خائنین و مستبدین
بی انصاف و بیست ترین ملل روی زمین میباشد اندیشه برای اوائیه حاکمان
سابقه خودشان اطاعت باشد اگر قضا عفا کند کرده معال ترقی و هوا
خانه ملت و ملل دوست دولت خود را بطورهای دیگر تمیز و جلوه
داده مانع از توجه و التفات به محکمت و دقیق مستدعیات
دولت خود امانه ملت میباشد غافل ارایه که هر قسم مذاب و خرابی
برای ملت و محکمت بید آید اراجح بدولت و انحصار محکمت است
و هر اقدامی بر ضد مشروطیت نباشد و الهی بی غم و مایه مضر
بر حال خودشان خواهند بود اسرار وقت و احلال در کار امکان
ندارد تغییر موضع حالیه داده اعاده استبداد بشود
(من سخن راست بگویم تو را راست بگوئی)
(جرم)

علاوه بر اینست قایدی از ایلیم سابق و استبداد عاید دولت و ملت
و محکمت شده چیست جز اینکه دولت و قروض جزایه خالی
اضافه خرج بر دخل مایهات محفل لشکری و علم و اسم
نامی رعیت بی صاحب طایفه ای اداره محاکمت عدل
معموم حقوق ملت ضایع باشد مشغول متبیا و آخرت
انسان طایفه اوطان خود و اوائیه و مجرم از مدد حب الوطن
بر ایلان تجار مزدور و انجمنات اسلامی و ذی زراعت
در تقابل و جیره خدمت و زور در حکم اکبر دولت معطن
ملت سرگردان کرگان در کین دامها پس بر زمین
کله پیشانی سرحدات بی طاعت غفلت و غفیر فرست
قابل اجتناب در ایداد طوف و نامنیارت و فرقه نال خائنین
محسوس مظلومین مقهور منفی موجود موانع
مفقود و

و چون کارگرد مایه خوان رسیده و بحال عرض و تجارت مینمایم
(کتاب توان بود محفل کردیم اکنون چه کنیم دیگر توانائی نیست)
حد اعالم و انجمن مایه مین آگاهند که زیاده بر این برده از روی
کار برداشتن جز ترغیب ملت بیاره اقدامات نتیجه ترغیب نخواهد شد
دیگر محال است ملت و هوشتان بیدار را شریک اغفال خودشان
نباشند هیچ ضرری ندارد که یک چندی هم شخص سلطنت و هیئت
دولت بتمام مساعدت و همراهی با مطالب و مستدعیات حفظ ملت
بر آمده باشد هم یکبار جزاً و قلباً مشغول تصفیه امورات و آبادی
خرابیهای چندین ساله محکمتی شده ریفه ظلم و استبداد را قلع
و وقع و محکمت ساطعی هر ازان مستبدین را از اهالی مظلوم
یک محکمت بران مرتفع ارایند تا عاده اهالی مرفه انفعال شوند
(چنین هستند بزرگان جو کرد باید کار)

باید محکمت مثل ایران مطیع اوامر یک سلطان و یک قانون بودن
غیر از اینکه مقتضیات عدالت و حریت و مساوات و آسایش عامه را
فراموش آورد چه ضرری بحالات قدر و عظمت باشد محکمت
خواهد داشت آیا انصاف است برای خود شاهی طامری و موقی
شخص واحد و چند نفر معدود بمذات چهل کرو و نفوس واضمحلال
مذهب اسلام حالاً و آلاً راضی شده سردار جانشانی ملت را
که برای پیشرفت مقاصد مذهب و ملت و دولت میشود بکشد
چون دیگر محال صبر و تحمل نمایند و اندک تأخیر باعث زوال
دولت و ایلیم مذهب الهی عسری و اسلام است طاقبان طایق
و تحمل بقراسات و ظلمه های سابق نداشته و برای چشم پوش
و گوش گیری و نفهمی وقت نداریم استماعی عاجزانه از خاکبازی
شخص شخص اعلی حضرت شاهنشاه اسلام آست جدماً و قلباً بطله
توجه کاملان ملوکاه در مساعدت با مجلس دارالشوری ایرانی
فرموده با امورات محکمت بر عیال رونق داده مثل خرگه جوان
و جوان محکمت و اماماء قانون اساسی ملت ایران و رعایای باوقای
خودشان مسرور فرمایند والا



ایرانہ نگارینہ دفاع المہدم مختلف اساس بداند زید القلم والاداء قلمنامه راجیسہ

تکلیف

5

697

مرفوعہ — شرائط عضویت :

— یوسف — اعتقاد مافیم — احمدیہ خاسہ عالم معروف و سواستیوت ایضہ اولم

اگرچہ — انصاف و انصاف

اشهر جمعية اطفال ابي قيس - اعضاء عموم و اعضاء تقاعد .

۱۰ اضافی عمری — جینہ انتاب ایچہ ملاصوم افراد۔

اعضای اتحادیه - منابع اجراییه ای با شایسته بر قوت اداریه ای جمع و نیز قوتنامه بر نامه و یا شاید تغییر بر نامه ای در زمینه سعادت ابدیه و مکتبه ختم خانه ای با شایسته زود است .

وایکٹ، ختم خانہ، آسی ایدہ و راندہ .

۱. رفیقاہ — قول امر حاضر ۱

[illegible][illegible]

بہارِ قیامہ — مہاراجا گنیش داس کی خصوصی قول انھیں حالہ دیکھ کر مہاراجہ نے بلاخرہ قبولِ اہم سے انھیں یکت مہاراجہ اجاڑا اور فرما۔

محرمہ نشانی

شماره — دفاع اسلام جمعی هیئت اداره بر مرکز علوم الهیة ولایت ولایت هیئت علمیه در تبرک اید و در مجلس از بزرگان و شیخ الاسلام و امامان

• ۱۰۰ •

• • • • •

• •

اشرتم له ما انا هم كنت محله ما هو رعا عذرة قسمة رقتة قسمة وارده .

مرکز علمی مایه کی ایی فقهی خطا فقط متعلق بر سر مالیه و روایات و غیره است نه امریه و تقصیر در امر که در بندهای اقوال است .

هذه نكته

التنقي مادة — مركز عموم هشتي سبه ال چيه اعضاء ، مركز عموم ارج ال سبه اعضاء تركبا ايد . ومته خد سله رريندور .

درخواست — که مناطق مرکز عمومی از مناطق مقداره شده در ... که مناطق مرکز عمومی که در ...

سکونخواہ — رفعت دولتہ مامونہ مقدمہ اولاد مرکز عمری و مرکز محمد السند نے اعضا افتاء اہل اہل

الحق خواتمه — اتقانہ کے ساتھ ہے لہذا اس پر

وہی نامہ ہے جسے حضرت محمدؐ فرمایا کہ آپ آیت آید کہ مفسر قدس نے ارحمیٰ اعظمیٰ والہ کے لیے حار و سرداویں آیت آید خارجہ احتمال و اخذ اور۔

اَنْتِيْ اِلَهِ خَارِجِيْهِ اَتَحَابُّ وَخَدَائِرِ .

[illegible]

مطالعہ انگریز و انتخاب ایڈیٹور :

[illegible]

در اعضا اقیانوس

اور بدو فرماتے — جینے کیلئے اور معاہدات داخلہ کی — اور اپنی بالکل فکرت انسانی وسعہ وسیعہ اور رتیلے مائیکروبیہ وسعت میں انسانی عرصہ کی افکار پر کتاب والہ سطر

Journal of Management Education 30(6)p.789-804
© The Author(s) 2006

والتحقيق في هذه المسألة هو ما نريد أن نعرفه من هذه المسألة (التي هي المسألة الأولى).

[illegible]

المقدمة في معرفة غاياتها على تفصيل أكبر .

مصدقہ و طائفہ

[illegible][illegible]

امید منتهی باد — کشته ایضا شریفه و مدبرانه لطیف . تجزیه . خلد و از جمله و کوز و غلبه تجزیه . خدا و نام بهیجا . نام و راجع به سرود و از طرف
صندک تصویر از اولاد .

[illegible][illegible]

تقدیر پر آمادہ — اسو نظامہ تربیت تفصیل و گفتگو فرستد ایڈیٹر ملک نطفہ انیسیم ضلع الحامہ فیصلہ والائی دراز موسیٰ خان

سُجَّات وَاِمَامَات تَشَكُّلُونَ وَمُطَافِعُ

باب ششم

نوری و غیر نامه — اشرفیہ فقہ طیب بغدادی بہ الہیہ و احیاء لغوی قرآن و تراجم و مکتوبات عامہ و مسوہ ہر ذرہ بحال

[illegible]

تذکرہ نسخہ دارہ — ملحقانہ نامہ لکھو رہے ہیں وہاں بھی ایسا ہی مکتوبہ بہ جو دربار

[illegible]

درس پنجم — اولیہ و ثانیہ منجے وادی کی حالت ، اسی وقت طائرہ عیانہ ، بالہ شجر کے فروغ و مورخات کے صفات و انکی روشنی اور سہل

هسته فولاد، نومود و تاجین مضبوط و دراز عمومی و مرکز محسوس فولاد با این رقم و نموده معالجه اندازید.

دعائے درگاہ چہ شہ کس :

وہاں دیکھو یہ عجیب سا

نہیں کہہ سکتے۔۔۔ پر تمام اعلیٰ سطح پر مدد فرما محمد اولیاء کے لئے جس کے لئے ان کے لئے۔۔۔ اور یہ طبع (مستحق اور تائب) کے لئے اور ان کے لئے اور ان کے لئے

بدین تقدیر دادہ — شہزادہ ایچ، رئیس جرمن، تحریر مقالات و رسائل نامہ اطراف و مقامات اسلامیہ، قزوین، ۱۳۱۲، (۱۳۱۲) اسلام آباد، پاکستان۔

خدمات به شهرداری

اور یہ غلطی ہے۔ ہر شعبہ افسار کے اقلی اور اکثری ہے۔

وہریر ہلالہ — برستہ لک افلاس معلق شکر و الحکم فرزندہ الا نجاد محمد بنہ خدانہ کہ الماریات فوری سید علی

روزنامه — که فرزند دانا و خوش خلق و با اراده و خاکی و در محل شهر من نصب شده است ۱۳۰۰ — امیر احمد

وَمِنْ أَمْرِهِ — خَدِثَ بِهِ كَوْنُ ظَلَمِهِ بِاللَّهِ فَسَمِعَ مَخَابِرَهُ عَمَّا نَزَلَ مِنْ أُولَئِكَ مِنْ حَيْثُ يَكْتُمُ لَهُ الْخَبْرَ وَمِنْ أَمْرِهِ مَنَافَةُ الْخَلْقِ لَهُ بِمَا يَكُونُ لَهُمْ مِنْ أَمْرِهِ

• به قول اولسوز:

انور ویدکادہ — حیات — مدرسہ ماضیہ کو علیحدہ ایک دیہہ کے طور پر تسلیم کرنا چاہیے۔ جس کے لئے انور ویدکادہ

[illegible]

وَأَشَارَ بِرُصْلِهِ إِلَى نَجْمٍ فِي سَدِ الْمَذَارِ وَكَانَ نَجْمٌ مِثْلُ السُّيُوفِ

1941

اور یہ جس مادہ سے ملتا ہے اسے کہتے ہیں اس کے نام سے اس کو کہتے ہیں اور اس کے نام سے اس کو کہتے ہیں۔

ادرسہ پشاور — ادیسابہ کے قریب واقع ہے۔ یہ ایک علمی و ادبی ادارہ ہے۔ اس کے زیر اہتمام مختلف علمی و ادبی نشستیں منعقد کی جاتی ہیں۔

[illegible]

... ..

اولاً فی التقدیرات — خدایت — ایام معدودت عارف اولیاد و سرمد بقادره لفظی یا درین طایفه
 قریبی دارد — خدایت — حایه مقدسه لایک ایام اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه [اوجیه اولیاد] ایام رسیدگی در طایفه
 [اندر احوال و مقامات] اولیاد مقدسه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 قریبی دارد — آخیر و اولیاد است و در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه
 تقدیرات ایام معدودت اولیاد مقدسه لایک قبل از ایام مقدسه و تقدیرات

معدودت قریبی

قریبی دارد — مکرر هر روز و مکرر در معدودت قریبی اولیاد مقدسه ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه
 و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه که معدودت قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه که معدودت قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

تقدیرات قریبی

قریبی دارد — ایام و ایام احوال و مقامات — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه
 قریبی دارد — تقدیرات قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 قریبی دارد — مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

معدودت قریبی

قریبی دارد — تقدیرات قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 احتیاج به تقدیرات قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

قریبی دارد — مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 قریبی دارد — تقدیرات قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه
 مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

قریبی دارد — ایام و ایام احوال و مقامات — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه

ایام دارد — ایام و ایام احوال و مقامات — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه
 تقدیرات قریبی و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

ایام دارد — مکرر هر روز و مکرر در طایفه اولیاد مقدسه — ایام رسیدگی در طایفه اولیاد مقدسه

شماره ۳۱
بسمه حکام و لایات کرامت بعد از روز جمعه ۲۶ بعد از ظهر در صبح
که بفرم ترفیع شما فرج آباد از خداوندی تبه عبودیت میفرمودیم
اشخاص قبول می نمودند و قصد کرده بخیال اینکه مادر تو را در تو میبرد
در یکصد نفر پیش از این میفرستادیم و در آنجا خاک خدا کرده و لیکن
و خداوندی چنان در تو را میبردیم که به اسم جامع همه نفرات
و بانها به سحت و سلامت و این است که این را بر تو فرمود
که از سرانجام و جعفر با بدی میفرستادیم و این است که

۱۷۶۷

757

حضرت محمد صالح بن صالح

12.7

مقام بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 کرده را فرموده در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 حکومت می نموده و با او طاعت و محبت خواهند نمود و هر چند مقام بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 مکن برکت و این حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 فیه بر او بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 و در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 ایران از درون شیشه میزد و از این جهت مقام بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 طبعانی و ملکات و درین خود هر چه از آن آید تا وقتیکه رسید به استواران که در این استواران بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 ۱۳۶۵ بحال است و خوف اوست و بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 و فرمودات در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 چه در بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 منسوب است نه زبانی و این حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 نظامی و در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 و اندامی بر ضد استعدای ایران نه آنکه نیت عاقلان بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 معرفی کرده است نسبت بر این ملک قدیم خود را از دست داده است و در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 ایران را در صفحہ جنب شمال دارد و هر چه از آن آید تا وقتیکه رسید به استواران که در این استواران بیست و نهمه حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 که در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 استعدای ایران را یافته و این حکایت از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 بخود که در این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن
 و خاص از این مینه می بیند که هیچ قوی نبوده است در روزی که با آن کردن از آن حق عزت و ارادگی برادران علمت برت را ترجمه خواهد در این دوره که این است از آن

این شرح از کتب بزرگ و ضخیم معنی است و در آن در حدیث
و امر و فروع و سواد و در حدیث معنی و در حدیث
است که در حدیث است چرا که از حدیث و در حدیث
و در حدیث و در حدیث و در حدیث

سواد طاقی بہارا
محمد میر

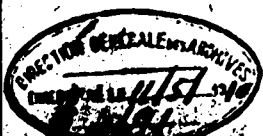
[illegible]

Ambassade Impériale
Ottomane

Berlin le 6 Mai 1910

no 7870-154

Confidentielle



Monsieur le Ministre.

Votre Excellence aura certainement eu connaissance de l'interpellation qu'il y a eu au Parlement anglais, au sujet d'une prétendue opération financière, que la Deutsche Bank comptait faire en Perse.

La question étant pour nous de la plus grande importance j'ai tenu à me procurer des renseignements positifs sur cette nouvelle.

La Perse, complètement dénuée de ressources, se trouve aujourd'hui à la merci de la Russie et de l'Angleterre qui exploitent sans aucune pitié, l'état déplorable dans lequel se trouve ce pays.

Les conditions posées à la Perse, pour l'emprunt dont elle a besoin, signifient, purement et simplement, le partage du pays, conformément à l'accord établi, il y a quelques années, entre la Russie et l'Angleterre.

Il est évident qu'un pareil état de choses mérite, de notre part, la plus grande attention. Car si la Perse accepte de telles conditions, si le lac d'Ourmié devient un lac russe, si la Russie construit des chemins de fer et exploite les mines de l'Azerbaïdjan, si elle prend en main le contrôle de l'administration dans la zone qu'elle s'est réservée: cela voudrait dire, pour nous, que la frontière

Son Excellence

R i f a a t P a c h a

Ministre des Affaires Etrangères de Sa Majesté Impériale le Sultan

اسناد قاجار، ۲۷۳/

Constantinople

russe est descendue à Kasser Chirin, englobant ainsi tout l'Anatolie jusqu'à Bagdad. D'un autre côté, les Anglais s'établissant sur la rive orientale du Golfe Persique et arrivant jusqu'aux portes de Bassra, notre situation en Mésopotamie deviendrait des plus difficiles.

Si donc il existe le moyen de sauvegarder l'intégrité de la Perse, ou plus exactement de sauver son existence, sans pour cela entrer en conflit avec les deux Puissances intéressées, je pense que pareil moyen devra être pris en sérieuse considération.

En effet, aux complications qui surgiraient de l'influence des deux Grandes Puissances sur notre frontière orientale se joint l'intérêt que nous devons porter à l'Azerbaïdjan, province essentiellement turque et surtout au point de vue religieux de la question.

Le partage d'un grand Etat musulman par deux puissances européennes est un événement que l'Empire Ottoman, Siège du Khalifat a tout intérêt à éviter. Toute action tendant vers ce but ne marquera pas de rehausser notre influence sur le monde islamique et aidera à aplanir les rivalités existant entre les différentes sectes; la population de l'Irak étant en majorité chiite, c'est nous qui en retirerions le plus grand profit.

L'Allemagne voit naturellement du plus mauvais oeil la manière de procéder des Russes et des Anglais. Lorsque la Deutsche Bank s'est adressée à la Wilhelmstrasse pour savoir si le Gouvernement voyait quelque inconvénient à ce qu'elle s'engageât dans des opérations financières en Perse,

il lui a été répondu que l'accord conclu entre l'Angleterre et la Russie n'était nullement reconnu par l'Allemagne et que ces deux puissances ayant déclaré officiellement reconnaître la politique de porte ouverte en Perse, le Gouvernement ne voyait aucun inconvénient aux projets de la Deutsche Bank.

Il est évident que l'Allemagne n'entrera pas en conflit avec les deux Puissances à cause de la Perse; mais si elle peut aider ce pays, sans trop se compromettre, elle le fera certainement. C'est du côté de la Russie que l'on voit le plus grand danger. Car en Angleterre, déjà l'opinion publique commence à s'émouvoir de cette violation par trop flagrante du principe d'indépendance et d'équité dont la nation anglaise aime à se parer.

J'ai eu une longue conversation à ce sujet avec le Sous Secrétaire d'Etat, M. Stemrich qui, ayant été Ministre à Téhéran, connaît la situation à fond.

Selon lui, pour la Perse il s'agit avant tout, de former un Gouvernement stable et pouvant subsister un certain temps sans avoir recours aux emprunts onéreux que proposent les Russes et les Anglais. Vu le manque absolu de crédit, le Gouvernement Persan se trouve absolument réduit à un emprunt intérieur. Cet emprunt se heurte actuellement au manque de confiance et de patriotisme des riches négociants persans. Cependant sans un pareil emprunt la Perse est perdue et c'est là qu'une action religieuse pourrait sauver le pays. Les Muchtéhids ont encore une immense influence en Perse et de bons conseils donnés à

Nedjef pourraient être d'une grande portée.

En soumettant la manière de voir du Sous Secrétaire à la haute appréciation de Votre Excellence je me permettrai de remarquer que, selon mon humble avis, nous devrions avant tout porter remède aux erreurs du régime passé dans la politique suivie envers la Perse.

En effet, par le système que nous avons suivi dans la question de frontière, soulevé il y a quelques années nous avons suscité une forte méfiance en Perse et contribué de beaucoup à pousser ce pays dans les bras de la Russie et de l'Angleterre. Comme nous serons, un jour ou l'autre, obligé de revenir à cette question, j'ai cru utile de résumer en quelques mots la situation:

Vers 1267, si je ne me trompe, la Sublime Porte, pour mettre fin aux difficultés surgissant continuellement sur la frontière persane, avait signé une convention avec le Gouvernement Persan, par laquelle les deux Etats s'engageaient à maintenir sur leur frontière le statu quo jusqu'à règlement définitif des points en litige; cette décision ne devait cependant nullement porter atteinte aux droits et réclamations de chacun des deux Etats, ces droits et réclamations devant être examinés lors du règlement définitif. Comme aucune carte indiquant la ligne de statu quo n'avait été jointe à cette convention, le Gouvernement Impérial, ou pour être plus exacte, les Autorités Militaires préposées à la surveillance de la frontière avaient pris pour base la brochure publiée par Dervich Pacha.

Dans cette brochure trois lignes de frontière ont été

décrites: la première englobe les territoires sur lesquels la Turquie, selon Dervich Pacha, a des droits d'après le traité d'Erzeroum; - la seconde indique la ligne revendiquée par les Persans; - et la troisième enfin, une ligne moyenne, décrit la frontière telle que l'a trouvée Dervich Pacha lors de son voyage, c'est à dire environ à l'époque où la convention a été conclue.

C'est cette troisième ligne, désignée par Dervich Pacha sous le nom de H o u d o u d - i - h a l i é , que les autorités militaires ont adoptée comme ligne du statu quo.

Pendant la guerre avec la Russie les Persans, profitant de ce que nous avions dégarni la frontière du IV^e Corps d'armée, ont dépassé la ligne du statu quo en deux endroits (Kasli-göl et Dambat). De notre côté cette ligne a été respectée jusqu'à l'incident de Pessvé.

La cause de cet incident est le suivant: Les nomades persans ayant fait une incursion dans le Lahédjan, un détachement sous le commandement du colonel Izzet Bey avait été envoyé pour les repousser au delà de la frontière. Quelques chefs Kurdes ayant prié Izzet Bey de venir jusqu'à Pessvé pour les protéger, celui ci franchit la ligne du statu quo et occupa Pessvé. L'ex-sultan le récompensa par une promotion et le Ministre de la Guerre reçut un Iradé déclarant que Pessvé faisait partie intégrante de l'Empire. Le fait de dépasser la ligne du statu quo constituant ainsi une action bien vue en haut lieu, les esprits ambitieux se hâtèrent d'en tirer profit. Tahir Pacha, Gouverneur de Van, fit occuper quelques villages situés au delà de la frontière sous prétexte que ces villages se trouvaient sur le terri-

toire de l'Empire. En même temps le Ministre de la Guerre recevait Iradé sur Iradé lui recommandant de prendre en main la défense des intérêts de l'Etat sur la frontière.

Le résultat fut que les Autorités militaires ne sachant plus à quelle ligne de démarcation s'en tenir et ne recevant aucune réponse aux demandes urgentes qu'elles adressaient au Ministère de la Guerre, transportèrent purement et simplement la frontière de la ligne du statu quo à la ligne tracée par Dervich Pacha selon le traité d'Erzeroum; aussi de tous cotés nos troupes avancèrent en délogeant les autorités persanes qu'elles rencontraient.

C'est alors que la Perse affolée s'est adressée à la Russie qui, naturellement, n'a pas manqué de profiter de la situation.

Il va sans dire que pour le moment, l'autorité du Gouvernement Persan n'existant pas sur la frontière, une délimitation est matériellement impossible. Mais, pour rétablir la confiance de la Perse, nous devons lui donner l'assurance formelle que nous n'avons aucune intention agressive à son égard et que, dès que l'ordre sera tant soit peu rétablie, la question de délimitation sera réglée conformément aux principes de la plus stricte équité et sans avoir recours à l'immixtion des puissances étrangères.

Je crois que pareille manière d'agir produirait le meilleur effet en Perse et donnerait un grand poids aux conseils que nous serions à même de donner soit à Téhéran soit à Nédjef.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, l'assurance de ma plus haute considération.

Osman Nisami

۲۷۸/اسناد قاجار

compte au rapport ۹۱۰۸۱۳۶

صورت مرید وزارت امور خارجه در این باب است علیه غنائی موقوفه جاری ۱۲۸۲

دست دراز صحن مرید موقوفه نه حکم اول ۱۳۲۸ راجع مرید موقوفه غنائی از این جهت چنانچه خواهان است
احترام رخت - آخرت که مرید وزارت صلیبه دهنه اعلام کرده و در جواب که در وزارت امور خارجه است
داشت اندر (در موقوفی که بسته او در مرید سپید با دفین بعضی آن در دفتر مرید بعد در این خود قرار گرفته
حکومت در مرید با مشغول جمع او در مرید مرید است که در هر یک از دعات مخفی کرده و مرید دادند که او را
و در خطبه است تا از این جهت مرید مرید مرید داده و در قرار مرید مرید داده و مرید مرید مرید
به مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید
احترامات فاضله حوله کبر مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید مرید

سواد علی صبر
محتر

۸۴
۱۳۱۸
محررت زنده نجات کرامت
۱۳۱۸
۱۳۱۸

محرم رسیده جوید افق مطاب با رضیه نهاده در این ۱۳۱۸ در برت در این ۱۳۱۸
جوابا بناییت قهرام محنت اخلاص که در روز مرقم نهاده که با برین دستند و در به به بعضی بیاضی زده و
زک ن خود فرود کرده وضا حکومت در به با بخول مع در این ۱۳۱۸ و با ادم قوی و در به در این ۱۳۱۸
اشراد ابرال سر قی داده شود از طرف در این ۱۳۱۸ که در به حکومت در این ۱۳۱۸ حکومت بخول و خط
اوست فرود از حکم کرنا ن رفته و حکم به با طبع لای که در در و بیاضی نفعی نر نهاده و خط
که نموده مهر است بکده اند به سید به با رانیم و سید به حرات که عارت نهان غایت تمام به با نام و خط
مهر به حرات عید ایران که میده به بنه جوده کت و به راد ابرال مهر به ن را به کده به نام و خط
بکمال قهرام تمینی و خوانند است که در به راد از آخرین جواب قلعیه خود و خط و قرار اشراد
مهر به به مع من و با عرفت به با متحف و به با به مقتضیات آن در این ۱۳۱۸ ابرال به با به
را به به

روایطانی
م

—545—

Malgré les difficultés, nous nous sommes mis à l'œuvre pour serrer les di-
verses forces suffisantes pour mettre à la raison les tribus récalcitrantes et étouffer ces
foyers de désordre créés par les éléments d'Ardebil, du Karakendag, de Zan-
djan, qui tous, n'étaient rien moins que le résultat des intrigues étrangères.

Nous prions maintenant les députés de notre Parlement de prendre des mesures effectives et efficaces afin de faire évacuer le territoire persan par les troupes étrangères.

le corps des délégués de la même manière que
le conseil de 17 députés (y).

دولت اسلامی

تبریز شاه شهنشاه

بعد عنوان

۱۷ خدی

صدرت المملکت ایالت اردبیل بایش بهندری مرزبان

۱۳۲۶

الان مکتوف از حکومت اردی رسید که بعد از آن یک دور در اردی شده به کجای حرام در بهندری خانه نزل کرده
و در روز دین موزه در درجه بیستم این به تمام فرنگ در حکومت جهان خواهد بود و در مکتوف کرم
در طرف بایش بهندری محرم تعلیمات مکتوف بهندری اردی خود است و در که در در بدین خاک عثمانی در در در در
از تمام اکرم عدت نخواهند از سعادت آیند حاکم مدبر است که این حجتی است از زیرین تعلیمات
مکتوف بهندری صلح دانسته و در در فرموده دید بهندری اردی بدین فرستاده هر آستان فایده را بکند

در
حجراته
ایالت اردبیل

برادر مطبق مهر است
سجده

۵ - ۶ - ۷

۱۳۲۹ هـ

صورت در بدنه است برای دست عیسی علیه السلام و در دست این روز ۱۳ هجری اول

دو فقره کتوف از کمر نهند عیسی علیه السلام آن بغایت نازیده که برای شخصی که در محرم زنت است یا در وقت رجب
در روز نیت و یا در ایام بعد از آن نهد ای عیسی علیه السلام مخصوص هم کاری نیست کف داده از فردی تا در وقت خود
کار کنیزی در جوگیری بطلد با آنکه عذر از خوف پنهان بوده است کرده چون فردی بایه و اذیت مستعد در حضور
دارم جاره در جوگیری برای نیت و یا نیت یا قدر از یک جرح است و عادت نکرده است (فقره عذر است تا نیت کرده)
انستد بیمن عمری و تقابله از اربع است اذیت نیت برای عذر اگر آن اذیت نیت نکرده بود عیسی علیه السلام فراموش
اقب پس از مدخله کتوفات ذوق بر هر روز فردی در جوگیر از نیت و اذیت نیت نکرده است و یا نیت نکرده است
در یه آتبع عیسی علیه السلام همان که از فردی در دست از نیت و اذیت نیت نکرده است و یا نیت نکرده است
نیت آتبع عیسی علیه السلام همان که از نیت و اذیت نیت نکرده است و یا نیت نکرده است

سرا و طاقی امیر
محمد نسی

The image is a very dark and low-contrast scan of a document page. It appears to contain a table with multiple columns and rows, but the content is illegible due to the poor quality of the scan. The table structure is faintly visible as a grid of lines.

۲۱۳

صورت دهم وزارت ابرار و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹

دسته در مضمون سطح ابرار و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
که متضمن مکتوبات و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
از جهت که از ادل وقوع این اتفاق و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
که در اینست و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
معدان و عیال و غیره و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
نوزاد و عیال و غیره و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
خطرات و تاجران و عیال و غیره و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
در بیانات کفر و تفرقه کرده است و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
اسلام قرار می‌گیرد و تاجران و عیال و غیره و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹
منه و تاجران و عیال و غیره و تاجران و عیال و غیره و جاری شماره ۱۳۹۹

بلا و عیال و غیره
محمد علی

۵۹۵۷

(۲۲۵۱)

صورت دهم وزارت امور خارجه است ایرانی بابت کرایه عینیه روضه ۲ مدرج ۱۳۲۹

در سند وزارت معینه اخذ بطلب مرضیه بستم نهجاری این ۱۳۲۹ و جهت تقرر در کتب
در سند عذرای هیروی وزارت امور خارجه باین لفظه و لغزم بوده است و خطه ای در دست است که نگاشته است
صحت صدمه ریسی باینه دارد و شود باینه از این است قمر خوش خود چند روزی عذر از طهران
رضوعی و از خطایف بهیت و طنین درانی نکست و از در رسیده که فرد بیشتر را بکنین غایب بوده و در دست
منظوری خبر خطایف بهیت و طنین درانی نکست و از در رسیده که فرد بیشتر را بکنین غایب بوده و در دست
بتمام فرزند رینه بر قمر اعظم نموده همراهات فایقه را بکند و نماید

امیرالمؤمنین علی
محمد سی

ط ۱۱۲۲

صورت دوم در دست ارفا بر دست این بخت ندرت علیه عثمانیه فرقه ۲۶ در ۱۲۹

بر خلاف مدول بر نکل فرقه ۲۵ اوت ۱۹۰۹ منقعه و بن ایدی است این بختین بدین بختین بختین

از طرف اعیان محمد علی میرزا با و مجموع دسرا با این تحولات داشت و مصالح و مصلحت در بخت

حاضره معرجه تا اینکه خود اعیان محمد علی میرزا با و مجموع دسرا با این تحولات داشت و مصالح و مصلحت در بخت

مربت در ضمن و دفعه مرید بختین بدین بختین بختین بختین بختین بختین بختین بختین بختین

مقرری محمد علی میرزا با و مجموع دسرا با این تحولات داشت و مصالح و مصلحت در بخت

بختین بختین بختین بختین بختین بختین بختین بختین

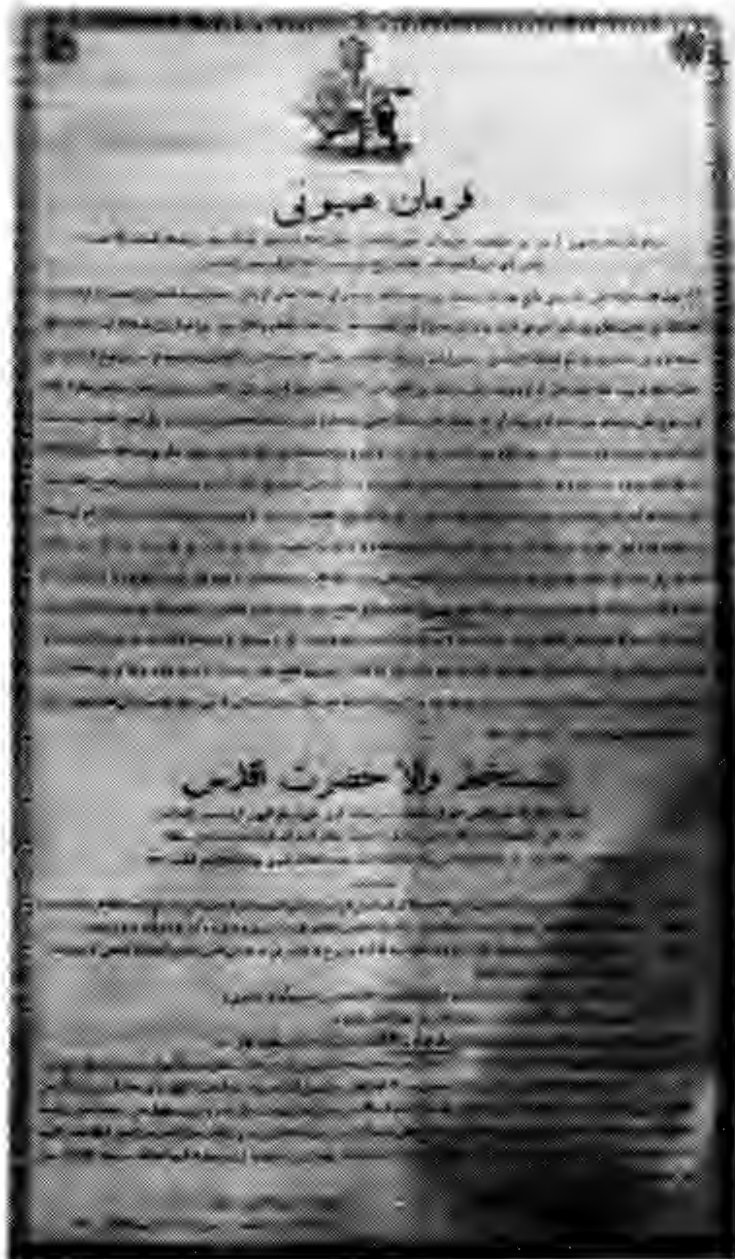
سردار سلطان محمد

annexe n°

صورت مہر خب ذریعہ نجیب ذریعہ راجہ علیہ السلام مرید ختم نبوت

دست در جیب و سر از مهر حیات تو نیست عینیت بر اطراف بی نهایت و سر و چهار غمت از غمت است در این عالم
چون نه باقی بر جفت نصیر و کردار توین در این عینیت آن که از که از هر طرف در این جبهه از غمت است در این عالم
این احوال عینیت بر سر توین دارد که باقی توین در این احوال است که توین بر این احوال است در این عالم
توین از طرف دیگر است در این عینیت که توین باقی توین در این احوال است که توین بر این احوال است در این عالم

روزگار حلال و حرام را چه می داند
مصحف می



سرادق وین یک درختی است جدید و گلخانه سیب برای علی رضا خرد حکم ۱۳۳۰

[illegible]

برای تمام فاضلین و محققین

روزگار در
خوشی

1142

[illegible]



صورت نگراف

تا ۲۷ مرداد ۱۳۰۳

والاحفرت نیابت سلطنت در ملوک العالی

انشاء الله تعالی سرحد با عثمانی حسن مقامیت میبرد - ولی حسب مقتضیات بسیار
 شایسته جناب است که آوارسلان بشیم بعد ایران به غیر نکته کنیله قاهره حالت است اینکه وقت
 نظر از عثمانی تخلیه میاید روسیان قبضه نمایند چه علاج بر اینکه سراسر روابط آنها قطع
 میگردد - محافظه آذربایجان هم و آینده برجهن بسر دشوار تواند بود و خطر عظیمی بر عثمانی نهد
 خواهد شد که با تسبیح زیان آن کمتر از عثمانی با عاید نخواهد گردید -

سید احمد اسلام

رویه معاهده واردات (۹۰۰) اعطای تاریخ ۱۳۰۶
نومردلو نفر یک تره سید -

۱۸۶۶ - سنه (عمانی - ابراه) تجدید حدودی اینده انقلته و روسیه طرفه اجرا دولته واطفی حکومت عثمانیه هم مجبول اولیانه احوال استلام انجمنه روسیه و انقلته مرفعه ای فردوم قونفرانی مذاکرایه قونفرانی ضمیمه مرتبه تنظیم و تحریر استرالیه و بوقونفرانی افرودم معاهد نامی دین یار دولته و ۱۸۶۸ - سنه تصدیق قلم ۱۸۶۷ تاریخ معاهده نامک عقیده منجر اولد - متوفی بومعاهد نام بوضه راه لریک صورت تغییر عقیده فرود - ایله اختلاف سبیل موقع اجرای وضع اوله فامیه و الحقه سنه قدر حدود اوزرنده قرار سز مال تماری ایله سلسله ده ۱۸۶۹ - سنه طرفه مرتبه عقد اولانه و استاتوقوب موقه رعایت اولمنی تأمیه ایله بر مقاوله مخصوصه سایه سنه توشانه سینه و برمه مشد -

بواستاتوقو انجمنه ۱۹۰۵ - سنه ایلولنده عساکر عثمانیه نک لایحه می دهکتی وجوه شماری ده کاشه سورا و جیلنده اعتباراً جنوبی کاشه بانه به قدر امتداد ایله هوالیک بالاخره اشغالی اوزرنه کلی بریدلم و غرامت - عثمانیه - ابراه حدودی اوزرنه کی وقایع ۱۹۰۵ - سنه سنه برود روسیه موجب اولدیف ضایعات بوماستیل ذکر و تقاری ملزمدر -

بیک طاربانه بولری قباله بولند یقنده آذربایجانک جوجه غربیه سنه روس تجارتی کلی فرود زیانه دوما - اولدی مأموریه عثمانیه و اردانقری روسیه عقد اولانه استقاضاته قاریولکر طونطره اولد ابراه کره کلدننه اگرینین فتح و الفایا ایدیل

تحت اشغال النیه منطقه ده اداره عثمانیه نک تأسیس و بعضاً بولند تقصیر عثمانیه ملک اراه لری اهدای روسیه تسکات و تأسیساتک مجرای طبعیه

اولی در توسع و انکشافی سکه را از ابتدای استقلال عثمانی در مقابل املاک یکدیگر
توزیع زراعت استقلال ایله دیباغور زراعت مطلوبه ادله روسی به سنج
من اولی در جمره فروردینانه باری اولی -

برده ۱۹۰۵ سنه قدر جاری اولی اصول و اصول رفع و انکشاف قبائل اراک
سرتی و تفاوتی طریقه سالک اولی لریه یوله آچمه دیومورته لریه کونه
مما میده راروستی و لریه کندی ایسه دکر جیم استقلال محال حکم
قویمید -

شوال بدی سنه دینور بر دایم اولی عثمانی حکومت عثمانی در عیالت اخیر سی
تدریجاً هوای سارینه ده سرتی و شمل انجلی دیومورته آذربایجانک مال
و موقعه کلیاً لریه و برج اولی لریه معدوم بولمقدور - بولنه سنج
اولی در ده شوال غریبه لریه بر طرفه اطن کورک دوله مجاوره
صفیه منفقد اولی روسیه ۱۸۶۸ معاهد نام من اساسه مستند بولنه
استانقونک تمامی اجلاس فتنه بر دوله متوسط صفیه اضرار ایست
مجبور بولنور -

حکومت امپراطوریه درک استو معاهد نام من درک الحظه طرفه جمع
اولی در معلوله و سیم در صورت موکافاته ده سنجده میرانه تدقیق
ایندکده صله بولنه اراضی سله سله ارضوم معاهد نام سله انجلی
و انجلی ماره لریه صورت قطعیه ده فصل و سیم ایله اولی لریه جنم و تقیه
ماصله ایست -

قبائل ارضوم معاهد نام سله انجلی ماره من استانقونک تبدیل
و تغیر انجلی لازم مقله (انجلی ماره) ارض سله ذکر و تعدادی
عقبتی آله اندر مقدم در سید ایلیو - : " طرفیه عاقبه استو معاهد نام
ایله ارضی من معاهد سار بالیوم مدعیانده فراغه اندکده لریه الخ " (عقلو
نور و کیمانه افه عقبتی لریه ترجمه ری) " سار بالیوم عیالت " تعری انجلی

ماده سالنامه راجع اولیہ علیٰ حدیث :

اولاً بتوبہ اراضی ملکہ (سیاحانہ ، زہابیہ ، و محمویہ علیٰ اولاد) ایجنسی (سائر الجہم علیانہ فتح و ابطال ایضاً) اوچتو مارہ لرلہ فیصلہ برائے اولیہ و بناؤ علیٰ معاہدہ مذکورہ طوقونجی مارہ ملکہ اراضی ملکہ ایجنسی برودہ شامل اولیہ میں ہے

ثانیاً حکومت عثمانیہ ملک میانہ ارضوں کو تو تو سنک اولہ برنجی اجتماعہ و اضیاً بط و عمرید ایلمہ اولہ بغندہ اراضی ملکہ کی قیادت قدر و برکیتہ منوط دولت قوم برنجی سداختار ایلمہ کہ مرکزہ انوری اندیک میانہ واقعہ دیگر ہی برارما انضمام ایلمہ کی و انوری اندیک اشو مدعیانہ ایجنسی مارہ رہ فصل و تسویہ ایلمہ میں اولہ مذکور ۱۸۹۸ معاہدہ نام ملکہ اوچتو مارہ میں ہے کہ ملکہ ملک بولدی ہے

ثالثاً ایجنسی مارہ توفیقاً تحدید حدود و برہ اوچتو مارہ میں ہے " سائر الجہم علیانہ " فراتک نتیجہ منطقہ کی حدود کی قسم بتاویں اور بندہ ۱۸۹۸ استاتوٹوسنک دوا ملک تصدیق و تائید ایلمہ آٹا ر۔

خصوصاً سرحد و عمرید سائر حکومت برائے ارضوں معاہدہ نام ملکہ ۱۸۹۸ استاتوٹوسنک اعادہ تاسیسی نصیحت ایلمہ احکام مریم و موضع ملکہ بلا املاک موقع اجلیہ وضع لزومہ اجاع ہلہم ایلمہ استقامت حاصل اولہ میں ہے حقارتندہ بولدی بغندہ معاہدہ مریم احکام مرافقہ اولہ حدود گذر کا حق بر تفصیل بط و عمرید ایلمہ برخطہ لی لفاً حکومت عثمانیہ یہ اعصا این

حکومت اجماعاً و رسم اسبوع دورك قبول حقيقيا نقلاً نظرندنه رفه درجہ و جودہ
 بولنیقی جزم و اعتقادندہ در بومدور آراء طاعت جنونہ قدر امتداد
 ایہ سلمندہ غلط گیری نفیقہ ایدرک ابرامہ ارادہ سندہ بولناہہ کوہیم
 دختاورد قبائل و عساکر ایل دولہ علی ارادہ سندہ کے قبائل و عساکر ارادہ سندہ
 طبعہ برسد تشکیل ایدر دہ صورتہ آتیا حدود و قابعلت عورتہ امکانت
 برطرف ایلر



عدد

۲۲۶۶
صورت سر به وزارت امور خارجه است این سند کرایه است علیه شماره ۱۲۳۱ مورخ ۱۳۳۱

دسته اول در سند شماره ۱۳۳۱ بابت بزرگوارم محرم محرم ۱۳۳۱ بجمع منتهی است این سند کرایه است
که فرموده بودند اطلاع حاصل شد و در موردی ظاهر است مایه است بهی را از تصدیق حزب است بهی که فرموده
نمره ۳۹۵۱ بابت کرایه کسب در منزل اطلاع از حسن قیمت بابت علیه حزب بزرگوارم فرموده بودند که
در سند مذکور کرایه ۱۰۰ را منحصر بطلین میداد که بابتی امر را به است علیه حتی این را در سند مذکور مایه است بابت
بابت علیه خود را در کرایه است بابت بزرگوارم محرم محرم ۱۳۳۱ بجمع منتهی است این سند کرایه است
کرایه مان در سند بزرگوارم محرم محرم ۱۳۳۱ بجمع منتهی است این سند کرایه است علیه شماره ۱۲۳۱ مورخ ۱۳۳۱

دولت ملی
مجلس شورای ملی

[illegible]

پیرایه اوضاع ناگوار و مملکت با ناز و آفت جزیری بر احاطه نداشت مگر در آن حاسر و انزالی
از حال تباہ و روزگار سیاه این مملکت و اهل آن متأسف میگردیدند. در این نظر از چند لحاظ
سنوات گذشته میخواستیم بدانیم علت غایب اینجی اخیر این مملکت کیان بودند. و چه شد
که ایران و ایرانیان از روز بروز روزگار سیاه اهل این مملکت را تار و مار میخواستند
هرگز نه الحاق از اوضاع سیاسی این کشور و اکتفا باشد، منتهی و اندک منکر شود که تمام بدبختیهای این
دو ساله اخیر ایران بواسطه زمامداری اولا قاضی خان صدرای واقع یافت که با تدبیر و حیل و بازی
خود را به مقام نیابت سلطنت رسانید. این شخص دست قدرت و حجت که فقط بواسطه حیل و بازی
و اتحاد مملکت موافق فریب خودش را گمانه داشتند مالم و خیارش شخص با کفایت ایران جاوید داد. و در
ایق تدبیر مقام ریاست قوه اجرائیه ایران را اشغال کرد. از کثرت بدبختیهای ناشی از این مملکت
اعضا و ارکان دولت را با بتلوی سکته و فلج ساحتی ایران را گرفت و از بخارهای غیر قابل علاج
نموده وطن عزیز و تربیت نیاکان و اربابان مایات خطری را گردید. یعنی ما را از این
از بد و از تمام مقام نیابت سلطنت در جهت اختلافات و اغراض و امیاری نموده ایرانیان بربط گرفتند
استبداد که کردیم که هزارها بر دوش هم از هم جدا افتادند و از آن توانمند ماندند
این مرد با شرف! پس از امضای معاهده ۱۹۰۶ و انعقاد مجلس و ولایت شدن امور و مصلحت نمیداد
(از برای اینکه سی هزار تومان واجب سه ماهه خودش را پیش نگرفت) و سایر خیانتهای غیر قابل حق
اکنون یا آن است ایران را ترک نموده در قهوه خانه ها و فرهنگ بعضی و عشرت شغل است و بعد
در خیال این ملت و مملکت نموده ایران را و ایرانیان را کان لم یکن میپنداشد. جزو وجودات نمیدانست
حالا بنده اینم بجهت خیال و برای انجام کلام ماموریت نمیده از خبر ایران نموده و میخواست از آن
بدبختیهای بیاید بر این کشور و داد آورد و ایرانیان را ملهم و برین مأمور سازد. اما بهر حال
خیانت و بدبختی او بجای واضح و هویدا شده که دیگر اهدای بر این است نفوت نا اقبال و اعدا نموده گذاشته
از نفع و وجود او را از برای بدن مجروح خفیه این مملکت تمام مملکت و زخم کاردی را شاخته اند
پس برخلاف شایعه که معوضان شهرت داده و میگویند ایرانیان از دوی مراجعت او را باین دنیا گرفتیم
اخذی از ایرانیان هیچ وجهی من الوجهه مایل به آمدن این خیانتکار بدبختیها نیستند و بجای
خدای بخواند تمام ملت و ایرانیان رسیدن طرز سلوک و مراتب پذیرای ایرانیان را به نفس و کینه مایه
بنت با و نابت خواهد نمود. امید داریم خاصه المملکت محض اینکه ایران خواب بستی از آن که با و میخواست
آخرین و طبع و جدا نموده و ادعای خود را این ماده نماد را مانع شوند. با هیچی نیست با آن که
متفرق و از بخار و کار عمومی هیچ صاحب و جدا نموده با افکار عمومی خدمت نموده است و خدای حاضر مآه را
بر خیالات و اغراض و سیاهی و جمع داده مشتاق ایران و انسان ایرانیان خدای بخیر و مصلحت و برین
خواهد نمود

حضرت مهدی دایت در راه حجه انجمن بیت نبوت علیه السلام در روز ۲۹ برج ۱۲۴۱

(۱۰۸۶)

مرید کمره جلیله لایه مرید ۱۵ شهر رمضان ۱۲۴۱ ۲۶۱۲ راجع به عین جلیله در روز ۲۹ برج ۱۲۴۱
بدون تردید تبه سکه خود سیر در میان شهرام کردید قطع نظر از اول مرید فوق قطع محض است در تمام
جلیله به ۱۰ در دست ابرو و در محکم شربت و بکار کردید از آن که در کتب خود در آن محکم است و در روز
مکلفه جلیله لایه ای که در کتب بر سر و بر عین جلیله در روز ۲۹ برج ۱۲۴۱ و عین جلیله را در روز ۲۹
احوال و در آن خط و در آن خط است و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط
نوع و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط و در آن خط

محمد علی آقا





اعلان

اعالی شهر بدانند که از طرف نظامیان دولت بهر
بموجب مواسله که از قونسولگری محترم رسیده است
شلیک نظامی خواهد شد لازم است موقع شروع به
شلیک همینکه اعالی صدای تیر تفکات را بشنیدند فوراً
در منازل و خانههای خودشان پنهان شوند که دچار
صدمه نشده و بعد از انعام سیاحت شلیک محدود
مشغول کسب و کار و آموده باشند

و الله اعلم بالصواب



تبریز

اعلان

از قرار معلوم اعلان منتشره راجع بد شلیک نظامیان دولت بهیبه تا
یکت درجده جالب وحشت واضطراب اهالی گردیده و هر کسی فی
حد ذاته مدرکت و تا ویلی بر آن قرار میدهند این است برای تصریح
نسب و رفع وحشت واضطراب و باره خیالات اهالی اخطار میشود
که بعض اشخاص شریر و معلوم الحال در سلعاس و حوالی آنجا پیدا
شده که باءت بعضی بی نظمی ها کشته و اقدامات متور در
نظم و تأمین آنجا و آسایش اهالی ظاهر ساختند نظامیان دولت
بهیبه برای حفظ آسایش اهالی و استدامه نظم مجبور از شلیک
برای دفع اشرار آنجا کشته و اشرار را گرفتار و بسزای اعمال خود
رسانده اند بهمناسبت اینکه ممکن است در اینجا نیز اشرار را
پیدا کرده وقتی برای ظهور شرارت و سلب امنیت حاضره اقدام
غیر منظره ظاهر ساختند اسباب اغتشاشی فراهم نمایند نظامیان
دولت بهیبه فوراً برای جلب و گرفتاری او از اقدام بشلیک مجبور
خواهند بود که سریعاً او را گرفتار نمایند و چون دیگر در آن ساعت
محوال نمیشود که با اهالی اعلان شود این بود قبلاً این اعلان انتشار
داده شد اگر در موقعی چنین امری از کسی ظاهر شود و نظامیان
اقدام بد گرفتاری او نموند می باید همینکه اهالی صدای شلیک
را شنیدند خودشان را از دچار صدمه و خطر محفوظ و پنهان شوند
و الا نسبت با اهالی اعلان مقصودی در نظر نبوده و ما دامیکه از کسی
شواهی ظاهر نگشته هیچگونه اقدامی نخواهد شد ولی این تحذیر
اهالی از هر جهت مطمئن و آسودگی مشغول گشت و بکار خود باشند

۱۳۲۲

معاونت وزارت عدلیه

خدمت جناب مستطاب اجل آقای سردار حکمران دام اجلاله ملکان فی ارض خارتگی
 اسلام بول آمده بود عیناً میج میبود حضرت شجاع الدوله از قوا معلوم در
 شهرت داده اند کویا اراضی که عثمانیا اشغال نموده اند بثمانیا واکندار خواهد
 این شایعات بکلی بی اصل با مورین دولت و حدود مقرر فرماید البته
 تکذیب نمایند اراضی مخصوصه بخواست خدای استرداد خواهد شد
 محمد

کتابنامه

- آریانپوریحیی: از صبا تا نیما، تهران، جیبی ۱۳۵۰
- اتحادیه منصوره: مرآة المناهج و نظامنامه های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی، تهران، نشر تاریخ، ایران ۱۳۶۱
- افشار محمود: سیاست اروپا در ایران، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۵۸
- بامداد مهدی: تاریخ رجال ایران تهران، زوار، ۱۳۴۷
- براون ادوارد: انقلاب ایران، ترجمه، احمد پژوه، تهران، معرفت، ۱۳۲۸
- بهار محمدتقی ملک الشعراء، دیوان، تهران، توس، ۱۳۶۸
- جعفر ولدانی اصغر، بررسیهای تاریخی اختلافات مرزی ایران و عثمانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷
- ذکاءالملک میرزا محمدعلی خان: تاریخ مختصر ایران، تهران، مظفریه، ۱۳۲۶
- دانشور علوی نورالله، تاریخ مشروطه و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، تهران، دانش، ۱۳۳۵
- دهخدا، علی اکبر: لغتنامه، تهران، ۱۳۳۷
- رایینو لویی: دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، مترجم غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳
- رزم آرا حسینقلی: فرهنگ جغرافیایی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی کشور ۱۳۵۵ ج ۴
- راوندی مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، تهران، ۱۳۶۴ ج ۵
- زینیوف ایوان الکسویچ: انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران، اقبال ۱۳۶۶
- شوستر مورگان: اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۴۴
- صدر هاشمی محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان ۱۳۶۴
- صفایی ابراهیم: رهبران مشروطه، تهران، جاویدان، ۱۳۴۶ ج اول

قائم مقامی جهانگیر: تحولات سیاسی نظام ایران، تهران، علمی، ۱۳۲۴
 _____ قحطی در سال ۱۲۳۷، یغما، سال ۱۷ ش ۶
 قزوینی محمد: و فیات معاصرین، یادگار، سال سوم، ش ۱۰
 کاظم زاده فیروز: روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهری امیری، تهران، جیبی ۱۳۵۴
 مجتهدی مهدی: تقی زاده، روشنگریها در مشروطیت ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷
 مدرس میرزا محمد علی: ریحانة الادب، تهران، خیام، ج اول
 مشیرالدوله میرزا جعفر: رساله سرحدیه، به اهتمام محمد مشیری، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۸
 مصاحب غلامحسین (سرپرست) دایرة المعارف فارسی، تهران فرانکلین/ جیبی ۱۳۴۵
 معین محمد: فرهنگ معین، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۰ اعلام
 مؤتمن الملک: مجموعه معاهدات دولت علیه ایران بادل خارجه، تهران، ۱۳۲۶
 مورخ الدوله سپهر: ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴) تهران ۱۳۳۶
 بایگانی وزارت امور خارجه عثمانی، کارتن سیاسی ۲۵۰، ۲۵۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۶۲۰
 RESAD EKREM: OSMANLI PADIS AHLARI, ISTANBUL, YAYINEVI 1981

فهرست اعلام

۲

آخوند ملا میرزا / ۹۳

آذربایجان / ده، ۲، ۱۰، ۱۲، ۲۳، ۳۹، ۵۵، ۷۲، ۷۵،

۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳،

۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۰۹

آراء / ۱۰۹، ۱۸۲

آرین پور یحیی / دوازده

آصف الدوله / ده، ۲۶

آقا ابراهیم مجتهد / ۸۷

آقا تقی / ۸۷

آقا حسن مجتهد / ۸۳

آقا سید باقر / ۹۹

آقا سید حسن محمد / ۸۷

آقا سید محمد / ۹۳، ۹۹

آقا سید محمد آیت الله / ۲۰۵

آقا سید مصطفی مجتهد / ۹۸

آقا سید یوسف مجتهد / ۸۷

آقا شیخ / ۹۳

آقا شیخ ابراهیم / ۹۳

آقا شیخ احمد / ۹۹

آقا شیخ حسن / ۹۳

آقا شیخ حسین/ ۹۳
آقا شیخ سعید/ ۹۳
آقا شیخ صادق/ ۹۹, ۹۳
آقا شیخ عبدالعلی/ ۹۹
آقا شیخ علی اکبر/
آقا شیخ علی مجتهد/ ۸۷
آقا شیخ فضلعلی/ ۹۸
آقا شیخ کاظم/ ۹۳
آقا شیخ محسن/ ۹۳
آقا شیخ محمد/ ۱۰
آقا شیخ محمدتقی/ ۹۳
آقا شیخ محمدحسن/ ۹۸
آقا شیخ محمد حسین/ ۹۸
آقا شیخ محمدرضا/ ۹۳
آقا شیخ محمدتقی مجتهد/ ۹۸
آقا کمال/ ۸۶
آلمان/ ۱۲۳, ۸۲
آلمان (بانک)/ ۱۰۶, ۱۰۵
آمریکا/ ۱۲۴, ۱۰۰, ۸۲
آناتولی/ ۱۰۶
آواجیق/ ۱۰۹

الف

ابراهیم/ ۸۸
ابراهیم اسحق/ ۸۸
ابراهیم حسینی/ ۱۲۴
ابراهیم ثروت/ ۹۰
ابوالحسن/ ۹۱
ابوالقاسم/ ۹۱
ابوتراب حسن/ ۸۷
ابوتراب عقیلی/ ۱۲۵
اتحادیه منصوره/ سیزده
اتریش/ ۱۲۴

اجتماعيون عالميون / ۵۲،۴۰
 اجلال الملک / ۹۱
 احتشام الدوله / ۱۶۳
 احمد / ۸۷
 احمد خان / ۱۶۱، ۱۷۴
 احمد شاه قاجار / ۱۵۷
 ادیب التجار / ۱۹۸
 اردبیل / ۱۰۰، ۱۱۹
 اردکانی شیخ محمد حسین فاضل / ۱۰۴
 ارزروم (پیمان) / ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۸۲، ۱۸۳
 ارفع الدوله میرزا رضا خان / ۱۹، ۲۰
 ارمنستان (محلہ) / ۲۰۹
 ارمنیاک تکران / ۸۸
 ارویا / ہفت، ۳، ۱۲۸، ۱۶۱
 ارومیه / ۱۰۶
 اروندرود / یازده
 استرآباد / ۷۲
 امیری منوچہر / دوازدہ
 امین التجار / ۱۰۳
 امین الدولہ فرخ خان / ۲۶، ۱۱۰، ۱۶۱
 امین السلطان میرزا علی اصغر خان / ہشت، ۲، ۴۳
 امین الملک / ۳
 انزلی بندر / ۱۵۳
 انتیکچی علی / ۱۰۳
 انوری افندی / ۱۸۱
 انگلیس / ہفت و اکثر صفحات
 اواجیق / ۱۱۳، ۱۱۴
 اوانس / ۸۸
 اورامان / ۱۶۷
 اوکاڑکی شوکو / دوازدہ
 اہرابی ابوالقاسم / ۱۰۳
 اہرابی محمد علی / ۱۰۲، ۱۰۳

ایپکچی محمد علی/۱۰۳
 ایزوسکی/الکساندر/سیزده
 ایتالیا/۱۰۰، ۱۲۴، ۱۴۹
 ایران/۲ و اکثر صفحات
 استالین/۱۶۱
 استانبول = اسلامبول/یازده، ۱۲، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۲۲، ۲۲۳
 استرآباد/۱۲۴
 استمریج/۱۰۷
 استیفان/۸۸
 اسدآباد/۱۱۲، ۱۶۲
 اسدآباد افشار/۱۱۰
 اسکویی سید محمد/۱۰۳
 اسلامبولچی علی/۷۳
 اسماعیل/۱۲۵
 اصفهان/نه، دوازده، ۸۲، ۸۵، ۱۵۱، ۱۹۹
 اصفهانی ابوالقاسم/۱۰۳
 اصفهانی سید کاظم/۷۲
 اصفهانی محمد جواد/۷۲
 اصفهانی محمد حسن/۷۲
 اصفهانی میر محمد علی/۱۰۳
 افجه ای جمال الدین/۷۲
 افشار محمود/سیزده
 اقبال الدوله/۲۶
 اقبال السلطنه/ده، ۴۵
 اطیش/۸۲
 اعتدالیون (حزب)/سیزده
 اعتصام الملک/۱۲
 اعتصامی ابوالقاسم/سیزده
 اعتماد الدوله/۲۱۹
 اکسفورد/۱۶۱
 الکساندر سوم/۲۰
 الیاهو اسماعیل/۸۸

امیر اعظم/۲۶

امیر بهادر/هشت، ۲۶

امیر نظام/۲۶

ب

باب عالی/چهارده، ۴۳، ۷۳، ۱۴۰، ۱۷۷

بادکوبچی رحیم/۱۰۳

بارکلی جرج/۱۲۳، ۱۹۹۰

باطوم/۹۶

بافته چی غلامرضا/۱۰۳

بافته چی محمدنقی/۱۰۳

بانه/۱۶۳، ۱۶۵، ۱۸۰

بحر خزر/۱۶۵

بخارا/۴۳

بختیاری (ایل) دوازده، ۲۰۴

براون ادوارد/دوازده

بریتانیا / سیزده

بصیر السلطنه/۳۸، ۴۰

بفداد / ۷۱، ۸۰، ۱۸۳

بلجیگ = بلژیک/۱۲۴

بلوچستان/هشت، ۱۹۰، ۱۹۴

بمبئی/۷۶

بهاء الدین/۸۶

بهاء السلطنه/۹۱، ۱۵۰

بهبهانی سید عبدالله /نه، سیزده

بیزو، سیزده

بیستون/۸۰

بین النهرین/۱۰۶

بیوک آقا/۲۰۸

بیوک خان چلبیانلو/ده

پ

پاکلوسکی = پوکلیوسکی/۱۵۲، ۱۵۴

پترزبورگ پترزبورغ/ده، سیزده، ۹۶، ۱۱۷، ۱۹۱، ۲۰۷

پسوه / ۱۰۹، ۱۰۸

ت

تبریز / ده، دوازده، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۸، ۳۰

۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۵۰

۵۱، ۵۵، ۵۷، ۷۵، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲

۱۱۴، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۵۳، ۲۰۵، ۲۰۹

تبریزی محمد / ۱۰۳

ترتیب میرزا محمد علی / ۱۲

ترکی هاشم / ۱۰۳

ترکیه / ۱۰۹

تزار / ۹۶

تفلیس / ۱۱۷، ۷۱

تقی زاده / سیزده

تنکابنی محمد ولی خان / ۱۳۱

توبوبوسک / ۳۸

توپ قابو / چهارده

توس / سیزده

تهران، ده و اکثر صفحات

ث

ثقة الاسلام / ۱۰۳، ۱۵۳

ج

جعفر ولدانی اصغر / چهارده

جلال الدوله / ده

چ

چالمیدان (محلّه) / ۲۱۲

چایچی مناف / ۱۰۳

چایچی میرزا باقر / ۱۰۳

چرنوزوف / دوازده

ح

حاجی آقا / ۸۶

حبل المتین (روزنامه) / ۴۳

حاجی آقا ابومحمد مجتهد / ۸۴

حاجی آقا حسن/۶
 حاجی آقا ممقانی/۱۰۳
 حاجی حسین کوه کمره ای/۲۰۹
 حاجی رئیس/۴۰
 حاجی سید ابراهیم مجتهد/۹۸
 حاجی سید صادق/۸۳
 حاجی سید محمود/۹۳
 حاجی سید مرتضی مجتهد/۹۸
 حاجی شیخ احمد/۹۳
 حاجی شیخ حسن/۹۳
 حاجی شیخ عبدالرحیم/۸،۷
 حاجی علی آقا/۴۰
 حاجی ملا غلام علی/۹۳
 حاجی میرزا ابوالحسن مجتهد/۲۰۹
 حاجی میرزا باقر مجتهد/۲۰۹
 حاجی میرزا حسن/۲۰۹
 حاجی میرزا حسن آقا مجتهد/۲۰۸
 حاجی میرزا عبدالحسین/۲۰۹
 حاجی میرزا کریم آقا/۲۰۸
 حاجی میرزا محمد/۸۴
 حبیب الله رشتی/۱۱
 حریری حاجی محمد/۱۰۳
 حریری علی اکبر/۱۰۳
 حریری محمد/۱۰۳
 حریری محمد باقر/۱۰۳
 حسام الملك زين العابدين/۸۷، ۱۶۳، ۱۶۵
 حسن آباد (محلہ) ۲۱۲
 حسن صادق/۸۷
 حسین امام/۱۵
 حسینقلی/۱۰۳
 حسینقلی خان نواب/۱۹۹
 حسینی حسن/۸۷

حسینی مرتضی/ ۹۲

حسینی محمد حسین/ ۹۱

حسینی علی محمد/ ۱۳

حسینی مهدی

حمزه/ ۱۲۵

حیدر خان عمو او غلوانه

خ

خامنه (احمد)/ ۱۰۳

خامنه علی اکبر/ ۱۰۳

خامنه محمد جعفر/ ۱۰۳

خانقین/ ۱۹۵

خراسان/ ۲۰۵، ۱۶۵، ۲۷

خراسانی محمد کاظم/ ۲۰۴، ۱۴۹، ۹۶، ۴۹، ۴۵، ۴۴

خلیج فارس/ ۱۰۶

خوی/ ۳۷

خویی رحیم/ ۱۰۳

خویی محمد/ ۱۰۳

خویی میر هادی/ ۱۰۳

د

داراب میرزا/ ۱۳۷، ۹۵

دامباط/ ۱۰۹، ۱۰۸

داودیان ساموئیل/ ۸۸

درویش پاشا/ ۱۰۸، ۹۶

دستمالچی/ ۱۰۳

دوشان تپه/ ۷۴

دولت (محلّه)/ ۲۱۲

دولت آبادی احمد/ سیزده، ۸۶

دهخدا میرزا علی اکبر/ سیزده

دیوان دره/ ۱۶۵

ذ

ذکاء الملک میرزا محمد علی/ دوازده

ر

راتیلاو/ ۱۵

راوندی مرتضی / دوازده
رجب زاده هاشم / دوازده
رحیم خان سردار نصرت / ۲۵، ۹۵، ۹۶، ۱۲۷، ۲۰۵
رشت / نه، ۱۵۳
رضا نورالله / ۸۸
رضوی تقی / ۸۷
رفعت پاشا / ۱۰۵
رودبار / ۲۱۲
روسیه = روس / هفت و اکثر صفحات
ز

زرگنده / نه
زنجان / ۹۵، ۱۱۹، ۱۶۵، ۲۰۵
زهاب / ۱۸۱
زینبوف ایوان الکسویچ / سیزده
ژ
ژاپن / هشت، ۲۳، ۲۴، ۱۰۰، ۱۵۱

س
سازائف / ده
ساعداالدوله / حبیب الله خان / ۱۳۱
ساعداالسلطان / ۹۱
سالارالدوله / ۸۰، ۸۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵
سالار مظفر / ۱۶۷
سالار منصور / ۶
سامره / ۸۲
سان استفانو / ۵
ساوتا (بندر) / ۱۵
ساوجبلاغچی تقی / ۱۰۲، ۱۰۴
ساوه / ۱۶۴
سبزی (قلعه) / ۸۰
سپهسالار اعظم محمد ولی خان / ۱۳۱
ستارخان / ۱۷۲، ۱۷۴
سردار اسعد جعفرقلی خان / ۲۰۵

سردار اسعد حاجی علی قلی خان/۱۳۲

سردار فیروز/۲۶

سردار منصور/۲۶

سلطنت آباد/۱۹

سلماس/۱۷۰

سلماسی محمود/۱۰۳

سلیمان/۸۸

سلیمان چلبی/۷،۶

سلیمانیه/۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۱

سلیمان میرزا/سیزده

سمسار باقر/۱۰۳

سنجابی/۸۰

سنگلج/۲۱۲

سوانه/۱۶۹

سوراوا/۱۸۰

سوریه/۸۲

سولقان/۲۱۲

سوینس/۱۶۵، ۱۲۴

سهام الدوله/۷۹، ۲۰۴، ۲۰۵

سید آقا گنجه‌ای/۴۱

سید اسحق مجتهد/۸۳

سید العراقی/۸۶

سید جعفر شیرازی/۱۰

سید جلال‌الدین حسینی/۴۳

سید جمال‌الدین/۵

سید رضا مساوات/سیزده

سید علی قزوینی/۱۱

سید محمد/۷۳

سیف الدوله/۲۶

سیف الشریعه احمد/۹۱

سید عبدالوهاب/۹۳

سید عبدالله مجتهد/۸۳

سیف‌الدین بیک/۳۰۴، ۲۱۷

ش

شاپشال / هشت

شتریان (محلہ) / ۲۰۸

شجاع الدولہ (حاجی صمد خان مراغہ ای) / ۱۷۴، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۰۸

شجاع السلطنہ (ملک منصور) / ۲۱۵، ۲۱۶

شریف زادہ / ۱۲

شریعتمدار محمد باقر / ۸۷، ۹۳

شفق (روزنامہ) / ۱۳۶

شمس العلماء / ۴۰

شمس‌الدین بیک / ۷۹

شمعون حیم / ۸۸

شمیران / ۲۱۲

شوستر مورگان / ۱۵۲، ۱۵۳

شهرستانک / ۲۱۲

شهرنو / ۲۱۲

شیراز / ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱

شیرازی میرزا محمد حسن / ۱۱، ۲۰۹

شیخ الرئيس (حاجی) / ۱۹۹

شیخ علی آقا / ۹۳

شیخ محمد طاهر / ۹۲

شیخ مرتضی انصاری / ۱۱

شینتال (ده) / ۱۷۰

ص

صابونی محمد باقر / ۱۰۳

صادق جلال لشگر / ۹۱

صادقیہ (مسجد) / ۲۰۸

صدرالدین بیک / ۲۱۵

صدر العلماء / ۹۸

صدر العلماء حاج علی / ۷۲

صدر العلماء محمد جعفر / ۹۶

صدیقی نقی / ۱۰۲

صدقیانی علی اکبر/۱۰۲

صَراف حسن/۱۰۳

صَراف حسین/۱۰۳

صَراف میرزایی/۱۰۳

صفاالملك محمد حسن/۸۷

صفایی ابراهیم/۱۰۴

صفراف رسول/۱۰۳

صفی الله/۱۲۴

صمدخان/۱۷۳

صمصام الممالک نجفقلی خان/۱۱۳، ۱۹۶

صوراسرافیل/نه

صولت الدوله/اسماعیل/۱۲۹، ۱۴۹، ۲۰۴

ض

ضعیم الدوله/۱۴۹

ضیاءالدین/۸۷، ۹۱

ظ

ظفرالسلطنه/ده، ۲۰۵

ظهیرالملك/۱۸۵

ط

طاطاوس/۸۸

طاهر پاشا/۱۰۸

طباطبایی احمد/۹۱

طباطبایی جواد/۹۱

طباطبایی سید محمد/نه، سیزده

طباطبایی هاشم/۹۱

طوس = توس/۱۱

طونیاس تکران خان/۸۸

غ

غلامحسین/۹۱، ۱۲۹

غلامعلی/۹۱

ف

فارس/۷۲، ۹۰، ۱۱۴، ۱۴۹

فتایی محمد جعفر/۱۰۳

فخری بیگ/ ۱۹۱
فرانسه/ ۵۶، ۱۰۰، ۱۲۲، ۱۲۴
فراهانچی محمدعلی/ ۱۰۳
فراهانچی حسین/ ۱۰۳
فرح آباد/ ۷۴
فرح السلطنه/ ۲۱۰، ۲۱۱
فرمانفرما/ ۸۲
فریدالسلطان/ ۸۷
فضل الله نوری آیت الله/ ۲۰۵
فضلعلی/ ۱۲

ع

عباس/ ۹۱
عباس خان/ ۱۱۰
عبدالباقی/ ۹۱
عبدالله/ ۸۷
عبدالله ابوتراب/ ۸۷
عبدالله صادق/ ۸۷
عبدالله مازندرانی/ ۲۷
عبدالحسین/ ۸۷
عبدالرحیم/ ۷۶
عبدالرحیم حاجی/ ۸
عبدالرزاق/ ۲۴، ۱۳۰
عبدالعظیم حضرت/ هشت
عبدالکریم امام جمعه/ ۷۵
عبدالمجید سلطان/ ۴، ۵، ۲۰۱
عبدالملوک/ ۷۲
عتبات عالیات/ هشت، ۱۰، ۸۲
عثمانی/ ده و اکثر صفحات
عذرا/ ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴
عراق/ ۱۶۵
عراق عرب/ ۱۸۴
عربستان/ ۱۲۲
عز الملک/ ۹۱

عزیز الله / ۸۸
عطاء الدوله / ۱۵۰
عضدالملک / نه
علمدارى عباس / ۱۰۳
علاءالدوله حاکم تهران / ده، ۲۶، ۱۵۱
علاءالسلطنه میرزا محمد علی خان / ۴۳، ۱۸۵، ۲۱۱
علی آقا فرش فروش / ۳۸
علی اصغر / ۹۱
علی اصغر آقا / ۴۰
علی اکبر / ۸۷، ۹۱، ۱۰۳، ۱۲۴
علی اکبر منشی / ۱۱۴، ۱۳۰
علی خان وزیر افخم / ۱۶۱
علیرضا / ۸۷
علی مهدی / ۸۷
علی نوروز / ۸۷
علوی زاده / ۱۰۳
عمان / ۱۹۴
عمو حسین / ۶۷
عنایت الله خان / ۲۱۰
عودلajan (محلہ) / ۲۱۲
عین الدوله / هشت، ۹

ق

قازلی گول / ۱۰۸
قاہرہ / ۱۲
قایم مقامی جہانگیر / سیزده
قراچہ داغی / رحیم خان
قراچہ داغی علی / ۱۰۳
قراگوزلو زین العابدین / ۸۷
قرہ داغ / ۹۷
قرہ گوزلو ہمدانی ابوالقاسم خان / ۱۶۱
قزوین / ۹۵، ۱۵۳، ۲۱۲
قزوینی محمد / ۱۰۷

قزوینی یوسف/۱۰۳
 قشقای/۲۰۴
 قصران/۲۱۲
 قصر شیرین/۱۰۲، ۱۹۵، ۲۱۷
 قصر یک (ده)/۱۶۸
 قفقازیه/۳۲، ۳۴، ۳۹، ۹۶، ۵۲، ۵۷، ۹۴
 قم/هشت، ۸۲
 قوام السادات اسماعیل/۷۲
 قوام السلطنه احمد/۱۶۱
 قوام الملک حبیب الله خان/ده، ۱۴۹، ۲۰۵
 قوام الملک محمد رضا/۱۴۹
 قوام لشکر/۹۱
 ک
 کازرانی اسدالله/۹۱
 کاشان/۳
 کاظم/۹۱
 کاظم زاده فیروز/دوازده
 کاکاوند/۸۰
 کامل پاشا/۲۳
 کرباسی شیخ جواد/۱۰۲
 کر بلا/۳۹، ۸۲
 کردستان/۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷
 کرمان/ده، ۲۰۵
 کرمانشاهان/۹، ۷۶، ۷۹، ۸۲، ۱۱۲، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۱۷
 کن/۲۱۲
 کنکاور/۱۷۵
 کلباسی/۸۶
 کلکته/۷۴
 کلکته علی محمد/۱۰۳
 کواز (قصبه)/۱۶۹
 کوتل آقاجان/۸۸
 کوچه مشکی حسین/۱۰۳

کوزه کنانی حسین/ ۱۰۳

کوزه کنانی مهدی/ ۱۰۳

گ

گری ادوارد/ ۱۵۳

گیلان/ ده ، ۷۱، ۱۳۲

گلین خانم/ ۷۶

گنجینه فنون (مجله)/ ۱۲

ل

لاهیجان/ ۱۰۸، ۱۰۹

لايه/ ۱۲۸

لرستان/ ۱۶۵

لطف الله/ ۸۸

لکف/ ۱۵۲

لکفر/ ۱۵۳

لندن/ ۱۵۳

لنگرود/ ۱۱

لواسان: لواسانات/ ۲۱۲

لور/ ۲۱۲

لیاخوف/ نه دوازده، ۹۵، ۹۶

م

محمد آیت الله/ ۲۰۵

محمد شفیع/ ۹۱

محمد صادق/ ۷۲، ۸۷، ۹۱

محمد طاهر حسینی/ ۱۲۴

محمد علی/ ۸۷، ۹۱

محمد علیشاه = محمد علی میرزا/ هشت، نه، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۹۶، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۴،

۱۶۵، ۱۶۶، ۲۱۶

محمد کریم/ ۹۱

محمد منشی/ ۸۲، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۸

محمد مهدوی/ ۹۱

محمد مهدی حسینی/ ۱۲۵

محمد نقی/ ۹۱

محمده/ ۱۸۱

محمود مخلص شهيندر/ ١٦٤
 محمود وعاظ/ ٧٢
 محمود وعاظ/ ٧٢
 مخاطب الدوله/ ٢٠٥
 مخبر الدوله على قلى خان/ ١١٤
 مخبر السلطنه/ ٩٧، ١٠٣، ١١٤، ٢٠٥
 مدحت پاشا/ ٥
 مراد پنجم سلطان/ ٥
 مرتضوى/ ٤٠
 مريوان/ ١٦٧
 مسكو/ ١٦١
 مستوفى الممالك/ ميرزا احسن خان/ نه، ١١١، ١٤٩
 مشهد/ ده
 مشير الدوله/ محسن خان/ ٩
 مشير الدوله ميرزا نصراله خان/ ٨، ١٥، ٢٣
 مشير لشكر/ ٤٠
 مصدق محمد/ ١٦١
 مصر/ ٤٣، ١٦٥
 مصطفى/ ٨٧، ٩١
 مظفر الدين شاه/ ٢، ٥، ١٢، ١٦، ١٩، ٧١، ١٠٢، ١٣٢، ١٦٣، ١٦٥، ٢١٦
 مظفر السلطنه/ ١٦٨
 مقتدر السلطان/ ٧٦
 معاون الدوله ميرزا ابراهيم/ ١١٠، ١١١
 معاون الدوله ميرزا ابوالقاسم/ ١١٢
 معتمد السلطان/ ١٤٥
 معتمد السلطنه ميرزا ابوالقاسم/ ١٦١
 معتمد السلطنه ميرزا ابراهيم/ ١٤٦
 معين الدوله/ ٢٦
 معين الملك محسن خان/ ١١٠
 ملاصدر/ ١١
 ملاعلى اكبر مجتهد/ ٩٨
 ملا محمد زين آبادى/ ٩٨

ملك المتكلمين/انه
 ملك الشعراى بهار/سيزده
 منتصرالملك/ ۱۵۰
 منجم باشى/ ۸۶
 موتسو هيتو/ ۲۴
 موثق الدوله/ ۲۶
 مورخ الدوله سپهر/چهارده
 موسوى جعفر/ ۹۰
 موسوى زنجانى ابوالقاسم/ ۸۶
 موسوى شوشترى ابوالحسن/ سيزده
 موسوى مجتهد/ ۸۷
 موسوى محمد حسين/ ۷۴
 موسوى نورالدين/ ۹۱
 موصل/ ۱۶۷
 موقر السلطنه/ ۲
 مويدالاسلام/ ۴۳، ۱۷۱
 ميرزا آقا/ ۸۷
 ميرزا ابراهيم/ ۸۸
 ميرزا ابوالقاسم مجتهد/ ۸۴
 ميرزا احمد/ ۸۷
 ميرزا بزرگ/ ۷۲
 ميرزا حسن مجتهد/ ۸۷
 ميرزا حسينقلی خان نواب/ ۱۲۲
 ميرزا حيدر/ ۸۷
 ميرزا خليل محمد حسين/ ۲۷
 ميرزا جعفر آقا/ ۴۰
 ميرزا رضا کرمانى/ هفت
 ميرزا سيد حسن کاشانى/ ۴۳
 ميرزا صادق آقا/ ۲۰۹
 ميرزا على اکبر خان منشى/ ۷۹
 ميرزا محمد آقا/ ۴۰
 ميرزا محمد ابراهيم بدايى نگار/دوازده

میرزا محمد رضا/۹۳

میرزا محمد علی قاضی/۴۰

میرزا محمد نجفی/۲۷

میرزا موسی/۱۰۳

میرسید حسن امامزاده/۸۱

میر محمد تقی/۸۶

میرهادی آقاخویی/۴۰

میلانی مهدی/۱۰۳

ن

ناصرالدین شاه/هشت، دوازده ۱۹۲

ناصرالملک ابوالقاسم/ده، ۲۶، ۱۵۹

ناظم الملک/۲۶

ناظم الممالک/۱۱۳، ۱۶۱، ۱۷۱

نایینی آیت الله/۲۰۵

نجف/۱۱، ۸۲، ۹۴، ۹۶، ۱۰۷

نجفی شیخ محمد تقی، ۸۶

نصیرالملک/۲۶، ۹۱، ۱۵۰

نصرالله الملکی محمد جعفر/۱۰۳

نظام الدوله/۳۱

نظام الملک میرزا عبدالوهاب/۱۶۱

نقده/۱۰۹

نواب محمد مهدی/دوازده

نورعلی/۸۷

نیکتین ژنرال/۹۶

نیکلسون آرتور/سیزده

نیکلای دوم/۱۹، ۲۰

و

وان/۱۰۹

وثوق الدوله/۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۹۵، ۲۱۷

وحیدالملک/سیزده

ودنسکی/۱۰۴

ورامین/۱۱۹

ویلہلم شتراسہ/ ۱۰۶

ھ

ہارول آباد/ ۱۹۵

ہامبورگ/ ۷۴

ہشترودی/ ۱۹۸، ۱۰۳

ہلند- ہلاند/ ۸۲، ۸۳، ۱۰۰، ۱۲۴

ہمدان/ ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۶۷، ۲۱۷،

ہندوستان- ہند/ سیزده، ۴۳، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۹۴،

ی

یحییٰ/ ۸۲

یزد/ ده

یزدی عبدالخالق/ ۱۵۳

یزدی محمد/ ۱۰۳

یزدی محمد جعفر/ ۱۰۳

یفرم خان/ ۲۰۵

یعقوب/ ۱۲۵

یفمای جندقی/ ۳۶

یلدیز/ ۵

یوسف توکل/ ۸۸

یوسف مجتہد/ ۸۷